



BP۱۴۷۸.ج

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

منشورات کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث (۹)
 علوم و بیانیه گام دوم، (تعلیم و تربیت- روانشناسی- پزشکی) / جلد دوم
 زیر نظر: دکتر محمد علی رضایی اصفهانی / به کوشش: محمد حسین صاعد رازی- مهدی جهانی
 چاپ اول: ۱۴۰۰ ش / ۱۴۴۳ ق
 ناشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ
 ● چاپ: چاپخانه دیجیتال المصطفی ﷺ ● قیمت: ۴۴۴ ریال ● شمارگان: ۵۰۰

مراکز پخش

◀ ایران، قم، خیابان معلم غربی (حجتیه)، نبش کوچه ۱۸؛
 تلفن: ۳۷۸۳۶۱۳۴ ۲۵ ۹۸ + تلفکس: (داخلی ۱۰۵) / ۳۷۸۳۹۳۰۵ ۲۵
 ▶ ایران، قم، بلوار محمد امین، سه راه سالاریه. تلفن: ۳۲۱۳۳۱۰۶ - ۲۵

pub_almustafa

http://buy-pub.miu.ac.ir

miup@pub.miu.ac.ir

با تشکر از دست اندرکارانی که ما را در تولید این اثریاری رساندند.

- مدیر انتشارات: مصطفی نوبخت
- مدیر تولید: جعفر قاسمی ابهری
- ناظر فنی: سید محمد رضا جعفری
- ناظر گرافیک: مسعود مهدوی
- ناظر چاپ: ایوب جمالی



این اثر با حمایت «دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی»
 معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه چاپ شده است.

منشورات کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث (۹)

علوم و بیانیه گام دوم

(تعلیم و تربیت - روانشناسی - پزشکی)

جلد دوم

زیر نظر: دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

به کوشش: محمد حسین صاعد رازی - مهدی جهانی



مرکز بین المللی

ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی، فراوری اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پایبندی به دین و سنت در مدیریت همه‌جانبه کشورها بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید. از این‌رو، مطالعات و پژوهش‌های به‌روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس معیارهای معتبر جهانی و اندیشه‌های ناب و ژرف، بایسته و ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مهم و مورد عنایت بنیان‌گذاران این شجره طیبه، به‌ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام می‌باشد.

جهانی‌شدن و گسترش سلطه فرهنگی غرب در سایه رسانه‌های فرهنگی و ارتباطی، اقتضا دارد که دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان به این مباحث، با اندیشه‌های بلند و ارزش‌های متعالی آشنا شوند و این مهم، با ایجاد رشته‌های تخصصی، تولید متون جدید و غنی، گسترش دامنه آموزش و تربیت سازمان‌یافته دانشجویان به سرانجام خواهد رسید. این فرایند، گاه در پرداختن به مباحث بنیادین و تدوین متون تخصصی تعریف می‌شود و گاه در نگارش بحث‌های علمی، اما نه چندان پیچیده و تخصصی به ظهور می‌رسد.

بالندگی مراکز آموزشی، در گرو نظام آموزشی منسجم، قانونمند و پویاست. بازنگری در متن‌ها و شیوه‌های آموزشی و پژوهشی و به‌روز کردن آنها نیز این انسجام و پویایی و در نتیجه، نشاط علمی مراکز آموزشی و پژوهشی را در پی دارد. «جامعة المصطفی علیه السلام العالمية» به‌عنوان بخشی از این مجموعه، که رسالت بزرگ تعلیم و تربیت طلاب غیر ایرانی را بر عهده دارد، تألیف متون درسی مناسب را سرلوحه تلاش خود قرار داده و تدوین و نشر متون درسی در موضوعات گوناگون علوم دینی، حاصل این فرایند است.

مرکز بین‌المللی

ترجمه و نشر المصطفی علیه السلام



کنگره بین المللی گام دوم انقلاب
اسلامی از منظر قرآن و حدیث

امام خامنه‌ای ع:

انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلّه پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله خودسازی و جامعه پردازی و تمدن‌سازی شده است.

بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

تقدیم به:

روح ملکوتی بنیان گذار تمدن نوین اسلامی حضرت روح الله موسوی خمینی ره و شهدای گران قدر راه انقلاب اسلامی که با خون خود نهال انقلاب را آبیاری نموده تا به درخت پربار تمدن نوین اسلامی بدل گشته و مقدمات طلوع خورشید عظمای ولایت فراهم گردد.

فهرست

۹. مقدمه ریاست کنگره
۱۱. مقدمه مدیر علمی
۲۵. مقدمه معاون علمی
۲۸. اعضاء کمیته گام دوم، علوم روز و قرآن و حدیث
۲۹. مقدمه مدیر کمیته
۳۲. مقدمه نویسنده
۳۶. ۱. بیانیه گام دوم و تعلیم و تربیت
۳۷. توصیه‌های بیانیه گام دوم از منظر قرآن و حدیث
۳۷. محمد حسین صاعد رازی
۶۵. تبیین اثر بخشی انگیزشی «خودباوری» بر پیشرفت جامعه در عرصه «علم و پژوهش» از منظر قرآن و حدیث
۶۵. محمد هادی منصوری
- راهکارهای تبلیغ بین الملل بر اساس آموزه‌های اسلامی، با تکیه بر بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام و بیانیه‌ی گام دوم انقلاب
۹۰. نسترن بهرمان (نویسنده مسئول)
۹۰. زهرا سادات قاضی
۹۰. آمنه دقیق شیرازی
۱۲۷. راهکارهای تربیت معنوی نسل چهارم انقلاب با توجه به نهج البلاغه و بیانات رهبری معظم انقلاب علیه السلام
۱۲۷. رقیه روزبان

- راهکارهای فردی رشد معنویت و اخلاق کارگزاران از منظر نهج البلاغه و بیانیه گام دوم انقلاب ۱۵۴
- زینب طیبی (نویسنده مسئول) ۱۵۴
- زینب خسروی نیا ۱۵۴
- خدیدجه نظری ۱۵۴
- کارکردهای تربیت دینی آموزش و پرورش در تحقق جامعه اسلامی ۱۷۷
- مرضیه ملی نژاد اسپر (نویسنده مسئول) ۱۷۷
- محمد مهدی ولی زاده ۱۷۷
- نقش امید افزایی جوانان در فضای مجازی از منظر قرآن و حدیث ۲۰۶
- نسترن بهرمان (نویسنده مسئول) ۲۰۶
- امیرمحمد حبیبی ۲۰۶
۲. بیانیه گام دوم و روانشناسی ۲۳۶
- شاخص های سلامت معنوی در بیانیه گام دوم انقلاب از منظر قرآن و حدیث ۲۳۷
- حسن روشن (نویسنده مسئول) ۲۳۷
- عباسعلی واشیان ۲۳۷
- سیده عفت حسینی ۲۳۷
- نقش خانواده در سلامت روان ازدیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانیه گام دوم انقلاب ۲۶۷
- شهربانو زارعی (نویسنده مسئول) ۲۶۷
- اعظم امجد فر ۲۶۷
- هادی کمال عزت ۲۶۷
- انسان دارای شخصیت سالم در صحیفه سجادیه و بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام ۲۹۹
- زینب طیبی (نویسنده مسئول) ۲۹۹
- زهرا بهمنی ۲۹۹
- شاخص های قرآنی رشد یافتگی در مقطع نوجوانی ۳۱۸
- سید محمد افتخاری (نویسنده مسئول)؛ محمد کاویانی ۳۱۸
۳. بیانیه گام دوم و پزشکی ۳۴۷
- مبانی علوم پزشکی از منظر قرآن در گام دوم انقلاب ۳۴۸
- حسن رضا رضایی ۳۴۸

مقدمه ریاست کنگره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قرآن به عنوان کتاب هدایت، تبیان هر چیزی است که سعادت دنیوی و اخروی انسان در گرو آن است. آموزه‌های وحیانی قرآن، به گونه‌ای است که هر کسی در هر سطحی از ادراک و دانش که باشد می‌تواند نیازهای اندیشه‌ای و انگیزشی خود را از آن تأمین کند.

از طرف دیگر هر انسانی نیازمند الگوهای عینی و ملموسی است که به او نشان دهند که آثار و برکات راه چیست و چگونه می‌توان به سلامت به مقصد و مقصود رسید. از این رو خداوند، پیامبر مکرم ﷺ و عترت طاهره آن حضرت را به عنوان «مبین» و اسوه‌های عینی و عملی حسنه برای مردمان شمرده تا ایشان را سرمشق خویش قرار دهند.

بر اساس بیان قرآن نتیجه تمسک به عروة الوثقی الهی و حبل الله المتین که همان قرآن و عترت است، هدایت در صراط مستقیم و رهایی از گمراهی و گمگشتگی در ظلمت‌ها است. امروز که جهان به شدت گرفتار فتنه‌های گوناگون است، نیاز بشر به این مشعل هدایت برای برون رفت از بحران‌ها بیش از هر زمان دیگر است.

انقلاب اسلامی و گفتمان برآمده از آن در چارچوب و با محوریت اسلام ناب محمدی ﷺ به دنبال ارائه نظام جامع تمدن اسلامی در جهان معاصر است. امامان انقلاب اسلامی بر آن بوده و هستند تا تمدن نوین اسلامی را شکل دهند و الگویی عینی از زیست مؤمنانه در جهان معاصر را به بشریت ارائه کنند.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که مقام معظم رهبری علیه السلام ابلاغ فرمودند، در حقیقت منشوری مبتنی بر آموزه‌های وحیانی قرآن کریم است که شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را مدنظر قرار داده و بنا دارد جهت‌گیری‌ها را در راستای تحقق آن سامان دهد.

تحلیل بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و شناسایی و تبیین مبانی و اصول قرآن و حدیثی آن بی‌شک می‌تواند راهگشای تحقق آرمان‌های گفتمان انقلاب اسلامی باشد. جامعه المصطفی‌العالمیه در همین راستا و بر اساس رسالت و مأموریت خویش اقدام به برگزاری همایشی با موضوع تبیین مبانی و اصول قرآنی و حدیثی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نمود. ضمن تقدیر و تشکر از برگزارکنندگان این همایش ارزشمند به‌ویژه همکاران گرامی در مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث و همچنین فضلاء و اساتیدی که با ارائه بیش از ۱۰۸۰ مقاله به دبیرخانه دائمی همایش قرآن و حدیث المصطفی در این رویداد بزرگ علمی مشارکت داشته‌اند برای همگان توفیق خدمت به ساحت قرآن کریم را از خدای بزرگ مسألت دارم.

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

علی عباسی

آذرماه ۱۴۰۰

مقدمه مدیر علمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا﴾؛ (اسراء، آیه ۹).

قرآن کریم نوری در ظلمات جهل و کفر و شرک و خرافات جاهلیت بود جهان را در چهارده قرن پیش روشن ساخت و انقلابی در جهان برپا کرد که گام اول آن در عصر پیامبر اسلام ﷺ برداشته شد و گام دوم آن در عصر امام علی علیه السلام برداشته شد و گام‌های بعدی توسط امامان اهل بیت علیهم السلام پیموده شد و گام آخر آن توسط مهدی آل محمد علیهم السلام برداشته خواهد شد.

یکی از جلوه‌های این انوار الهی در انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ شمسی درخشید و گام اول آن توسط امام خمینی رحمته الله علیه برداشته شد و تا چهل سال ادامه یافت، و اینک گام دوم آن توسط جانشین علی وار ایشان امام خامنه‌ای علیه السلام برداشته می‌شود و می‌رود تا این انقلاب به دست صاحب اصلی آن حضرت بقیه الله عنه السلام داده شود تا گام نهایی آن به دست ایشان رقم بخورد (ان شاء الله) حضرت امام خامنه‌ای علیه السلام برای پیمودن گام دوم انقلاب اسلامی بیانیه‌ای گرانسنگ صادر فرمودند و برنامه‌ای راهبردی و آینده پژوهانه را ترسیم نمودند که چراغ راه ایران و امت اسلامی باشد.

از آنجاکه مفاد این بیانیه مستند به آیات قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام است. دانشوران «مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه» بر خود فرض دیدند که بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث اهل بیت علیهم السلام تبیین کنند تا

مبانی، مستندات و لوازم قرآنی حدیثی محتوای عالی این بیانیه روشن گردد و زیر ساخت فرهنگی جهت عملیاتی شدن بیانیه گام دوم فراهم گردد.

بر این یک ماه بعد از صدور بیانیه گام دوم در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ شمسی یعنی در اسفند ۱۳۹۸ شمسی نخستین جلسات کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث برگزار شد و شروع آن اعلام شد.

لیکن مراحل اداری و مقدمات کار در سال ۱۳۹۸ شمسی انجام و جذب مقالات و نشست‌های علمی آن آغاز شد و با استقبال زیاد قرآن پژوهان و مراکز علمی روبه‌رو شد لیکن به خاطر شیوع بیماری کرونا (اسفند ۱۳۹۸ ش) برگزاری اجلاس نهایی کنگره به تاخیر افتاد تا در زمستان ۱۴۰۰ شمسی این شجره طیبه به بار نشست و به همت همکاران کنگره به ویژه قائم مقام مدیر و معاون علمی کنگره حجت‌الاسلام والمسلمین محمد امینی تهرانی و با حمایت خاص ریاست جامعه المصطفی‌العالمیه حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عباسی و دیگر مسئولان؛ کاری عظیم سامان یافت که در زمره بزرگترین کنگره‌های تاریخ ایران گشت، والحمد لله رب العالمین.

گزارش اجمالی کنگره

۱. اهداف کنگره:

همایش گام دوم دارای اهدافی است که در ذیل به آن اشاره می‌گردد:

۱. تبیین مبانی گام دوم از منظر قرآن و حدیث
۲. تبیین راهکارهای اجرایی گام دوم از منظر قرآن و حدیث
۳. تبیین جایگاه قرآن و حدیث در گام دوم انقلاب اسلامی
۴. تقویت و تعمیق گام دوم انقلاب اسلامی در اندیشه دینی
۵. تبیین الگوی قرآنی و حدیثی انقلاب اسلامی برای جهانیان
۶. تبیین نقش نهادهای قرآنی به‌ویژه در جامعه المصطفی‌العالمیه در گام دوم انقلاب اسلامی
۷. تبیین مبانی گام دوم انقلاب اسلامی انقلاب با توجه به آموزه‌های قرآنی و حدیثی.

۲. محورهای کنگره:

گام دوم، عقلانیت و قرآن و حدیث	گام دوم، علوم روز و قرآن و حدیث
گام دوم، تمدن و قرآن و حدیث	گام دوم، سبک زندگی قرآنی و حدیثی
گام دوم و غرب و شرق	گام دوم و آینده‌پژوهی
گام دوم و دانش‌های قرآنی و حدیثی	راهکارهای اجرایی سازی گام دوم از منظر قرآن و حدیث
مبانی و مستندات قرآنی و حدیثی بیانیه گام دوم	رسالت طلاب جامعه المصطفی‌العالمیه در تحقق بیانیه گام دوم
نقش جوانان در تحقق بیانیه بیانیه گام دوم	نقش بانوان و خانواده در گام دوم انقلاب اسلامی

۳. شورای سیاست گذاری کنگره

حضرت آیت الله اعرافی رئیس هیئت امنای جامعه المصطفی العالمیه و ریاست حوزه های علمیه	حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسی رئیس جامعه المصطفی العالمیه
حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبادی معاونت پژوهش جامعه المصطفی العالمیه	حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر قنبری معاونت ارتباطات و بین الملل جامعه المصطفی العالمیه
حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر جزایری معاونت آموزش جامعه المصطفی العالمیه	حضرت حجت الاسلام والمسلمین محمدی عراقی مسئول دفتر مقام معظم رهبری در قم
حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر رستم نژاد معاونت آموزش حوزه های علمیه	حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر جزایری معاونت آموزش جامعه المصطفی العالمیه
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد فاکرمیبدی رئیس مدرسه عالی قرآن و علوم	حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد علی رضایی اصفهانی رئیس مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد امینی تهرانی رئیس مدیر گروه علمی قرائات	حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر رئیس مدرسه عالی تفسیر
حجت الاسلام والمسلمین محمد حسن پیرولی معاونت آموزش مجتمع قرآن و حدیث	حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی معاونت پژوهش مجتمع قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین حسن رضایی رییس پژوهشگاه المصطفی	حجت الاسلام والمسلمین مسلم احمد لومعاون فرهنگی تربیتی مجتمع قرآن و حدیث

۴. شورای علمی کنگره

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسن زمانی معاون اجتماعی حوزه های علمیه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی ریاست محترم مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبد الکریم بهجت پور ریاست حوزه های علمیه خواران	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد فاکر میبدی ریاست مدرسه عالی قرآن و علوم
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبد الکریم بی آزار شیرازی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر ریاست مدرسه عالی تفسیر و علوم قرآن
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسن پیرولی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد امینی

معاون آموزش مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث	تهرانی مدیر گروه علوم و فنون قرائات مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین محمدی عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید حیدر طباطبائی مدیر گروه علوم حدیث مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر صاعد رازی نماینده انتشارات انقلاب اسلامی و سایت اینترنتی مقام معظم رهبری	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید یوسف موسوی معاون پژوهش مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد رضا ستوده نیا عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد جواد اسکندرلو مدیر گروه علوم قرآن مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر روشن ضمیر معاون پژوهش دانشگاه علوم اسلامی رضوی	حجت الاسلام والمسلمین حسین شیرافکن عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه
حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید عیسی مسترحمی مدیر گروه قرآن و علوم طبیعی مجتمع عالی قرآن و حدیث	حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی رستم نژاد معاون آموزش حوزه های علمیه سراسر کشور
حجت الاسلام دکتر غلام جابر جعفری از کشور پاکستان و نمایندگی روسیه	دکتر حمیدرضا طوسی عضو هیئت علمی جامعه المصطفی
دکتر فائق ولی زاده از کشور روسیه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد یعقوب بشوی از کشور پاکستان
دکتر سید علی سید اف از کشور تاجیکستان	دکتر رییس اعظم شاهد از کشور هندوستان

۵. ارکان کنگره

مدیر علمی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی (ریاست مجتمع عالی قرآن و حدیث)

معاونت علمی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدامینی تهرانی

معاونت اجرایی: حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی

مسئول دبیرخانه: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین

۶. کمیته اجرایی کنگره

معاون علمی کنگره و قائم مقام مدیر: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدامینی تهرانی
 معاون اجرایی کنگره: حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی
 معاون پیشتیبانی و منابع انسانی: حجت الاسلام والمسلمین خلیل زاد
 معاون ارتباطات و بین الملل: جناب آقای حسین حیدری
 معاون فرهنگی مجتمع عالی قرآن و حدیث: حجت الاسلام والمسلمین احمدلو

دبیرخانه کنگره

مسئول دبیرخانه: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین
 مسئول ارزیابی: حجت الاسلام والمسلمین مهدی جهانی
 مسئول روابط عمومی: حجت الاسلام والمسلمین عقیل یوسفی
 مسئول سایت و نشست های علمی: حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا حقیقت سمنانی

۷. کمیته های علمی کنگره

اول: کمیته گام دوم، علوم عقلی و قرآن و حدیث

مدیر کمیته:	دبیر کمیته:
حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی رستم نژاد	حجت الاسلام دکتر محمد جواد دشتی

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد باقر قیومی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی عزیززی علویجه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد تقی یوسفی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد غفاری	

دوم: کمیته گام دوم، علوم روز و قرآن و حدیث

مدیر کمیته: حجت الاسلام دکتر سید عیسی مسترحمی	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین مهدی جهانی
--	---

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین صاعد رازی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسعلی واشیان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی آقاصفیری	جناب حجت الاسلام والمسلمین میثم ناظمی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر حامد دادسرشت تهرانی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی همتیان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالمومن حکیمی	حجت الاسلام و المسلمین دکتر عبدالله توکلی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین رفیعی	

سوم: کمیته گام دوم، تمدن و قرآن و حدیث

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا حقیقت
---	--

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین عباس الهی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید حسین شفیعی دارابی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدهادی منصور	حجت الاسلام والمسلمین سیدرضی زکی مرتضوی

چهارم: کمیته گام دوم، سبک زندگی قرآنی و حدیثی

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی آدریانی	دبیر کمیته: جناب آقای محمد زینلی
---	-------------------------------------

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین حمید الهی دوست	حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم ملکی
حجت الاسلام والمسلمین محسن جلالی	حجت الاسلام والمسلمین محمد قربانی مقدم
جناب آقای دکتر احمدی فراز	جناب آقای محسن برقی کار
سرکار خانم زهرا سهرابی	سرکار خانم زهرا توکلی

پنجم: کمیته گام دوم، انقلاب اسلامی و غرب و شرق از منظر قرآن و حدیث

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسن زمانی	دبیر کمیته: حجت الاسلام دکتر باقر ریاحی مهر
--	--

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد جواد نوروزی	جناب آقای دکتر غلام حسین مقیمی
جناب آقای دکتر حسن رضایی هفتادر	جناب آقای دکتر سید حسین علوی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسعلی براتی یزدی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر باقر ریاحی مهر

ششم: کمیته گام دوم، و دانش های قرآنی و حدیثی

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر فاکر میبدی	دبیر کمیته: حجت الاسلام دکتر عبدالله جبرئیلی
--	---

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد امینی طهرانی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله حاجعلی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر سیدحیدر طباطبائی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدصادق یوسفی مقدم

هفتم: کمیته گام دوم، آینده پژوهی قرآنی و حدیثی

مدیر کمیته: حجت الاسلام دکتر غلامرضا بهروزی لک	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین
---	---

اعضای کمیته:

دکتر اسماعیل شراهی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید جعفر رحمان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد کوهی	دکتر محمد رحیم عیوضی

هشتم: کمیته تخصصی بانوان

مدیر کمیته: سرکار خانم زینب بهجت پور	دبیر کمیته: سرکار خانم دکتر سمیه کامرانی
--------------------------------------	--

اعضای کمیته:

سرکار خانم دکتر زینب طیبی	سرکار خانم دکتر طاهره ماهرو زاده
سرکار خانم دکتر رقیه جاویدی	سرکار خانم دکتر عاطفه صادقی
سرکار خانم دکتر راضیه زارعی	سرکار خانم دکتر معصومه شریفی

نهم: کمیته بین الملل

مدیر کمیته: حجت الاسلام دکتر محمد یعقوب بشوی از پاکستان	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین محمد عسکری از پاکستان
--	--

اعضای کمیته:

جناب آقای دکتر غلام جابر محمدی از پاکستان	جناب آقای دکتر رئیس اعظم شاهد از پاکستان
جناب آقای سید مجتبی رضوی از هندوستان	دکتر ترلان سیف الله اف از آذربایجان
دکتر منظر بیاتی از عراق	جناب آقای استیفان شفر از آلمان
جناب آقای رحمان دهلان از اندونزی	جناب آقای عبدالقادر محمد بلو از نیجریه
جناب آقای عباس خان فاضل اف از تاجیکستان	

۸. آثار کنگره

۱. شناخت نامه کنگره	۲. منبع شناخت بیانیه گام دوم
۳. نشست‌ها، کرسی‌ها و کارگاه‌های کنگره	۴. چکیده مقالات کنگره (فارسی) (جلد اول)
۵. چکیده مقالات کنگره (فارسی) (جلد دوم)	۶. چکیده مقالات کنگره (غیر فارسی)
۷. علم و عقل در گام دوم انقلاب اسلامی	۸. علوم و بیانیه گام دوم (جلد اول) (علوم اجتماعی. اقتصاد. سیاست. مدیریت)
۹. علوم و بیانیه گام دوم (جلد دوم) (علوم تعلیم و تربیت، روانشناسی و پزشکی)	۱۰. دانش‌های قرآنی در گام دوم (جلد اول)
۱۱. دانش‌های قرآنی در گام دوم (جلد دوم)	۱۲. تمدن نوین اسلامی و گام دوم (جلد اول)
۱۳. تمدن نوین اسلامی و گام دوم (جلد دوم)	۱۴. انقلاب اسلامی و غرب
۱۵. رویکرد قرآنی بانوان به گام دوم	۱۶. آینده‌پژوهی و مهدویت در گام دوم
۱۷. سبک زندگی و گام دوم (جلد اول)	۱۸. سبک زندگی و گام دوم (جلد دوم)
۱۹. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد اول) (زبان اردو)	۲۰. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد دوم) (زبان اردو)
۲۱. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد سوم) (عربی، انگلیسی)	۲۲. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد چهارم) (هندی، آذری، بنگالی، برمه‌ای، آلمانی، اندونیزی، تاجکی، فرانسوی، روسی، ترکی، بلتی و...)

تذکره: تمام آثار در سمیم بررسی و مشابهت‌یابی انجام شد و سه مقاله به خاطر مشابهت

بالا حذف شد.

۹. مجلات منتشرکننده مقالات کنگره:

۱. مجله علمی قرآن و علم
۲. مجله علمی مطالعات قرائت قرآن
۳. مجله علمی قرآن پژوهی خاورشناسان
۴. مجله علمی علوم حدیث تطبیقی
۵. مجله تخصصی مطالعات حدیث پژوهی
۶. مجله تخصصی قرآن و علوم
۷. مجله تخصصی مطالعات قرآن پژوهی نور وحی

۱۰. کنگره در آینه آمار

تعداد کل چکیده‌ها: ۱۶۹۶	مقالات پذیرفته شده: ۹۵۸
مقالات چاپ شده در مجلات: ۴۲	مجموع مقالات رسیده به کنگره: ۱۰۸۲
مقالات چاپ شده در مجلدات: ۲۸۲	مجلدات منتشرشده: ۲۲
تعداد ارزیابان: ۷۱	تعداد نشست‌ها: ۱۶۳
تعداد کرسی‌های علمی و ترویجی: ۸	تعداد کارگاه‌ها: ۴۰

تذکر: دو جلد مجموعه مقالات کنگره به صورت جداگانه توسط مرکز خواهران هرمزگان

منتشر می‌شود.

۱۱. نرم افزارهای کنگره:

مجموعه آثار کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث

۱۲. ارزیابان مقالات:

آقایان: محمد علی رضایی اصفهانی، محمدفاکر میبیدی، محمدحسن زمانی، مهدی رستم نژاد، غلامرضا بهروزی لک، حسین علوی مهر، سید عیسی مسترحمی، محمد امینی تهرانی، عباس علی واشیان، عباس الهی، محمد حسین صاعد رازی، علی کریم پور قراملکی، عبدالله جبرئیلی، حسن رضا رضایی، علی آقا صفری، محمدرضا حقیقت سمنانی، مهدی جهانی، علی رضا شاهین، محمداقبر ریاحی مهر، محمد جواد دشتی، محمد یعقوب بشوی، محمد عسکری ممتاز، عقیل یوسفی زارمی، سید مجتبی رحمانی، سید مجتبی رضوی اصیل، سیدرضی زکی مرتضوی، میثم ناظمی، علی فرهنگدیان، محمد حسین رفیعی، سید علی حسینی، سعید حسنی، حسین مرکزی مقدم، مجتبی انصاری مقدم، کامران اویسی، مهدی سازندگی، نجات یحیی، مجید ابوالقاسم زاده، عباس جوانشیر، علی اصغر کوراوند، محمدهادی منصوری، محمد حسین محمدی، علی محمد راهی، مهدی همتیان، ابوذر رجبی، حمید رضا کاظمی.

بانوان: زینب بهجت پور، زینب طیبی، نسترن بهرمان، منیژه کاشانی، محبوبه جوکار، معصومه حاجی مقصودی، مریم رمضانیان، نرگس رشیدی راوندی، سیده نفیسه حسینی واعظ، فاطمه طائبی، سمیه پاپی، حمیده کرمی، عفت رمضانیان، صدیقه بهرامی، فاطمه حسین آبادی، مریم افشارویگنی، حدیثه سلیمانی، فهیمه ربیعی، فاطمه قنبری، طاهره سادات ضیاء حسینی، فاطمه عطارد، مهدیه علوی فر، طیبه توکلی، سیده معصومه فاطمی، طاهره عبداللهی، زهرا فتحی، الناز جهان پور، راضیه شیرینی، پریوش علیزاده، فاطمه درویشی، صدیقه کاویانی.

۱۳. مراکز علمی همکار کنگره

۱. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها	۲. دانشگاه علوم اسلامی رضوی
۳. مرکز ارتباطات و بین الملل حوزه‌های علمیه	۴. مرکز پژوهشی قرآن کریم المهدی <small>عجل الله تعالی فرجه الشریف</small>
۵. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم	۶. مرکز تخصصی قرآن امام علی بن ابیطالب <small>علیه السلام</small>
۷. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی <small>رحمته الله علیه</small>	۸. مؤسسه پژوهش‌های قرآنی المهدی <small>عجل الله تعالی فرجه الشریف</small>
۹. پژوهشکده اعجاز قرآن دانشگاه شهید بهشتی	۱۰. مرکز تخصصی کلام ائمه اطهار <small>علیهم السلام</small>
۱۱. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی	۱۲. مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآن
۱۳. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم	۱۴. دانشگاه میبد
۱۵. دانشگاه معارف	۱۶. انجمن‌ها و قطب‌های علمی حوزه علمیه قم
۱۷. رادیو معارف	۱۸. شبکه قرآن و معارف سیمای جمهوری اسلامی ایران
۱۹. مؤسسه مطالعات اسلامی	۲۰. مرکز تخصصی امام خمینی <small>رحمته الله علیه</small>
۲۱. دانشگاه امام صاق <small>علیه السلام</small>	۲۲. دانشگاه قم
۲۳. مرکز تخصصی تفسیر ائمه اطهار <small>علیهم السلام</small>	۲۴. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم اصفهان
۲۵. انجمن قرآن پژوهی حوزه	۲۶. دانشگاه علامه طباطبائی <small>رحمته الله علیه</small>
۲۷. جامعه الزهرا <small>علیها السلام</small>	۲۸. مرکز مدیریت حوزه علمیه خاوران
۲۹. پژوهشگاه امام صاق <small>علیه السلام</small>	۳۰. سیلیویکا
۳۱. مؤسسه فتوح اندیشه	۳۲. دانشگاه آزاد اسلامی
۳۳. دانشکده شهید محلاتی	۳۴. دانشگاه فرهنگیان
۳۵. معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه	۳۶. دانشگاه اشرفی اصفهان
۳۷. نمایندگی المصطفی اصفهان	۳۸. پژوهشگاه المصطفی

۱۴. نشانی پایگاه اطلاع رسانی کنگره

<http://hamayesh.miu.ac.ir/hadith/fa>

نشانی کانال کنگره در پیام‌رسان ایتا

<https://eitaa.com/Conferencegam2>

سخن پایانی

در پایان لازم است از همه کارگزاران کنگره به ویژه مدیران محترم کمیته های علمی کنگره، معاونان محترم حجج اسلام دکتر امینی تهرانی و موسوی و اعضای دبیرخانه که با زحمات شبانه روزی و نویسندگان و ارزیابان محترم کتابها و مقالات و نیز همه کسانی که در آماده سازی آثار و برگزاری کنگره زحمت کشیدند به ویژه مسئول محترم انتشارات بین المللی المصطفی حجت الاسلام والمسلمین نویخت و همکاران انتشارات و ریاست امور مشترک مجتمع عالی امام خمینی رحمته الله علیه حجت الاسلام والمسلمین زهادت و به صورت خاص ریاست جامعه المصطفی عليه السلام العالمیه حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسی و معاون پژوهش المصطفی عليه السلام حجت الاسلام والمسلمین عبادی و نیز معاونت پژوهش حوزه های علمیه حجت الاسلام والمسلمین مقیمی که حمایت خاص از این کنگره نموده اند، تشکر کنم. اجرهم علی الله.

والحمد لله رب العالمین

مدیر علمی کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث

محمد علی رضایی اصفهانی

۱۴۰۰/۸/۲۲

مقدمه معاون علمی

بسم الله الرحمن الرحيم

هر روزی که سپری می‌شود و هر لحظه‌ای که به جلو می‌رویم برگه‌ای زرین از مدیریت داهیانه و حکیمانه ناخدای مدبر انقلاب اسلامی ایران مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله امام خامنه‌ای عنه‌السلام هویدا و آشکار می‌گردد.

یکی از این برگه‌های زرین و جلوه‌های درخشان مدیریتی ایشان «بیانیه گام دوم» انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران است. این بیانیه صحبت‌های بی‌پرده و شفاف یک مدیر و پدر دلسوزی برای فرزندان و ملت خود است که پس از طی زمانی ۴۰ ساله با همه سختی‌ها در حال عبور از مرحله‌ای سخت و ورود به مرحله مهم دیگری هستند که قرار است با پیمودن صحیح آن یک «پیچ تاریخی» در جهان معاصر اتفاق افتد.

بیانیه گام دوم آگاهی بخشی به منظور آماده کرده ملتی بزرگ برای مسئولیت‌های پیش روست. این بیانیه نقش راه انقلاب اسلامی ایران برای رسیدن به یک تمدن نوین اسلامی است. این بیانیه نشان از صداقت مدیری و رهبری فرزانه دارد که بدون تعارف همه خطرهای سختی‌های راه را برای روندگان آن، روشن می‌نماید و علاوه بر بیان نعمت‌ها و رویش‌های انقلاب اسلامی، ضعف‌ها و سختی‌ها را نیز بیان می‌نماید.

روشن و واضح است که بیانات و نوشته‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران متاثر از اندیشه‌های ناب ایشان است و این اندیشه‌های ناب در بستر قرآن و احادیث نورانی

اهل بیت علیهم السلام شکل یافته است. اندیشه‌هایی که از دوران کودکی و نوجوانی و جوانی تا میان سالی و بزرگ سالی همگی در اثر انس بسیار ایشان با قرآن و عترت شکل گرفته است. به یقین می‌توان گفت که برای همه عبارات ایشان در «بیانیه گام دوم» می‌توان مستندی از قرآن و حدیث یافت و به نوعی آن را با قرآن و حدیث ارتباط داد. وظیفه همه علاقه مندان به انقلاب اسلامی است تا ارتباط این بیانیه ارزشمند را با قرآن کریم بیش از پیش روشن نمایند و این امر مستلزم تلاشی در خور و شایسته است.

بر همین اساس کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب از منظر قرآن و حدیث در مجتمع عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه و زیر نظر استاد فرزانه حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی که خود مفسری انقلابی و نواندیش است، شکل گرفت تا در این راستا به نوعی بیانیه گام دوم را با قرآن و حدیث بسنجد و مبانی و راهکارهای اجرایی این بیانیه را از قرآن و حدیث استخراج نماید.

در بررسی مقالات رسیده به کنگره مراحل متعددی طی شده است تا این کتب به حالت فعلی تبدیل شود. اگر چه ممکن است در رسیدن به این شرائط فعلی همه مقالات یکسان نباشند اما اهم مراحل که برای هر مقاله طی شده است را می‌توان در مراحل زیر معرفی نمود:

۱. ارسال مقاله توسط نویسنده به سایت کنگره
۲. ارزیابی اولیه چکیده توسط مسئول ارزیابی جهت رفع اشکالات اولیه
۳. ارزیابی اولیه مقاله توسط مسئول ارزیابی جهت رفع اشکالات اولیه
۴. ارزیابی ثانویه توسط ارزیاب تخصصی
۵. برخی از مقالات دو یا سه ارزیاب داشته‌اند به خاطر تخصصی بودن
۶. ارسال فایل اصلاحات به نویسنده
۷. ارسال مقاله اصلاح شده توسط نویسنده به دبیرخانه
۸. رویت مقاله اصلاح شده توسط ارزیاب و تأیید نهایی

۹. ارسال مقاله به کمیته مربوطه
۱۰. ارزیابی مجدد در کمیته جهت بررسی چاپ در کتاب
۱۱. ارسال اصلاحات کمیته به نویسنده
۱۲. ارزیابی توسط معاون علمی و دبیر علمی کمیته
۱۳. رفع اشکالات و ارسال به دبیر کمیته توسط نویسنده
۱۴. تأیید نهایی مقاله توسط کمیته و چاپ در کتاب
۱۵. بررسی مقالات در سمیم جهت مشابهت‌یابی
۱۶. بررسی مجدد چکیده و یکسان‌سازی چکیده‌ها
۱۷. شکل دهی مقالات تأیید نهایی معاون و دبیر علمی
۱۸. ارسال برای انتشارات

امید است تا این فعالیت‌ها گامی در راستای رسیدن به تمدن نوین اسلامی را فراهم سازد و موجبات خشنودی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف باشد.

قائم مقام و معاون علمی کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی ایران از منظر قرآن و حدیث

محمد امینی تهرانی

۱۴۰۰/۸/۲۲

اعضاء کمیته گام دوم، علوم روز و قرآن و حدیث

مدیر کمیته: حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید عیسی مسترحمی

دبیر کمیته: حجت الاسلام و المسلمین مهدی جهانی

اعضای کمیته:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد حسین صاعد رازی

حجت الاسلام و المسلمین دکتر عباسعلی واشیان

حجت الاسلام و المسلمین دکتر علی آقا صفری

حجت الاسلام و المسلمین میثم ناظمی

حجت الاسلام و المسلمین دکتر حامد دادسرشت تهرانی

حجت الاسلام و المسلمین دکتر مهدی همتیان

حجت الاسلام و المسلمین دکتر عبدالمومن حکیمی

حجت الاسلام و المسلمین دکتر عبدالله توکلی

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد حسین رفیعی

مقدمه مدیر کمیته

الهامی از بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در اولین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۴۲ مصادف با ۲۵ فروردین ۱۴۰۰

با موضوع قرآن و علوم

تأمل و تفکر در آیات قرآن کریم هر انسان منصفی را به این نتیجه رهنمون می‌شود «که هزاران برجستگی در قرآن وجود دارد» که بخش زیادی از آن را «عقل ما و فهم ما قادر به درکش نیست. در میان همه اینها هدایت قرآنی شأن بالایی دارد؛» به نحوی که «خود قرآن مجید هم با مسئله هدایت آغاز می‌شود؛ به تعبیر مرحوم علامه طباطبائی رحمته الله علیه سوره حمد از اول تا آخر ادب سخن گفتن با خدا را به ما تعلیم می‌دهد.» و انسان را برای گفتگو با خدا تربیت می‌کند.

تربیت و هدایت قرآنی عام است و «مخصوص یک گروه خاصی نیست؛ مخاطب قرآن، همه بشریت است،» از طرفی دیگر هدایت قرآنی تمام ساحت‌های زندگی بشر را در بر می‌گیرد «و مربوط به همه گستره عظیم زندگی بشر است؛ یعنی این جور نیست که قرآن در یک بخشی انسان را هدایت کند و در یک بخش دیگری از موارد مورد نیاز بشر و زندگی بشر، انسان را مهمل بگذارد و بی‌اعتنا عبور کند؛ نه، قرآن مشرف به همه گوشه و کنارهای صحنه زندگی و میدان حضور بشر است؛ از عروج معنوی انسان و کمال معنوی انسان بگیرد - که بالاترین خواسته بشر است تا مسئله جوامع بشری و اداره جوامع انسانی و بشری و اقامه عدل و رفتارهای مدیریتی برای اداره جوامع انسانی، تا خانواده، و تربیت فرزند و امثال اینها،» که دانش بشری از پاسخگویی به نیازهای انسان در این بخش ناتوان مانده‌اند «تا مسئله آرامش و سکون

روحی، سکینه و آرامش روانی انسان که یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان است، و فرونشاندن تلاطم‌های درونی‌ای که انسان در حوادث زندگی با آنها مواجه می‌شود» و روان‌شناسی صرفاً تجربی نتوانسته است به این مسائل نیز پاسخی جامع و کامل بدهد.

قرآن کریم در حوزه علوم طبیعی نیز با «توصیه به علم و شناخت و کشف حقایق طبیعت، «به تبیین بایسته‌های مطالعه در آفرینش و طبیعت پرداخته و معارف شگرفی برای جهت دهی به اهداف، مبانی و حتی روش‌های این علوم در اختیار بشر قرار داده است.

«و چقدر غافلند کسانی که خیال می‌کنند قرآن به مسائل زندگی، به مسائل سیاست، به مسائل اقتصاد، به مسائل حکومت کار ندارد؛ نه، بخش عمده قرآن راجع به همین مسائل اجتماعی زندگی است.» به نحوی که هرگاه «ما از قرآن نسبت به حادثه‌ای استنطاق کنیم و از قرآن هدایت به طلبیم، قرآن کریم پاسخ مناسب و کافی را در اختیار ما خواهد گذاشت.»

«آن کسانی که قرآن را و اسلام را به مسائل شخصی و مسائل عبادی و مانند اینها منحصر می‌کنند و انسانها را به گوشه‌نشینی» دعوت می‌کنند که «وقتی وارد جامعه بشوند دیگر باید قرآن را کنار بگذارند، قرآن را بلد نیستند؛ انصافاً با قرآن آشنا نیستند، قرآن را نشناخته‌اند؛ باید گفت قرآن را نخوانده‌اند؛ لذا است که این جور اشتباه و خطا حرف می‌زنند و قضاوت می‌کنند؛ حقیقتاً با قرآن آشنا نیستند. قرآن خودش را از چالش‌های سیاسی و اجتماعی به هیچ وجه کنار نمی‌کشد و از مقابله‌ی با طاغوتها، با مستکبرها، با مُسرفها، با ستمگران اجتناب نمی‌کند؛ همیشه در مقابل اینها ایستاده است، و اگر شما اهل قرآن هستید، قهراً میدان زندگی شما، میدان حضور قرآن است. پس قرآن متکفل هدایت و دستگیری آحاد بشر در همه بخشها است؛ در این تردیدی نیست.»

آنچه در متن فوق مذکور آمد، الهامی از تنها یکی از سخنرانیهای عالمانه مقام معظم رهبری است که در جای جای آن بر نقش قرآن کریم در ساحت‌های مختلف زندگی تاکید دارد. این نقش در دانش‌های انسانی بسیار پررنگ‌تر و تعالی بخش است.

وظیفه حوزه و دانشگاه است که منویات مقام معظم رهبری در گام دوم که نقشه راه انقلاب در ادامه مسیر است، را مبتنی بر قرآن و روایات تبیین، اجرایی و عملیاتی کنند.

سید عیسیٰ مسترحمی

مدیر کمیته گام دوم، علوم روز و قرآن و حدیث

۱۴۰۰/۹/۴

مقدمه نویسنده

در اندیشه انقلاب اسلامی، تشکیل حکومت اسلامی، مبتنی بر یک «فلسفه تربیتی» است و غایات دیگر حکومت اسلامی، از آثار و نتایج این غایتند. «هدایت» فلسفه حکومت دینی است و هدف از تأسیس دولت اسلامی، «تربیت مردم» است. تشکیل حکومت بخشی از برنامه جامع دین برای هدایت مردم بوده و و هر آنچه به منزله اهداف حکومت تلقی می‌شود، نظیر اجرای احکام الهی و برپایی عدالت، همه نسبت به تربیت وسیله هستند.^۱

امام خمینی علیه السلام در این خصوص می‌فرماید:

«تمام عبادات وسیله است؛ تمام ادعیه وسیله است. همه وسیله‌ای برای این است که... انسان طبیعی بشود یک انسان الهی... انبیا هم برای همین آمده‌اند. انبیا نیامده‌اند حکومت درست کنند، حکومت را می‌خواهند چه کنند؟! این هم هست؛ اما نه این است که انبیا آمده‌اند که [فقط] دنیا را اداره کنند... حکومت هم تأسیس می‌کنند، حکومتی که حکومت عادلانه باشد؛ لکن مقصد این نیست؛ این‌ها همه وسیله است که انسان برسد به یک مرتبه دیگری که برای آن انبیا آمده‌اند».^۲

مقام معظم رهبری علیه السلام نیز همچون امام خمینی ره، معتقد به حکومت تربیت محور است که در آن تربیت و هدایت مهم ترین عنصر حکومت است، لذا اغلب بیانات و مکتوبات

۱. ر.ک: علم الهدی، جمیله، مناسبات تربیتی خانواده و دولت، ص ۹۴-۱۱۹.

۲. امام خمینی، تفسیر سوره حمد، ص ۱۷۴.

ایشان بخشی از این فرایند تربیتی را دنبال می‌کند. در این چارچوب نظری حکومت باید درصدد هدایت انسان در همه ابعاد باشد؛ زیرا اگر انسان مثل سایر حیوانات بوده و هدفش رشد در حد حیوان و منحصر در امور مادی باشد، به انبیا و حکومت انبیا نیازی نیست. فرایند این هدایت همان «تربیت توحیدی» است؛ چون تربیت انسان در همه ابعادش، اعم از تربیت جسمی و روحی و عقلی، نمی‌شود بر عهده بشر باشد؛ زیرا بشر فقط حد طبیعی را می‌فهمد؛ در نتیجه نیاز به حکومتی است که بر اساس تعالیم وحیانی و توحیدی انسان‌ها را با فرایند تربیت مبتنی بر توحید هدایت نماید.^۱ انسانی که تحت تربیت توحیدی قرار گیرد با تکیه بر قدرت پروردگار، در راه هدف خود از دشمنان هراسی ندارد^۲ و از اطاعت شیطان می‌پرهیزد و در مقابل طاغوت و استکبار کرنش نکرده و تسلیم نمی‌شود. افق دید او به گونه‌ای وسیع است که از همه تعلقات مادی و نیازهای پست و حقیر آزاد بوده و محبوس این خواسته‌ها نیست.^۳

ایجاد این نگرش در انسان‌ها به وسیله تربیت، موجب توکل و اعتماد بر خداوند در آنها و قطع طمع از مخلوق شده و باعث بسیاری از اعمال صالح و ترك بسیاری از قبايح می‌گردد.^۴

در این نظام تربیتی، خداوند مبدأ همه موجودات و انسان معرفی می‌شود؛ از این رو از یک سو ناگزیر است رابطه عبودیت و ربوبیت را مورد توجه قرار دهد و از سوی دیگر با انقیاد کامل، در برابر اوامر و نواهی خداوند تسلیم محض باشد. رابطه‌ی عبودیت انسان نسبت به ربوبیت خداوند می‌تواند به همه کارهای انسان رنگ خدایی بدهد که در رسیدن به سعادت

۱. صاعد رازی، نظریه حکومت تربیت محور در قرآن، ص ۲۶.

۲. آیت الله خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه اسلامی، ۲۹۵ - ۳۰۱.

۳. (آیت الله خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه اسلامی، ۲۹۴ - ۲۹۵).

۴. (امام خمینی، آداب الصلاة، ۸۶؛ ر.ک: خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹ / ۱۳۵ - ۱۳۶)

از هر راهی مؤثرتر است.^۱

البته باید توجه داشت اسلام با فرایند تربیتی خود، هدایت جامعه را در همه شئون و ابعاد آن به عهده گرفته است^۲ و در دعوتش هم به مادیات و هم به معنویات توجه دارد.^۳ هم به بُعد جسمانی می‌نگرد و هم به بُعد روحانی نظر دارد^۴ هم به فرد عنایت دارد و هم به امور جامعه می‌پردازد.^۵ اسلام مکتبی است که در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و آنچه در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد بیان کرده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است.^۶

بر اساس دیدگاه تربیت محور به حکومت که تبیین گردید، اگر به بیانیه گام دوم نگریسته شود، درهای معرفت بیشتری گشوده خواهد شد و این گام راسخ تر برداشته می‌شود. شاهد بر این نگاه تربیتی آن است که مستعدترین گروه برای تربیت، مورد خطاب اصلی در این بیانیه هستند؛ چنانکه کلمه جوان قریب به ۴۰ بار در این بیانیه تکرار شده است.

همچنین شکوفاسازی فطرت همه انسان ها و جهت دهی به گرایش های فطری - که اصلی ترین هدف تربیت اسلامی است - مورد توجه قرار گرفته؛ چنانکه در متن بیانیه آمده است:

«برای همه چیز میتوان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی مصرف و بی فایده نخواهند شد،

۱. (ر.ک: مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ۱/ ۹۱ - ۱۰۱)

۲. (صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۸۹)

۳. (صحیفه امام، ج ۴، ص ۱۸۴)

۴. (صحیفه امام، ج ۶، ص ۵۳۰)

۵. (صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۱۹)

۶. (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۰۲ و ۴۰۳)

زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزّت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمیتوان مردمی را تصوّر کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی‌گردانی مسئولان از این ارزشهای دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقّق آنها.^۱

همچنین در این بیانیه پس از یک تبیین تحلیلی هدفمند نسبت به وضعیت گذشته و وضعیت حال و ظرفیت‌های موجود، با هدف ارتقای بینش، سه بُعد عقلانی و معنوی، اخلاقی و عملی در قالب توصیه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا با تبیین صحیحی از علم و پژوهش در بُعد عقلانی و نیز تبیین صحیحی از معنویت و اخلاق در بُعد معنوی، اخلاقی و همچنین با تبیین دقیقی از اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن و سبک زندگی، در بُعد عملی، یک فرایند جامع تربیتی مشاهده می‌شود.

بر این اساس، در این جلد از مجموعه مقالات کنگره، مقالاتی که با رویکرد تعلیم و تربیت و روانشناسی بیانیه را مورد تحلیل و بررسی قرار داده اند گردآوری شده است.

محمد حسین صاعد رازی

عضو کمیته علوم روز و قرآن و حدیث کنگره بیانیه گام دوم

۲۳ آبان ۱۴۰۰

۱

بیانیه گام دوم و تعلیم و تربیت

توصیه‌های بیانیه گام دوم از منظر قرآن و حدیث

محمد حسین صاعد رازی^۱

چکیده

در بیانیه گام دوم، هفت توصیه وجود دارد که در سه دسته «علم و عقلانیت» و «ایمان، معنویت و اخلاق» و «عمل (اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی و عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن)» قابل تقسیم است. این توصیه‌ها در قالب یک نقشه راه شایسته است با ادله قرآنی و حدیثی تقویت شده و تفسیر و تبیین گردد؛ بنابراین در هر یک از این سه دسته، دلایل و مستندات قرآنی و حدیثی ارائه می‌گردد. هدف از این پژوهش آن است که مستندات قرآنی و حدیثی این توصیه‌ها تبیین گردد، تا از یک سو به طور نظری دلایل مستحکم این توصیه‌ها بیان شود و از سوی دیگر برخی راهکارهای عملی ارائه شده در آیات و روایات در تحقق هر یک از این توصیه‌ها ارائه شود. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری مربوط به قرآن و حدیث و بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری علیه السلام استفاده شده است.

کلید واژگان: بیانیه گام دوم، انقلاب اسلامی، قرآن و حدیث، آیت الله العظمی

خامنه‌ای علیه السلام، مقام معظم رهبری

۱. دکتری تخصصی رشته قرآن و علوم، گرایش علوم تربیتی و استاد همکار جامعه المصطفی العالمیه h.

بیان مسأله

دیدگاه های حضرت آیت الله العظمی خامنه ای علیه السلام در جایگاه ولی فقیه، برآمده از تفسیر اجتهادی ایشان از قرآن و حدیث است و بر این اساس پشتوانه هر یک از سخنان ایشان و به ویژه بیانات و مکتوبات ویژه ایشان قطعا معارف قرآن و حدیث می باشد. بر این اساس این پژوهش در صدد آن است که پشتوانه های قرآنی و حدیثی بخش مهم بیانیه گام دوم یعنی توصیه های آن را کشف و تبیین نماید.

پیشینه

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن سال ۱۳۹۷ از سوی مقام معظم رهبری علیه السلام ارائه گردید و بیشتر آثار موجود ناظر به تبیین و تفسیر آن است و یا هنوز به مرحله انتشار نرسیده است. با رویکردی که این تحقیق به دنبال منابع اجتهادی بیانیه است نیز اثر منتشر شده ای وجود ندارد.

مقدمه

ابلاغ بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی سرآغاز و طلیعه حرکت جدیدی در افق روشن و امیدبخش انقلاب اسلامی است. این گام نو با نگاه کامل به گام گذشته و آسیب شناسی و ظرفیت شناسی و تحلیل دقیق، عالمانه و مجتهدانه مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای علیه السلام است.

در حقیقت این بیانیه را به سه بخش «تبیین وضعیت گذشته»، «تبیین وضعیت موجود»، «توصیه ها نسبت به آینده» می توان تقسیم کرد که این مقاله در صدد یافتن پشتوانه های قرآنی و حدیثی بخش سوم یعنی توصیه هاست.

این توصیه ها به طور کلی در سه دسته ذیل تقسیم می شود:

توصیه های ناظر به علم و عقلانیت

توصیه های ناظر به اخلاق و معنویت

توصیه‌های ناظر به عمل و فعالیت

بخش اول) پشتوانه‌های قرآنی توصیه‌های ناظر به عقل و علم

الف) عقل

قرآن کریم در بیش از سیصد آیه انسان‌ها را به تفکر و تعقل و تدبیر دعوت کرده است (علامه طباطبایی، ۱۳۹۰، ۲۵۵/۵ و ۲۵۵/۵ و مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، ۱/۱۸۸) و مشتقات واژه «عقل» بیش از ۴۹ بار با صیغه فعلی در قرآن کریم بکار رفته است که بیانگر اهمیت و جایگاه بکار گرفتن عقل است.

آیات مربوط به تفکر و تعقل در قرآن کریم را به دودسته کلی می‌توان تقسیم کرد: آیاتی که بیانگر ارزش و دعوت به تعقل در امور مختلف، همچون مبدأ و معاد (بقره/۲۴۲. بقره/۷۳) زنده شدن زمین بعد از مردن آن (حدید/۱۷. رعد/۴) شب و روز و خورشید و ماه و... (نحل/۱۲) آفرینش انسان (غافر/۶۷) آثار گذشتگان (یوسف/۱۰۹) اعجاز قرآن و محتوی و نزول آن (نساء/۸۲ - زخرف/۳) برتری آخرت بر دنیا (انعام/۳۲) نشانه‌های مختلف خداوند در عالم هستی (بقره/۱۶۴) پذیرش سخن حق (زمر/۱۷.۱۸) و... است. آیاتی که عدم بکارگیری عقل را نکوهش کرده و به آثار عدم خردورزی مانند دوری از هدایت الهی، جدا شدن از ارزش‌های انسانی و ارتکاب گناهان، اشاره می‌کند (بقره/۱۷۰. مائده/۱۰۳. حشر/۱۴. انعام/۳۲ و...).

در قرآن کریم تعابیری همچون شعور (انعام/۱۲۳)، فقه (منافقون/۷)، درایت (طلاق/۱)، حکمت (یونس/۳۵) و بصیرت (آل عمران/۱۳. حشر/۲ و...) نیز به معنای عقلانیت بکار رفته اند (المیزان، ۳۷۱/۲). البته در این تعابیر واژه «بصیرت» بیشترین تکرار را در قرآن دارد. بصیرت، به معنای هوشمندی، شناخت دوست و دشمن، شناخت درست از نادرست و قدرت فهم و تحلیل است که مانع جذب انسان به جاذبه‌های دروغین می‌شود و به انسان کمک میکند تا گرفتار بیراهه‌ها و کج‌راهه‌ها نشود (آیت الله خامنه‌ای، بیانات، ۲۶/۰۱/

۱۳۷۰ و ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۹۰ و ۲۶ / ۰۸ / ۱۳۹۵) و این همان عقلانیت دینی است. از این رو انسانیت انسان به معنای واقعی با بصیرت او سنجیده میشود (امام خمینی، صحیفه امام، ۴۶۲/۸).

در خصوص روایات اولین فصل از کتاب کافی به بیان بخشی از روایات مربوط به عقل اختصاص یافته است. در برخی روایات عقل به عنوان حجت باطنی الهی در عرض نقل که حجت ظاهری الهی است معرفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ۱، ۱۶ و ۲۵). عقل معیار درک خیر و دین‌داری انسان است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۵۴ و کلینی، ۱۴۰۷، ۱، ۶) و در برخی روایات عقل، معیار محاسبه در قیامت معرفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۱) و حدیث معروف به جنود عقل و جهل - به عنوان یک منشور کلی - مجموعه‌ای از صفات حسنه و سجایای اخلاقی را به عنوان لشگریان عقل معرفی می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۲).

در متون دینی واژه «جهل» در موارد متعدد به معنای نابخردی و در مقابل عقل بکار رفته است؛ (علامه طباطبایی، ۱۳۹۰، ۲۴۷/۲ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۳/۳۱۳) مانند: یوسف/۳۳ و ۹؛ بقره/۶۷؛ نمل/۵۵. بر این اساس در کتاب شریف کافی نیز عقل در برابر واژه جهل قرار گرفته است نه علم. از این رو جهالتی که در برابر بعثت پیامبران قرار گرفته است به معنای عدم علم نیست؛ بلکه به معنای نابخردی و حاکم شدن شهوت و غضب بر زندگانی بشر است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۲/۱۶) به طوری که اعمال و رفتار انسان تحت تأثیر قوه واهمه او قرار می‌گیرد که چنانچه تحت نظام عقلی نباشد، ذاتاً مایل به دنیا و شرور است. (امام خمینی، ۱۳۸۲، ۲۱)

ب) علم

در تبیین نسبت اسلام با علم به معنای مطلق آگاهی، شواهد تاریخی و نقلی نشانگر دعوت اسلام به جهل‌ستیزی، تفکر و علم‌آموزی و عدم پیروی کورکورانه از تعالیم دینی، می‌باشد. اسلام به عنوان دین علم و کتابت، همواره عالمان و جویندگان علم را تشویق (هروی، کتاب و کتابخانه، ص ۳۷۳) و از آغاز ظهور و با نزول اولین آیه از قرآن به پیامبر

اعظم علیه السلام، ارزش والای علم‌آموزی، خواندن و نوشتن را تبیین کرده است. بر اساس تعالیم اسلام، تحصیل علم بر هر فرد مسلمان واجب بوده و محدودیت‌های زمانی و مکانی و اعتقادات صاحبان علم نباید مانع از آموختن و شاگردی مسلمانان شود (مطهری، ۱۳۹۸، ص ۱۵۸ - ۱۶۱). در آیات متعددی همچون «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَ الْأَلْبَابِ» (زمره، آیه ۹) قرآن کریم با اشاره به فضیلت مطلق علم و برابر ندانستن عالمان و جاهلان، عالمان و خردمندان را بر جاهلان رجحان نهاده و تنها عالمان را متوجه حقایق امور معرفی می‌نماید. (طباطبائی، جلد ۱۷، صص ۳۷۰ - ۳۷۱).

علاوه بر دعوت اسلام به علم‌آموزی به معنای عام، تأکیدات پیشوایان دین بر پرداختن به تجربه و مشاهده عینی در فرایند علم‌اندوزی از یک سو (جعفری، ۱۳۸۳، ص ۳۰)، و اهتمام و ابتکار مسلمانان در رشته‌های تجربی علمی از سوی دیگر، موجب تولید آثار علمی با استفاده از روش‌های تجربی شد. دغدغه مسلمانان برای انجام کامل فرایض دینی و تعیین اوقات شرعی، باعث شد تا علوم مانند نجوم، ریاضی و طب، در زمره اولین علوم تجربی مورد توجه مسلمانان قرار بگیرند. در ادامه توفیقات بدست آمده، مسلمانان با صبر و حوصله فراوان، مسیر تحقیقات تجربی را ادامه داده و قواعد مختلف نظام خلقت را احصا و نظریه‌پردازی کردند (هونکه، برد و هابنر، ۱۹۹۴). دستاوردهای دانشمندان مسلمان همچون جابرین حیان در علم شیمی، از شاگردان مستقیم امام صادق علیه السلام و بسیاری دیگر، حکایت از ترغیب پیشوایان دین به علوم تجربی دارد (خویی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۱۰).

همچنین، اسلام مبادرت به ایجاد تمایز بین علم نافع و غیرنافع کرده و معصومین علیهم السلام از جمله امیرالمومنین علی علیه السلام از علم غیرنافع، به خداوند پناه می‌برند (نهج البلاغه، نامه ۳۱). منظور از علم نافع، دانشی است که با تبدیل شدن به عمل، زمینه طی مسیر کمال را برای انسان فراهم کرده و علاوه بر عالم، برای دیگران نیز منفعت ایجاد کرده (خان‌محمدی و باقری، ۱۳۸۹) و مسائل کشور را حل نماید (بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها - ۱۳۹۸/۰۳/۰۸ - <https://farsi.khamenei.ir/speech->

content?id=42700). از این رو، محدودیتی در آموختن علوم مفید برای جامعه اسلامی، وجود ندارد. اسلام موافق و مشوق علم و صنعتی است که در خدمت پیشرفت و تمدن بشری قرار بگیرد؛ و نه ترویج منکرات و فحشا (موسوی خمینی، ۱۳۹۲).

بخش دوم) پشتوانه های قرآنی توصیه های ناظر به اخلاق و معنویت

الف) معنویت

در فرهنگ اسلامی و متون روایی بحث از ایمان و معنویت و یاد خدا اهمیت ویژه‌ای داشته و در دستوره‌های عبادی و غیر عبادی ادیان الهی مخصوصاً اسلام، آمده است تا انسان‌ها را از مسیر بی‌راهه باز دارد (مطهری، مجموعه آثار، ۴/۴۴۳). در اسلام خبری از گناه ازلی و آلودگی مادرزادی نیست؛ بلکه او دارای فطرت پاک الهی است و با اعمال اختیاری خود به روح یا نفس خود شکل می‌دهد.

از نظر اسلام معنویت جدا از زندگی و تنها متعلق به جهان آخرت نیست. با عنایت به اینکه مبنای توجیه معنویت، ایمان به غیب و باور به خدا است، از اینجا معلوم می‌شود ماتریالیسم ریشه در ضد معنویت داشته و مکاتب مادی، مکاتب معنویت‌گریز و معنویت‌ستیزند (مطهری، مجموعه آثار، ۱/۵۷۹؛ آیت الله خامنه‌ای، ۲۲/۲/۱۳۶۹ بیانات در دیدار روحانیون و ائمه‌ی جمعه و جماعات استان مازندران؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2307>) در جهان‌بینی اسلامی معنویت یکی از فضائل و ارزش‌های عالی و والای انسانی به شمار می‌رود که زمینه اصلاح برون و گسترش ارزش‌های انسانی در محیط زندگی و جوامع بشری را فراهم می‌کند. (ر.ک: مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/۱۵۰) در این گونه جهان‌بینی، انسان از موقعیت ممتازی برخوردار است در منطق اسلام انسان هم مسئول تربیت، تعالی، تزکیه و تطهیر خود بوده و هم مسئول ساختن دنیا است. انسان در الگو و نگاه اسلامی موجودی است دو بعدی (طبیعی و الهی)؛ اما در نگاه غربی، انسان مادی محض است و هدف او لذت‌جویی و بهره‌مندی از لذات زندگی دنیاست، براین

اساس انسان‌شناسی اسلام با انسان‌شناسی مکاتب غربی اختلاف بنیادین دارند. مکتب «نیهیلیسم» و پوچ‌گرایی جزو آثار و نتایج زندگی مادی در غرب است؛ که از جمله آن فقر معنویت است که عمدتاً جوانها را به پوچی می‌کشاند (ر. ک: آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۲۲ بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7585>) اما در جهان بینی اسلام، ثروت و قدرت و علم، وسیله‌اند برای تعالی انسان. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۲/۲۵ بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد؛ [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3383)

ایمان به عنوان اساس معنویت

ایمان در اصطلاح آیات و روایات عبارت است از معرفت و اعتقاد قلبی به خداوند متعال، فرشتگان، آخرت، وحی و کتاب‌های آسمانی، انبیاء، پیامبر اکرم ۹ و اهل بیت آن حضرت: .

آیات و روایات متعدد متعلق ایمان را بیان نموده‌اند؛ از جمله آن‌که قرآن کریم متعلق ایمان را وجود خداوند، فرشتگان، کتاب‌های آسمانی و پیامبران دانسته و می‌فرماید:

(أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ، كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ...)^۱

افزون بر آن، قرآن مجید ایمان به آخرت را از حقیقت ایمان برشمرده است:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ، وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا)^۲

قرآن حکیم از ایمان به این حقایق با عنوان «ایمان به غیب» نیز تعبیر نموده و می‌فرماید:

(ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...)^۳

۱. بقره: ۲۸۵.

۲. نساء: ۱۳۶.

۳. بقره: ۲ و ۳.

همچنین در روایات فراوان ایمان به ولایت اهل بیت: بخشی از متعلق ایمان معرفی شده است؛ از جمله در زیارت جامعه کبیره - که از امام هادی علیه السلام روایت گردیده - آمده است:

«أَشْهَدُ اللَّهَ وَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِمَا أَمَنْتُمْ بِهِ، كَافِرٌ بَعْدُوكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ... مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ، وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ، وَأَوْلَكُمْ وَآخِرِكُمْ، وَمُفَوِّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ وَمُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ. وَقَلْبِي لَكُمْ سِلْمٌ، وَرَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ...»^۱

مهم ترین موانع معنویت:

با توجه به اهمیت معنویت، در قرآن و روایات بر موانع آن و لزوم رفع موانع هم تأکید شده است:

تبعیت از هوای نفس: در متون دینی یکی از موانع معنویت تبعیت از هوای نفس معرفی شده است قرآن کریم در آیه ۱۰ سوره شمس فرموده است آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است «وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا». دنبال کردن هوای نفس انسان را از پیمودن راه الهی نگه می‌دارد و مقابله با آن انسان را سعادتمند می‌کند. (آیت الله خامنه‌ای دام ظلّه، ۱۳۷۳/۶/۲۹، بیانات در دیدار فرماندهان سپاه؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2726>) قرآن کریم در آیه ۲۳ سوره نجم هوای نفس را مانند تکیه بر ظن و گمان یکی از عوامل لغزش می‌داند «إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ مَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ» (ر.ک: مطهری، مجموعه آثار، ۶۷/۲؛ ۴/۴۹۳) همچنین تبعیت از تمایلات نفسانی اسارت و بردگی و بندگی نفس «أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» (فرقان، ۴۳) تلقی می‌شود. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۵/۲۴۳) پیروی از شهوات و اطاعت از هوای نفس موجب محرومیت انسان از دست‌یابی به مقامات معنوی و ملکوتی می‌گردد. (آیت الله خامنه‌ای دام ظلّه، ۱۳۷۲/۱/۴، بیانات در دیدار کارگزاران نظام؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=11684>)

حب دنیا: در متون دینی حب دنیا مورد مذمت واقع شده است (آل عمران، ۱۵۲؛ نحل،

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲، ص ۶۱۴، شیخ صدوق.

۱۰۷) و دل بستن به دنیا در رأس همه خطاها و گناهان بیان گردیده است (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۳۱/۲؛ ر. ک: آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷//۶/۳۰ خطبه‌های نماز جمعه تهران؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3813>) و کسی که در دنیا خدا را نشناخته و از حب خدا و رضا و خشنودی حق تعالی چیزی درک نکرده در آخرت نیر محجوب است؛ چنانکه خداوند گمراهان و نابینایان در دنیا را گمراه در آخرت معرفی فرموده است «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا» (اسراء، ۷۲؛ ر. ک: مطهری، مجموعه آثار، ۷۵/۲۷) حب دنیا و دل بستگی‌های شخصی موجب می‌شود که انسان حقیقت را آنچنان که هست ادراک نکند. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۲/۲، بیانات در جلسه بیست و سوم تفسیر سوره بقره؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17178>)

غفلت و فراموشی آخرت: قرآن کریم غفلت از یاد خداوند را از ویژگی‌های کفار برمی‌شمارد (ق، ۲۲) و آن را سبب نسیان (حشر، ۱۹) و سختی در معیشت دنیا می‌داند (طه، ۱۲۴) در روایات نیز غفلت سبب خسران، کور شدن چشم بصیرت، فساد اعمال، گمراهی نفس و مردن قلب، معرفی شده است (آمدی، ۱۳۶۶، ۲۶۶)

ب) اخلاق

اسلام اخلاق و آموزه‌های اخلاقی توجه ویژه‌ای داشته و در قرآن کریم بر آن تاکید شده است، که از مهم‌ترین آنها، ستایش پیامبر اسلام بر وصف اخلاقی بودن؛ «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ». (قلم، ۴؛ ر. ک: آیت الله خامنه‌ای دام ظلّه، ۱۳۸۵/۵/۳۱) در موارد متعددی نیز از صفات اخلاقی برخی از انبیاء و بندگان خالص نام برده است. از آن جمله: حضرت نوح علیه السلام را شکر گزار، (اسراء، ۳) ابراهیم علیه السلام را تسلیم، (بقره، ۱۳۱) شکر گزار نعمت‌های الهی، (نحل، ۱۲۱) راستگو (مریم، ۴۱) و وفادار به پیمان‌ها (نجم، ۳۷)، ادریس را راستگو (مریم، ۵۶)، اسماعیل را صابر، (انبیاء، ۸۵؛ صافات، ۱۰۲) یوسف را به اخلاص در بندگی (یوسف، ۲۳ - ۲۴) ایوب را صابر و اواب (ص، ۴۴) معرفی می‌کند. و در مواردی از فساد اخلاقی برخی از امت‌ها و ملل یاد کرده‌است؛ از آن جمله: ظلم و ستم قوم نوح، (نجم، ۵۲) نسبت‌های

خلاف اخلاق قوم عاد از قبیل سفاهت و دروغ به هود علیه السلام (اعراف، ۶۶) فحشاء و کارهای ناشایست قوم لوط (اعراف، ۸۰-۸۱) کم فروشی و تبه کاری قوم شعیب (شعراء، ۱۸۱-۱۸۳) و شماری از انحراف های اخلاقی بنی اسرائیل مانند: حرص، (بقره، ۹۶) حب دنیا (بقره، ۸۵-۸۶) و پیمان شکنی (بقره، ۶۳-۶۴) همچنین در آیاتی به بیان سعادت و شقاوت، (هود، ۱۰۵؛ شمس، ۹-۱۰) هدایت و گمراهی، (تغابن، ۶) اصلاح و افساد، (انفال، ۱؛ شعراء، ۱۸۱-۱۸۳) تزکیه نفس (شمس، ۹) پرداخته و آیاتی دیگر برخی از مصادیق اخلاقی را بیان نموده اند مانند: تقوا، (بقره، ۲، ۲۱، ۱۰۳؛ آل عمران، ۱۵، ۱۰۲؛ حجرات، ۱۳) توکل، (آل عمران، ۱۲۲، ۱۵۹-۱۶۰؛ نساء، ۸۱؛ مائده، ۱۱، ۲۳) شکر، (بقره، ۱۵۲، ۱۷۲؛ آل عمران، ۱۴۵؛ نساء، ۱۴۷) صبر (بقره، ۴۵، ۱۵۳، ۱۵۵؛ آل عمران، ۱۲۰) و ایثار (بقره، ۲۰۷؛ حشر، ۹؛ انسان، ۸).

در روایات نیز این موضوع دارای اهمیت ویژه ای بوده و افزون بر کتاب هایی که با نام «مکارم الاخلاق» مانند مکارم الاخلاق طبرسی و مکارم الاخلاق ابن ابی الدنیا، نگارش یافته، در بسیاری از متون روایی بابتی بدان اختصاص یافته؛ چنانکه کلینی علاوه بر آنکه جلد دوم از کتاب الکافی را به این موضوع اختصاص داده به طور اختصاصی ذیل «باب المکارم» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۵۵)، محمد ابن همام اسکافی ذیل «باب فی اخلاق المؤمنین و علامات الموحدین» (ر. ک: اسکافی، ۱۴۰۴، ۶۶) شیخ صدوق ذیل باب «معنی مکارم الاخلاق» (صدوق، ۱۳۶۱، ۱۹۱) به طرح و بیان این موضوع پرداخته اند. افزون بر موارد یاد شده می توان گفت در همه متون روایی به تناسب مباحث، روایات متعددی در بیان و اهمیت مسائل اخلاقی بیان شده؛ هرچند بابتی ذیل این موضوع تدوین نگردیده است. (ر. ک: صدوق، ۱۴۱۷، ۲۹۰؛ ۳۵۵؛ همو، ۱۴۰۳، ۱۲۵، ۴۳۱؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۶-۸، ۲۱۵؛ خزاز قمی، ۱۴۰۱، ۲۵۱؛ مفید، ۱۴۱۴، ۲۲۵)

بخش سوم) پشتوانه های قرآنی توصیه های ناظر به عمل و فعالیت

در این ساحت یک بحث عام قرآنی و حدیثی نسبت به عمل می توان انجام داد و یک بحث خاص مربوط به عناوین عملی ذکر شده در بیانیه یعنی:

۱. اقتصاد
۲. عدالت و مبارزه با فساد
۳. استقلال و آزادی
۴. عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن
۵. سبک زندگی

الف) عمل به معنای عام در قرآن و حدیث

عمل به معنای فعالیت و کار

در قرآن کریم بیش از ۱۰۰ آیه (البته برخی تا ۴۰۰ آیه هم برشمرده اند) در تشویق به کار و تلاش و بیان ارزش و اهمیت کار و تلاش وارد شده است. و هم چنین تعدادی از آیات به مشاغل پیامبران بزرگوار الهی پرداخته که آنها در کنار رسالت مندی و هدایت گری برای جامعه اسلامی اشتغال به کار و فعالیت داشته تا هم معاش خویش را تأمین نمایند و همدیگران را در این مسیر تشویق به کار و تلاش کنند به همین جهت به مشاغل برخی از آنان اشاره می شود. براساس برخی از آیات از جمله سوره هود آیه ۳۷، سوره قصص آیه ۲۷، سوره انبیاء ۸۰ و... شغل حضرت نوح علیه السلام را نجاری و شغل حضرت شعیب علیه السلام را دامداری و کارگری و شغل حضرت موسی علیه السلام را شبانی و کارگری و شغل حضرت داود را زره سازی و آهنگری و شغل حضرت آدم علیه السلام را کشاورزی و شغل حضرت ابراهیم علیه السلام را کشاورزی و دامداری، شغل حضرت ادریس علیه السلام خیاطی و حضرت یعقوب و ایوب به زراعت و دامداری و شغل حضرت هود و صالح تجارت و حضرت سلیمان حصیربافی و حضرت عیسی صیادی و نجاری و حضرت محمد صلی الله علیه و اله تجارت و صیادی و شبانی بوده است.

قرآن کریم در آیات ذیل انسان را تشویق و ترغیب به کار و تلاش نموده است: «إِنَّ سَعِيكُمْ لَشْتَىٰ» (لیل ۴)

«و ان لیس للانسان الا ما سعی» (نجم ۳۹) و اینکه برای انسان جز سعی و کوشش او نیست و سعیش بزودی دیده می شود او به نتیجه اش می رسد. سپس به او جزای کافی داده خواهد شد. «کل نفس بما کسبت رهینه...»

عمل به معنای عمل صالح

پس از کسب ایمان، مهم ترین اصل تربیت اخلاقی که قرآن کریم و روایات معصومان: بر آن بسیار تأکید کرده اند، بایستگی مبادرت به عمل صالح است. از دیدگاه قرآن و سنت همان گونه که ایمان در شکل گیری و انجام عمل صالح مؤثر است، عمل صالح نیز در تثبیت و تقویت ایمان نقشی اساسی دارد. از این رو قرآن مجید عمل صالح را موجب بالا رفتن اعتقاد - یعنی ایمان - دانسته و می فرماید:

(...إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ، وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ...)^۱.

نیز در روایتی از امام صادق ۷ آمده است:

«... لَا يَثْبُتُ لَهُ الْإِيمَانُ إِلَّا بِالْعَمَلِ، وَالْعَمَلُ مِنْهُ»^۲.

ایمان برای مؤمن محقق نمی شود مگر با عمل، و عمل نیز ناشی از ایمان است.

همچنین درباره رابطه ایمان و عمل صالح از امیر مؤمنان ۷ روایت شده:

«... فَبِالْإِيمَانِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحَاتِ، وَبِالصَّالِحَاتِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ»^۳.

آدمی با ایمان بر امور صالح - از جمله اعمال صالح - رهنمون می شود، و با امور صالح بر

ایمان رهنمون می گردد.

به عبارت دیگر معیار «صدق ایمان»، بندگی خداوند در مقام عمل و انجام اعمال

صالح است. قرآن کریم از این امر با عنوان امتحان الهی یاد کرده است:

(أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا: «آمَنَّا» وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ؟)^۱.

۱. فاطر: ۱۰.

۲. الکافی: ج ۲، ص ۳۸، شیخ کلینی.

۳. نهج البلاغة: کلام ۱۵۶، ص ۲۱۹، سید رضی.

نیز هدف از مرگ و زندگی انسان را امتحان او برای انجام اعمال نیکوتر ذکر کرده است:

(الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا، وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ).^۲

همچنین در روایتی، امیر مؤمنان^۷ رابطه واقعی بین «اعتقاد به آخرت و عمل به مقتضای آن» و نیز بین «محبت به صالحان و عمل آنان» را بیان نموده، و ما را به عمل صالح برای آخرت، دل‌کندن از زخارف دنیا و رسیدن به مقام صالحان موعظه کرده‌اند:

«لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بِغَيْرِ عَمَلٍ وَ يُرْجَى التَّوْبَةَ بِطُولِ الْأَمَلِ، يَقُولُ فِي الدُّنْيَا بِقَوْلِ الرَّاهِدِينَ وَ يَعْمَلُ فِيهَا بِعَمَلِ الرَّاعِبِينَ... يُحِبُّ الصَّالِحِينَ وَ لَا يَعْمَلُ عَمَلَهُمْ».^۳

و بنابر روایت زیر امام صادق^۷ ضمن آن‌که ایمان را صرف آراستگی ظاهری به اعمال خوب و یا آرزوی بدون عمل ندانسته‌اند، ایمان را به امری (اعتقاد) خالص در قلب‌ها تعریف نموده‌اند که اعمال صالح آن را تصدیق می‌کند:

«لَيْسَ الْإِيمَانُ بِالتَّحَلِّيِّ وَ لَا بِالتَّمَنِّيِّ، وَ لَكِنَّ الْإِيمَانَ مَا خَلَصَ فِي الْقُلُوبِ وَ صَدَّقَتْهُ الْأَعْمَالُ».^۴

در نقطه مقابل، اعمال کسانی که از نور ایمان الهی بهره‌ای نبرده‌اند و در گمراهی دنیا ركون یافته‌اند، ارزش نداشته و ضایع و تباه می‌باشد:

(قُلْ: هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا؟ * الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا. * أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَ لِقَائِهِ، فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ، فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا).^۵

نیز آنان که در دنیا ایمان نداشته و یا همراه ایمان خود عمل صالح و خیری کسب

۱. عنكبوت: ۲.

۲. ملک: ۲.

۳. نهج البلاغة: حکمت ۱۵۰، ص ۴۹۷، سید رضی.

۴. تحف العقول: ص ۳۷۰، شیخ ابن شعبه حرانی.

۵. کهف: ۱۰۳-۱۰۵.

نکرده‌اند، در آخرت از نعمت‌های بی‌پایان الهی بهره‌ای نخواهند داشت:
 (... يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي
 إِيْمَانِهَا خَيْرًا...)^۱.

۳. پرهیز از عمل سیئی

در کنار عمل صالح، پرهیز از عمل سیئی (بد و زشت) از مهم‌ترین اصول تربیت اخلاقی به‌شمار می‌رود؛ زیرا همان‌گونه که عمل صالح در ارتقای ایمان و کسب اخلاق نیک مؤثر است، عمل سیئی نیز در آلودگی روح، ضعف و از دست دادن ایمان و سقوط آدمی به ورطهٔ هلاکت بسیار تأثیرگذار است. روایت زیر از امام صادق علیه السلام شدت زخم و جراحت روح در اثر کار زشت را بیان می‌نماید:

«... وَإِنَّ الْعَمَلَ السَّيِّئَ أَسْرَعُ فِي صَاحِبِهِ مِنَ السِّكِّينِ فِي اللَّحْمِ»^۲.

نیز بنابر روایتی امام باقر علیه السلام ضمن هشدار به تأثیر شدید گناه بر جان انسان، ضرورت حفظ طهارت قلب را برای بهشتی شدن این‌گونه بیان نموده‌اند:
 «الدُّنُوبُ كُلُّهَا شَدِيدَةٌ، وَأَشَدُّهَا مَا نَبَتَ عَلَيْهِ اللَّحْمُ وَالدَّمُ... وَالْجَنَّةُ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا
 طَيِّبٌ»^۳.

همچنین بنابر روایت دیگر، آن حضرت پیدایش زنگار دل (زین قلب) را اثر تکرار گناه و توبه نکردن از آن دانسته و فرموده‌اند:

«مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةٌ بَيْضَاءُ، فَإِذَا أذْنَبَ ذَنْبًا حَرَجَ فِي التُّكْتَةِ نُكْتَةً سَوْدَاءَ؛ فَإِنْ تَابَ ذَهَبَ ذَلِكَ السَّوَادُ، وَإِنْ تَمَادَى فِي الدُّنُوبِ زَادَ ذَلِكَ السَّوَادُ حَتَّى يُعْطِيَ الْبَيَاضَ، فَإِذَا غَطَّى الْبَيَاضَ لَمْ يَرْجِعْ صَاحِبُهُ إِلَى خَيْرٍ أَبَدًا، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: (كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ

۱. أنعام: ۱۵۸.

۲. الکافی: ج ۲، ص ۲۷۲، شیخ کلینی.

۳. همان: ج ۲، ص ۲۷۰، همو.

ما کأنوا یکسبون^۱»^۲.

بنابر این آنان که پی‌درپی به کارهای زشت پرداخته و از آن توبه نمی‌کنند، فطرت الهی خویش را مدفون کرده و در نتیجه، رفتاری جز تکذیب آیات و نشانه‌های الهی، کفر و تکبر در برابر حق نخواهند داشت:

(ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُوا السُّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ).^۳

ب) عمل به معنای امور خاصی که در بیانیه در عرصه عملی تأکید شده، در قرآن و

حدیث

۱. اقتصاد

اسلام همانند دیگر مکاتب از نظام و مکتب اقتصادی برخوردار است (صدر سیدمحمد باقر، اقتصادنا ۱۴۰۸ ق، ص ۳۱ و ۳۰-۳۳۱؛ همو، ۱۹۷۳ م: ص ۱۴۰؛ نامه مفید، ص ۵۷؛ مطهری، ۱۳۶۸ «ب»: ص ۳۷). اسلام از بدو ظهور متعرض نظام‌های حاکم در جامعه بوده و خود دارای سیستم و نظام خاص اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است و برای تمامی ابعاد و شؤون زندگی فردی و اجتماعی قوانین خاصی دارد و جز آن را برای سعادت جامعه نمی‌پذیرد (صحیفه امام، ج ۵، ۳۸۹). شاهد بر این ادعا آموزه‌های اقتصادی قرآن است که ابعاد زندگی انسان را فرا گرفته و خطوط اصلی روابط اقتصادی و حقوق اقتصادی افراد را تبیین نموده است. (ر.ک: ادامه مقاله)

در آیات ۵۸ تا ۶۲ سوره بقره به زندگی شهرنشین بنی اسرائیل و ضرورت آشنائی آنان با اقتصاد مطرح شده است. آنان وقتی اجازه ورود به بیت المقدس را یافتند ملزم به مراعات شرایط و ضوابط زندگی شهری و قوانین اقتصادی شدند. (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۴۹)

۱. المطففین: ۱۴.

۲. الکافی: ج ۲، ص ۲۷۳، شیخ کلینی.

۳. روم: ۱۰.

و در آیات ۴۰ سوره غافر و ۱۰ سوره اعراف به رابطه میان مکاتب اقتصادی و جهان بینی پرداخته شده است. همچنین در آیه ۲۰ شوری، تفاوت اقتصاد اسلامی با دیگر مکاتب اقتصادی، در رویکرد (دنیاگرایانه یا آخرت‌گرایانه) ترسیم شده است.

به سبب شدت اهتمام اسلام به مسئله اقتصاد برخی از قواعد شرعی اقتصادی مانند قاعده نفی سبیل (نساء / ۴ / ۱۴۱)، قاعده نفی عسر و حرج (حج / ۲۲ / ۷۸)، قاعده اتلاف (۵) (بقره / ۲ / ۱۹۵) قاعده دولة (حشر، ۷) و برخی عقود اسلامی جاری در اقتصاد مانند عقد مضاربه (بقره / ۲ / ۱۸۸)، عقد جعاله (یوسف / ۱۲ / ۷۲)، عقد بیع (بقره / ۲ / ۲۷۵)، عقد قرض (بقره / ۲ / ۲۴۵) و عقود دیگر در قرآن بیان شده است؛ همچنین در آیاتی به اهداف اقتصادی اسلام، استقلال اقتصادی (نساء / ۴ / ۱۴۱ و آل عمران / ۳ / ۱۳۹)، حفظ حاکمیت و اقتدار سیاسی (انفال / ۸ / ۶۰ و هود / ۱۱ / ۱۱۳)، تأمین رفاه عمومی و مبارزه با فقر (اعراف / ۷ / ۳۲ و توبه / ۹ / ۶۰)، برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی (بقره / ۲ / ۲۶۸) اشاره گردیده است. در جوامع حدیثی نیز ابواب فقهی مختلفی مانند تجارت، مکاسب، معاملات و سایر مباحث مربوط به اقتصاد مطرح شده که همه شاهدی بر جایگاه اقتصاد در اسلام است. رسول خدا ﷺ سعی و تلاش انسان برای تأمین معاش زندگی را با جهاد مجاهد مساوی دانسته است: «الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله» اهمیت کار در مکتب اسلام به حدی است که بعد از نماز که ستون دین است از طلب روزی و در پی کسب بودن یاد شده و بر فریضه بودن آن تصریح شده است: «طلب الکسب فریضة بعد الفریضة». این روایات حاکی از اهمیت مقوله اقتصاد و جایگاه ویژه آن در آموزه‌های اسلامی است؛

چنانکه شروع اسلام و تبلیغ آن توسط پیامبر اکرم ﷺ به پشتوانه ثروت حضرت خدیجه رضی الله عنها بود آن حضرت بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی، همه اموال خویش را در راه اقامه توحید در جامعه شرک‌آلود بعثت، در اختیار پیامبر ﷺ گذاشت. (صدوق، امالی، ۴۶۸) اموال خدیجه رضی الله عنها به قدری زیاد بود که تا هجرت رسول خدا ﷺ به مدینه، توسط آن حضرت صرف تقویت اسلام شد رسول خدا ﷺ در واپسین روزهای خود در مکه، به حضرت علی رضی الله عنه

دستور داد به کمک اموال باقی مانده خدیجه علیها السلام برای هجرت خود و همراهانش، چند شتر بخرد؛ تا زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه بود، با مال خدیجه علیها السلام بدهکار و اسیر را آزاد و ناتوان دست‌گیری می‌کرد و به نیازمندان می‌بخشید و فقرای اصحاب خود را مهمان می‌کرد و هزینه آنان را که می‌خواستند هجرت کنند، می‌پرداخت. (مجلسی، بحارالانوار، پیشین، ج ۱۹، ص ۶۳)

چنانکه امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز علاوه بر احداث باغات متعدد در اطراف مدینه، با خرید زمین درخود مدینه، باغهای متعددی ایجاد کرد، چاه‌های پرآبی را حفر و وقف نمود (حسینی، ۱۳۸۰، ۷ / ۲۵۳ - ۲۵۷) و می‌فرمود هر کس آب و خاک در اختیار داشته باشد و فقیر بماند خداوند او را از رحمت خویش دور می‌سازد. (مجلسی، ۱۰۳ / ۶۵).

در اندیشه انقلاب اسلامی نیز به تبع آیات و روایات یادشده، بر این باور تأکید می‌شود که اسلام در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیازهای مردم را برای ترقی واقعی برآورده کرده (صحیفه امام، ج ۴، ۱۴۵) و تمام آرزوهای بشری را به طور شایسته در دسترس آنها قرار داده است و قوانین اسلام اعم از قوانین اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و معنوی قوانین غنی‌ای است. (صحیفه امام، ج ۵، ۴۰۵) نگاه گسترده اسلام به عدالت اجتماعی و بحث درباره نظام مالی در حوزه عدالت اجتماعی و دیدگاه‌های مربوط به آن و رعایت مصالح فردی و اجتماعی به گونه‌ای که به هیچ یک از فرد و اجتماع آسیبی نرساند (سیدقطب، عدالت اجتماعی در اسلام، ۱۷۱). دیدگاهی است که شاید تا کنون در هیچ یک از جوامع اسلامی تحقق نیافته و حمایت نشده است. اما نظام اسلامی ایران که مبتنی بر اصل ولایت فقیه است. تمام توان و تلاش خود را به کار گرفته است که این نظریه ارائه شده در شریعت مقدس اسلامی را در فضای جامعه و مدل حکومتی الهی خود محقق سازد و آن را به مثابه مسئولیتی عظیم برای خود قلمداد می‌کند (آیت الله خامنه‌ای، حدیث ولایت، ۱۳۶۹، ۳). بنابراین اسلام اقتصاد را به صورتی سالم و بدون وابستگی و برای رفاه همه مردم و با اهمیت به مستمندان و ضعیفان بارور می‌کند (صحیفه امام، ج ۱، ۳۴۳). و بهبود معیشت از جمله‌ی

چیزهایی است که مردم را به بهشت نزدیک میکند جامعه‌ای که در آن فقر، بیکاری، مشکلات معیشتی غیر قابل حل، اختلاف طبقاتی، تبعیض وجود داشته باشد، حالت آرامش ایمانی پیدا نمیکند. فقر، انسانها را به فساد و کفر میکشاند (كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا). (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۰۷)؛ از این رو برای ریشه کنی فقر باید فعالیت اقتصادی به طور جدی در برنامه‌های مسئولین قرار بگیرد، (آیت الله خامنه‌ای دام ظلّه، بیانات، ۱۳۹۳/۲/۲۳، بیانات در دیدار مردم استان ایلام در سالروز ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام): <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26388>

۲. عدالت و مبارزه با فساد

خداوند به صراحت، مسلمانان و مومنان را به قیام به قسط و عدل فرامی‌خواند و می‌فرماید، به عدالت، صلح برقرار سازید و دادورزی پیشه کنید. و عدل در هیچ موقعیتی نباید ترک شود: در روایات اسلامی و کلام معصومین نیز بحث از عدالت و وجوه گوناگون آن مطرح بوده است، عدالت میزان و ترازوی خداوند در زمین است، هر که آن را دریابد به بهشت، او را سوق دهد و هر که آن را رها سازد، توسط آن به دوزخ کشیده می‌شود. (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۱۰) عدالت از فضایل بزرگ انسانیت است، عدالت جزئی از فضیلت نیست بلکه همه فضیلتها است. وجور جزئی از رذیلت نیست، بلکه همه رذیلتها می‌باشد. (ر. ک. امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۵۰) مقام قداست عدالت تا آن جا بالا رفته که پیامبران الهی به خاطر آن مبعوث شده‌اند. (مطهری؛ سیری در نهج البلاغه، ص ۱۰۲) فلسفه وجودی (نظام اسلامی و کارگزاران آن)، عدالت است. (آیت الله خامنه‌ای دام ظلّه، ۱۳۸۵/۳/۲۹، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3344>)

عرصه زندگی میدان گسترده‌ای برای طرح عدالت فراهم می‌آورد. شهید مطهری آنچه در قرآن کریم راجع به عدل اجتماعی آمده است را به چهار قسم تقسیم می‌کند:

۱. عدل خانوادگی ۲. عدل قضایی مثل ۶۲ و ۱۳۵ نساء، ۴۵ و ۸۰ مائده ۳. عدل

اصلاحی و اجتماعی، ۷۶ نمل، ۲۱ آل عمران ۴. عدل سیاسی، ۶۰ نساء، ۲، ۸ و ۴۸ مائده (مطهری، ۱۳۷۹، جلد ۶: ۲۱۵)

واقعیت این است که عرصه زندگی و حیات جمعی به عنوان اصلی‌ترین و گسترده‌ترین حوزه عدالت اقسام متعددی از عدالت را در خود جای می‌دهد.

عدالت توزیعی، عدالت تشریحی و تقنینی، عدالت کیفری و قضایی، عدالت سیاسی، عدالت خانوادگی (رعایت عدالت در محیط خانواده نسبت به فرزندان و همسر)، عدالت اجرایی و تدبیری، عدالت صیانتی و حفظی (رعایت عدالت در حفظ مال و جان و آبروی افراد) از زمره زیر شاخه‌های عدالت در عرصه زندگی و حیات جمعی محسوب می‌شوند.

امر الهی به عدالت ورزی "انّ الله یأمر بالعدل و الاحسان" (۹۰ النحل) تمامی عرصه‌های متصور عدالت را پوشش می‌دهد همچنان که این خطاب آحاد جامعه و حاکمان و صاحبان مناصب را به یکسان به عدالت ورزی مکلف می‌کند.

بر خلاف لیبرالیسم کلاسیک و جریان اصلی لیبرالیسم که ایده عدالت اجتماعی را بر نمی‌تابند و دولت را نسبت به حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی مکلف نمی‌دانند، در تعالیم اسلامی تأکید خاصی بر رعایت افراد ضعیف و فقیر و آسیب دیده وجود دارد که بخشی از این تأکید گرچه متوجه آحاد مؤمنان است که از طریق پرداخت مالیات‌های اسلامی (خمس، زکات و صدقات واجبه) و احسان و نیکوکاری به رفع آن اقدام کنند اما وظیفه خاصی متوجه دولت و حاکمان جامعه اسلامی است. امام علی علیه السلام در عهدنامه خویش به مالک اشتر چنین می‌نویسد:

الله الله فی الطبقة السفلی من الذین لا حيلة لهم من المساکین و المحتاجین و أهل البؤسی و الزّمنی فإنّ فی هذه الطبقة قانعا و معتزاً و احفظ لله ما استحفظک من حقّه فیهم و اجعل لهم قسماً من بیت مالک و قسماً من غلات صوافی الإسلام فی کلّ بلد فانّ للأقصی منهم مثل ما للأدنی و کلّ قد استرعیته حقّه (نهج البلاغه نامه ۵۳)

«پس از خدا بترس، از خدا بترس درباره دستة زیردستان درمانده بیچاره و بی چیز و

نیازمند و گرفتار در سختی و رنجوری در این طبقه گروهی خویشتن‌داری کرده و گروهی دست به گدایی دراز می‌کنند پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای آنان معین فرموده است. قسمتی از بیت المال را که در دست‌داری و قسمتی از غلات و بهره‌هایی که از زمین‌های غنیمت اسلام به دست آمده، در هر شهری برای ایشان مقرر دار، زیرا دورترین ایشان را همان نصیب و بهره‌ای است که نزدیکترین آنها دارد و رعایت حق هر یک از آنها از تو خواسته شده است.”

حضرت علی علیه السلام هنگامی که پیرمرد فقیری را مشاهده کرد از احوال وی جو یا شد و پس از اطلاع از اینکه پیرمردی مسیحی و از کار افتاده است، ضمن انتقاد از بی توجهی مردم نسبت به او، دستور داد که از بیت المال برای رفع حوائج او مستمری تعیین کنند. (شیخ حرّ عاملی، جلد ۱۱ باب ۱۹ صفحه ۴۹)

در منطق اسلامی فقرا در اموال غنیاء صاحب حق هستند و سهمی از اموال آنان برای فقراء در نظر گرفته شده است؛ «و فی اموالهم حق للسائل و المحروم» (ذاریات: ۱۹) امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَشْرَكَ بَيْنَ الْاَغْنِيَاءِ وَ الْفُقَرَاءِ فِي الْاَمْوَالِ فَلَيْسَ لَهُمْ أَنْ يَصْرِفُوا إِلَيَّ غَيْرَ شُرَكَائِهِمْ». (شیخ حرّ عاملی، جلد ۶ باب ۴ صفحه ۱۵۰) فقراء نه تنها در اموال توانگران سهمیم و شریک و ذی حق هستند بلکه از برخی روایات استفاده می‌شود که این لزوم برخورداری فقرا از اموال صاحبان ثروت در جامعه اسلامی به حدّی است که رفع‌کننده نیاز آنان باشد. امام صادق علیه السلام از جدّ بزرگوار خویش مولی الموحّدين علی علیه السلام نقل می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيَّ اَغْنِيَاءَ النَّاسِ فِي اَمْوَالِهِمْ قَدْرَ الَّذِي يَسَعُ فُقَرَاءَهُمْ». (قاضی نعمان مغربی، ۱۳۸۳ ق: جلد ۱: ۲۴۵)

گرچه واجبات مالی و حقوقی که اسلام به نفع فقراء بر ثروتمندان جامعه نهاده است وظیفه‌ای فردی بردوش آحاد اغنیاء مسلمان تصور می‌شود اما این به معنای آن نیست که دولت اسلامی و حاکمان جامعه مسئولیتی در امر فقر زدایی بر عهده ندارند زیرا مدیریت کلان دریافت و توزیع صدقات واجبه نظیر زکات بر عهده حاکم جامعه اسلامی است.

۳. استقلال و آزادی

آیات زیادی در قرآن، مبتنی بر آزادی و اختیار انسان است (مطهری، مجموعه آثار، ۱/ ۳۶۰؛ ۳/ ۸۲) و اولین دعوت اسلام، نفخه‌ی آزادی می‌باشد: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا». (مطهری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۶۸) «حریت» در متن ارزش‌های اسلامی است و اسلام، دین آزادی و حریت و مخالف با هرگونه تبعیض طبقاتی است. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۵/ ۱۵۰) آزادی عقیده و مذهب در تاریخ صدر اسلام نیز، مشهود می‌باشد؛ (مطهری، مجموعه آثار، ۲۴/ ۱۲۸ - ۱۲۹، ۱۸۸، ۲۶۷ - ۲۶۹، ۳۷۵ - ۳۷۷) در جایی که آزادی عقیده در هیچ محیط مادی گرایی در جهان، سابقه ندارد. (مطهری، مجموعه آثار، ۱/ ۴۴۴، ۴۸۷)

در قرآن کریم از آزادی اجتماعی نیز سخن به میان آمده و حریت را، از مقاصد انبیا در نجات بشریت از چنگال اسارت و بندگی معرفی می‌کند. (مطهری، مجموعه آثار، ۲۳/ ۴۳۸ - ۴۴۰) در این مورد، دانشمندان اروپایی براین عقیده‌اند که ایمان و اعتقاد به خدا، آزادی فردی را نفی می‌کند و این در حالی است که اسلام، به حکم «فطرت» آزادی و اختیار را مساوی با ایمان و اعتقاد به خدا می‌داند. (مطهری، مجموعه آثار، ۱/ ۵۲۶ - ۵۲۷) و همین طور است که هر چه تاریخ، تکامل می‌یابد؛ آزادی‌های غیر منطقی و دیکتاتورها، جای خود را به آزادی می‌دهند. (مطهری، مجموعه آثار، ۱۵/ ۲۴۲ - ۲۴۴)

آزادی در کالبد قوانین اسلام جریان دارد و این در حالی است که در تمدن غرب که مدافع حقوق بشر و طرفدار آزادی می‌باشند، آزادی به معنای اصیل آن وجود ندارد و مردم در هیچ یک از شئون زندگی خود نه تنها آزادی نداشته، بلکه در باطن امر با دیکتاتوری و استبداد سردمداران حکومت مواجه می‌شوند. (آیت الله خامنه‌ای دام ظلّه؛ ۲۷/ ۱۲/ ۱۳۸۰: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3111>؛ بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۲۲/ ۷/ ۱۳۸۲: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3199>؛ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان زنجان، ۱۹/ ۲/ ۱۳۸۴: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3290>؛ ۲۰/ ۷/ ۱۳۹۰) کرمان،

از آیه «... وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (سوره نساء آیه ۱۴۱) نیز در جهت تامین و حفظ استقلال تام مسلمین در مقابل سلطه کفار استفاده کرده و قاعده فقهی «نفی سبیل» را از آن انتزاع نموده‌اند. بنابر این نفی سبیل چه در فقه و چه در بیان غالب مفسرین از وجوهی مترادف با استقلال می‌باشد. امام خمینی علیه السلام نیز در پیامی به روحانیون و ملت ایران در جهت مخالفت با لایحه کاپیتولاسیون که در ۴ آبان ۱۳۴۳ نگاشتند، پس از بسم الله همین بخش از آیه را نوشتند و در این پیام عیناً دوبار از واژه استقلال کشور سخن به میان آوردند.

۴. عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن

قرآن، سنت و عقل از منابع مبانی نظری سیاست و روابط خارجی اسلام محسوب می‌شود. و از آنجا که مخاطبان قرآن، همه ملت‌ها می‌باشند، از روابط مابین ملت‌ها سخن می‌گوید. اگرچه آیات مربوط به مسائل سیاست خارجی و روابط بین‌الملل به وضوح مشخص نشده است؛ اما قرآن، احکام و مقررات خدا را بر جامعه بشری عرضه می‌کند و اصول و قواعدی را در رابطه با جامعه، بین‌الملل و روابط مابین ملت‌ها مطرح می‌سازد. این نکته در روایات که -گفتار ائمه معصوم علیهم السلام و برگرفته از قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است - نیز صادق می‌باشد و مسائلی در باب حقوق بین‌الملل و اصول آن نیز در سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصوم علیهم السلام آمده است (عمید زنجانی، ۱۳۷۷، ۱۰۵/۳ - ۱۰۷).

تشکیل حکومت، از احکام جدایی‌ناپذیر اسلام و نیاز ضروری جامعه بشریت است و مبنای سیاست خارجی نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) با تأسیس دولت اسلامی شکل گرفت (امام خمینی، بی تا "ج"، ۲۰ - ۲۶). پیامبر (صلی الله علیه و آله)، پس از دیدارهایی با اهل یثرب و عقد پیمان‌هایی با آنها (ابن هشام، بی تا، ۱/ ۴۲۸ - ۴۳۸، ۴۵۴ - ۴۶۶) و به خاطر توسعه اسلام در آن سرزمین، دستور هجرت به یثرب را صادر فرمودند و پس از مدتی به مدینه هجرت نموده و دولت اسلامی را تأسیس کردند (ابن هشام، بی تا، ۱/ ۴۶۸، ۴۸۰). و مواجهه

سیاسی میان سران سایر مجامع در عرصه بین‌الملل، از صدر اسلام و در حکومت نبوی آغاز شد. از این رو، می‌توان حکومت حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را، عالی‌ترین و اصیل‌ترین نمونه عینی حاکمیت و نظام سیاسی برشمرد که بنیان‌ها و اصول آن از دین اسلام و آیات قرآن سرچشمه می‌گیرد. این بنیان‌ها عبارتند از:

توحید: اعتقاد به یگانگی خدا، زیربنا و اساس دین اسلام و ادیان آسمانی است و قرآن کریم زیباترین سخن را سخنی می‌داند که بشر را به خدای یگانه دعوت می‌کند (فصلت، ۳۳) این اصل در دولت نبوی نیز مشهود بوده و محور اصلی دیپلماسی اسلامی است و مبنای دعوت پیامبر از سران بزرگ جهان آن روز نیز قرار گرفته است (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۲/۳۱۶).

دعوت: دعوت، درخواست پذیرش اسلام از غیرمسلمانان به دست مسلمانان است که در سیاست خارجی انبیای الهی از جمله پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز مشهود است (ر.ک: متقی هندی، ۱۴۰۹، ۴/۴۸۳) که به تناسب اوضاع و مقتضیات زمانی و مکانی تحقق می‌یابد. به همین دلیل قرآن کریم، پیامبران را دعوت‌کنندگان دین معرفی می‌کند که بشر را به تعالیم و ارزش‌های وحیانی دعوت می‌کنند (نحل، ۱۲۵؛ شوری، ۱۵).

از این رو، پیش از بعثت حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، جامعه جاهلی و بدوی عرب - که در توحش، جنگ و خونریزی و تفاخر و تعصبات قبیله‌ای به سر می‌بردند - از هسته مرکزی و حکومت قدرتمندی برخوردار نبودند (علیخانی، ۱۳۸۶، ۵۴۳؛ عمید زنجانی، ۱۳۷۷، ۳/۱۲۸ - ۱۳۰) با بعثت حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و تشکیل حکومت در مدینه، در چنین محیطی که آکنده از خشونت و قبیله سالاری بود؛ انقلابی بنیادین در نظام اجتماعی، انسانی، اخلاقی و معنوی عرب پدید آمد و مبانی نژاد پرستی آنها تخریب و معنویت ارتقا پیدا کرد و تلاش نبی اکرم در به وجود آمدن امت واحده، فراتر از مرزهای جغرافیایی تحت حاکمیت قانون الهی صورت پذیرفت (علیخانی، ۱۳۸۶، ۵۷۹ - ۵۸۱).

مصادف با بعثت نبی اکرم (صلی الله علیه وآله)، دولت‌های همسایه جزیره العرب، به دلیل اختلاف داخلی، عدم ثبات و سیطره دو امپراطوری بزرگ ایران و روم، روابط خوبی با هم نداشتند و همواره در رقابت و درگیری سیاسی و نظامی بودند و روابط منازعه آمیزی بر آنها حکمفرما بود (عمید زنجانی، ۱۳۷۷، ۳ / ۱۳۰-۱۳۲). از این رو، پس از صلح حدیبیه و آسودگی پیامبر از ناحیه مشرکین و در شرایطی که جنگ و سلطه جویی بر روابط دولت‌ها حاکم بود، پیامبر تلاش کرد با فرستادن سفیر و پیام به سران حکومت‌ها و ملت‌ها، از جمله دو امپراطوری بزرگ آن زمان، روابط گسترده‌ای با آنها آغاز کند (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۲ / ۳۱۵-۵۰۸).

عدالت: از دیدگاه اسلام، نظام هستی براساس حق و بر محور عدل استوار است و به عنوان یک واقعیت جاودانه، قرآن کریم فلسفه بعثت و انبیای الهی را این اصل کلی بیان می‌کند که پیامبران آمدند تا عدل و دادگری را در زندگی انسان‌ها بگسترانند (حدید، ۲۵). سیاست خارجی دولت اسلامی بر مبنای قرآن کریم ضمن مشروع دانستن روابط بین‌المللی، مسلمانان را به داشتن روابط حسنه براساس قسط و عدل نسبت به کفاری که ستم پیشه و تجاوزکار نباشند، سفارش می‌کند (ممتحنه، ۸).

نفی سبیل: در روایات اسلامی، دفاع از مظلوم و مقابله با ظالم، یک فریضه دینی است (حر عاملی، ۱۴۰۳، ۱۸ / ۵۹۰). این اصل بر تمامی روابط خارجی مسلمانان در زمینه‌های گوناگون سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی حاکمیت دارد و هر نوع نفوذ و سلطه کفار در جوامع اسلامی می‌بایستی مسدود شود و دولت اسلامی، استقلال و عزت خود را حفظ کنند که این نپذیرفتن سلطه، برگرفته از آیات قرآن است که می‌فرماید: «خداوند هیچ راه سلطه‌ای را برای کافران بر مؤمنان قرار نداده است» (نساء، ۱۴۱). قرآن کریم، پیامبر و مسلمانان را دارای عزت معرفی می‌کند (منافقون، ۸) و به همین جهت تأکید دارد که سلطه کفار بر مسلمانان موجب حقارت و پستی مسلمانان در برابر غیر مسلمانان خواهد شد و این امر با اهداف عالی اسلام و رسالت نبوی مغایرت دارد.

جهاد: اصل جهاد و دفاع در برابر دشمن، از ضروریات عقلی و سیاسی هر عصری از جمله جامعه نبوی است. در این مسیر، شناخت ماهیت دشمنان خدا که دشمنان خلق او نیز هستند و ستیز و مبارزه مداوم با آنها و هوشیاری در برابر توطئه‌های آنان، از جمله مسائل مؤکدی است که قرآن در آیات متعددی بدان اشاره نموده است (انفال، ۶۰؛ منافقون، ۴؛ ممتحنه، ۱). بر اساس قرآن کریم، اگر جهاد، برای رضای خدا باشد؛ نفع آن در حیات سیاسی، به خود مؤمنان و جامعه اسلامی باز می‌گردد و مؤمنان مورد رحمت خداوند واقع می‌شوند (بقره، ۲۱۸؛ عنکبوت، ۶).

وفای به عهد و تعهدات: آیات قرآن با تأکید بر ضرورت پایبندی به تعهدات و پیمان‌ها، تنها در صورت تخلف طرف مقابل، نقض تعهد را جایز دانسته و در غیر آن، وفای به عهد را لازم می‌داند (بقره، ۱۷۷؛ مائده، ۱؛ رعد، ۲۰؛ اسراء، ۳۴؛ مؤمنون، ۸). در روایات نیز، وفای به عهد پناهگاهی برای مردم، برای دوری از مکر و فریب است که می‌بایستی محترم شمرده شود (نهج البلاغه، نامه ۵۳ (۳۳۹)). در آیین اسلام، مسلمانان باید به عهد و قراردادهای خود وفادار باشند، چون در برابر خدا مسئول هستند و شکستن عهد و پیمان آنها؛ نقض عهد خدا تلقی می‌گردد. فلسفه تأکید اسلام بر لزوم وفاداری بر عهد و پیمان، ایجاد زمینه توافق بر همزیستی و زندگی مسالمت‌آمیز است تا انسان‌ها با آزادی و صلح و امنیت با یکدیگر زندگی کنند و اصول و قواعد حاکم بر زندگی مشترک براساس توافق و اراده مشترک تنظیم گردد (عمید زنجانی، ۱۳۷۷، ۳ / ۵۰۰ - ۵۰۱).

۵. سبک زندگی

ترسیم سبک زندگی اسلامی از مواردی است که مورد اهتمام قرآن و سنت است و از دیدگاه این دو منبع گرانقدر چند ویژگی دارد:

۴.۱. و حیانی بودن

خداوند با فرستادن قرآن و معرفی پیامبر خود به عنوان بهترین الگو (احزاب، ۲۱)، در واقع

راه و روش صحیح زندگی را به انسان‌ها آموخت.

۴.۲. جهان شمولی، جاودانگی و جامعیت

بررسی سبک زندگی اسلامی در واقع بررسی شناخت این موضوع است که دین اسلام چه قوانین و احکام و برنامه‌ای را برای زندگی انسان‌ها به تصویر کشیده است. اسلام از حیث قلمرو مکانی و زمانی، جهانی و جاودانه و از جهت قلمرو موضوعی جامع است. آیاتی که اسلام را دینی جهانی معرفی می‌کند (انبیاء، ۱۰۷ / سبأ، ۲۸ / فرقان، ۱)، دستوراتش را جاودانه و کامل می‌داند (انعام، ۵۹) و همچنین تبیان بودن قرآن برای هر چیزی را بیان می‌دارد (نحل، ۸۹ / یوسف، ۱۱۱)، ناظر به سه قلمرو یاد شده است.

پاسخ‌گویی به تمام نیازها یا نیازهای هدایتی بشر در همه اعصار، به معنای عدم توجه به تغییراتی که در انسان‌ها و جوامع پدید می‌آید، نیست؛ زیرا اسلام از دو بعد ثابت و متغیر (عناصر جهان‌شمول و موقعیتی) برخوردار است و تغییرات پدید آمده، بعد ثابت اسلام را دستخوش تغییر نمی‌کند، اگرچه عناصر موقعیتی اسلام به تناسب تغییر در جوامع، تغییر خواهند کرد.

البته راز ثبات و همیشگی بودن اصول و قواعد کلی سبک زندگی اسلامی را باید در این نکته جستجو کرد که این الگوی الگوی برخاسته از فطرت انسان (روم، ۳۰) است.

۴.۳. شیوه‌ای مبتنی بر عبودیت

بر اساس آموزه‌های قرآن، هدف پیامبران الهی کشاندن مردم به صراط مستقیم است و صراط مستقیم یعنی عبودیت: «و ان اعبدوننی هذا صراط مستقیم» (یس، ۶۱). از این رو، سبک زندگی اسلامی، شیوه‌ای مبتنی بر عبودیت و بندگی خداست.

جمع بندی و نتیجه گیری

دیدگاه‌های مقام معظم رهبری و اکثر بیانات و مکتوبات ایشان و به ویژه بیانات و

مکتوبات مهمشان مبتنی بر دیدگاه اجتهادی و برآمده از منبع قرآن و حدیث است و لذا برای هر یک می‌توان پشتوانه‌های قرآنی و حدیثی را کشف نمود. در این راستا، این تحقیق به یافتن پشتوانه‌های قرآنی و حدیثی ناظر به توصیه‌های بیانیه گام دوم پرداخت و آیات و روایات مربوط به این توصیه‌ها را در سه بخش «پشتوانه‌های قرآنی و حدیثی ناظر به توصیه‌های مربوط به علم و عقل» و «پشتوانه‌های قرآنی و حدیثی ناظر به توصیه‌های مربوط به اخلاق و معنویت» و «پشتوانه‌های قرآنی و حدیثی ناظر به توصیه‌های مربوط به عمل و فعالیت» ارائه نمود.

این روش پشتوانه‌یابی در بسیاری از اندیشه‌های مقام معظم رهبری علیه السلام قابل پیاده‌سازی و مستندسازی است که پیشنهاد می‌شود در خصوص اندیشه‌های مهم ایشان این روش به کار گرفته شود.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام، بی جا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی؛ الأمالی؛ تهران: کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
۴. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی؛ کتاب من لا یحضره الفقیه؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول عن آل الرسول؛ قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق / ۱۳۶۳ ش.
۶. امام خمینی، سید روح الله موسوی، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۷. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، بیانات، حدیث ولایت، تهران، موسسه فرهنگی پژوهشی انقلاب اسلامی.
۸. آیت الله خامنه‌ای، سید علی حسینی، مکتوبات، حدیث ولایت، تهران، موسسه فرهنگی پژوهشی انقلاب اسلامی.
۹. حر عاملی، محمد بن الحسن بن علی، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ ق.
۱۰. شریف الرضی، سید محمد بن حسین؛ نهج البلاغه (تحقیق صبحی صالح)؛ قم: هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ش.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷ ش.

تبیین اثربخشی انگیزشی «خودباوری» بر پیشرفت جامعه در عرصه «علم و پژوهش» از منظر قرآن و حدیث

(با تأکید بر بیانیه گام دوم)

محمدهادی منصوری^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین و بررسی مفهوم «خودباوری» و اثر انگیزشی آن بر پیشرفت جامعه علمی کشور به عنوان مقدمه تحقق بیانیه گام دوم انقلاب انجام شده و با روش توصیفی - تحلیلی، منویات مقام معظم رهبری در عرصه علم و پژوهش بر پایه دانش روانشناسی و آموزه های وحیانی بررسی گردید. یافته های پژوهش نشان می دهد خودباوری از سه مؤلفه «وجود توانایی در درون انسان»، «باور به وجود آن توانمندی ها» و نیز «نیروی انگیزشی ناشی آن باور که انسان را به سمت عمل سوق می دهد» تشکیل شده است. «شناخت توانمندی های خود»، «هویت بخشی به جامعه علمی کشور» و «القای روحیه ما می توانیم» سه عامل زمینه ساز ایجاد خودباوری در عرصه «علم و پژوهش» اند. «از ثمرات خودباوری یادشده، «جسارت ورود به عرصه های بزرگ علمی» است که شکستن سدها و عبور از مرزهای دانش با آن امکان پذیر می شود. «نوآوری علمی و تولید دانش بومی و اسلامی

۱. استاد یار و عضو هیئت علمی دانشگاه معارف قم. mansouri@maaref.ac.ir

سازی علوم» و «استقلال و عدم وابستگی علمی به بیگانگان» که از ابتدای انقلاب اسلامی مورد تأکید امامین انقلاب بوده، از دیگر ثمرات خودباوری است.

کلید واژگان: خودباوری، گام دوم انقلاب، علم و پژوهش، منویات مقام معظم رهبری، اثر انگیزشی، آموزه های وحیانی

مقدمه

رهبری معظم انقلاب (مدظله) همواره در جلسات متعدد خود با جامعه علمی کشور به اهمیت جهت و استقلال علمی کشور اشاره داشته اند که در بیانیه گام دوم انقلاب نیز، عرصه علم و پژوهش از جانب ایشان آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور عنوان گردید که یکی از هفت توصیه های مطرح شده در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در جشن چهل سالگی انقلاب بود. از سویی دیگر، مقام معظم رهبری در طی جلسات متعدد با جامعه علمی کشور، علاوه بر دلگرمی های فراوان به اساتید و دانشجویان، انتظاراتی را نیز مانند شکستن مرزهای دانش، جنبش نرم افزاری، درون زان نمودن علم و نیز استقلال علمی از آنان داشته است. اما آنچه پرداختن به آن ضروری است، اجرایی نمودن این رهنمودهاست که نیازمند راه کارها و مقدماتی هستیم که خوشبختانه در بیانات امامین انقلاب خصوصاً در جلسات بسیار آیت الله خامنه ای (مدظله) با دانشگاہیان اشاره شده است. این مقدمه مهم در سخنان رهبری انقلاب، روحیه «خودباوری» است که به عنوان یکی از اصلی ترین پیش نیازهای موفقیت عرصه علم و پژوهش شناخته می شود.

اما لازم بذکر است که تأکیدات بسیار نسبت به خودباوری و اتکای به نفس، آن هم در عرصه های علمی که در کلام امام و رهبری از ابتدای انقلاب تا کنون وجود داشته بررسی این مفهوم را با نگاه انگیزشی که به عنوان عامل محرک پیشرفت علمی است ضروری نموده که بر این اساس، در نوشتار حاضر با استفاده از متون اسلامی و سخنان امامین انقلاب، ابعاد و رابطه خودباوری در پیشرفت های علمی ایران اسلامی و نقش انگیزشی آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

از سویی دیگر، ضرورت بررسی مفهوم خودباوری در عرصه های علمی را می توان از اثرگذاری این مفهوم در دیگر عرصه های نظام اسلامی در طول تاریخ انقلاب پی برد. در واقع پیدایش انقلاب اسلامی و تغییر نظام شاهنشاهی با ایجاد خودباوری در مردم صورت گرفته که آنها را به سمت گام های بزرگتری در مسیر انقلاب اسلامی سوق داد و همین امر سبب شکوفایی استعدادها و توانایی های یک ملت در عرصه های مختلف گردید،

به عنوان نمونه در عرصه نظامی همچون دفاع مقدس، وجود خودباوری در زمینه‌ی تدارک تجهیزات جنگی و لجستیکی مانند ایجاد پل‌های خیر و اوروندرد نقش ویژه‌ای را در پیروزی عملیات‌ها ایفا نمود. در عرصه های اقتصادی نیز با آغاز تحریم های کمرشکن، همین روحیه اتکای به خود بود که دانشمندان را به نوآوری و ابداع محصولات با دانش بومی سوق داده و در نتیجه بسیاری از خلاءها را جبران نماید. در عرصه های علمی نیز دستیابی به فناوری هسته ای و نانو با وجود سنگ اندازی های دشمنان نمونه‌هایی بارز از اثرات بی شمار خودباوری در کشور می باشد که اهمیت پرداختن به چنین موضوع مهمی را مضاعف می نماید. در نتیجه، پژوهش حاضر مفهوم «خودباوری» را به عنوان یکی از راه های انگیزه دهنده در مسیر پیشرفت علمی مورد تبیین قرار داده و پس از تعریف دو کلیدواژه «خودباوری» و «انگیزش» و بررسی آن مفهوم در قرآن و احادیث، راه کارهای زمینه ساز برای کسب روحیه خودباوری و در نهایت، ثمرات آن در جامعه علمی کشور بیان نموده است.

روش پژوهش

در این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. در بخش توصیفی پژوهشگر می کوشد تا مفاهیم مرتبط با خودباوری در عرصه علم و پژوهش را در منویات مقام معظم رهبری علیه السلام جستجو و استخراج و سپس توصیف نموده و در بخش بعد، تحلیل و تبیین داده های گردآوری شده را بوسیله فهم خود و با استفاده از منابع اسلامی و روانشناسی معاصر انجام می دهد

پیشینه پژوهش

در زمینه مفهوم خودباوری و اثر آن در انقلاب اسلامی، تاکنون کتب متعددی به چاپ رسیده است.

کتاب خودباوری و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی که در موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام به چاپ رسیده است اثری است که در آن به زمینه ها و علل خودباختگی، اهمیت استقلال، تأکید بر خودباوری و در مقابل، فرهنگ از خود بیگانگی، تحول فرهنگی و نیز تاریخ خودباوری اشاره شده است

کتاب دیگر نیز با نام فرهنگ عمومی، اعتماد به نفس ملی و انقلاب اسلامی است که به همت جمعی از نویسندگان در انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام به چاپ رسیده است که نویسندگان در این نوشتار به اعتماد به نفس به عنوان راهی به منظور توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نگریسته و در سه بخش: ۱. مبانی نظری، رهیافت ها و افق های مطالعاتی اعتماد به نفس ملی ۲. آسیب شناسی اجتماعی اعتماد به نفس ملی در گذر تاریخ معاصر و انقلاب اسلامی ایران ۳. نهادهای اجتماعی و سیاست گذاری فرهنگی خودباوری و اعتماد به نفس ملی به بیان مباحث پرداخته شده است

مقاله فرهنگ و اجتماع خودباختگی و خودباوری در قرآن کریم، اثری است که توسط محمود لطفی در مجله نامه جامعه به چاپ رسیده است. نویسنده مقاله به ریشه ها و زمینه های خودباختگی در آیات قرآن پرداخته است

همچنانکه مشاهده گردید، هیچ یک از این آثار، به بیان مولفه های خودباوری و نیز مهمتر از آن، بررسی روانشناختی آن با تأکید بر منویات مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانیه گام دوم انقلاب نپرداخته اند که این نوشتار عهده دار آن است.

۱. مفهوم شناسی

دو واژه «خودباوری» و «انگیزش» از واژگانی است که هریک می توانند در بستر مفهومی خود معنای مختلفی داشته باشند در نتیجه به منظور روشن شدن مراد دقیق این پژوهش از

کاربست این واژه، در آغاز، توضیح و تعریفی از این واژگان در مختصات این تحقیق ارائه می‌گردد.

یک) خودباوری

در توضیح و تعریف واژه «خودباوری» ابتدا باید اشاره نمود که واژگان مختلفی در قاموس لغات فارسی می‌توانند هم معنای این واژه بوده یا معنایی نزدیک به این واژه را داشته باشند که اعتماد به نفس و خودپنداره مثبت نزدیکترین این دسته از واژگان به «خودباوری» هستند اما به دلیل اینکه واژه «خودباوری» بویژه «خودباوری علمی» به عنوان یک کلیدواژه از جانب امام خامنه‌ای (حفظه الله) مطرح شده لذا در عنوان پژوهش حاضر نیز این واژه انتخاب گردیده است.

برای خودباوری و واژگان هم معنای آن مانند اعتماد به نفس، تعاریف مختلفی از جانب برخی اندیشمندان و پژوهشگران اسلامی بیان شده است، آیت الله ری شهری، خودباوری را به معنای اعتماد به نفس و تکیه بر استعدادهایی دانسته است که خداوند متعال در وجود انسان برای حرکت به سوی قلّه تکامل، قرار داده است (ری شهری، ۱۳۸۹، ص ۲۴) آیت الله سبحانی در تعریف اعتماد به نفس می‌فرماید: «اعتماد به نفس جز این نیست که انسان به رهبری عقل و خرد در پرتو قدرت اراده و یا یک تصمیم و جزم و قاطعیت، کار خود را تعقیب کند و خود را بر انجام آن عمل توانا بشمارد (سبحانی، ۱۳۸۷، ص ۹۸) برخی از پژوهشگران نیز اعتماد به نفس را نیروی محرّکی دانسته اند که انسان به منظور انجام کلیه فعالیت های خود می‌تواند از آن سود برد (فعالی، ۱۳۹۱، ص ۱۹)

همچنین در دانش روانشناسی نیز می‌توان مفهوم «خودکارآمدی»^۱ را واژه ای نزدیک به «خودباوری» دانست. خودکارآمدی یعنی باور به اینکه «من می‌توانم» که به اعتقادات فرد مبنی بر توانایی انجام تکالیف در شرایط خاص و نیز باور کلی فرد در مورد توانمندی و قابلیت های خود اشاره دارد و می‌تواند عامل تعیین کننده رفتار باشد. (امیری و مصرآبادی،

۱۳۹۸، ص ۴۷)

از مجموع تعاریف ذکر شده می توان نتیجه گرفت که در مفهوم خودباوری و مفاهیم مترادف آن، «وجود استعداد و توانایی در درون انسان»، «باور به وجود آن توانمندی ها توسط خود انسان» و نیز «نیروی انگیزشی ناشی آن باور که انسان را به سمت عمل سوق می دهد» سه مؤلفه اساسی مفهوم خودباوری می باشند.

دو) انگیزش

برای مفهوم «انگیزه» یا «انگیزش» که از کاربردی ترین مسائل در دانش روانشناسی محسوب می شود تعاریف متعددی بیان شده است. معمولاً انگیزش را موتور محرکه رفتار نامیده اند که با اثرگذاری در انگیزش افراد می توان هرگونه رفتاری را ایجاد، حذف، اصلاح و یا تغییر داد به همین جهت از دیرباز مورد توجه بسیاری از صاحب نظران و البته رهبران جامعه بوده است. اصولاً وقتی می پرسیم چرا یک انسان به شیوه ای خاص رفتار می کند در واقع در مورد علت انگیزش او پرسش می کنیم (گورمن، ۱۳۸۹، ص ۹) در نتیجه مباحث انگیزشی در صدد آن است که علت و یا به عبارت دیگر، هدف رفتارهای متفاوت انسان را در شرایط مختلف تبیین نموده و همچنین با بکار بردن شیوه هایی انگیزه برخی از رفتارهای انسان را افزایش و یا از آن بکاهد.

مفهوم انگیزش در منابع اسلامی نیز گاهی مستقیم و با کلیدواژه هایی همچون حثّ، تحریض، حصّ، اثاره و بعث عنوان گردیده و گاهی بصورت غیرمستقیم بیان شده که آیات دلالت کننده بر پاداش و تنبیه و نیز آیه ای که بر سبقت در خیرات دلالت دارند نمونه ای از آنهاست. این واژگان غیرمستقیم اگرچه خود، بار انگیزشی ندارند ولی در بافت معناشناختی قرآن، معنای انگیزشی از آنها استنباط می شود (کاویانی، ۱۳۹۳، ص ۸۸)

اما در میان شیوه های انگیزشی، می توان از مفهوم «خودباوری» نیز به عنوان یکی از شیوه های انگیزشی نام برد که با اثرگذاری بر دانشمندان و دانشجویان، جامعه علمی را به سمت توسعه و تولید دانش و در نتیجه پیشرفت همه جانبه علمی سوق دهد.

۲. خودباوری در قرآن و احادیث

در متون دینی موارد متعددی یافت می شود که به مفهوم «خودباوری» و یا به مفهوم مقابل آن یعنی «خودباختگی» اشاره شده و حتی خود خداوند و اهل بیت علیهم السلام نیز در برخی از اوقات از این شیوه انگیزشی استفاده نموده اند.

در قرآن کریم از یک سو، خفیف و خوار شمردن مردم به عنوان یکی از شیوه های مستکبرین دنیا همچون فرعون به منظور تسلط بر مردم معرفی شده که در آیه «فَأَسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ»^۱ (۵۴/ زخرف) به آن اشاره شده است. این شیوه که در قرآن کریم، «استخفاف» نامیده شده برای رسیدن به این هدف بود که تا قومی کوچک و خواری خود را در برابر حاکم مستکبری همچون فرعون قبول نمی کردند هرگز به اطاعت او گردن نمی نهادند. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۸)

و از سویی دیگر نیز در قرآن، خود خداوند متعال در مواردی، درصدد ایجاد خودباوری در مسلمانان برآمد:

نمونه اول را می توان در آیه ۶۵ سوره انفال مشاهده نمود. در این آیه خداوند ابتدا به پیامبرش با عبارت «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ خَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ...»^۲ دستور می دهد که در مؤمنان انگیزه سازی نموده و آنها را نسبت به جهاد در راه خدا ترغیب نماید، اما در ادامه خود خداوند با بیان عبارت «... إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ»^۳ به مطلبی اشاره نموده که بدون تردید سبب تقویت انگیزه مؤمنان خواهد شد و آن، توجه دادن به «نیروی عجیب مؤمنان» در نبرد با کفار است تا آن جا که صد نفر از مؤمنان می توانند حریف هزار نفر از کفار گردند البته به شرط

۱. فرعون قوم خود را سبک شمرد در نتیجه از او اطاعت کردند؛ به یقین آنان قومی فاسق بودند

۲. ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ با دشمنان برانگیز

۳. هرگاه از شما بیست نفر با استقامت باشند، بر دو بیست نفر غلبه می کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می گردند؛ چرا که آنها گروهی هستند که نمی فهمند.

اینکه ایمان آنان با شکیبایی همراه گردد. بیان این ویژگی که خود عامل بزرگی برای موفقیت مسلمین خواهد بود سبب شده که آنان توانایی های خود را کم نشمرده و با خودباوری به جنگ با مشرکین بروند

نمونه دیگر را نیز می توان در آیه ۱۳۹ سوره آل عمران مشاهده نمود. در جنگ احد به دلیل اینکه تعداد قابل توجهی از مسلمان مجروح یا کشته شده و لشکر اسلام نیز در آن جنگ به پیروزی نرسید، این امر سبب شده بود که عده ای از مسلمانان دچار سستی در اراده و اندوه شوند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۳۹) این شرایط سخت مسلمانان پس از چنین جنگی ایجاب می کرد که روحیه آنان تقویت شده و در نتیجه برای ادامه مبارزه با مشرکین آماده می شدند لذا می بینیم که خداوند متعال در جهت انگیزه سازی مؤمنان (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۱۹۸) آیه «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۱ (۱۳۹/آل عمران) را نازل نموده و تفوق و برتری مؤمنان نسبت به کفار را به آنان یادآور می شود. آری ایمان گوهری است که در وجود هر که باشد همان قوت قلبی برای او و رمز پیروزی اش خواهد بود البته اگر این گوهر ارزشمند را در وجود خود احساس نموده و به آن باور داشته باشد.

همچنین مفهوم آیه «إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَتَبَتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَأَضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاصْرَبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ» (انفال: ۱۲) نیز می تواند اثر انگیزشی بر مومنان داشته باشد.

همچنین کاربست این شیوه انگیزشی در برخی از جملات اهل بیت علیهم السلام نیز مشهود است:

در روایتی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام مشاهده می شود ایشان جان انسانها را همچون یک شیء گرانبهایی دانسته و فرمودند: «برای آخرت، هیچ عوضی وجود ندارد و دنیا هم قیمت نفس [آدمی] نیست» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۵۵۹)^۲ این نوع آگاهی در یکی از توصیه های

۱. وسست نشوید! وغمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید

۲. «لیس علی الآخرة عوض ولیست الدنیا للنفس ثمن»

امام کاظم علیه السلام به هشام بن حکم نیز به چشم می خورد، آنجا که حضرت فرمودند: «بدانید که این بدن های شما، بهایی جز بهشت ندارند. پس، آنها را به جز بهشت نفروشید.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۹)^۱ هنگامی که انسان بداند این جسم و جانی که خداوند به او عطا نموده است چقدر ارزشمند و قیمتی است درصدد خواهد آمد که هیچ گاه این شیء گرانبها را به بهایی بخش نفروشد و در نتیجه این خودباوری ناشی از خودمعرفتی، آدمی را از خواب غفلت بیدار نموده و انسانهای اهل عمل را به تحمل مشقت ها ترغیب نماید (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۳۵)

همچنین در یکی از اشعار منسوب به امیرالمؤمنین علی علیه السلام القای این روحیه خودباوری به چشم می خورد، ایشان هنگامی که در بیت اول اینگونه بیان می کنند که دوی درمان دردهای آدمی در وجود خودش نهفته است بلافاصله در بیت دوم شعر خویش، انسان را نه یک جرم صغیر بلکه جامع یک عالم بزرگتری دانسته است (میبدی، ۱۴۱۱، ص ۱۷۵)^۲

۲. زمینه های ایجاد خودباوری در جامعه علمی کشور

در این بخش به بیان راهکارهایی به منظور ایجاد خودباوری در جامعه علمی کشور اعم از اساتید، پژوهشگران و دانشجویان پرداخته خواهد شد که درحقیقت این عوامل، زمینه ایجاد خودباوری را در افراد تسهیل می نمایند.

یک) شناخت ویژگی ها و توانمندی های خود

«خودآگاهی» مقدمه خودباوری است، زیرا نمی توان از کسی که هنوز نسبت به نقاط مثبت و توانایی خویش غافل است انتظار اعتماد به نفس و خودباوری داشت به همین جهت قدم اول در رسیدن به خودباوری شناخت «خود» است. (راستی کردار، ۱۳۹۴، ص ۲۴) در حقیقت اهمیت شناخت توانمندی ها از آن سو بوده که بسیاری از اوقات انسان

۱. «أَمَا إِنَّ أَعْدَانَكُمْ لَيْسَ لَهَا تَمَنُّ إِلَّا أَلْبَجْتُهُ فَلَا تَبِعُوهَا بَعِيْرَهَا»

۲. «دَوَاؤُكَ فَيْكَ وَمَا تَشْعُرُ وَدَاؤُكَ مِنْكَ وَمَا تَنْظُرُ * وَتَحْسَبُ أَنَّكَ جِزْمٌ صَغِيرٌ وَفَيْكَ انْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ»

ها از ویژگی های مثبت خود در انجام کارهای دشوار غافل هستند و همین امر سبب شده عدم وجود انگیزه کافی برای شروع کارهای بزرگ و یا تداوم آنهاست. در نتیجه توجه دادن به ویژگی ها و نقاط مثبت فرد در راستای انجام رفتار مورد نظر، در ایجاد خودباوری و حس اعتماد به نفس در تقویت انگیزه او برای انجام کارهای بزرگ نقش خواهد داشت به همین جهت قرآن کریم نیز به منظور ترغیب مؤمنان به جهاد، به نقاط قوت آنان اشاره نموده و فرمود: «... إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ»^۱ (انفال/ ۶۵)

امروزه در دانش روانشناسی، قضاوت فرد نسبت به مهارت ها و توانایی های خویش به منظور داشتن یک عملکرد ثمربخش به عنوان یک نیروی انگیزه دهنده مطرح می شود که نظریه «احساس خودکارآمدی»^۲ دانشمندی به نام «بندورا»^۳ به این مطلب اشاره دارد. به منظور رسیدن به احساس خودکارآمدی، یکی از منابع ایجاد آن در فرد، «قانع سازی کلامی» یا تلقین توسط دیگران است که سبب شده فرد بیشتر روی توانمندی ها و استعدادها خود و کمتر روی ضعف های خویش تمرکز نماید (ریو، ۱۳۹۳، ص ۲۴۳ و ۲۴۶)

از دیگر اثرات مهم شناخت توانمندی های انسان در این امر نهفته است که بیان نقاط قوت پیش از درخواست کارهای بزرگ از دیگران سبب می شود که آنها راه موفقیت در آن کار را یافته و با اتکاء و بهره مندی از آن توانایی خویش، در راه انجام امور خطیر قدم بردارند، به همین جهت شایسته است که در مسیر آگاهی بخشی به مخاطبین به جهت ایجاد روحیه خودباوری، رابطه میان ویژگی درونی مخاطب و انجام کار مورد نظر نیز تشریح و تبیین گردد. البته لازم بذکر است برای شناخت ویژگی ها، یکی از راه های آن، بیان و ذکر لسانی خصوصیات و توانمندی های انسانها به آنان است اما گاهی قرار گرفتن در ناهمواری های

۱. هرگاه از شما بیست نفر با استقامت باشند، بر دویست نفر غلبه می کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می گردند؛ چرا که آنها گروهی هستند که نمی فهمند.

2. Self-efficacy
3. Bandura

زندگی سبب بروز توانمندی ها و استعداد های غفلت شده آدمی خواهد شد. در مسیر انقلاب اسلامی نیز در طول سال های اخیر، حوادث گوناگون و محدودیت های فراوانی برای مسئولین و مردم بوجود آمده که سبب نمایان شدن توانایی های نهفته مردم خصوصاً دانشمندان ما شده است. امام خامنه ای علیه السلام دو رویداد محدود کننده در انقلاب را سبب شکوفایی استعدادها و تکیه به توان داخلی دانسته اند:

رویداد اول، «دفاع مقدس» بود. ایشان در یکی از سخنرانی های خود به فواید جنگ تحمیلی اشاره نموده و فرمودند: «ملت ایران روح اعتماد به نفس ملی را به وسیله هشت سال دفاع قدرتمندانه توانست در خود تقویت کند، توانست استعدادها را در خود شکوفا کند، توانست ظرفیتهای ناشناخته ی خود را بشناسد» (خامنه ای، ۱۳۸۸، منبع اینترنتی) دفاع مقدس علاوه بر اینکه استعداد های نهفته بسیاری از جوانان را در عرصه اداره و فرماندهی جنگ نمایان نمود، توانست جامعه علمی و صنعتی کشور را در عرصه ساخت ادوات جنگی مانند سلاح و موشک به یک خودباوری عمیق و در نتیجه پیشرفت های چشمگیری برساند.

رویداد دوم، «تحریم های خارجی» بود که ایشان در مورد اثرات تحریم فرمودند: «ما را تحریم کردند؛ تحریم البتّه مشکلاتی را برای کشور به وجود می آورد، در این تردیدی نیست، لکن تحریمها موجب شد که ما چشممان بر روی امکانات خودمان باز شد. خیلی از ظرفیتهای ما را دارا بودیم، [اما] نمیدانستیم، از آنها غافل بودیم. وقتی تحریم شدیم، به خود آمدیم؛ نگاه کردیم، ظرفیتهای موجود داخلی را پیدا کردیم و از آنها استفاده کردیم» (بیانات در مراسم تنفیذ حکم دوازدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، خامنه ای، ۱۳۹۶/۵/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=37311>) اثرات مثبت تحریم بر ملت ایران آنچنان زیاد بود که با وجود مشکلات ناشی از تحریم، ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب، تحریم را برکتی برای کشور دانسته که اتکای به توانایی داخلی را به همه آموخت (بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، خامنه ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir>).

کشور، تحریم‌ها را برای خود به عنوان یک «فرصت» قلمداد نموده و از آن در مسیر ابتکارات و تولیدات علمی و صنعتی بهره ببرند.

دو) هویت بخشی به جامعه علمی کشور

آنچه می‌تواند مسیر نهضت علمی جهان اسلام را با کُنُدی روبرو نماید، وجود نگاه «پرستش‌گرایانه» به رشد علمی غرب در میان عده‌ای از اساتید و دانشجویان دانشگاه است که می‌تواند مانعی در راه تحول، نوآوری و در واقع تولید علوم باشد. نگاهی خودباخته که تنها راه پیشرفت یک ملت را تکیه به دستاوردهای علمی غرب دانسته و به دلیل پیشگامی غربی‌ها در علوم مختلف، جامعه دانشگاهی ایران را صرفاً مصرف‌کننده محصولات علمی آنها می‌داند.

ریشه‌های تاریخی این نوع نگاه را می‌توان به شکست‌های جوامع اسلامی از کشورهای استعمارگر غربی مرتبط دانست که اندیشمندان مسلمان آن عصر را هرچه بیشتر مرعوب قدرت غرب نمود. از دید کشورهای استعمار شده تنها نیروی مطلق، علم و فناوری جدید بود که انگلیس و فرانسه را قادر می‌ساخت بخش بزرگی از جهان را مستعمره خود کنند. این تشخیص کشورهای اسلامی موجب پدید آمدن مفهوم همپای غرب شدن و نیز عطشی سیراب‌ناپذیر برای کسب علوم جدید شد. (اقبال، ۱۳۹۱، ص ۱۴) البته بدون تردید انحصار قدرت یک جامعه به علم و فناوری و ندیدن دیگر عوامل پیشرفت همچون ایمان و اتحاد مردم، نگاه ناقصی است که می‌تواند محاسبات صاحب‌نظران یک جامعه را با خطاهای راهبردی روبرو نماید اما با این وجود، نگاه پرستش‌گرایانه در طول تاریخ ممالک اسلامی همچنان ادامه یافت تا آنجا که مخالفت‌های «رزم‌آرا» نخست وزیر وقت رژیم پهلوی نسبت به ملی‌شدن صنعت نفت را به این دلیل می‌دانستند که او معتقد بود «ملت ایران حتی شایستگی ساختن لوله‌نگ (آفتابه) را نیز ندارد» (رهدار، ۱۳۸۸، ص ۵۵) و این خودکم‌بینی‌ها در طول تاریخ سبب شد که مسلمانان به عقب‌ماندگی علمی دچار شوند. البته با

پیروزی انقلاب اسلامی و دمیده شدن روح استقلال و القای «ما می توانیم» در سراسر جامعه، این نگاه مرعوبانه به غرب در برخی از حوزه های علوم طبیعی کاهش پیدا نموده که می توان پیشرفت های چشمگیر کشور در زمینه «انرژی اتمی» و «نانو فناوری» را در همین راستا قلمداد نمود.

به نظر می رسد آنچه که می تواند در رفع نگاه پرستش گرایانه مؤثر واقع شود، «هویت بخشی» به دانشمندان و محققان ایران اسلامی است. همچنانکه که بایستی عوامل عقب ماندگی علمی در زمان حاضر را بررسی نمود، لازم است عوامل پیشرفت علمی مسلمانان نیز در برخی از ادوار تاریخ مورد بررسی قرار گیرد زیرا داشتن یک عقبه علمی شکوفا می تواند منبعی راهگشا برای دانشمندان کشور و سبب بازسازی هویت علمی آنها گردد. امام خمینی علیه السلام در یکی از سخنرانی های خود، به مساله عدم خودباوری برخی از پزشکان در ایران اشاره نموده و و با یادآوری پیشینه علمی پزشکی در اسلام فرمودند: «کتاب های بوعلی الآن هم، من گمان می کنم تا چند وقت پیش از این و الآن هم همینطور، مورد استفاده اطبای غرب است. قانون بوعلی رسماً تدریس می شده آنجا؛ استفاده از آن می شده لکن این تحفه شرقی رفته غرب، غرب از آن استفاده کرد و ما خودمان گم کرده ایم خودمان را، بوعلی را نمی شناسیم». (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۳۹۰)

آری؛ نمی توان فراموش نمود که از قرن سوم تا قرن نهم هجری، مسلمانان در زمینه های مختلف علمی و فناوری پیشگام زمان خود بوده اند (بکار، ۱۳۸۸، ص ۲۳۶) نمی توان نفوذ علمی اسلام از ابعاد گوناگون بر جهان مسیحیت و نیز مسأله انتقال علوم از جوامع اسلامی به جوامع غربی که هریک مایه افتخار و یک پیشینه غرورآمیز علمی است را از یاد برد. اروپای مسیحی، غذاها، شربت ها، داروها، درمان، اسلحه، استفاده از نشان های مخصوص خانوادگی، سلیقه، انگیزه هنری، ابزارها، فنون صنعت، تجارت، قوانین و راه های دریایی را از اسلام فرار گرفت و غالباً لغات آن را نیز از مسلمانان اقتباس کرد. علمای اسلامی ریاضیات، طبیعیات، شیمی، ستاره شناسی و پزشکی یونان را حفظ کردند و به کمال

رسانیدند و این میراث یونانی را که بسیار غنی تر شده بود به اروپا انتقال دادند. هنوز هم اصطلاحات علمی عربی در زبان های اروپایی فراوان است (دورانت، ۱۳۸۵، ص ۴۳۳) تا آنجا که از منظر امام خامنه‌ای (حفظه الله)، رنسانس اروپا براساس ترجمه‌هایی که در کشورها و مناطق اسلامی انجام گرفته بود، صورت گرفت. (بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی، خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3145>) البته این هویت بخشی به جامعه علمی کشور می تواند بصورت مؤثرتری صورت گرفته و با تدوین واحدهای درسی، این آگاهی نسبت به پیشینه علمی مسلمانان در دانشگاه ها نیز تدریس شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۵۳۱)

در نتیجه به دلیل اینکه بخشی از مشکلات ما در حوزه دانش و تحقیق، وابسته به آن است که افرادی از داخل و خارج از کشور در صدد القای روحیه ناامیدی و نیز تحقیر دانشمندان اسلامی در برابر تمدن نوظهور غرب هستند، توجه به این تاریخ تمدنی غرورآمیز مسلمانان در سده های مختلف و اینکه بخشی از تمدن غرب مرهون زحمات دانشمندان اسلامی است، می تواند الهام بخش و زمینه ساز ایجاد خودباوری در میان اساتید و دانشجویان و بطور کلی تمام اندیشمندان جامعه اسلامی باشد.

سه) القای روحیه «ما می توانیم» توسط اساتید دانشگاه

نمی توان تاثیر قابل توجه اساتید دانشگاه بر دانشجویان خود و نیز بر طبقات تحصیل کرده جامعه را نادیده گرفت، اساتیدی که به عنوان نخبگان علمی کشور و صاحب نظران عرضه های مختلف دانش در سطح جامعه شناخته شده و می توانند الگویی برای نسل جوان دانشجو باشند. در حال حاضر با وجود عده بسیاری از اساتید دانشگاه که پیشتاز جهش علمی کشور و دارای روحیه خودباوری هستند، اما متأسفانه شاهد آن هستیم که برخی از اساتید دانشگاه آنچنان شیفته و یا مرعوب غرب شده اند که گویا هرچه سخن درست است در غرب بیان شده و با انتقال این روحیه خود به دانشجویان، فضا را برای هرگونه خلاقیت های علمی بسته اند. (سوزنچی، ۱۳۸۸، ص ۱۶ و ۱۷) البته انتقال روحیه

خودباوری یک انتظار مهم از اساتید و صاحب نظران علمی است اما بدتر از آن، تزریق روحیه خودباختگی در برابر فرهنگ و دانش غربی است که توسط برخی از اساتید، خواسته یا ناخواسته صورت می پذیرد.

بدون تردید دو عنصر «جوان» و «تولید علم» از عناصر پیشرفت علمی یک کشور خواهد بود که هردو در اختیار اساتید دانشگاه است به همین دلیل مسئولیت اساتید دانشگاه ها نسبت به پیشرفت علمی کشور دوچندان خواهد بود. آنچه که بارها امام خامنه‌ای (حفظه الله) بر آن تاکید داشتند، سعی بر عدم استمرار شاگردی در مکتب غربی هاست، استفاده علمی از جامعه دانشگاهی غرب بی اشکال است اما شاگردی دائمی و نوشیدن از پائین رودخانه و نه سرچشمه آن مورد ننگ و مذمت خواهد بود (بیانات در دیدار نخبگان علمی و اساتید دانشگاه‌ها، خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۷/۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3851>) که البته سبب وابستگی کشور به قدرت های غربی شده که منافی با اصول نظام اسلامی است به همین جهت ابتکارات و تولید نظریات علمی در عرصه های مختلف دانش از نیازهای مبرم کشور بوده که پیش نیاز آن، وجود روحیه خودباوری در نخبگان جوان می باشد. البته این تزریق خودباوری و اعتماد به نفس به جوانان بایستی بر اساس واقعیت ها و توانمندی های کشور باشد که گاهی مورد غفلت قرار می گیرد. امام خامنه‌ای (حفظه الله) در یکی از سخنرانی های خود در جمع اساتید و نخبگان علمی، القای خودباوری را به پشتوانه امکانات ملی دانسته و فرمودند: «هم دستگاه های مدیریتی، هم اساتید، در داخل دانشگاه ها خودباوری را ترویج کنید. جوانی که تحت تربیت و تحت آموزش و تعلیم شماست، باید به خود اعتماد داشته باشد - آن اعتماد به نفس ملی که عرض کردیم. بحث این نیست که شخصی به خودش اعتماد دارد، بحث این است که ما به خصال ملی خودمان، به امکانات ملی خودمان، به ذخایر فرهنگی خودمان، یک اعتماد به نفس عمومی داشته باشیم که به آن گفتیم اعتماد به نفس ملی - این حالت بایست در یکایک جوان های ما بروز پیدا کند... استاد در کلاس یا در آزمایشگاه یا در کارگاه آموزشی تأثیر

خیلی زیادی دارد. باور به خود و امید به آینده را بایستی در جوان تزریق کنید» (بیانات در دیدار نخبگان علمی و اساتید دانشگاه‌ها، خامنه‌ای، ۱۳۸۷، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3851>)

۳. ثمرات خودباوری در عرصه علم و پژوهش

در این بخش به سه فایده روحیه اتکای به خود در زمینه های علمی کشور اشاره خواهد شد که بعضاً در کلام امامین انقلاب نیز اشاره شده و در حقیقت بخشی انتظار آن دو بزرگوار از جامعه علمی کشور، رسیدن به ثمرات ذیل است که مقدمه آنها وجود روحیه قوی خودباوری در میان اساتید، دانشجویان و محققان کشور می باشد.

یک) جسارت ورود به عرصه های بزرگ علمی

آنچه که در ابتدا امام خمینی علیه السلام و امروزه امام خامنه‌ای (حفظه الله) از جامعه علمی کشور انتظار داشته و دارند، گام برداشتن در عرصه هایی است که تاکنون به علت خود کم بینی و خودباختگی جرأت ورود به آن زمینه های علمی وجود نداشته و به همین جهت وابسته به دانشمندان و مهندسیین غربی بوده ایم. امام خامنه‌ای (حفظه الله) این خودکم بینی ها معلول دوران منحوس پهلوی داسته و می فرماید: «سردمداران رژیم پهلوی و قبل از او، مکرر ملت ایران را تحقیر میکردند. اینجور وانمود میکردند که اگر پیشرفتی متصور است، اگر کار بزرگی باید بشود، باید به وسیله ی غربی ها بشود؛ ملت ایران توانائی ندارد. امام بزرگوار به یک چنین ملتی روح اعتماد به نفس را تزریق کرد، و این نقطه ی تحول ملت ایران شد. پیشرفتهای ما در زمینه ی علمی، در زمینه ی صنعتی، در انواع و اقسام عرصه های زندگی، معلول همین اعتماد به نفس است.» (بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه الله)، خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۳/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12595>) نمی توان انکار نمود که وجود یک روحیه انقلابی که ناشی از یک خودباوری عمیق در اساتید و دانشجویان ایرانی است می تواند بسیاری از سدهای علمی

کشور را شکسته و جمهوری اسلامی را به قله های دانش دنیا برساند. بی تردید کسی که استعدادها و توانمندی های خداداد خویش را نشناسد و بر آنها تکیه نکند، دچار ضعف نفس و حس خودکم بینی شده و در نتیجه جرأت و جسارت ورود به هیچ کاری نخواهد داشت (سبحانی نیا، ۱۳۹۳، ص ۴۱)

به همین جهت یکی از عوامل موفقیت در تمام کارها، ریسک پذیری و انجام امور مخاطره آمیز است که اگر بر اساس توانایی های و استعداد های درونی انسان باشد می تواند یک عمل صحیح و عاقلانه ای در مسیر پیشرفت انسان باشد. افراد با اعتماد به نفس، مخاطرات را نیز بخشی از زندگی و بستری برای اقدام می دانند و از آن در جهت رسیدن به اهداف خود استفاده می کنند. آنان می دانند که هر عملی هرچند ساده بالقوه خطر خیز است اما این را نیز می دانند که بدون تن به مخاطره دادن به اهداف خود نخواهند رسید. (اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۴۱) یک از مظاهر تام این جسارت ناشی از خودباوری، امام راحل علیه السلام بود که با وجود انواع خطر ها در مسیر نهضت، اما همه آنها را به جان خریده و با توکل به خدا و اتکای بر توانایی خویش و البته قدرت مردم ایران، پادشاهی را از مملکت خود بیرون نموده و حکومتی را تغییر داد. وجود چنین شخصیتی که در مسیر تعالی مردم خود، دشوار ترین و مخاطره آمیز ترین امور را به جان پذیرفته می تواند برای تمامی جامعه علمی کشور یک الگویی بزرگ محسوب گردد.

البته تاکنون وجود همین جسارت ناشی از روحیه خودباوری در میان دانشمندان کشورمان بوده که سبب شده بسیاری از پیشرفت های علمی و صنعتی در جمهوری اسلامی بوجود آمده که در بیانیه گام دوم انقلاب، امام خامنه ای (حفظه الله) پیشرفت در ده ها طرح بزرگ از قبیل چرخه ی سوخت هسته ای، سلول های بنیادی، فتاوری نانو، زیست فتاوری و غیره با رتبه های نخستین در کل جهان، شصت برابر شدن صادرات غیر نفتی، نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی، ده ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی، تبدیل صنعت مونتاژ به فتاوری بومی، برجستگی محسوس در رشته های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع

دفاعی، درخشش در رشته‌های مهم و حساس پزشکی را نتیجه همین روحیه خودباوری دانسته اند (بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

دو) نوآوری علمی

با پیروزی انقلاب اسلامی عرصه دانش و پژوهش با تغییرات قابل توجهی صورت پذیرفت که سبب بروز نیازها و مطالبات جدید و بنیادین تر در حوزه های مختلف علمی شد در نتیجه دیگر صرف ترجمه آثار دانشمندان غربی که البته طی سه دهه به عنوان یک نهضت و جنبش در میان برخی از دانشمندان اسلامی رواج داشت (اقبال، ۱۳۹۱، ص ۱۷۵) و نیز حرکت در محدوده از پیش تعیین شده کشورهای غربی در مسیر علم کافی نبوده و ضرورت ابتکارات و نوآوری های علمی بیش از پیش احساس می شد.

بخشی از این احساس نیازها به دلیل تحریم های خارجی بود که البته حوزه های تعیین کننده و عزت آفرین علمی را نیز در بر می گرفت، بخشی دیگر نیز به دلیل انتقال آن دسته از یافته های علمی از غرب بود که با شرایط و اقتضائات محیطی و فرهنگی کشور سازگاری نداشت و بخشی دیگر نیز ضرورت تولید علم بر اساس مبانی اسلامی بود که تولید نظریات متعدد در حوزه های مختلف دانش خصوصاً علوم انسانی بر اساس قرآن و احادیث که اصطلاحاً «اسلامی سازی علوم» نامیده می شد را در بر می گرفت که البته این بخش به جهت اینکه آرمان بزرگ انقلاب اسلامی، تحقق «تمدن نوین اسلامی» است (ر.ک: بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا برای ایجاد تمدن نوین اسلامی که هدف خود را رفاه مادی و تعالی معنوی مردم در سایه آموزه های اسلامی می داند لازم است که انواع دانش های با رویکرد تمدنی اسلامی شکل گرفته و پاسخگوی یک چنین جامعه عظیمی باشد در نتیجه بدون اینکه نگاه و نظریه اسلام را در علوم مختلف بدانیم نمی توان بر اساس آن علوم، جامعه با تمدن اسلامی تشکیل داد جامعه

ای که تمام ارکان آن بایستی بر اساس نظر اسلام بنا شود.

همه این احساس نیازها چه در حوزه تحریم چه در حوزه بومی سازی علوم و چه در حوزه اسلامی سازی علوم، ضرورت وجود نوآوری های علمی را روشن می نماید. حال برای برطرف نمودن مسائل چنین جامعه ای با این سطح نیازها و و با این افق روشن تمدنی، وجود روحیه اعتماد به قدرت و استعداد های درونی در دانشمندان کشور و در نتیجه اتکای به توانمندی های خود از مهمترین پیش نیازهایی است که وجود چنین بینشی در اساتید و دانشجویان می تواند آنان را به سمت نوآوری و تولید دانش در حوزه های مختلف و رفع نیازهای علمی کشور سوق دهد. امام خامنه ای (حفظه الله) با اشاره به عدم وجود مسائل نوپدید علمی در دوران پنجاه ساله طاغوت به دلیل عدم وجود خودباوری علمی، نمونه هایی از این نوآوری ها در تاریخ انقلاب اسلامی را برشمرده و فرمودند: «امروز، ما هر روزی در کشور یک نوآوری داریم؛ نوآوری علمی، نوآوری فناوری. دشمنان ما وقتی می بینند این نوآوری ها را، عصبانی میشوند. امروز کشور ما با وجود تحریم در رشته های متعددی از دانشهای پیشرفته، جزوده کشور اول دنیا است. حالا آنچه جلوی چشم مردم است، ابزارهای نظامی و همین وسایل جنگی ای است که شما ملاحظه میکنید در اختیار سپاه و ارتش و دیگران هست. پیشرفتهایی که اینها در زمینه های گوناگون کرده اند، در زمینه ی نانو و در همین زمینه ی هسته ای، به خاطر باور به خود است. یکی از سنگرهای دشمن در ایران، ناباوری ملت به خود بود، و یکی از سنگرهای بزرگ پیروزی ملت و جوانان ملت، باور به خود و روحیه ی «ما میتوانیم» است» (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، خامنه ای، نوروز ۱۳۹۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=32695>)

سه) استقلال و عدم وابستگی علمی به بیگانگان

عدم وابستگی به شرق و غرب و مسلط بودن ملت ایران بر سرنوشت خود که از شعارهای اساسی جمهوری اسلامی است در ابعاد مختلفی همچون فرهنگ، اقتصاد و سیاست متصور است که یکی از اقسام آن، عدم نیاز به غرب در نیازهای علمی کشور است

البته این عدم وابستگی علمی به این معنا نیست که تعامل علمی میان ما و دیگر دانشگاه های دنیا صورت نگیرد، خیر؛ بلکه به این معناست که دانشمندان ما بتوانند بدون دست دراز کردن به سمت غرب، و صرفاً با استفاده از ذخایر علمی و پژوهشی کشور، احتیاجات کشور را در حوزه های مختلف دانش برطرف نموده و خود دست به کار شود. آری می توان گاهی از آب جاری رودخانه به منظور برطرف نمودن عطش استفاده نمود اما اینکه چشمه آبی غیر از آن برای رفع عطش وجود نداشته و استفاده از آب جاری رودخانه بصورت عادت درآید پذیرفته نخواهد بود. به همین جهت است که اهمیت تولید علم و توسعه پژوهش ها به منظور رفع وابستگی های علمی همواره مورد تأکید رهبر معظم انقلاب می باشد، ایشان با اشاره به اهمیت استقلال علمی کشور می فرماید: «تحقیق، منبع تغذیه ی آموزش است. ما اگر تحقیق را جدی نگیریم، باز سالهای متمادی بایستی چشم به منابع خارجی بدوزیم و منتظر بمانیم که یک نفر در یک گوشه ی دنیا تحقیقی بکند و ما از او یا از آثار تألیفی براساس تحقیق او استفاده کنیم و اینجا آموزش بدهیم. این نمی شود؛ این وابستگی است؛ این همان ترجمه گرائی و عدم استقلال شخصیت علمی برای یک کشور و برای یک مجموعه ی دانشگاهی است» (بیانات در دیدار اساتید و رؤسای دانشگاه ها، خامنه ای، ۱۳۸۶/۷/۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3403>)

به منظور رسیدن به این آرمان انقلاب اسلامی یعنی عدم وابستگی در حوزه علم و پژوهش، اولین قدم انگیزشی، باور به توانمندی ها و نقاط مثبت موجود در جامعه علمی کشور است، کسی که در درون خود امکانات برطرف نمودن نیازهای خود را داشته و وجود آن توانایی ها و امکانات را نیز باور نماید دیگر لزومی نمی بیند تا در برابر خارجی ها خضوع نموده و از آنها طلب مساعدت نماید.

نگاه به پیشینه علمی ممالک اسلام در طول تاریخ و خودکفایی آنها در دانش های مختلف و حتی انتقال آن به بلاد دیگر، نقطه عطفی است که می تواند دلگرمی بزرگی برای اعتماد به نفس علمی و در نتیجه استقلال علمی کشور باشد که البته این شکوه علمی از

رسانس به بعد و با ورود کشورهای استعمارگر به مناطق اسلامی با هدف صدور سرمایه و سودآفرینی بیشتر به سمت رکود گروید. (سعیدی نیا، ۱۳۹۰، ص ۱۱۵)

اهمیت مساله استقلال علمی تا آن حد بود که حتی از ابتدای انقلاب نیز مورد توجه امام خمینی علیه السلام بود. ایشان در یکی از سخنرانی های خود در سال ۱۳۵۸ که در جمع برخی از دانشگاهیان صورت گرفت با تاکید بر اینکه شرط استقلال، پیدا کردن «خود» است، فرمودند: «هیچ ملتی نمی تواند استقلال پیدا کند الا اینکه خودش، خودش را بفهمد. مادامی که ملتها خودشان را گم کردند و دیگران را به جای خودشان نشانند، استقلال نمی توانند کنند. کمال تأسف است که کشور ما که حقوق اسلامی و قضای اسلامی و فرهنگ اسلامی دارد، این فرهنگ را، این حقوق را نادیده گرفته است و دنبال غرب رفته است» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۴)

جمع بندی و نتیجه گیری

خودباوری که با واژگانی همچون اعتماد به نفس، خودپنداره مثبت و خودکارآمدی قرابت معنایی دارد دارای سه مؤلفه اساسی «وجود استعداد و توانایی در درون انسان»، «باور به وجود آن توانمندی ها توسط خود انسان» و نیز «نیروی انگیزشی ناشی آن باور که انسان را به سمت عمل سوق می دهد» می باشد.

القای روحیه خودباوری و اثر انگیزشی آن در ایجاد رفتار مثبت، در برخی از آیات قرآن و احادیث مشاهده می شود که معمولا به همراه ذکر ویژگی های مثبت و توانایی های مخاطبین بوده است

قدم اول در خودباوری، خودشناسی است زیرا نمی توان از کسی که هنوز نسبت به نقاط مثبت و توانایی خویش غافل است انتظار تکیه بر توانایی های خود و اعتماد به نفس داشت، البته گاهی این خودشناسی از طریق لسانی در مردم ایجاد شده و گاهی از طریق دشواری هایی همچون دفاع مقدس و تحریم که آشکارکننده استعدادهای نهفته و ظرفیت های غفلت شده است ایجاد می گردد

نگاه پرستش گرایانه به دانش غرب از موانع خودباوری علمی است که با هویت بخشی به جامعه علمی کشور که با نگاه به پیشینه افتخار آمیز علمی در تمدن اسلامی و نیز انتقال علوم از ممالک اسلامی به غرب صورت می گیرد می توان روحیه خودباوری علمی را به اساتید و دانشجویان بازگرداند

دو عنصر جوان و تولید علم در اختیار اساتید دانشگاه هاست که بایستی با القای روحیه «ما می توانیم» جوانان دانشجو را به سمت ابتکارات و تولیدات علمی سوق دهند یکی از عوامل موفقیت در تمام کارها از جمله مسائل علمی و پژوهشی، ریسک پذیری و انجام امور مخاطره آمیز است که اگر با تکیه بر توانایی های و استعداد های درونی انسان باشد می تواند یک عمل صحیح و عاقلانه ای در مسیر تولید و نوآوری علمی و صنعتی باشد.

تحریم، بومی سازی علوم و اسلامی سازی علوم، ضرورت وجود نوآوری های علمی را روشن می کند که تحقق این نیازهای اساسی در کشور، بدون روحیه اعتماد به قدرت و استعداد های درونی در دانشمندان کشور و در نتیجه اتکای به توانمندی های خود امکان پذیر نمی باشد

یکی از آرمان های انقلاب اسلامی، عدم وابستگی و استقلال علمی است که این هدف با پیدا کردن «خود» و اعتماد به نفس تحقق می باید زیرا کسی که در درون خود، استعداد و امکانات برطرف نمودن نیازهای خود را داشته و وجود آن توانمندی ها را نیز باور نماید دیگر لزومی نمی بیند تا در برابر خارجی ها خضوع نموده و از آنها طلب مساعدت نماید.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سیدعلی نقی فیض الاسلام، بی جا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۸)، التوحید، قم: انتشارات جامعه مدرسین
۴. اسلامی، سید حسن، (۱۳۹۰)، اعتماد به نفس، تهران: انتشارات مؤسسه چاپ و نشر عروج
۵. اقبال، مظفر، (۱۳۹۱)، اسلام و علم، ترجمه: فرشته ناصری و همکارش، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی
۶. بگار، عثمان، (۱۳۸۸)، تاریخ و فلسفه علوم اسلامی، ترجمه: محمدرضا مصباحی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی
۷. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۴۱۰)، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: انتشارات دارالکتاب الإسلامی
۸. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۴)، معرفت در قرآن، تحقیق: حمید پارسانیا، قم: نشر اسراء
۹. خمینی، روح الله، (۱۳۷۹)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۲۲ جلد
۱۰. دورانت، ویلیام جیمز، (۱۳۸۵)، تاریخ تمدن، عصر ایمان، ترجمه: ابوطالب صارمی و همکاران، تهران: علمی و فرهنگی
۱۱. راستی کردار، فاطمه، (۱۳۹۴)، خودباوری و خودباختگی، قم: انتشارات هاجر
۱۲. ریو، مارشال، (۱۳۹۳)، انگیزش و هیجان، ترجمه: یحیی سیدمحمدی، تهران: انتشارات ویرایش
۱۳. سبحانی تبریزی، جعفر، (۱۳۸۷)، رمز پیروزی مردان بزرگ، قم: انتشارات نسل جوان
۱۴. سبحانی نیا، محمد، (۱۳۹۳)، قرآن، کتاب اخلاق، قم: انتشارات دارالحدیث
۱۵. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: انتشارات مؤسسة الأعلمی للمطبوعات
۱۶. فعالی، محمدتقی، (۱۳۹۱)، خودباوری - سبک زندگی توحیدی و موفقیت الهی، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری دین و معنویت آل یاسین
۱۷. کاویانی، محمد، (۱۳۹۳)، روان شناسی در قرآن، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، الکافی (ط - الإسلامية)، تهران: انتشارات دارالکتب الإسلامية
۱۹. گورمن، فیل، (۱۳۸۹)، انگیزش و هیجان، تهران: انتشارات دانژه
۲۰. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، (۱۳۸۲)، شرح الکافی - الأصول والروضه، تهران: انتشارات المكتبة الاسلامية
۲۱. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۹)، حکمت نامه جوان، ترجمه مهدی مهریزی، قم: انتشارات دارالحديث
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۶)، سوگندهای پربار قرآن، قم، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ دوم
۲۳. میبدی، حسین بن معین الدین، (۱۴۱۱)، دیوان امیرالمومنین علیه السلام، انتشارات دار نداء الإسلام للنشر، چاپ اول
۲۴. امیری، مسلم و جواد مصرآبادی، (۱۳۹۸)، فراتحلیل رابطه بین هوش هیجانی و مؤلفه های آن با خودکارآمدی، مجله مطالعات آموزش و یادگیری، دوره یازدهم، شماره اول
۲۵. رهدار، احمد، (۱۳۸۸)، روحانیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت، مجله ۱۵ خرداد، شماره ۲۰
۲۶. سوزنچی، حسین، (۱۳۸۸)، تأملی در باب بایسته های تحول در علوم انسانی، مجله راهبرد فرهنگ، شماره ۵
۲۷. خامنه‌ای، سید علی، ۱۴/۰۷/۱۳۷۹، بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3028>
۲۸. _____، ۰۳/۰۷/۱۳۸۱، بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3145>
۲۹. _____، ۰۹/۰۷/۱۳۸۶، بیانات در دیدار اساتید و رؤسای دانشگاه‌ها، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3403>
۳۰. _____، ۰۳/۰۷/۱۳۸۷، بیانات در دیدار نخبگان علمی و اساتید دانشگاه‌ها، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3851>
۳۱. _____، ۲۹/۰۶/۱۳۸۸، خطبه‌های نماز عید سعید فطر، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8070>

۳۲. _____، ۱۴/۰۳/۱۳۹۰، بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام
۳۳. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12595>
۳۴. _____، ۰۱/۰۱/۱۳۹۵، بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=32695>
۳۵. _____، ۱۲/۰۵/۱۳۹۶، بیانات در مراسم تنفیذ حکم دوازدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=37311>
۳۶. _____، ۲۲/۱۱/۱۳۹۷، بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

راهکارهای تبلیغ بین الملل بر اساس آموزه‌های اسلامی، با تکیه بر بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام و بیانیه‌ی گام دوم انقلاب

نسترن بهرمان^۱ (نویسنده مسئول)

زهرا سادات قاضی^۲

آمنه دقیق شیرازی^۳

چکیده

دین اسلام دینی "جهان شمول" است و تبلیغ دینی یعنی رساندن آموزه‌های دین به مخاطبان، که این امر رسالت همگان است و همه‌ی مسلمانان وظیفه دارند این پیام دینی را به دیگران منتقل کنند. افزون بر این، به برکت انقلاب اسلامی اقبال به اسلام و تشیع در جهان بسیار گسترده‌تر از گذشته است و مبلغان دینی می‌توانند با به‌کارگیری روش‌های موثر در این امر، مسیر تبلیغ جهانی دین را آسان‌تر ببینمایند. لزوم شناخت راهکارها و شیوه‌های تبلیغی و تدوین هوشمندانه‌ی بیانیه‌ی گام دوم انقلاب و تاکیدات مقام معظم رهبری بر خودسازی و تمدن‌سازی با دانش و بصیرت و اهمیت ایشان به شرایط ایجاد شده در غرب،

۱. دانش پژوه دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه قرآن و حدیث، پردیس تهران. Na. bahreman@gmail.com

۲. دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد علوم قرآنی، دانشگاه قرآن و حدیث، پردیس تهران. a. m. z. n. gh4@gmail.com

۳. دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد علوم قرآنی، دانشگاه قرآن و حدیث، پردیس تهران. a. shirazi300@gmail.com

سبب شده است در این پژوهش، راهکارهای تبلیغ بین‌المللی از جمله پرورش و تذکر دائم به نفس در خلوص نیت، تسلط بر فرهنگ کشور مورد نظر و تسلط به مبانی معرفتی اسلام و تسلط مبلغ بر روش‌های انتقال پیام در ارتباطات فراگیر و تسلط بر فضای مجازی و استفاده‌ی صحیح از آن و شناخت شیوه‌ی انتقال این آموزه‌ها به روش تحلیلی - توصیفی و کتابخانه‌ای مورد بررسی قرارگیرد.

کلید واژگان: تبلیغ بین المللی دین، بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، راهکارهای تبلیغ، روش‌های تبلیغ، تبلیغ جهانی آموزه‌های اسلامی

مقدمه

همان‌گونه که از تاریخ اسلام و میراث سنت نبوی برداشت می‌شود اسلام بر اساس رسالت فراگیر و جهان‌شمول خود بر تقویت بنیان‌های فکری و ایمانی و اصلاح بخشیدن به سلوک و رفتار پیروان خود در صدد انتقال پیام و مخاطب قرار دادن همه‌ی افراد با درنوردیدن مرزهای جغرافیایی، نژادی و زمانی بوده است. همه‌ی این‌ها گواه این است که داعیان الی الله با همه‌ی ملت‌ها و آیین‌ها و از هر نژاد و فرهنگ و با هرگونه اعتقاد ملی و دینی در پیوند باشند تا بتوانند پیام توحید را به آنان برسانند. همانطوری که تحصیل یک تکلیف است، تبلیغ نیز تکلیف و بلکه بالاتر از آن است. تحصیل مقدمه‌ی تبلیغ و مقدمه‌ی انذار مردم است. (امام خمینی، ۱۳۷۳، ج ۱۶، ص ۸۱) مقام تبلیغ دین مقامی در حد مرجعیت است. (موگهی، ۱۳۸۱: ص ۳۴۷) معمار انقلاب در این باره می‌فرماید: «مسئله‌ی تبلیغات یک امر مهمی است که می‌شود گفت که در دنیا در رأس همه‌ی امور قرار گرفته است. می‌توان گفت که دنیا بر دوش تبلیغات است و مع‌الاسف ما در این دوره‌ی کوتاه نتوانستیم به این امر، درست قیام کنیم». (امام خمینی، ۱۳۷۳، ج ۱۴، صفحه ۵۳) معرفی اسلام به کشورهای خارجی یا از طریق شرق‌شناسان اروپایی بوده یا بعضی از دانشجویان از قبیل محمد اقبال لاهوری یا دانشمندان مصری و هندی همچون ابوالاعلی مودودی، سید قطب، محمد قطب و طه حسین. قدر مسلم این است که از طرف جامعه‌ی شیعه تا چند سال پیش اقدامی

اساسی شکل نگرفته بود. حتی فکراین کارها در دماغها راه نداشت. (مطهری، ۱۳۹۱: ص ۱۵۷-۱۶۰).

اسلام به عنوان دینی فراگیر و جامع که نیازمندی های فردی و اجتماعی انسان را در نظر گرفته و برای آن برنامه های ویژه ای تدارک دیده است به بعد پیام رسانی و انتقال پیام که از آن به ارتباطات انسانی یاد می کنیم توجه ویژه ای نموده است تا آنجا که پیامبر ﷺ را صرفاً مأمور به پیام رسانی معرفی می نماید و در پیامی محکم می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» (مائده/ ۶۷) در این آیه ی شریفه عدم پیام رسانی توسط پیامبر ﷺ یعنی فرو نهادن رسالت و مأموریت واگذار شده به او از طرف خداوند.

پیامبر ﷺ نیز از هر فرصتی برای انتقال رسالت خود به افراد جوامع و صاحبان قدرت استفاده می کرده است، علاوه بر آنکه به جهت پایان دهنده بودن این دین وظیفه ی تبلیغ و پیام رسانی خویش را برای همه ی اعصار و دوران ها در نظر گرفته است عنصر فرا زمانی و فرا مکانی آموزه های اسلامی برجسته ترین وجهی است که با در نظر گرفتن پویایی و انعطاف پذیری آن می تواند زمینه ی تبلیغ و پیام رسانی اسلامی را در عرصه ی بین المللی به خوبی توجیه کند اما باید در نظر داشت که اصل تبلیغ و پیام رسانی در دو عرصه، که تا حد زیادی با یکدیگر دارای تفاوت هستند نمودار می گردد که آن را می توان درون جامه ای و برون جامعه ای نامید. این دو دامنه با وجود اهداف و مقاصد مشترک اما به جهت نوع مواجهه ی مخاطبان آن دارای تفاوت هایی است. این پژوهش درصدد بازشناسی تبلیغ بین المللی یا همان پیام رسانی برون جامعه اسلامی به روش تحلیلی - توصیفی، کتابخانه ای می باشد؛ و به بررسی شیوه ها و بایسته های آن در آموزه های اسلامی و بیانات مقام معظم رهبری و بیانیه ی گام دوم انقلاب (اخلاق و معنویت) از جمله؛ پرورش و تذکر دائم به نفس در خلوص نیت، تسلط بر فرهنگ کشور مورد نظر و تسلط به مبانی معرفتی اسلام و تسلط مبلغ بر روش های انتقال پیام در ارتباطات فراگیر و تسلط بر فضای مجازی و استفاده ی صحیح از

آن و شناخت شیوه‌ی انتقال این آموزه‌ها پرداخته که می‌تواند در دوران کنونی الگوی قابل استفاده و کاربردی برای پیام‌رسانی اسلامی باشد.

پیشینه

پژوهش‌های بسیاری درباره‌ی فرآیند «تبلیغ دینی» صورت گرفته است اما در این نوشتار به ذکر چند نمونه‌ی مرتبط با این تحقیق پرداخته و نقاط قوت و ضعف آن‌ها درج می‌شود.

از جمله پایان‌نامه‌های مرتبطی که در این زمینه انجام گرفته است، عبارتند از:

- «شیوه‌های موثر تبلیغ باورهای دینی از منظر قرآن و حدیث»؛ این پایان‌نامه به تلاش

"نسترن بهرمان" به راهنمایی استاد اُمی در سال ۹۵ در مدرسه‌ی علمیه نجف خاتون علیها السلام گردآوری شده است. در این پژوهش اگر چه مطالب ارزشمندی ذیل بیان شیوه‌های تبلیغ دینی گردآوری شده است، اما صرفاً از منظر قرآن و حدیث بوده و بیانات مقام معظم رهبری و همچنین راهبردهایی جهت تبلیغ در عرصه‌ی بین الملل ارائه نشده است.

- «آداب و روش تبلیغ دین از دیدگاه قرآن» مطالب به کوشش "حسن اکبری" به راهنمایی

استاد علی طهماسبی و مشاوره‌ی استاد علی نجارپوریان، سال ۹۵ در دانشگاه پیام نور استان فارس، گردآوری شده است. در این پژوهش نیز، اگرچه مطالب ارزشمندی گردآوری شده است اما صرفاً به بررسی روش‌های تبلیغ موثر از منظر قرآن کریم پرداخته شده و حوزه‌ی روایی آن و بیانات مقام معظم رهبری و همچنین راهبردهای تبلیغ بین الملل در این پژوهش، مورد تحقیق قرار نگرفته است.

از جمله مقالات مرتبطی که در این زمینه وجود دارند می‌توان به این پژوهش اشاره نمود:

- «بایسته‌های تبلیغ دین اسلام با نگاه ویژه به آثار شهید مطهری علیه السلام»، به کوشش

سیدجواد خاتمی و فاطمه مجددی "کنگره ملی پژوهش‌های کاربردی علوم انسانی اسلامی، مقاله CO ID: NCIHAS01 _ 101؛ در این پژوهش صرفاً به بیان بایسته‌ها و ضروریات تبلیغ دین با عنایت به آیات قرآن و در مواردی با بهره‌گیری از احادیث، از نگاه شهید مطهری علیه السلام به این موضوع پرداخته شده است؛ اما به بیانات مقام معظم رهبری و همچنین

ویژگی‌ها و وظایف مبلغان در عرصه‌ی دین و راهکارهایی جهت تبلیغ در عرصه‌ی بین الملل ارائه نشده است.

۱. مفهوم شناسی

تبلیغ

تبلیغ در لغت: واژه‌ای عربی بر وزن «تفعیل» و مصدری متعدی از ریشه «بلغ» و به معنای رسیدن (وصله الیه) (معلوف، ۱۳۸۳: ۴۸) یا رسیدن به انتهای مقصد اعم از اینکه مکان باشد یا زمان یا امری معین؛ و گاهی نزدیک شدن به مقصد مراد است، هرچند به آخر آن نرسد (قرشی، بی تا: ۷/۱). تبلیغ در لغت از ریشه‌ی (بلغ) بمعنی رسیدن و تبلیغ از باب تفعیل به معنی رساندن چیزی است. مولف کتاب العین در ذیل لغت بلغ می نویسد: "بلغته تبلیغاً فی الرساله و نحوها" یعنی واژه تبلیغ به معنای رساندن نامه یا غیر آن به کار برده می شود. (فراهیدی: ۴/۴۲۱) تبلیغ و ابلاغ هر دو از یک ریشه و به معنای رساندن می باشد. (العونینی: ۱۹۸۱م / ۱۷۵) تبلیغ واژه‌ای عربی است که معادل واژه «Propaganda» انگلیسی قرار دارد و هم چنین در عربی معادل‌های دیگری هم دارد از قبیل اعلام، دعایه، دعوت، اعلان و... (حداد عادل و دیگران، ج ۶ / ص ۴۴۸)

تبلیغ در اصطلاح: تعاریف مختلفی برای تبلیغ ذکر شده است که علی رغم تفاوت‌های ظاهری همگی در اصل به یک معنی اشاره دارند چرا که در تمامی آن‌ها از عناصر مشترکی نظیر رساندن، تاثیر، مخاطب و... استفاده شده است.

برخی از این تعاریفات بدین شرح است: تبلیغ، رساندن پیام است، با استفاده از ابزار مناسب و موثر. (قرائتی، بهار ۱۳۸۵: ۲۶)

زورق در این باره می‌گوید: «تبلیغ عبارت است از روش یا روش‌های به هم پیوسته (در قالب یک مجموعه) برای بسیج و جهت دادن نیروهای اجتماعی و فردی از طریق نفوذ در شخصیت، افکار و عقاید و احساسات آن‌ها جهت رسیدن به یک هدف که ممکن است

سیاسی، نظامی، فرهنگی... مشروع و نامشروع باشد". (زورق، ۱۳۶۸: ص ۸)

تعریف تبلیغ در رهنمودهای امام خمینی علیه السلام اینطور آمده است: تبلیغات که همان شناساندن خوبی‌ها و تشویق به انجام آن و ترسیم بدی‌ها و نشان دادن راه گریز و منع از آن است، از اصول بسیار مهم اسلام عزیز است. (امام خمینی علیه السلام: ۳۳۹/۲۱)

مقام معظم رهبری در تعریف این مسئله در بیانی می‌فرمایند: دین اسلام، دین تبلیغ است. درست است که ما در دین مقدس اسلام، برای پیش برد هدفهای الهی و اسلامی، جهاد و شمشیر را داریم؛ اما اصل، بر تبلیغ و تبیین است..... راه اساسی اسلام، تبلیغ است. از هزار و چهارصد سال پیش تا حالا، چه موقع مسلمین تبلیغ نمی‌کردند؟ (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسؤولان سازمان تبلیغات اسلامی سراسر کشور؛ ۶ / ۲ / ۱۳۷۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7586>)

شهید مرتضی مطهری در تعریف واژه‌ی تبلیغ چنین آورده است: «تبلیغ از ابلاغ است و ابلاغ، رساندن یک فکر یا یک پیام است، یعنی در مورد رسانیدن چیزی به فکر و روح و ضمیر و قلب کسی به کار می‌رود. لذا محتوای ابلاغ نمی‌تواند یک امر مادی و جسمانی باشد، حتماً یک امر معنوی و روحی است، یک فکر و یک احساس است... تبلیغ، خوب شناساندن و خوب رساندن است». ایشان همچنین بیان می‌دارد که «مسئله‌ی تبلیغ به همان معنای صحیح و واقعی، رساندن و شناساندن یک پیام دینی به مردم است؛ آگاه ساختن مردم به یک پیام دینی و معتقد کردن و متمایل نمودن و جلب نظرهای مردم به یک پیام دینی است» (مطهری، ۱۳۷۲: ۱ / ص ۱۸۹، ۱۹۰ و ۱۹۱).

در مجموع می‌توان تبلیغات را نوعی تلاش کم و بیش منظم و جامع برای تحت نفوذ و تاثیر قراردادن عقاید، نگرش‌ها و یا اعمال دیگران با استعانت از نمادها، کلمات، اشارات، موسیقی، فیلم و... تعریف کرد. (افتخاری، ۱۳۷۷: ص ۲۵) بنابراین در مقوله‌ی تبلیغ؛ آموزش، تعلیم و تعلم مورد توجه بسیار است و لازم است در تبلیغ عاقلانه و خردمندانه و با شناخت شیوه‌های آن گام برداشت و از اصول و روش‌هایی که پذیرفته شده و علمی است

بهره برد و اگر بهره‌مندی لازم در این امر صورت نگیرد، متفکرانه و عاقلانه نخواهد بود و نتیجه آن نیز اندک است.

۲. واژه‌ی «تبلیغ» در قرآن

در قرآن کریم واژه‌ی تبلیغ به کار نرفته اما مشتقات آن ۲۹ بار تکرار شده است.^۱ البته واژه‌های دیگری همچون موعظه و نصیحت، هدایت، ارشاد، دعوت، بشارت، تخویف، انداز، امر به معروف و نهی از منکر نیز با مفهوم تبلیغ، ارتباط نزدیک دارند، اما هیچ یک از آنها بار معنایی و فرهنگی واژه تبلیغ را ندارند. ولی فعل آن به این صورت‌ها آمده است:

۱. «بَلَّغْتَ» (مائده / ۶۷) (۲) «أَبْلَغُكُمْ» (اعراف / آیه ۶۲)، (اعراف / آیه ۶۸)، (احقاف /

آیه ۲۳) (۳) «يُبَلِّغُونَ» (احزاب / آیه ۳۹) (۴) «يَلِّغُ» (مائده / ۶۷) (۵) «يُبَلِّغْنَ» (اسراء / ۲۳)

صورت ثلاثی مجرد ریشه بلغ نیز، ۵۱ بار به صیغه‌های فعلی یا اسمی و صورت باب افعال آن، ۵ بار به صورت فعلی ذکر شده است؛ در این میان، واژه بلاغ، غالباً به معنای تبلیغ و ابلاغ و در مقام تأکید بر وظیفه پیامبران، ۱۵ بار تکرار شده است. (ابن فارس، ۱۹۷۹م: ذیل «بلغ»)

این واژه‌ها در قرآن فقط در معنای لغوی به کار رفته‌اند و مفهوم اصطلاحی متعارف و امروزی آن را ندارند، از این رو پاره‌ای برداشت‌ها که ناشی از خلط مفهوم لغوی و اصطلاحی تبلیغ است، درست به نظر نمی‌رسد. (دایرة المعارف جهان اسلام آکسفورد (The Oxford encyclopedia of modern Islamic world)، ذیل واژه‌ی تبلیغ)

براین اساس می‌توان گفت، مبلغ باید پیام خود را با تکیه بر آگاهی‌های لازم و جستجوهای علمی به مردم برساند. امام صادق علیه السلام تأکید فرموده‌اند: «ما عَلِمْتُمْ فَقُولُوا وَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَقُولُوا اللَّهُ أَعْلَمُ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَسْتَنْزِعَ الْأَيَّةَ مِنَ الْقُرْآنِ يَخْرُ فِيهَا أَبْعَدَ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ

۱. (آل عمران/ ۲۰؛ نساء/ ۶۳؛ مائده/ ۶۷ و ۹۲ و ۹۹؛ انعام/ ۱۴۹؛ اعراف/ ۶۲ و ۶۸ و ۷۹ و ۹۳؛ توبه/ ۶؛

هود/ ۵۷؛ رعد/ ۴۰؛ نحل/ ۳۵ و ۸۲؛ انبیاء/ ۱۰۶؛ عنکبوت/ ۱۸؛ احزاب/ ۳۹؛ یس/ ۱۷؛ شورا/ ۴۸؛

احقاف/ ۲ و ۳۵؛ قمر/ ۵؛ جن/ ۲۸؛ قلم/ ۳۹؛ ابراهیم/ ۵۲؛ نور/ ۵۴؛ تغابن/ ۱۲؛ جن/ ۲۳).

وَالْأَرْضِ؛ آنچه را بدان علم دارید، بگویید و در مورد آنچه که نمی دانید، بگویید خدا دانایانتر است. چه بسا، کسی آیه ای را [برای محکم نمودن ادعای خویش] از قرآن اخذ کند، در حالی که بیشتر از بلندای آسمان و زمین در این [نگرش] سقوط می کند. ” (کلینی، ج ۱، ص ۴۲). و او راه خطا را درمی نوردد؛ زیرا استفاده اش آمیخته به جهل و اشتباه بوده است.

۳. راهکارهای تبلیغ بین المللی

بی گمان الگو یا روشی که در یک ارتباط انسانی به ویژه "روابط جهان شمول" مورد استفاده قرار می‌گیرد، با نتیجه و میزان تاثیرگذاری آن ارتباط مستقیم دارد. در فرهنگ اسلامی از شیوه های گوناگونی برای تبلیغ استفاده می‌شود که هر یک از این روش ها به تناسب شرایط و ویژگی های مخاطبان انتخاب می شوند. در این پژوهش، راهکارهایی در جهت تبلیغ بین الملل ارائه خواهد شد که برخی از این روش ها مبتنی بر خودسازی فرد مبلغ نیز می‌باشند؛ از دیدگاه قرآن، احادیث و در بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

یک) پرورش و تذکر دائم به نفس در خلوص نیت

لزوم وجود خلوص نیت و خدا محوری در همه‌ی اعمال به خصوص تبلیغ جهان شمول، نقش مهمی دارد. مسأله‌ی مهمی که قرآن مجید در مورد تبلیغ روی آن تکیه می‌کند، چیزی است که از آن به نصیح تعبیر می‌نماید. نصیح به معنای سخن نیکو می‌باشد. امام علی علیه السلام در حکمت‌های منسوب به ایشان می‌فرمایند: «الْكَلِمَةُ إِذَا خَرَجَتْ مِنَ الْقَلْبِ وَقَعَتْ فِي الْقَلْبِ، وَإِذَا خَرَجَتْ مِنَ اللِّسَانِ لَمْ تُجَاوِزِ الْأَذَانَ». هرگاه سخنی از دل برخیزد در دل می‌نشیند و هرگاه از زبان بیرون آید از مرز گوشها در نگذرد. (ابن ابی الحدید: ۲/۲۸۷/۲۷۹)

سخن کز جان برون آید، نشیند لاجرم بر دل؛ و سخنی که فقط از زبان بیرون بیاید و دل از آن بی‌خبر باشد، از گوش‌های مردم تجاوز نمی‌کند. (این سخن‌ها در ابلاغ پیام الهی هست، ولی در ابلاغ پیام‌های دیگر، این مسائل مطرح نیست). مدام پیغمبران می‌آیند و

می‌گویند: «وَأَنْصَحْ لَكُمْ؛ وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ؛ إِنِّي لَكُمْ لَمِنَ النَّاصِحِينَ». (اعراف / ۲۱، ۶۲ و ۶۸) همه اش سخن از این است. وقتی که موسی بن عمران با خدای خودش از سنگینی کار سخن می‌گوید، آن سنگینی فقط این نیست که من می‌خواهم در مقابل فرعون با آن قدرت و جباریت سخن بگویم، پس کار، سنگین است. نه یک سنگینی‌های دیگری است: خدایا! مرا مدد کن که موسایی باشم که موسی دیگر در او وجود نداشته باشد، منی وجود نداشته باشد، خودی وجود نداشته باشد، انا نیتی وجود نداشته باشد، در نهایت خلوص بتوانم پیام تو را به مردم عرضه بدارم. (مطهری، ۱ / ۱۹۹) اینکه تبلیغ برای خداوند باشد و به قصد قربت به حق و هدایت مستمعین، نه برای اثبات مقام علمی و اثبات شخصیت خود و نه برای تملق و رضای دیگران و این شرط در نحوه انتخاب مطالب و اصلاح خود مبلغ و تأثیر کلام او، نقش مهمی دارد. و نباید از آن غفلت شود. همه باید بدانند که خداوند احتیاجی به ما و تبلیغ ما ندارد و ثواب تبلیغ مبلغ بر قصد قربت به خداوند ارتباط دارد.

مایه‌ی خسران است که دیگران از مواعظ مبلغ مستفید شوند، ولی خود مبلغ دست خالی برگردد. قرآن می‌فرماید آیا شما را به زیان‌مندترین مردم در کارهای‌شان خبر بدهیم؟ (آنان) کسانی هستند که تلاش‌شان در زندگانی دنیا نابود و باطل شده است درحالی‌که آنان می‌پندارند کار خوب به جای می‌آورند «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يُخَسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا» (کهف / ۱۰۳) سفارش من به کسانی که قصد قربت را در تبلیغ ندارند، این است که آن را رها ساخته و دنبال شغل دیگری برای زندگی خود بروند. (محسنی، ۱۳۸۵: ۱۱/۱)

بنابراین، همانطور که مقام معظم رهبری فرموده‌اند، «بدون اخلاص هم که هیچ کار پا نمی‌گیرد. آن چیزی که مردم را این‌طور مثل آهن ربا می‌کشاند چیزی جز اخلاص امام رحمة الله نبود، بدون اخلاص، واقعا نمی‌شود کاری انجام داد.»

دو) تسلط مبلغ بر فرهنگ کشور مورد نظر

یک مبلغ باید با مفاهیم و برداشت‌های ذهنی یک جامعه‌آشنایی داشته باشد و اساس

تبلیغ را قدر عقول یک جامعه قرار دهد که این کار بدون تسلط به فرهنگ جامعه‌ی هدف، امری غیرممکن است. گفتار و رفتارهای ما با مفاهیم، قواعد و تصاویر ذهنی مخاطبین تفسیر و تحلیل می‌شود و بدون توجه به آنها ممکن است حتی بسیاری از رفتارهای ما با سوء تفسیر مواجه گردند. ممکن است رفتار یا گفتاری در یک جامعه مطلوب و مورد پسند باشد و همان رفتار در جامعه‌ی دیگر بسیار مذموم و منفور. به عنوان نمونه، انعام دادن در کشور ما به معنای رضایت از خدماتِ شخص یا سازمان و به جهت قدردانی انجام می‌شود اما همین رفتار در برخی کشورها به عنوان توهین تلقی می‌شود به این معنا که آن شخص یا سازمان کار خود را به خوبی انجام نداده است. بنابراین تسلط بر فرهنگ جامعه‌ی هدف از ضروریات است و باید یک مبلغ بین الملل با اهتمام بسیار زیاد به مطالعه‌ی فرهنگ کشور هدف قبل از ورود به هر فعالیت تبلیغی - بپردازد.

سه) آراستگی ظاهری، فردی و اجتماعی

مبلغ باید به آراستگی ظاهر از قبیل شانه کردن موها، تمیز بودن و پاره نبودن جوراب‌ها و لباس‌ها، واکس داشتن نعلین و کفش‌ها، بدبو نبودن دهان و جوراب‌ها، خوشبو بودن بدن، باز نبودن دکمه‌های لباس‌ها و به ویژه قبا، اتو داشتن لباس‌ها، لکه نداشتن و درست پیچیده بودن عمامه‌ها و مانند آن توجه شود. پیش از رفتن به کلاس درس و مجلس سخنرانی، خود را در آینه ببینیم. یکی از روحانیان می‌گفت: روزی به طرف کلاس درس می‌رفتم. در بین راه و به طور اتفاقی روی سرم دست گذاشتم و ناگهان متوجه شدم که عمامه بر سرم نیست. برگشتم و عمامه خود را بر سر گذاشتم؛ اما همین اتفاق باعث شد تا همیشه يك آینه کوچکی را در جیبم بگذارم و پیش از رفتن به مجلس سخنرانی و کلاس درس، خودم را در آینه ببینم. (جعفری؛ دی ماه ۱۳۹۳). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در معاشرت با مردم، مهربان و گشاده رو بود. در سلام به همه، حتی کودکان و بردگان، پیشی می‌گرفت. پای خود را جلو هیچ کس دراز نمی‌کرد و در حضور کسی تکیه نمی‌نمود. غالباً دو زانو می‌نشست. در مجالس، دایره وار می‌نشست تا مجلس، بالا و پایینی نداشته باشد و همه جایگاه

مساوی داشته باشند. می گفت: خداوند کراحت دارد که بنده را ببیند که برای خود نسبت به دیگران امتیازی قائل شده است.

در مثال اول آراستگی ظاهری فرد نسبت به خود و در مثال دوم آراستگی و رفتار فرد نسبت به اطرافیان و جامعه بیان گردید. بنابراین، اگر ملتی (اعم از فرد و اجتماع) بتواند يك تحول اخلاقی در خود به وجود آورد؛ رذایل اخلاقی را از درون خود پاکسازی کند و خود را به فضایل اخلاقی آراسته سازد، حقیقتاً برای آن ملت عید است. (پیام نوروزی مقام معظم رهبری، به مناسبت آغاز سال ۱۳۷۶؛ ۱/۱/۱۳۷۶، [https://farsi.khamenei.ir/message-](https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2829) هرکس در هر جایی قرار دارد، خود را موظف بداند که نظم اجتماعی را رعایت کند. این یک ادب عمومی برای ما در سطح جامعه است. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱/۹/۱۳۸۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3155>) پس یکی از راهکارهای موثر در تبلیغ بین الملل حفظ آراستگی است. مبلغ باید آراستگی فردی و اجتماعی را در ملل گوناگون رعایت نماید.

چهار) پرورش روحیه‌ی بردباری، صلابت و امیدواری مبلغ، در فرآیند تبلیغ جهان شمول
از منظر قرآن اراده و صلابت و قاطعیت در اجرای فرمان الهی و صبر بر مشکلات و گرفتاری‌ها، همانند پیامبران و امامان لازمه‌ی وجودی یک مبلغ دینی است، «فَأَصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعُرْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (احقاف/۳۵)؛ «پس همان گونه که پیامبران نستوه، صبر کردند، صبر کن». چرا که نداشتن روحیه قوی که ریشه در ایمان و اعتقادات او دارد موجب می‌شود وی در مقابل موانع و مشکلات راه، به زانو درآمده و خسته و شکسته و دلسرد گردد. به همین جهت قرآن حضرت ابراهیم را به عنوان الگوی مبلغان راه توحید مطرح کرده و از زبان او می‌فرماید: «وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ» (انبیاء/آیه ۵۷)؛ و سوگند به خدا که پس از آنکه پشت کردید و رفتید، قطعاً در کار بتانتان تدبیری خواهم کرد. «مبلغ متعهد در راه انجام وظیفه تبلیغی خود ناامید و مأیوس نمی‌شود، او خود را در پناه قدرتی لایزال می‌بیند که به هر چیزی قادر و توانا، علیم و سمیع است. به این جهت با اراده‌ای پولادین و گام‌های استوار در

راه تبلیغ دین حرکت می‌کند، سخن او، رفتار او، تصمیمات و طرحهای او همه و همه با اقتدار و عزت کامل صورت می‌گیرد زیرا او همواره خود را مخاطب این آیه می‌داند: «وَلَا يَخْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (یونس/۶۵)؛ سخنان آنان (مخالفین) تو را محزون و غمگین نسازد زیرا عزت و عظمت همه از آن خداست.

از این رو، یکی از چیزهایی که ما در تعامل اجتماعی (به ویژه جهان شمول) احتیاج است، روحیه‌ی بردباری است؛ حلم. اینکه در اسلام و در اخلاق اسلامی اینقدر حلم ذکر شده، به این خاطر است. نبود بردباری، بسیاری از مشکلات را در سطوح پائین و سطوح فردی و سطوح اجتماعی به وجود می‌آورد. اگر گروه‌های سیاسی ما هم حلیمانه با هم برخورد کنند، کار بهتر خواهد شد. دسته جات مختلف طرفدار این و طرفدار آن، اگر با حلم با هم برخورد کنند، خیلی اوضاع بهتر خواهد شد. با حلم برخورد کردن، به معنای اغماض کردن از بدی‌ها و زشتی‌ها نیست؛ به معنای بی‌اعتنائی کردن به اصالتها و ارزشهای مورد اعتقادمان نیست؛ نوع برخورد، مورد نظر است؛ «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ». (نحل/۱۳۵) مجادله‌ی با دیگری هم که بر سر یک اعتقاد است، بر سر یک مسئله‌ی مهم اتفاق می‌افتد، آن هم «بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» باشد. (بیانات در دیدار معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21153>) پس چنانکه مبلغ بین الملل به سفرهای متعدد سفر میکند، باید بر اشتراکات تاکید داشته، و در افتراقات خارج از موضوع آموزه‌های دینی چنانچه به تبلیغ آسیب می‌زند ورود نکرده و چنانچه لازمه‌ی هدایت در این امر بودند با آنها با حلم و به احسن وجه برخورد نماید.

پنج) صمیمیت و مهربانی در رفتار و اخلاق، لازمه‌ی یک تبلیغ فراگیر

مهر و عطوفت مؤمنان نسبت به یکدیگر تکلیف دینی است؛ اما مبلغ که خود احیاگر فضیلت‌های دینی است از سویی لازم است به این تکلیف الهی عمل کند و از سوی دیگر برای موفق شدن در تبلیغ معارف اسلامی نیز باید مهر و عطوفت داشته باشد.

«عَنْ أَبِي الْمَأْمُونِ الْحَارِثِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا حَقُّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ؟ قَالَ إِنَّ مِنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ الْمَوَدَّةَ لَهُ فِي صَدْرِهِ وَ الْمُؤَاَسَاةَ لَهُ فِي مَالِهِ وَ الْخَلْفَ لَهُ فِي أَهْلِهِ وَ التُّصْرَةَ لَهُ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ وَ إِنْ كَانَ نَافِلَةً فِي الْمُسْلِمِينَ وَ كَانَ غَائِبًا أَخَذَ لَهُ بِنَصِيئِهِ وَ إِذَا مَاتَ الزِّيَارَةَ لَهُ إِلَى قَبْرِهِ وَ أَنْ لَا يُظْلِمَهُ وَ أَنْ لَا يَعْشَهُ وَ أَنْ لَا يَخُونَهُ وَ أَنْ لَا يَخْدُلَهُ وَ أَنْ لَا يَكْذِبَهُ وَ أَنْ لَا يَقُولَ لَهُ أَفٍّ وَ إِذَا قَالَ لَهُ أَفٌّ فَلَيْسَ بَيْنَهُمَا وَ لَايَةٌ وَ إِذَا قَالَ لَهُ أَنْتَ عَدُوِّي فَقَدْ كَفَرَ أَحَدُهُمَا وَ إِذَا اتَّهَمَهُ انَّمَاتُ الْإِيمَانِ فِي قَلْبِهِ كَمَا يَنْمَاتُ الْمَلْحُ فِي الْمَاءِ (شيخ حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ. ق: ۱۲ / ۲۰۷)؛

أبی مأمون حارثی می گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم حق مؤمن بر مؤمن چیست؟ حضرت فرمودند: بعضی از حقوق مؤمن بر مؤمن آن است که: ۱. او را از درون دوست داشته باشد؛ ۲. او را در مال خود شریک کند؛ ۳. [هنگام غایب بودنش] جانشین او در خانواده اش باشد؛ ۴. در مقابل کسی که به او ظلم می کند به او کمک کند؛ ۵. و اگر بهره غنیمتی در مسلمانان دارد و غائب است برای او دریافت کند؛ ۶. هنگامی که فوت کرد قبر او را زیارت کند؛ ۷. به او ستم نکند؛ ۸. او را فریب ندهد؛ ۹. به او خیانت ننماید؛ ۱۰. او را خوار نکند؛ ۱۱. دروغگویش نشمارد؛ ۱۲. به او آف نگوید که اگر آف بگویند بین آنها دوستی نیست؛ ۱۳. اگر به او بگویند که دشمن من هستی یکی از این دو کافر شده است (زیرا دو مؤمن دشمن هم نمی شوند یا اولی واقعا دشمن شده که کافر است و یا دشمن نیست و او بی دلیل به او می گویند او کافر شده است)؛ ۱۴. و اگر به او تهمت زند ایمان در دلش از بین می رود؛ همانگونه که نمک در آب ذوب می شود. در این روایت عجیب که حقوق مؤمنین بر یکدیگر مطرح شده، قبل از همه حقوق، حق دوستی قلبی بیان گردیده است.

محبّت مؤمنین نسبت به یکدیگر تا آنجا اهمّیت دارد که امام سجاد عليه السلام می فرماید: «نَظَرُ الْمُؤْمِنِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ لِلْمَوَدَّةِ وَ الْمُحَبَّةِ لَهُ عِبَادَةٌ» (مجلسی، ۱۴۰۴ هجری قمری، ج ۷۵، ص ۱۴۰). نگاه مؤمن در چهره برادر مؤمن اش از روی دوستی و مهربانی به او عبادت است. ” مبلغ همانطور که با نگاه مهرآمیز خویش بر مردم، پاداش می برد، آنان را نیز با رفتار دوستانه خویش به دین و مسجد جذب می کند که خود اجر و پاداش فراوان دارد. (نبوی،

آذر و دی ۱۳۸۶)

مقام معظم رهبری، نیز فرموده اند: «در آموزشها، اخلاق و ادب و مهربانی و عطف، دائما مد نظرتان باشد... خدای متعال به پیامبرش می فرماید: اگر بد اخلاق بودی از اطرافت متفرق می شدند.» "فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ..". (آل عمران / ۱۵۹) به لطف الهی، تو، نسبت به آن ها نرم و لین شدی و اگر خشن و سخت دل بودی، همه، از گرد تو پراکنده می شدند. (صلح میرزایی، ۱۳۹۰: ۲ / ۱۱۸) در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، رشد معنویت و اخلاق نیازمند همراهی حکومت‌ها دانسته شده، اما با این حال تصریح شده است که این دو، با دستور و فرمان به دست نمی‌آید. همچنین تأکید شده است که دستگاه‌های مسئول حکومتی و همچنین اشخاص و نهادهای غیرحکومتی، باید برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامع برای جلوگیری از فعالیت‌های ضد معنوی و ضد اخلاقی تنظیم و اجرا کنند. (بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

بنابراین، مبلّغ اگر از سویی با تمام توان بکوشد و از سوی دیگر برای همه‌ی مردم رحمت باشد و اخلاق، ادب و مهر و عطف داشته باشد، می تواند در جهت هدایت انسانها توفیق یابد.

شش) برخورداری از فهم و درک متقابل در تبلیغ همگانی

برخورداری از فهم و درک متقابل در تبلیغ همگانی لازم و ضروری است. ساختار وجودی انسان بهترین ساختار آفرینش است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین / ۴) و دارای ظرفیت و استعداد بالا و والاست و خواهان رسیدن به نا محدود است. از نظر قرآن، انسان موجودی است که از روح خدا در او دمیده شده و از چنان گوهر و وجودی برخوردار است که خداوند، دیگر موجودات جهان آفرینش را برای او خلق کرده است و جهان را به گونه‌ای آفریده است که انسان بتواند در جهت بهره‌وری خود از آن استفاده کند و تا آن جا او را برتری

داده است که به فرشتگان دستور داده تا به تعظیم او پردازند. همه‌ی این امور بیانگر این حقیقت است که انسان از کرامت و فضیلت ذاتی برخوردار است و این کرامت در مقام انسانیت اوست و نوع انسان کریم است. این کرامت بالقوه در تمام انسان‌ها که باید با طی مسیر کمال و درجات به فعلیت برسد، وجود دارد.

مقام معظم رهبری علیه السلام می‌فرمایند: «چون مبلغ بنا براین دارد که سطح فکر مردم را در مسائل اسلام بالاتر ببرد، پس باید آگاهی و بینش دینی وسیع و متنوع داشته باشد، با قرآن مانوس باشد، در احادیث غور بکند و کرده باشد، "با افکار نو مربوط به مذهب و دین آشنا باشد"، اهل تحقیق درباره‌ی مسائل دینی و افکار دینی باشد، نه فقط آشنایی با دین به تنهایی، بلکه در کنار مسائل دینی؛ پاره‌ای افکار فلسفی و بینشهای اجتماعی هست که از آنها هم باید طعمی چشیده و آگاهی داشته باشد.» (مجله‌ی پیشخوان حوزه و روحانیت در آیین رهنمودهای مقام معظم رهبری علیه السلام، ج ۲، ص ۱۱۲).

بنابراین، ارتباط را می‌توان جریانی چند سویه دانست که طی آن دو یا چند نفر به تبادل افکار، نظریات، احساسات و حقایق می‌پردازند و از طریق به کار بردن علامت و پیام‌هایی که معنایش برای آن‌ها قابل درک است، اقدام به برقراری ارتباط می‌کنند. و توانایی فهم و درک متقابل در ذات انسان‌ها وجود دارد اما با راههای مختلف باید به آن بها داد تا به درجه‌ی فعلیت برسد. پس یکی از راهکارهای تبلیغ جهان شمول، تلاش برای رسیدن به درک مخاطب با توجه به ملیت و فرهنگ کشوری است که مبلغ به آن اعزام می‌شود، صورت می‌پذیرد.

۴. تسلط به مبانی معرفتی اسلام

مبلغ موفق کسی است که علم و آگاهی در مورد موضوع تبلیغی خویش داشته و به راه خود ایمان و اعتقاد راسخ داشته باشد زیرا بدون اطلاعات صحیح و اعتقاد جازم چگونه می‌تواند دیگران را هدایت کند و باید به صحت آنچه که می‌گوید اطمینان داشته باشد و از مطالب دروغ و خلاف واقع و از مجهولات به طور جزئی صحبت کند. همچنین باید آشنایی

به اصول دینی و معارف اسلامی و احکام فقهی داشته، و از تفسیر قرآن مجید و احادیث معتبر اطلاعات درستی به دست آورده باشند، تا اینکه به عنوان عالم و مبلغ دینی محراب و منبر را تصرف کنند و یا به مقالات و کتب آنان به عنوان مطالب دینی اعتماد گردد. قرآن در این زمینه به بصیرت و آگاهی کامل رسول خدا صلی الله علیه و آله اولین مبلّغ و منادی اسلام اشاره کرده و می‌فرماید: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (یوسف / ۱۰۸)؛ ای رسول ما! بگو این است راه من! که با آگاهی و بصیرت کامل، خود و پیروانم را به سوی خدا دعوت می‌کنم. «مبلغ اسلامی علاوه بر دارا بودن اطلاعات لازم باید همواره به علم و آگاهی خود بیفزاید و همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله دعا کند که: «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (آل عمران / ۱۱۴)؛ پروردگارا بر دانشم بیفزای» مبلغ باید آشنایی به اصول دینی و معارف اسلامی و احکام فقهی داشته، و از تفسیر قرآن مجید و احادیث معتبر اطلاعات درستی به دست آورده باشند، تا اینکه به عنوان عالم و مبلغ دینی محراب و منبر را تصرف کنند و یا به مقالات و کتب آنان به عنوان مطالب دینی اعتماد گردد. (محسنی، ۱۳۸۵، جلد ۱، صفحه ۱۱ تا ۱۶) در بیانیه گام دوم انقلاب، با اشاره به پیشرفت‌های علمی ایران و دستیابی به رتبه شانزدهم در میان دویست کشور جهان، از جوانان خواسته شده است تا راه مذکور را با احساس مسئولیت بیشتر در پیش گیرند. (بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، خامنه‌ای، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

منبر بی‌مطالعه، یعنی این‌که هم و غم آنچه که می‌خواهیم بیان کنیم و به مردم بگوییم، در دل ما نباشد؛ بگوییم حالا بالاخره می‌رویم ببینیم چه به یادمان می‌افتد و چه به زبانمان می‌آید! این‌که نمی‌شود؛ باید برنامه‌ریزی کرد. حداقل قضیه این است که از بهترین گفته‌هایی که گویندگان بزرگ و متفکرانی مثل شهید مطهری، شهید بهشتی، شهید باهنر و این‌هایی که در گذشته چیزهایی گفتند و نوشتند، مطالبی در ذهن من و شما ثبت باشد؛ یعنی هر جا رفتیم، بتوانیم مفاهیمی را که آقای مطهری در طول این چندساله بیان کرده، مطرح کنیم. (بیانات مقام رهبری در دیدار مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی،

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2596>، ۱۳۷۰/۱۲/۵)

بنابراین لازمی یک تبلیغ اثربخش و نافع و به خصوص جهان شمول، آن است که مبلغ؛ آشنایی کامل به اصول دینی و معارف اسلامی و احکام فقهی را داشته، و از تفسیر قرآن مجید و احادیث معتبر و حتی از گفته‌های گویندگان بزرگ و متفکرانی همچون شهید مطهری، مفاهیمی را در ذهن داشته باشد تا دعوت و هدایت او دارای نفوذ و نتیجه بخشی لازم قرارگیرد.

۵. آشنایی کامل با روش‌های تأثیرگذاری بر مخاطب

در دو سوی ارتباطی فرآیند تبلیغ به عنوان یک ارتباط، عامل انسانی پیام دهنده و پیام گیرنده قرار می‌گیرند. مخاطب یا پیام گیرنده نقطه‌ی هدف در این تعامل است امروزه در علم ارتباطات موضوع مخاطب‌شناسی برای متناسب‌سازی روش و محتوا با ویژگی‌های پیام گیرنده دارای اهمیت ویژه است. در فرهنگ اسلامی به در نظر گرفتن دانش مخاطب‌شناسی تاکید شده است و اینکه قرآن کریم در موارد متعدد از پیامبران به عنوان فردی از خود امت یاد می‌کند. مانند

“هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه ۲/۷) اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

این آیه نشان از این سنخیت برای برقراری هرچه بهتر این ارتباط دارد. روانشناسی مخاطب از ارکان مهم تبلیغ بوده رمز موفقیت مبلغ محسوب می‌شود مبلغ با شناخت استعدادها و نیازهای مخاطب میان ظرفیت و اهداف تبلیغی خود سازگاری ایجاد می‌کند. مبلغ تا زمانی که ظرفیت فکری و روحی مخاطب خود را نداند و از زمینه‌های ذهنی و روانی و میزان تأثیرپذیری مخاطب خود اطلاع نداشته باشد و موانع تأثیرپذیری مخاطب را تشخیص ندهد، نمی‌تواند برنامه ریزی صحیحی برای تبلیغات داشته باشد. در این راستا آنچه باید

مورد توجه قرار گیرد تفاوت مردم از نظر ظرفیت و استعدادهای طبیعی و اکتسابی و میزان تأثیرپذیری آنان از تبلیغات مفید و سازنده است با در نظر گرفتن این تفاوت‌ها هرسخنی برای هر کسی مفید و سازنده نیست چه بسا نوعی از تبلیغات برای فرد یا جمعی مفید باشد اما برای فرد یا جمع دیگری غیر مفید و حتی زیان بار.

یک) تسلط بر اصول سخنوری

معمولا کسانی که در ارائه و پرورش موضوع و متقاعد ساختن دیگران تبحر دارند، در ایجاد ارتباط مؤثر و مفید موفق‌ترند. چه بسیار دانشمندان فرزانه‌ای که توان بیان اندیشه‌های خود را، حتی در برابر جمع محدودی ندارند و چه بسیار کسانی که با مؤونه‌ی اندک علمی، به خاطر قدرت بیان خود، مخاطبان زیادی را جذب کلام و بیان زیبایی خود می‌کنند. نقش قدرت بیان و آشنایی با اصول سخنوری در ارسال پیام به مخاطب، آن قدر اهمیت دارد که جناب موسای پیغمبر علیه السلام هنگامی که به پیامبری مبعوث می‌شود، از خداوند تقاضای داشتن بیان رسا و گویا می‌کند. او در خطاب به خدای متعال می‌گوید: «وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي؛ يَفْقَهُوا قَوْلِي» (طه/۲۷ و ۲۸)؛ «خدایا! [گره را از زبان من باز کن تا سخن مرا درک کنند. در حقیقت موسی علیه السلام از خدا می‌خواهد که به او توان تفهیم و تبیین معارف الهی داده شود، تا بتواند پیامی را که به او وحی می‌شود، با بیان شیوا برای مردم بیان کند. به عبارت دیگر، از پروردگار خود تقاضا می‌کند: خدایا رابطه‌ی بین من و مردم برقرار کن که آن‌ها مطالب و معارف را آن گونه که تو می‌خواهی از من دریافت کنند، نه اینکه من نتوانم حقیقت را بیان کنم؛ در نتیجه من چیزی بگویم و آن‌ها پیش خود، چیز دیگری را برداشت کنند. (مطهری، ۱/ص ۱۹۸-۱۹۶) برخی آن‌چنان بی‌نظم و نامرتب سخن می‌گویند و یا قلم می‌زنند که مخاطبین خود را ناراحت و بیزار می‌کنند، و بعضی نیز آنچنان در دنیای الفاظ و اصطلاحات پیچیده غرق می‌شوند که دیگران به مفهوم کلام آن‌ها راه نمی‌یابند؛ در حالی که امیر بیان، علی علیه السلام معیار سخن و کلام زیبا و شیوا را این گونه بیان می‌کند: «أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَا زَانَهُ حُسْنُ التَّنْظِيمِ وَ فَهْمُهُ الْخَاصُّ وَ الْعَامُّ؛ زیباترین سخن، آن کلامی است که نظام

نیکو آن را زینت بخشد و خاص و عام آن را بفهمند. ” (غررالحکم: ح ۳۳۰۴) روش‌ها خیلی مهم است. در همین آیه مبارکه «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ” (نحل/۱۲۵)”， روش را بیان فرموده است. سخن حکمت‌آمیز، یعنی سخن محکم، سخن غیرمشتبه، سخن غیرموهون و غیر ضعیف. حکمت، همه اینها را دارد. سخن حکیم است، یعنی هم حکمت‌آمیز است، هم مستحکم است، هم در مقابل متشابه است؛ “بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ” (نحل: ۱۲۵) گفتگو، مذاکره، با ذهنها مواجه شدن، مخاطب قراردادن دلها و ذهنها، با لسان مبین و با روش برادرانه حرف زدن، بسیار مهم است. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۶/۱۰/۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2867>) بنابراین، گوینده باید از طرفی ساختار سخنرانی خود را به گونه ای شکل دهد که از انسجام و نظم خوبی برخوردار باشد؛ یعنی موضوع سخن دقیقاً مشخص و ورود و خروج در بحث روشن باشد و از طرف دیگر محتوای مطالب قابل استفاده برای همه مستمعین باشد، بدین معنا که خواص، ضمن بهره بردن از کلام گوینده نتوانند اشکال اساسی به آن وارد کنند، و عوام نیز به اندازه ظرفیت خود مطالب را درک کنند. و این مطلب در همه مجالس تعمیم دارد مخصوص در تبلیغ بین الملل مهم و حساستر مطرح می شود، چراکه؛ صحبت از جذب و دفع افراد به اسلام مطرح می شود.

دو) آشنایی با قواعد منطقی

برخی افراد، دارای روحیه‌ای منطقی هستند و مسائل را جز از راه برهان و استدلال و فکر نمی پذیرند و تا مطلب، رنگ عقلی به خود نگیرد، بدان گردن نمی نهند. اینان را نمی توان با انگیزش و یا احساسات به راه آورد، بلکه ضرورت دارد با تکیه بر اندیشه و استدلال، پیام را شکل منطقی داده و به آنان ارائه کرد. (کرتی، آذر ۱۳۷۸/ص ۴۲) مطابق آیات قرآن نیز انسان بر اساس عقل خودش، حسن و قبح افعال را درک می کند و می داند که عدالت و احسان خوب است. این در واقع تعبیری است از اینکه احکام دینی هماهنگی با فطرت و عقل ما

دارد.

مثلاً در قرآن می‌خوانیم «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل/۹۰) در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می‌دارد. به شما اندرز می‌دهد، باشد که پند گیرید.

از این آیه می‌توان استفاده کرد که خدا بر اساس عدل و احسان امر می‌کند و از افعال ناپسند باز می‌دارد. ظاهر آیه دلالت می‌کند اعمالی که نزد همگان معروف و عدل و احسان یا منکر و ناپسند است مورد امر و نهی الهی واقع شده است و در ذیل آیه می‌خوانیم که خدا به شما تذکر و اندرز می‌دهد شاید شما متذکر شوید، این تعبیر تذکر جنبه یادآوری دارد نه آموزشی، زیرا که انسان بر اساس عقل خودش آنها را درک می‌کند، می‌داند که عدالت و احسان خوب است. این درواقع تعبیری است از اینکه احکام دینی هماهنگی با فطرت و عقل ما دارد. اینها با هم نوعی سازگاری دارند.

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «این طلبه‌ی شما که به آن جا می‌رود مظهر «قم» است... او علاوه بر اخلاق خوب، باید عقل و تدبیر داشته باشد. اگر کسی رفت و عالم و متدین هم بود، اما عاقل نبود و در آنجا واقعا سفاقت به خرج داد، مشکلات زیادی به وجود می‌آورد.» (صلح میرزایی، ۱۳۹۰، ۲/۱۱۸)

بنابراین لازمه‌ی یک تبلیغ جهان شمول و فراگیر آن است که مبلغ همواره بتواند با بیان شیوا و به کارگیری سخنان حکمت آمیز و شناخت قواعد منطقی با تدبیرات لازم، مخاطب را جذب کند؛ چرا که تبحر در متقاعد ساختن دیگران در امر تبلیغ دینی بسیار تاثیرگذار و موفقیت آمیز خواهد بود.

سه) تسلط مبلغ بر روش های انتقال پیام در ارتباطات فراگیر

سخنانی که مبلغین، هنگام سخنرانی و یا ارتباطات فردی بر زبانشان جاری می‌شود، باید از هرگونه تندی و یا بدزبانی عاری باشد. گاهی گوینده‌ی مذهبی، بر اثر ناراحتی های

خارج از جلسه‌ی سخنرانی و یا نابسامانی‌های اجتماعی و فرهنگی، خواسته و یا ناخواسته در اثناء سخن به مخاطبین خود یا بخشی از جامعه پرخاش و یا بدزبانی می‌کند؛ در حالی که بینش اسلامی حتی در چنین شرایطی به او اجازه نمی‌دهد با الفاظ رکیک و ناراحت‌کننده برخورد کند. اساساً متانت و ادب گوینده در کلام، او را به اهدافش نزدیک می‌کند. حضرت علی علیه السلام در این رابطه می‌فرماید: «مَنْ حَسَّنَ كَلَامَهُ كَانَ النَّجْحُ أَمَامَهُ» هر کس گفتارش نیکو باشد پیروزی در برابر اوست». (غرر الحکم و دررالکلم، ح ۸۴۹۵) آری انسان‌ها اسیر محبت و حسن برخورد و خوش‌زبانی هستند؛ لذا به جرات می‌توان ادعا کرد که مبلغین با این روش به راحتی می‌توانند افراد جامعه، به ویژه جوانان را جذب کنند و رسالت خود را در قبال نابسامانی‌های اخلاقی و اجتماعی ایفا کنند. (بهشتی نژاد، دی ۱۳۸۱)

توانایی و طریقه‌ی بیان می‌تواند با روش‌های مختلفی توأم باشد از جمله:

سخنرانی: یک سخنگوی متقاعدساز باید پیام را به گونه‌ای ارائه دهد که نه تنها جلب توجه کند، بلکه قابل درک، قانع‌کننده و به یادماندنی باشد. سخنرانی مؤثر، به عوامل متعددی بستگی دارد. روان و شمرده‌گویی، نگاه مستقیم، تَن صدا و سایر ارتباطات غیرکلامی و نیز شوخی و بذله‌گویی از جمله فنون سخنرانی‌اند که هر کدام در جایی مفید و در جای دیگر، ممکن است نامناسب باشد.

استفاده از کلمات تردیدآمیز با تأثیرگذاری، رابطه عکس دارد؛ مانند: حدس می‌زنم و... حرکات یا نشانه‌های غیرکلامی سخنران می‌تواند به متقاعدسازی کمک کند. تند حرف زدن، به ویژه برای مخاطبانی مناسب است که از ابتدا نگرشی همسو با منبع داشته باشند. تأثیر فردی در برابر اثر نفوذ رسانه: یافته‌ها نشانگر آن است که تبلیغ چهره به چهره و فردی، بیش‌تر از سخنرانی اثر دارد. مطالعات اثبات می‌کند که اصلی‌ترین تأثیرگذاران بر ما رسانه‌ها نیستند؛ بلکه ارتباط بین فردی است.

قافیه دار کردن: ارائه مطلب به صورت نظم و قافیه دار کردن، باعث شیوایی و فصاحت سخن می‌شود و میزان اعتبار فردی را می‌افزاید. از طرفی با قافیه دار کردن مطلب، پیام،

بیش‌تر در حافظه می ماند و سبب تبعیت می شود.

این مطلب در قرآن، بسیار به چشم می خورد خصوصاً در سُورانت‌هایی قرآن. مانند: «وَ الْعَادِيَاتِ ضَبْحًا * فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا * فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا» (عادیات / ۳ - ۱)؛ «قسم به اسبان دونده [مجاهدان] درحالی که نفس زنان پیش رفتند و سوگند به افروزندگان جرقه آتش و سوگند به هجوم آوران سپیده دم....»

از این رو، از روش‌های موثر در انتقال پیام و تاثیرگذاری آن بر مخاطب، نشر و واگذاری آن با روش‌های هوشمندانه و نافع خوش بیانی و ارتباطات غیر کلامی، تبلیغ چهره به چهره و ارائه‌ی مطالب به روش قافیه دار کردن کلام است و میزان تبعیت و نفوذ در ذهن و جان افراد را افزایش می‌دهد.

چهار) آشنایی روانشناسی شخصیت کشور مقصود

چنان‌چه زمینه آماده نباشد، تبلیغ، چیزی جز سنگ بر سنگدان کوفتن و بذر در زمین شوره زار پاشیدن نیست. قرآن کریم، به پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: همانا، تو، نتوانی که مردگان، (و مرده دلان کافر) را سخن بشنوائی و یا کران (باطن) را که به (گمراهی) از گفتارت روی می گردانند، به حقیقت، شنوا کنی. (نمل/ ۱) و در جای دیگری می فرماید: جز این نیست که تو، تنها، کسی را که از روز رستاخیز می ترسد، می توانی بیم و انداز کنی. (نازعات / ۴۵)

کار تبلیغ، از نظر پرورشی و تربیتی، بی شباهت به عمل یک باغبان نیست. همان‌طور که باغبان، علاوه بر دقت در بذر و... به رفع موانع می پردازد، مبلغ نیز با کنار زدن موانع، از سویی، و تهیه‌ی زمینه‌ی سالم در مخاطب، از سوی دیگر، باید مقدمه‌ی تاثیر پیام و هدایت پیام‌گر را فراهم کند. مبلغ، پس از شناخت دقیق ویژگی‌های فکری و روانی پیام گیر، از یک طرف، باید موانعی که تاثیر پیام را از بین برده و یا آن را کاهش می دهد، رفع کند و از طرف دیگر، عوامل مؤثر در نشر پیام را به استخدام گیرد و سرانجام با مراقبت مستمر، تلاش‌های انجام شده در مراحل گذشته را تضمین کرده، از تحلیل رفتن نیروها جلوگیری کند.

“فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَأَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ” (قریش / ۳ - ۴)

پس آن جا که روح آدمی، دست خوش کسالت و بی میلی و خستگی می گردد، او، در بسته ای است که راه رخنه و نفوذی در آن وجود ندارد. برای رفع ملامت، می توان از حکمت های شیرین استفاده کرد. (کرتی، آذر ۱۳۷۸، ص ۳۷)

مقام معظم رهبری علیه السلام می فرمایند: «مثلا می رود تبلیغ کند، ولی روانشناسی تبلیغی ندارد و با مردم، حرفی را می زند که حرفهای آنها نیست، حرفی که باید در دانشگاه زد، در روستا می زند و حرفی که باید در روستا زده شود در کارخانه می زند. بنابراین، تعلیم و روش یابی علمی و فراهم کردن مقدمات علمی برای تبلیغ - مثل روانشناسی اجتماعی - در حوزه نیست». (صلح میرزایی، ۱۳۹۰: ۲/ ۱۵۲)

بنابراین، سیر تبلیغ؛ آن گاه در مجرای طبیعی خود قرار خواهد گرفت که وضع نفسانی و روانی مخاطب، دقیقا، ارزیابی شود، قرآن کریم نیز، پس از این که می گوید: نیاز گرسنگی و نیاز امنیت شما را برطرف کردیم، رفع دو نیاز آدمی (رفع گرسنگی و امنیت: نیاز روانی) امر به پرستش خدا می کند.

پنج) تسلط بر فضای مجازی و استفاده ی صحیح از آن

یک مبلغ بین الملل حتما باید بتواند برای فضای مجازی تولید محصول داشته باشد، ما در عصر نبرد روایات و نقل ها زندگی می کنیم، آنچه افکار عمومی را شکل می دهد روایت غالب است و حقیقت. روایت غالب نیز در بستر فضای مجازی شکل می گیرد. جهان در حال تغییر به سوی شهر هوشمند، شهروندی هوشمند و حکم رانی هوشمند است و مبلغین «عصر هوشمند» اگر هوشمند نباشند نمی توانند به زیست تبلیغی خود ادامه دهند و ده ها دلیل دیگر. مبلغ بین الملل باید بتواند تولید محصول رسانه ای داشته باشد (پوستر، عکس نوشته، اینفوگرافی، کلیپ، پادکست و...) هم باید بتواند محصولات خود را به خوبی نشر دهد تا دیده شود. که هر کدام از اینها (تولید و نشر) نیاز به کسب مهارت و تخصص دارد و بدون کسب این مهارت ها مبلغ نمی تواند اثرگذاری لازم و مطلوب را داشته باشد.

شش) مهارت‌های تاثیرگذار در تولید و نشر

یکی از راهکارهای تبلیغ آموزه‌های اسلامی افزایش مهارت‌های جانبی است.

مکتوب کردن پیام: پیام‌های سخت و دشوار، موقعی بیش‌ترین متقاعدسازی را دارند که با بیان شیوا، نوشته شده باشند. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که به یکی از یارانش فرمودند: «اُكْتُبْ وَ بَثَّ عِلْمَكَ فِي اِخْوَانِكَ فَإِنْ مِتَّ فَوَرِّثْ كُتُبَكَ بَيْنَكَ، فَإِنَّهُ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هَرَجٌ مَا يَأْنِسُونَ فِيهِ إِلَّا بِكُتُبِهِمْ»؛ «بنویس و دانش خود را در میان برادرانت منتشر ساز، و اگر از دنیا رفتی کتاب‌هایت را به ارث برای فرزندان بگذار، زیرا زمان پرفتنه‌ای می‌آید که مردم تنها به کتاب‌هایشان انس می‌گیرند». (مجلسی، ج ۲، ص ۱۵۰).

بیان در قالب داستان: داستان‌گویی، شیوه‌ای است که در عین جذابیت و همراه کردن شنونده با خود، زمینه‌ی عاطفی برای قبول اغراض داستان را فراهم می‌کند. قرآن کریم از داستان برای تربیت اخلاقی بسیار استفاده کرده است خداوند در سوره یوسف، آیه ۱۱۱ «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» اهداف قصه‌گویی را عبرت گرفتن، بیان واقعیت، تجزیه و تحلیل حقایق و وسیله‌ای برای هدایت و رحمت در نظر گرفته است.

سؤال و جواب: طرح سؤال باعث می‌شود حس کنجکاوی و حقیقت‌جویی مخاطبان تحریک شود و احساس نیاز برای پاسخ‌گویی پیداکنند. قرآن نیز در موارد متعددی از این شیوه استفاده کرده است.

مثلاً در ابتدای سوره‌ی ماعون می‌فرماید: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْذِّينِ؟» «آیا کسی که روز جزا را پیوسته انکار می‌کند دیدی؟!». یا در جایی دیگر می‌فرماید: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؟» (زمر/۹) «بگو آیا کسانی که می‌دانند یا کسانی که نمی‌دانند مساوی هستند؟» (احمدی، نوری، دی و بهمن ۱۳۸۷: ص ۷۶ و ۷۷)

یکی از روش‌هایی که معصومان علیهم السلام در آموزش دین و احیای فطرت و عقل مردم از آن بهره می‌گرفتند، روش پرسش و پاسخ بوده است. آنان هم خود پرسش‌هایی مطرح می‌کردند و به

تبیین آن می پرداختند و هم زمینه را برای پرسش دیگران فراهم می نمودند. این جمله را علیعلیه السلام بارها تکرار کرده است: “سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَقْدُونِي” (طبرسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۱، ص ۳۸۸) از این رو معصومین علیهم السلام در روند آموزش همواره یا خود سؤال‌هایی را طرح می‌کردند و یا اینکه شاگردان را وادار به سؤال می‌نمودند. در قرآن کریم نیز بسیاری از مفاهیم به روش سوال گونه مطرح شده است:

“فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ” (تکویر/۲۶) کجا می روید؟

«الْم يَعْلَم» (علق/۱۴) آیا انسان نمی دانست؟

مقام معظم رهبری علیه السلام در نامه ای به عموم جوانان در اروپا و امریکای شمالی از این روش استفاده نموده و با ایجاد چند سوال ذهن جوان را به چالش کشاندند، ایشان در نامه ای فرمودند: آیا تاکنون خود مستقیماً به قرآن مسلمانان مراجعه کرده‌اید؟ آیا تعالیم پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) و آموزه‌های انسانی و اخلاقی او را مطالعه کرده‌اید؟ آیا تاکنون به جز رسانه‌ها، پیام اسلام را از منبع دیگری دریافت کرده‌اید؟ آیا هرگز از خود پرسیده‌اید که همین اسلام، چگونه و بر مبنای چه ارزشهایی طی قرون متمادی، بزرگترین تمدن علمی و فکری جهان را پرورش داد و برترین دانشمندان و متفکران را تربیت کرد؟ (پیام مقام معظم رهبری در نامه ای به عموم جوانان در اروپا و امریکای شمالی؛ ۱۱/۲ / ۱۳۹۳، <https://www.leader.ir/fa/content/12784/www.leader.ir>)

بنابراین روشن است که روش‌های مکتوب کردن پیام، نقل داستانی مباحث و پرسش و پاسخ در متون دینی نیز از نظر آموزشی اهمیت فراوانی دارد. امروزه استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پیام رسان‌ها جزء لاینفک زندگی غالب مردم جهان شده است و بیش از نیمی از جمعیت جهان به گوشی‌های هوشمند دسترسی دارند و کاربر فضای مجازی هستند؛ تغییرات ایجاد شده پس از شیوع ویروس کرونا نیز استفاده‌ی مردم را به سمت بهره‌وری بیشتر از محصولات دیجیتالی و تولیدات رسانه‌ای سوق داده است. در این فضا مبلغ بین الملل ناگزیر است برای اثر گذاری بیشتر بر جامعه‌ی هدف خود از فضای مجازی استفاده

نماید.

۶. شیوه‌ی انتقال فراگیر آموزه‌های اسلامی

راههای انتقال فراگیر مبانی و آموزه‌های دینی بسیار است. متولیان اجتماعی با هدف حفظ ارزش‌های موجود جامعه، سعی می‌کنند شیوه‌هایی را برای انتقال آن‌ها به نسل‌های آینده، بیان نمایند. این مهم در جوامع اسلامی به ویژه از طریق آموزه‌های دینی قرآن و حدیث دو چندان خواهد بود. ارزش‌ها در سطح بین الملل از سوی مبلغین به صورت ارسال نامه، اعزام نماینده، مناظره، انتقال جمعی و فردی، مباحثه و پرسش و پاسخ می‌تواند بازگو و نشر داده شود.

یک) ارسال نامه

نامه نگاری یکی از مطمئن‌ترین و رایج‌ترین راه‌های ارتباطی در جهان است. نامه‌ها سهم عظیمی از ارتباطات جهان را به خود اختصاص می‌دهند از این رو نامه که هم اکنون با جدیدترین شیوه‌های انتقال نیز روبرو است، مهمترین ابزار و سریعترین ابزار برای انتقال پیام است. نامه نویسی امروزه و حتی با وجود تکنولوژی‌هایی نظیر پیام رسان‌ها بیش از پی‌قوت یافته است و شیوه‌های متنوعی را به خود گرفته است. از نامه‌های الکترونیکی، نامه‌های کاغذی و ... گرفته تا حتی نامه‌هایی که در پیام رسان‌ها منتقل می‌شوند، همگی از انواع نامه هستند و هر روزه نیز بر تعداد نامه نویسان افزوده می‌شود. آنچه در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره مبارکه نمل، در مورد نامه سلیمان علیه السلام به مردم سبأ آمده، الگویی است برای طرز نامه‌نگاری که گاه، از مسائل مهم و سرنوشت‌ساز است. با نام خداوند رحمان و رحیم شروع می‌شود و با دو جمله حساب شده جان سخن را بیان می‌کند. امام صادق علیه السلام در حدیثی شیوه‌ی نامه نگاری امیرمؤمنان امام علی علیه السلام به کارمندان و نمایندگان در یک بخشنامه چنین بیان می‌فرماید: «أَدْفُوا أَفْلاَمَكُمْ، وَ قَارِبُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ، وَ اخْذِفُوا عَنِّي فُضُولَكُمْ وَ اقْصِدُوا قَصْدَ الْمَعَانِي، وَ إِيَّاكُمْ وَ الْإِكْثَارَ، فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْإِضْرَارَ». «نوک قلم‌ها را تیز کنید،

و سطرها را به هم نزدیک سازید، و مطالب زائد و اضافی را از نامه هایتان برای من حذف کنید، بیشتر به معنی توجه کنید، و از توضیح و تفصیل بپرهیزید که اموال مسلمانان توانایی این هزینه و ضرر را ندارد». (شیخ صدوق، الجزء الأول، باب الخمسة / ص ۳۱۰)

پیامبر اکرم ﷺ نیز در اواخر سال ششم هجری و طبق برخی اقوال در اوائل سال هفتم هجری با تنظیم و ارسال نامه‌هایی به سوی حکام و امیران کشورها و نواحی مختلف، حاکمان آنان را به دین اسلام فراخواند (ابن الهشام، ۲/ ۶۰۷؛ طبری، ۲/ ۶۴۴، مسعودی، ۲۲۵ - ۲۲۷) و با این کار، رسالت جهانی خویش را به جهانیان اعلام کرد (حسینی ایمانی، ص ۱۵۷ - ۱۵۸).

مقام معظم رهبری ﷺ در این مورد می‌فرمایند: با استقامت پیامبر، در آن جایی که هیچ ذهنی گمان نمی‌برد، خیمه مدنیت ماندگار بشری در وسط صحراهای بی‌آب و علف عربستان برافراشته شد؛ «فلذلک فادع و استقم كما امرت». (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نمازجمعه تهران، ۲۳/ ۲/ ۱۳۷۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3005>) پیامبر همه تاریخ را مسخرِ فکر خود کرد و روی آن اثر گذاشت. (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نمازجمعه تهران، ۲۸/ ۲/ ۱۳۸۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3066>) بنابراین برای رساندن تبلیغ به ابزارهایی نیاز داریم؛ و مهمترین آنها ارسال نامه است که در همه‌ی اعصار از آن استفاده می‌شده و با توجه به شرایط روز دنیا نوع ارسال و نوشتن آن تغییر کرده است.

دو) اعزام نمایندگان

به جهت اهمیت مسئله تبلیغ دینی در کشورهای اسلامی و نقش موثر آن در تعالی فرهنگ و اطلاعات اسلامی افراد جامعه و بهره‌وری هر چه بیشتر از طلاب علوم دینی در جهت نشر و گسترش معارف دینی مراکز متعددی امر اعزام طلاب و روحانیان جهت تبلیغ را به عهده دارند. نظم و سازماندهی امور تبلیغی، ارائه خدمات فرهنگی تبلیغی به سراسر کشور و نقاط نیازمند به مبلغ و تبلیغات دینی، فراهم آوردن تسهیلات لازم برای مبلغین،

شناسایی و جذب و استفاده از مبلغان بر اساس نیازهای جامعه و اندوخته علمی و عملی آنها و جلوگیری از هرج و مرج، از جمله مسائلی است که وجود مراکز اعزام مبلغ را می‌طلبد. البته در مرحله اول تبلیغ دین و بهره‌گیری از روش‌های صحیح آن به عهده انبیاء و امامان معصوم علیهم السلام است اما در مرحله بعدی این وظیفه بردوش عالمان و متولیان فرهنگی و تبلیغی جامعه قرار گرفته است. همچنانکه اگر در گذشته مبلغان مخلص و فداکار، بار سنگین پیام رسانی و آگاه نمودن جامعه را عهده دار نمی‌شدند امروزه ۴۱ درصد جمعیت کره زمین مسلمان نبودند. به ویژه عصری که در آن قرار گرفته ایم به عصر ارتباطات و انفجار اطلاعات معروف شده است، این وظیفه بر مبلغان اسلامی از هر زمان دیگر بیشتر و عمیق تر مطرح است و آنان طبق دستور قرآن باید با دقت لازم به تبلیغ حقایق اسلامی بپردازند. خداوند با ابلاغ این مسؤلیت به مبلغان اسلامی می‌فرماید: “فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ؛ (توبه/۱۲۲) چرا از هر فرقه ای از اهل ایمان، دسته ای کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند باشد که آنان از (کیفر الهی) بترسند.”

رسول خدا صلی الله علیه و آله با وجود تمام مشکلات از اعزام مبلغ به سایر نقاط نیز غافل نبود و در فرصت‌های مناسب، افرادی را برای تبلیغ دین به مناطق مختلف می‌فرستاد. نقل شده است که روزی اسعد بن زراره، یکی از سران خزرج با دوستش، ذکوان بن قیس برای کمک گرفتن از قریش، علیه رقیب نظامی خود، اوس، به مکه وارد شد. او در ملاقاتی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله داشت، با شنیدن آیاتی از سوره انعام، مسلمان شد و از پیامبر صلی الله علیه و آله خواست تا معلمی برای آموزش آنها به یثرب بفرستد. آن حضرت نیز جوانی بیست ساله به نام مصعب بن عمیر را به آنجا فرستاد. مصعب بن عمیر در یثرب به آموزش و تدریس و تبلیغ دین خدا پرداخت (یعقوبی، ۲/۳۸؛ بلاذری، ۹/۴۰۷) و توانست عده زیادی از مردم یثرب را به دین اسلام فرا خواند. مردم مدینه، مصعب را "المقرئ" می‌خواندند (بیهقی، ۲/۴۳۷؛ طبری، ۲/۳۵۷) و ابن هشام، ۱/۴۳۴). و نزد او قرآن تلاوت می‌کردند و مصعب به قرائت‌هایشان گوش می‌داد و

خطاهایشان را اصلاح می‌کرد. هجرت جعفر بن ابی طالب و دیگر مسلمانان به حبشه را نیز می‌توان از مصادیق دیگر تبلیغ دین اسلام پیش از هجرت برشمرد که در سال پنجم بعثت صورت گرفت. این امر زمینه‌آشنایی حبشیان را با اسلام را فراهم آورد و بر اساس همین آشنایی بود که نجاشی، پادشاه حبشه در سال ششم هجرت در پی نامه رسول خدا ﷺ اسلام آورد. (حسینی ایمانی، ص ۱۵۳-۱۵۴).

بنابراین میشود گفت گسترش اسلام در سطح بین‌المللی تا حد زیادی مدیون از خود گذشتگی و تلاش نمایندگان است که این امر مهم را بر عهده گرفتند.

سه) مناظره

در مناظره لازم است، فرد مناظره‌کننده، مبانی طرف مقابل را به دست آورده و براساس آن مبانی، وارد بحث و مناظره شود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «... وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ (نحل/۱۲۵) به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن» که این توصیه قرآنی باید در مباحثه‌های سیاسی و مذهبی مد نظر قرار گیرد تا نتیجه مطلوب حاصل شود. در جلسه مناظره امام رضا علیه السلام با رهبران ادیان، جاثلیق مسیحی عرض کرد: «چطور با کسی بحث کنم که استدلالش بر مبنای کتابی است که منکر آن هستم و به پیامبری استدلال می‌کند که به او ایمان ندارم؟ امام رضا علیه السلام فرمودند: اگر به انجیل تو استدلال کنم، آیا بدان اقرار می‌کنی؟ جاثلیق گفت: آری، به رغم میل بدان اعتراف می‌کنم» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ص ۴۲۰). بنابراین امام رضا علیه السلام با هر گروه از عالمان ادیان، براساس مبانی ایشان به مناظره پرداختند و اصولاً این‌گونه مناظره، هنر مناظره‌کننده است. در ادامه مناظره، امام رضا علیه السلام الوهیت عیسی علیه السلام به عنوان یکی از اصلی‌ترین مبانی مسیحیان استفاده کردند و با یک سوال این عقیده را به چالش کشیدند. ایشان در گفتگو با جاثلیق، عبادت اندک عیسی علیه السلام را تنها ایراد او برشمردند، در این لحظه، جاثلیق به خشم آمده و گفت: عیسی علیه السلام همیشه شب‌زنده‌دار و اهل صوم بود. با این جواب، امام رضا علیه السلام فرمودند: عیسی علیه السلام این همه نماز و روزه را برای چه کسی به جای می‌آورد؟ (همان، ص ۴۲۲).

در کلام مقام معظم رهبری آمده است: لزوم وجود روحیه بردباری در تعامل اجتماع: دستجات مختلف طرفدار این و طرفدار آن، اگر با حلم با هم برخورد کنند، خیلی اوضاع بهتر خواهد شد. با حلم برخورد کردن، به معنای اغماض کردن از بدی‌ها و زشتی‌ها نیست؛ به معنای بی‌اعتنائی کردن به اصالتها و ارزشهای مورد اعتقادمان نیست؛ نوع برخورد، مورد نظر است؛ «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل/۱۲۵) مجادله‌ی با دیگری هم که بر سر یک اعتقاد است، بر سر یک مسئله‌ی مهم اتفاق می‌افتد، آن هم «بالتی هی احسن» باشد. (بیانات در دیدار معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21153>) آزاداندیشی در جلسات تخصصی متناسب با هر بحثی باید باشد؛ در محیط‌های عمومی جای آن بحثها و مناظره‌ها نیست. این هم معنایش این نیست که دارد تحمیل میشود؛ نه، بالاخره یک فکر حق مطرح میشود؛ «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل/۱۲۵) این حکمت و موعظه‌ی حسنه و مجادله‌ی احسن برای چیست؟ «ادع الی سبیل ربک». یعنی این قبلاً یک اصل موضوعی است، دعوت به سمت خداست. در همه چیز همین جور است. دعوت باید با زبان درست انجام بگیرد، اما جهت دعوت باید مشخص باشد. معنی ندارد که انسان جهت دعوت را آزاد بگذارد؛ این موجب گمراهی مردم میشود. مردم را باید هدایت کرد. (بیانات در دیدار دانشجویان در یازدهمین روز ماه رمضان، ۱۳۸۹/۵/۳۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9925>) بنابراین یکی از موارد شناساندن اسلام یا هر عقیده‌ای مناظره است. با مناظره می‌توان اساس و پایه‌های اسلام را به طرف مقابل فهماند و در مقابل نیز، عقاید دیگران را شناخت و جانبداری کرد.

چهار) جمعی

بخش مهمی از تبلیغ پیامبر به ویژه در مدینه نصیب جمعیت‌ها و گروه‌ها می‌شد. آن‌ها با پیامبر در تماس بودند و از جدیدترین سخنان و رهنمودهای حضرت بهره می‌بردند.

پیامبر نیز به آن-ها سفارش می-فرمود که آنچه را آموخته-اند به دیگران نیز آموزش دهند: “ألا لیبلیغ الشّاهد الغائب”. (مجلسی، ۱۶ / ۱۵۱) ابن سعد در کتاب الطبقات الکبری تحت عنوان «وفادات العرب علی رسول الله» به ذکر هیأت های نمایندگی قبایل که به محضر پیامبر شرفیاب می شدند، پرداخته است. (رهبر، ص ۴۲۱ و به نقل از ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ - ۱۹۹۰ م: ۱ / ۳۵۹ و ۲۹۱) موسم حج و منزلگاه-های عکاظ، مجنّه و ذی المجاز از جمله پایگاه-های تبلیغ جمعی پیامبر بود. (همان، ص ۴۲۲ و به نقل از حیات الصحابه، ۱ / ۷۳). نیز خطبه های پیامبر در مجالس، مساجد و اماکن عمومی را می توان ذکر نمود.

پنج) فردی (ایجاد فضای گفتگوی دو طرفه)

این روش معمولاً در اماکن غیررسمی مثل مسجد به کار گرفته می شود و از موثرترین راه ها جهت دعوت و تبادل اطلاعات است زیرا در این روش دعوت کننده می تواند توجه مخاطب را به خود جلب کند و سئوالاتی را در جهت توجه در ذهن مخاطب ایجاد نماید و به گونه ای برخورد نمایند که فصاحت و سلاست در هر چیزی میانشان موجود شود و موانع و حواجز بر کنار رود. پیامبران و اولیاء خاص خداوند از این روش بهره می جستند چرا که این روش محبت را در دل می کارد و پیوندهای دوستی و برادری را مستحکم می سازد. درباره مدت زمان سخنرانی های پیامبر اعظم ﷺ در مسجد با استناد به شواهد روشنی که در این زمینه در دست است، می توان گفت: مدت این سخنرانی ها معمولاً کوتاه بوده است. تفاوت های فردی در انسان-ها امری غیر قابل انکار است، از این رو باید متناسب با استعداد و ظرفیت روحی هر کس به تعلیم و تربیت پردازد. از جمله توصیه های خاص پیامبر اکرم ﷺ به ابن مسعود را می توان به عنوان نمونه ذکر کرد: ای پسر مسعود سعی کن که همه رفتار بر اساس دانش و خرد باشد و از عمل کورکورانه پرهیز کن. (طبرسی، وصایای پیامبر به ابن مسعود) بنابراین گاهی شرایط اقتضا می کند که تبلیغ به صورت فردی صورت گیرد چرا که این امر با توجه به ظرفیتها، فرهنگها و عقاید و... مخاطب صورت می گیرد چراکه گاهی تبلیغ جمعی نمی تواند پاسخگوی خوبی برای نیازها و شرایط افراد باشد.

شش) مباحله

روش مباحله‌ی پیامبر اسلام با مسیحیان نجران، یکی از صفحات درخشان اسلام است که سبب اثبات حقانیت اسلام گردید. آیه مباحله آیه ۶۱ سوره آل عمران است که اشاره به واقعه مباحله دارد: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» بنابراین، پس از فرارسیدن علم [وحی] به تو، هر کس درباره او [حضرت عیسی علیه السلام]، با تو به چالش برخیزد، به او بگو: بیایید تا فرزندانمان و فرزندانتان، و زنانمان و زنانتان، و جان‌هایمان و جان‌هایتان را فراخوانیم، آنگاه (به درگاه خداوند) زاری [تضرع] کنیم تا لعنت خداوند را بر دروغگویان نهمیم.

هنگامی که پیامبر اسلام و اهل بیتش در یکسو و مسیحیان نجران در دیگر سو آماده‌ی مباحله یا نفرین طرف دروغگو شدند. «مباحله» یعنی یکدیگر را لعن و نفرین کردن. (جوهری، ۱۴۰۷ق: ۴/ ۱۶۴۳، ذیل ماده «بهل») «بَهْلَةُ اللَّهِ» یعنی خدا او را لعنت نماید و از رحمت خویش دور کند. (زمخشری، ۱۴۱۵ق: ۱/ ۳۶۸). اثبات جانبداری اسلام از راه منطق و صلح است، این ماجرا نشان می‌دهد که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در برخورد با قدرت‌های مخالف خود، در گام اول تلاش می‌کرد با بهره‌گیری از گفت‌وگو و مناظره و استفاده از دلیل و برهان، آن‌ها را به حق دعوت کند. در عصر کنونی ما باید در راستای تبلیغ دین از ماجرای مباحله بهره‌برد و در حوزه دشمن‌شناسی با شناسایی ترفندهای آنان از حق دفاع شود.

مقام معظم رهبری علیه السلام در راستای شناخت و درک حقیقت صحیح از اسلام در نامه‌ی مهمی خطاب به جوانان در اروپا و آمریکای شمالی که به زبان انگلیسی منتشر شد، چنین بیان داشته‌اند: «در واکنش به سیل پیشداوری‌ها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بی‌واسطه از این دین به دست آورید. منطق سلیم اقتضاء میکند که لااقل بدانید آنچه شما را از آن می‌گریزانند و می‌ترسانند، چیست و چه ماهیتی دارد. (پیام مقام معظم رهبری در نامه‌ی ای به عموم جوانان در اروپا و آمریکای شمالی؛ ۱۳۹۳/ ۱۱/ ۲، <https://www.>

جمع بندی و نتیجه گیری

تبلیغ مهمترین ابزار رساندن یک هدف برای امری مهم است. جوامع در هر عصر، فطرتاً به گزینش دین و مذهب گرایش دارند و از این میان دین اسلام سعادت‌مندانه ترین دین‌هاست، موضوع پژوهش عبارت است از: راهکارهای تبلیغ بین الملل بر اساس آموزه‌های اسلامی با تکیه بر بیانات مقام معظم رهبری و بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی (اخلاق و معنویت)

نتایج حاصله از این تحقیق عبارت است از:

۱. پرورش و تذکر دائم به نفس در خلوص نیت: خلوص نیت و خدا محوری در همه‌ی اعمال به خصوص تبلیغ جهان شمول، نقش مهمی دارد، که راهکار اول و مهم برای تبلیغ آموزه‌های اسلامی است.

۲. تسلط بر فرهنگ کشور مورد نظر: یک مبلغ باید با مفاهیم و برداشت‌های ذهنی یک جامعه‌ آشنایی داشته باشد و در برخوردهای فردی و اجتماعی؛ آراستگی ظاهری، رفتاری داشته باشد و علاوه بر آن روحیه‌ی بردباری، صلابت و امیدواری و همچنین صمیمیت و مهربانی در رفتار و اخلاق را در خود پرورش داده و نیز از فهم و درک متقابل برخوردار باشد.

۳. تسلط به مبانی معرفتی اسلام: لازمه‌ی یک تبلیغ اثربخش و نافع و به خصوص جهان شمول، آن است که مبلغ؛ آشنایی کامل به اصول دینی و معارف اسلامی و احکام فقهی را داشته، و از تفسیر قرآن مجید و احادیث معتبر و حتی از گفته‌های گویندگان بزرگ و متفکرانی همچون شهید مطهری، مفاهیمی را در ذهن داشته باشد تا دعوت و هدایت او دارای نفوذ و نتیجه بخشی لازم قرارگیرد.

۴. آشنایی کامل با روش‌های تأثیرگذاری بر مخاطب: تسلط داشتن بر اصول سخنوری و قواعد منطقی باید مورد توجه قرار گیرد. همچنین روش‌های موثر در انتقال پیام و تأثیرگذاری آن بر مخاطب، نشر و واگذاری آن با روش‌های هوشمندانه و نافع خوش بیانی و ارتباطات

غیرکلامی، تبلیغ چهره به چهره و ارائه‌ی مطالب به روش قافیه دار کردن کلام و نیز وضع نفسانی و روانی مخاطب باید ارزیابی شود و در این زمینه روش‌های مکتوب کردن پیام، نقل داستانی مباحث و پرسش و پاسخ در متون دینی نیز از نظر آموزشی اهمیت فراوانی دارد. چراکه پی بردن به تفاوت مردم از نظر ظرفیت و استعدادهای طبیعی و اکتسابی و میزان تأثیرپذیری آنان از تبلیغات مفید و سازنده است

۵. تسلط بر فضای مجازی و استفاده‌ی صحیح از آن: مبلغ بین الملل هم باید بتواند تولید محصول رسانه‌ای داشته باشد و هم محصولات خود را به خوبی نشر دهد تا دیده شود. ۶. شیوه‌ی انتقال فراگیر آموزه‌های اسلامی: ارزش‌ها، از مهم‌ترین مباحثی است که متولیان اجتماعی سعی می‌کنند شیوه‌هایی را برای انتقال آن‌ها به نسل‌های آینده، بیان نمایند که در برقراری نظم اجتماعی، دارای اهمیت ویژه هستند و توجه جامعه‌شناسان را نیز به خود جلب کرده است.

۷. روش‌های انتقال پیام: ارسال نامه و اعزام نمایندگان، مباحثه، تبلیغ به صورت فردی یا جمعی، توجه به ظرفیتها، فرهنگ‌ها و عقاید مخاطب.

بنابراین مهمترین ویژگی یک مبلغ و کارشناس دینی این است که جامعه و روابط و مناسبات اجتماعی را خوب و دقیق فهم کند و بکوشد این روابط را در کار تبلیغ لحاظ کرده و مهارت و ابزار لازم را در ارتباط، نوع و شیوه تبلیغ فراگرفته و از آن به درستی استفاده کند. به امید اینکه این پژوهش، در دوران کنونی الگوی قابل استفاده و کاربردی برای پیام‌رسانی اسلامی باشد.

منابع

منابع عربى

١. قرآن كريم، ترجمه فولادوند، محمد مهدي، تهران: دارالقرآن الكريم، ١٤١٥ ق.
٢. نهج البلاغه، ترجمه سيد على نقى فيض الاسلام، بى چا، تهران: موسسه انتشارات، ١٣٧٨.
٣. ابن ابي الحديد، شرح نهج البلاغه، ج ٢، مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفي رحمته الله.
٤. ابن الهشام، عبد الملك، السيرة النبويه، المحقق محمد محيي الدين عبد الحميد، ضبط محمد محيي الدين عبد الحميد، تعليق محمد محيي الدين عبد الحميد، مصر، ج ١ و ٢، المطبعة، المدني - القاهرة، الناشر مكتبة محمد علي صبيح وأولاده
٥. احمد بن فارس، معجم مقاييس اللغة، ١٩٧٩ م، المحقق عبد السلام محمد هارون، دار الفكر
٦. العوينى، محمد على، ١٩٨١ م، الاعلام الدولى بين النظرية و التطبيق، القاهرة، مكتبة الانجلو المصرية
٧. العياشى، محمد بن مسعود، ١٣٨٥ ق، تفسير العياشى، مصحح رسولى محلاتى، سيد هاشم، تهران، ج ١، چاپ اول، المطبعة العلمية
٨. جوهرى، ابونصر، ١٤٥٧ ق، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، عطار، احمد عبدالغفور (محقق)، بيروت، جلد ٤، چاپ چهارم، دار العلم للملايين
٩. حر عاملى، محمد بن حسن، ٥١٤٥٩ هـ. ق، وسائل الشيعة، ج ١٢ و ١٨، ج ١٨
١٥. زورق، محمد حسن (١٣٦٨)، مباني تبليغ، تهران، سروش
١١. زمخشري، محمود بن عمر (ابوالقاسم)، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، ١٤١٥ ق، ج ١
١٢. صدوق، محمد بن على بن حسين بن موسى بن بابويه، الخصال، الجزء الأول، باب الخمسة
١٣. صدوق، محمد بن على بن حسين بن موسى بن بابويه، الخصال، الجزء الأول، باب الخمسة
١٤. طبرسى، احمد بن على، ١٤٥٣ ق، ج ١، مصحح خراسان، محمد باقر، مشهد، چاپ اول، نشر مرتضى
١٥. طبرى، محمد بن جرير، ١٨٧٩ م، تاريخ الامم و الملوك (تاريخ الطبرى)، ج ٢، بيروت - لبنان، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات
١٦. مجلسى، محمد باقر، بيروت - لبنان، ١٤٥٤ هجرى قمرى، بحار الانوار، ج ٧٥، موسسه الوفاء

منابع فارسی

۱۷. امام خمینی علیه السلام، صحیفه‌ی نور، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ج ۲۱، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (پایگاه گسترش آراء و اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام)
۱۸. حسینی ایمانی، سید علی اکبر، فرهنگنامه سیره پیامبر اعظم، ۱۳۹۵، مشاور علمی حسن رضایی، زیر نظر رحمان فتاح زاده، ناشر پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام
۱۹. رهبر، محمدتقی، پژوهشی در تبلیغ، به نقل از الطبقات الکبری، ج ۱ و به نقل از حیات الصحابه، ج ۱
۲۰. صلح میرزایی، سعید، ۱۳۹۰، حوزه و روحانیت برگرفته از بیانات حضرت آیت الله سیدعلی خامنه‌ای (مدظله العالی)، چاپ اول، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ناشر موسسه دارالنشر (سایت کتابخانه مدرسه فقاقت)
۲۲. قرائتی، محسن، بهار ۱۳۸۵، قرآن و تبلیغ، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، نوبت چهارم
۲۳. قرشی، علی اکبر، بی تا، قاموس قرآن، مترجم: مرتضی آخوندی، ج ۱، تهران: وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی
۲۴. محسنی، محمد آصف، چگونه مبلغ خوبی باشیم، ۱۳۸۵ ه. ش، ج ۱، ناشر: [بی نا]، چاپ ۱، کابل - افغانستان
۲۵. مطهری، مرتضی ۱۳۹۱، وحی نبوت، قم، انتشارات صدرا
۲۶. موگهی، عبدالرحیم، تبلیغ و مبلغ در آثار شهید مطهری، ۱۳۸۱، قم، بوستان کتاب
- ## منابع اینترنتی
۲۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار
<http://alvahy.com/%D8%A7%D8%AD%D8%B2%D8%A7%D8%A8/70>
۲۸. بیهقی، ابوبکر دلائل النبوه، ج ۲
<http://lib.eshia.ir/44813/2/3>
۲۹. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه (سایت کتابخانه مدرسه فقاقت)
<https://lib.eshia.ir/11023/3/1791>
۳۰. طباطبائی، المیزان، سید محمدحسین، ج ۴، المطبعة اسماعیلیان

<http://lib.eshia.ir/12016/1/0>

۳۱. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، تهران، انتشارات صدرا، ج ۱، چاپ بیست و چهارم
https://basirat.ir/fa/news/315755/%D9%81%D9%80%D9%8E%D9%82%D9%88%D9%84%D8%A7-%D9%84%D9%8E%D9%87%D9%8F-%D9%82%D9%8E%D9%88%D9%92%D9%84%D9%8B%D8%A7-%D9%84%D9%8E%D9%8A%D9%90%D9%91%D9%86%D8%A7%D9%8B
۳۲. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، ج ۱، پایگاه جامع استاد شهید مطهری
<http://www.mortezamotahari.com/fa/BookView.html?BookId=385&BookArticleID=128585>

۳۳. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، دار صادر

مقالات

۳۴. احمدی، سید جعفر؛ نوری، ابو القاسم، دی و بهمن ۱۳۸۷، روان شناسی تبلیغ، مجله مبلغان شماره ۱۱۱
۳۵. بهشتی نژاد، سید محمود، دی ۱۳۸۱، مدیریت تبلیغ (ارتباطات) (۲)، مجله مبلغان شماره ۳۶
۳۶. پاک نیا، عبدالکریم، دی ۱۳۸۷، ویژگی های مبلغان و معیارهای تبلیغ در قرآن، مجله پاسدار اسلام، شماره ۳۲۵
۳۷. جعفری؛ س، دی ماه ۹۳، چلچراغ تبلیغ (۲) مجله مبلغان شماره ۱۴
۳۸. حیدری، محمد جواد، ۱۳۸۸، طنز در قرآن کریم، مجله صحیفه مبین، شماره ۲۳
۳۹. کرتی، محمد، آذر ۱۳۷۸، رمز موفقیت در تبلیغ، مجله مبلغان، شماره ۱
۴۰. نبوی، محمد حسن، ۱۳۸۶، محبت در تبلیغ، ماهنامه مبلغان، شماره ۹۸
۴۱. مجله‌ی پیشخوان حوزه و روحانیت در آیین رهنمودهای مقام معظم رهبری، ج
۴۲. مآخذ بیانات مقام معظم رهبری: Khamenei.ir

راهکارهای تربیت معنوی نسل چهارم انقلاب با توجه به نهج البلاغه و بیانات رهبری معظم انقلاب عجله الله

رقیه روزبان^۱

چکیده

تربیت معنوی فرزندان در خانواده علاوه بر شکل گیری مثبت فرزندان، موجب رشد و بالندگی آنها در جامعه است، تربیت معنوی یکی از امن ترین و مطمئن ترین زیرشاخه های علوم تربیتی برای رشد و تعالی فرزندان است. نقش والدین در تربیت معنوی فرزندان نسل چهارم انقلاب لازم و ضروری است. هدف از این تحقیق، بیان راهکار پیش روی والدین برای تربیت معنوی نسل چهارم انقلاب است؛ که با توجه به نهج البلاغه و بیانات مقام معظم رهبری (مدظله) تدوین شده است و داده پردازی در این مقاله به شیوه توصیفی و تحلیلی است. از طریق کتابخانه ای داده آوری شده است. در نتیجه تربیت یکی از موثرترین عوامل در شکل گیری شخصیت انسان است و چنانچه مبنای آن از صحت کامل بر خوردار باشد، فرد و جامعه می توانند از آثار و پیامدهای مطلوب و مثبت آن، بهره هایی فراوانی ببرند. راهکار های که پیش روی مادران است از جمله: خود افزایی اطلاعات دینی و معنوی و تسلط بر روش خانه داری و فرزندداری؛ راه کارهای که پیش روی پدران است از جمله کسب

۱. طلبه سطح ۳ موسسه آموزش عالی فاطمه معصومه علیها السلام، بندرعباس. roghyerozban@gmail.com

حلال و ایجاد زمینه اشتغال فرزندان است.

کلید واژه‌ها: تربیت معنوی، خانواده، نسل چهارم انقلاب اسلامی.

مقدمه

تربیت معنوی یکی از زیر شاخه های علوم تربیتی است. که در این مقاله در بعد معنوی آن کار شده است، و این بعد تربیتی بر شاخه های تربیتی دیگر تا ثیر می گذارد، و از دیدگاه اسلام والدین مهم ترین نقش را در تربیت معنوی و رشد و تعالی فرزندان دارند این نقش ها و وظایف گونه ای است که حتی سایر افراد نیز در نبود والدین قادر به ایفای آن به نحو احسن نمی باشند و زندگی که مبتنی به نهج البلاغه و بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام باشد تربیت معنوی حاکم بر تربیت مادی است. و اهمیت تربیت معنوی بر این است، که تربیت نسل های آینده جامعه وابسته به آن است. و نهاد خانواده در تربیت معنوی فرزندان نسل چهارم انقلاب نقش بسزایی دارد و اگر والدین از این مسئولیت الهی شانه خالی کنند فرزندان تحت تربیت تهاجم فرهنگی و تربیت های غلط موجب در جامعه قرار می گیرند که هم به خود ضربه می زند و هم به جامعه، زیرا اینها می خواهند در آینده در ارگانهای رسمی و غیر رسمی و آموزشی تربیت فرزندان نسل بعدی را به عهده بگیرند از این رو در این مقاله بر این شدیم که تربیت معنوی فرزندان نسل چهارم در حیطه خانواده شکل بگیرد چون تربیت معنوی سابقه طولانی مدت در جامعه و فرهنگ اسلامی و دینی دارد که از آغاز رسالت پیامبر، ایشان به این امر توجه نموده سعی کرده اند با گفتار در رفتار و برنامه های دینی و معنوی آن رادر اسلام ترویج دهند. در خصوص راهکارهای تربیت معنوی فرزندان نسل چهارم انقلاب در خانواده بصورت تحقیق مستقلی انجام نشده است. اگر مطلبی در مورد راهکارهای تربیتی وجود دارد به صورت کلی در لابه لای کتاب ها و مقالات درج شده است؛ امید است با این تحقیق به راهکارهای تربیت معنوی صحیح دست یابیم.

۱. مفهوم شناسی

تربیت

معنای لغوی تربیت

راغب اصفهانی می نویسد: «رب در اصل به معنای تربیت است و معنای آن ایجاد چیزی یا حالتی به تدریج و در مراحل مختلف است تا به حد کمال و تام خود برسد». (راغب اصفهانی، بی تا: ۳۳۶)

معنای اصطلاحی

تربیت به معنی پرورش دادن و پروراندن است. پروراندن هر چیزی به کمال رساندن آن است تا تمام قابلیت های آن شکوفا گردد. بنابراین معنا، پرورش دادن گیاهان برای رسیدن به رشد و مطلوب، نوعی تربیت محسوب می شود و تربیت انسان پرورش دادن جسم و روح اوست به گونه ای که به کمال شایسته ی خود برسد. به عبارت دیگر: تربیت در انسان به معنای رشد و پرورش استعداد های درونی و قوای جسمانی و روانی او برای وصول به کمال مطلوب است. و این کار در واقع عملی است آگاهانه با هدف رشد دادن، ساختن، دگرگون کردن و شکوفا نمودن استعدادهای مادرزادی. (اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۲: ۳۹)

خانواده

از آن جایی که خانواده نقش مهمی در تربیت فرزندان دارد اسلام بر چگونگی تربیت فرزندان در خانواده تأکید فراوان دارد. امام راحل علیه السلام نقش مادر را در تربیت فرزند در ردیف پیامبران الهی می داند و در تبیین آن می فرماید: «انبیاء آمده اند که انسان بسازند و افرادی را که بشر هستند و با حیوانات فرق ندارند اینها را انسان کنند. شغل انبیاء همین است. باید شغل مادرها هم همین باشد نسبت به بچه هایی که در دامنشان است و با اعمالشان آنها را تزکیه کنند. در دامن مادر، بچه ها بهتر تربیت می شوند تا در پیش استادان، علاقه ای که بچه

به مادر دارد به هیچ کسی ندارد و آن چیزی که از بچگی از مادر می‌شنود در قلبش نقش می‌بندد و تا آخر همراهش است، پس مادرها با توجه به این معنی، بچه‌ها را خوب می‌توانند تربیت معنوی کنند. دامن‌هایشان یک مدرسه‌ی علمی و ایمانی باشد و یک مطلب بسیار بزرگی که از مادرها ساخته می‌شود از کس دیگر ساخته نمی‌شود. مادرها مبدأ خیرات هستند و اگر خدای نخواستہ مادرانی باشند که بچه‌ها را بد تربیت کنند مبدأ شَرند. یک مادر ممکن است یک بچه را خوب تربیت کند و آن بچه یک امت را نجات دهد و ممکن است بد تربیت کند و آن بچه موجب هلاکت یک امت بشود. (خمینی، ۱۳۸۵: ۹۰)

تربیت معنوی

تربیت، دارای هشت زمینه و ساحت است. به عبارت دیگر، هشت نوع تربیت داریم: تربیت دینی، تربیت اخلاقی، تربیت عرفانی، تربیت اجتماعی، تربیت جنسی، تربیت عاطفی، تربیت عقلانی و تربیت بدنی. مقصود ما از تربیت معنوی، تربیت جامعی است که در برگیرنده تربیت دینی، اخلاقی و عرفانی است.

تربیت دینی

ارائه و یاد دادن مجموعه گزاره‌ها و رفتارهای آگاهانه و هدف دار مربوط به دین؛ به گونه‌ای که افراد در زندگی و رفتار خود به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند شوند.

تربیت اخلاقی

این مفهوم، به تازگی رایج شده و پیش از این، کاربرد مشهور و معروف آن، تهذیب نفس و تزکیه اخلاقی بوده است؛ اما به موجب ورود اندیشه‌های تربیتی متفکران غربی در جامعه اسلامی، اصطلاح «تربیت اخلاقی» نیز رفته رفته شهرت یافته است. مقصود از تربیت اخلاقی، آموزش اصول و ارزش‌های اخلاقی و تلاش در جهت پرورش گرایش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی است..

تربیت عرفانی

مقصود از تربیت عرفانی این است که آدمی در راه پرورش توانایی های باطنی خویش، از مراتب پست و حسیض دنیای حس و ماده عبور کرده و از چنگ نفس اماره رهایی یابد و ایمان و اخلاص و عشق به خدا را تجربه کند؛ همزمان با پیمودن منازل، حالات و مقامات، جذبه ها، نفعه ها و حالات روحانی را دریابد و به فنای فی الله و بقای بالله باریابد. چنانچه بیان شد مقصود ما از تربیت معنوی، جامع تربیت های سه گانه فوق است و در برگیرنده تربیت دینی، اخلاقی و عرفانی است. (بهشتی، ۱۳۸۸)

نسل

به انسان هایی که در یک دوره زمانی زندگی کرده اند یا متولد شده اند و دارای اشتراکاتی هستند گفته می شود معمولاً افرادی که به صورت میانگین در زمانی در حدود ۳۰ سال به دنیا آمدند و دوران نوجوانی، جوانی، میان سالی و سالخوردگی آنها از نظر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی جامعه شرایط یکسانی داشته است، گفته می شوند. (ویکی پدیا)

نسل چهارم

هفتادی ها تجربه متفاوت دیگری هم دارند. امروز دهه هفتادی هایی در سراسر دنیا هستند که در خاک آرمیده اند و محل عروجشان دمشق است و سامرا. آن ها را "شهدای مدافع حرم" می نامیم. این شهدا فقط از جوانان ملت ایران نیستند بلکه جوانانی از لبنان و عراق و افغان و... هستند که دوش به دوش یکدیگر خارج از مرزهای جغرافیایی از ارزش هایمان دفاع می کردند. تجربه سوم هفتادی ها این است که آن ها می بینند شهدای امروز انقلاب اسلامی شهدای نخبه ی علمی هستند. شهید احمدی روشن، شهید شهریاری و... تجربه های هفتادی ها و ابزارهای دستشان باعث شده است این نسل ویژگی های متمایزی پیدا کند:

۱. یکی از جنگ های مهم امروز این نسل، جنگ علم است. کشورها تلاش می کنند تا

مرزهای علمی را در اختیار خود بگیرند. هر کشوری در این حوزه قوی تر، پیشرفته تر و بهتر. نسل چهارم نسل دانش بنیان است.

۲. هفتادی ها یکی از ابزارهای دستشان ابزارهای اینترنتی است. حالا با هر وسیله ای. چه تلفن همراه، چه رایانه خانگی و لب تاپ. این نسل، نسل دیجیتال است.

۳. محیط فعالیتشان دیگر مرز جغرافیایی ندارد. همانطور که در میدان نظامی، شهدای امروز ما به محیط جغرافیایی محدود نیستند؛ در محیط فرهنگی هم توانایی ارتباط گیری سریع و راحت را با هم نسلان خارج از مرز جغرافیایی دارد. اینترنت این مرز را شکسته است. سرعت تحولات جهانی بسیار بالا رفته است. مرزهای جغرافیایی از بین رفته است. میدان های وسیعی در اختیار این نسل قرار گرفته است.

۲. راهکارهای پیش روی مادران در تربیت معنوی نسل چهارم انقلاب

یکی از راهکارهای پیش روی مادران در تربیت معنوی فرزندان این است؛ که بر اساس فرهنگ و معارف اهل بیت علیهم السلام به خصوص سبک زندگی فاطمی، محبت و صمیمیت میان فرزندان را در کانون خانواده تقویت کنند و به جایگاه مادر بودنشان در امر تربیت فرزندان اهمیت فوق العاده ای بدهند. چرا که اینها بانوان و مادران، نسل آینده را می سازند. یکی از رسالت های مهم مادران جامعه ما علاوه بر بحث همسری، ناظر به جایگاه مادری و تربیت معنوی فرزند ان نسل حاضراند؛ و آن چه مهم است این که نباید بگذاریم اهمیت تربیت معنوی فرزند به خصوص در روزگار کنونی کم رنگ و تضعیف شود. وهمچنین با توجه به توصیه های راهبردی رهبر فرزانه انقلاب در زمینه تلاشهای دشمنان برای ترویج برنامه ریزی شده فساد در مدارس و تبدیل نسل جوان و نوجوان کشور به نسلی بی اعتقاد، بی ریشه و سست عنصر، (بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، خامنه ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲،

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

در این جا اگر فرزندان در خانواده معنوی رشو ونمو پیدا کرده باشند کمترین آسیبی می بینند یا اصلا هم دچار آسیبهای دشمن نمی شوند چون مادر در این خانواده نقش خود را

درست در تربیت فرزندان نسل چهارم انقلاب ایفا کرده است. و مسئولیت سنگین برنامه ریزی مادران در تربیت معنوی فرزندان در برابر برنامه ریزی دشمنان بیش از پیش احساس می شود. اهمیت تربیت دینی نوجوانان و جوانان به عنوان نسل چهارم انقلاب اسلامی، تا حدی است که مقام معظم رهبری علیه السلام بخشهایی قابل توجه از بیانیه راهبردی «گام دوم انقلاب» را به معنویت جوانان و اخلاق این قشر از جامعه به عنوان آینده سازان این مرز و بوم اختصاص داده اند. هرچند همه ادیان الهی برای مقام مادر ارزش قائلند، ولی اسلام بیش از دیگر مکتب های دینی به این مسئله توجه کرده و به مادر احترام و عظمت بسیاری بخشیده است. حقوقی را که اسلام برای مادران در نظر گرفته، بسیار فراتر از حقوق دیگران، حتی پدران است؛ زیرا مادر، مربی انسان و در حقیقت، پرورش دهنده نسل جوان جامعه است و اوست که می تواند جامعه را به سوی سعادت و معنویت یا شقاوت و بدبختی بکشاند. (محمد احسانی، ۱۳۸۷: ۲۴) از این رو باید برای تربیت این نسل، برای مادران راهکارهایی ارائه دهیم از قبیل:

یک) خود افزایی اطلاعات دینی و معنوی

یکی از راهکارهای پیش روی مادران در تربیت معنوی فرزندان این است؛ که اطلاعات دینی و معنوی خود برای تربیت نسل معنوی افزایش دهند. و «این همان چیزی است که اسلام بر روی آن تکیه کرده است. اگر جامعه ی اسلامی بتواند زنان را با الگوی اسلامی تربیت کند یعنی الگوی زهرایی، الگوی زینبی، زنان بزرگ، زنان با عظمت، زنانی که می توانند دنیا و تاریخی را تحت تأثیر خود قرار دهند آن وقت زن به مقام شامخ حقیقی خود نائل آمده است. اگر زن در جامعه بتواند به علم و معرفت و کمالات معنوی و اخلاقی ای که خدای متعال و آیین الهی برای همه ی انسانها چه مرد و چه زن به طور یکسان در نظر گرفته است، برسد، تربیت فرزندان و جوانان بهتر خواهد شد، محیط خانواده گرم تر و با صفا تر خواهد شد، جامعه پیشرفت بیشتری خواهد کرد و گره های زندگی آسان تر باز خواهد شد؛ یعنی زن و مرد خوشبخت خواهند شد. برای این باید تلاش کرد؛ هدف این است. هدف، صف آرایی زن در

مقابل مرد نیست. هدف، رقابت خصمانه‌ی زن و مرد نیست. هدف این است که زنان و دختران بتوانند همان سیر و همان حرکتی را انجام دهند که وقتی مردان آن حرکت را انجام دهند، به صورت یک انسان بزرگ در خواهند آمد؛ زنان انسان بزرگ شوند. این ممکن است و در اسلام تجربه شده است.” (بیانات در دیدار جمعی از زنان، خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۷/۳۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2859>) «پسرای جوان! دخترهای جوان! بدانید ایمان همراه با عمل صالح مهمترین پشتوانه برای پیشرفت در این میدان است. ایمان پاک، روشن، شفاف، مستدل و منطقی - که مواد آن خوشبختانه در معارف اسلامی فراوان است - همراه با عمل میتواند به شما کمک کند. صرف ایمان کار را پیش نمی‌برد. ایمانی که به دنبال خودش عمل داشته باشد، پایبندی داشته باشد، تقید داشته باشد، لاابالگیری و ولنگاری از آن دور باشد، میتواند هم به دنیای شما کمک کند، هم به آینده‌ی کشورتان کمک کند. به این پرداززی.” (بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان سراسر کشور، ۱۳۸۴/۷/۳۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3310>)

دو) تسلط بر روش خانه‌داری و فرزندداری

یکی دیگر از راهکارهای پیش روی مادران برای تربیت معنوی فرزندان این است؛ که مادران تسلط کامل و کافی بر اداره منزل و تربیت فرزند داشته باشند مسأله‌ی مادری، مسأله‌ی همسری، مسأله‌ی خانه و خانواده، مسائل بسیار اساسی و حیاتی است. در همه‌ی طرحهایی که ما داریم، بایستی «خانواده» مبنا باشد. یعنی شما اگر بزرگترین متخصص پزشکی یا هر رشته‌ی دیگری بشوید، چنانچه زن خانه نباشید، این برای شما یک نقص است. کدبانوی خانه شما باید باشید؛ اصلاً محور این است. اگر بخواهیم تشبیه ناقصی بکنیم، باید به ملکه‌ی زنبور عسل تشبیه کنیم. کانون خانواده، جایی است که عواطف و احساسات باید در آن جا رشد و بالندگی پیدا کند؛ بچه‌ها محبت و نوازش ببینند؛ شوهر که مرد است و طبیعت مرد، طبیعت خامتری نسبت به زن است و در میدان خاصی، شکننده‌تر است و مرهم زخم او، فقط و فقط نوازش همسر است - حتی نه نوازش مادر - باید نوازش ببیند. برای یک مرد

بزرگ، این همسرکاری را میکند که مادر برای یک بچه‌ی کوچک آن کار را میکند؛ و زنان دقیق و ظریف، به این نکته آشنا هستند.” (بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۰/۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۵۳۶>)

“علّت این‌که اسلام این قدر به نقش زن در داخل خانواده اهمیت میدهد، همین است که زن اگر به خانواده پایبند شد، علاقه نشان داد، به تربیت فرزند اهمیت داد، به بچه‌های خود رسید، آنها را شیر داد، آنها را در آغوش خود بزرگ کرد، برای آنها آذوقه‌های فرهنگی - قصص، احکام، حکایت‌های قرآنی، ماجراهای آموزنده - فراهم کرد و در هر فرصتی به فرزندان خود مثل غذای جسمانی چشاند، نسلها در آن جامعه، بالنده و رشید خواهند شد. این، هنر زن است و منافاتی هم با درس خواندن و درس گفتن و کار کردن و ورود در سیاست و امثال اینها ندارد.”

(بیانات در اجتماع زنان خوزستان، خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7284>) این‌که گفته می‌شود وجود زن برای کار در خانه لازم است، معنایش این نیست که در میدانهای علمی و عملی و فعالیتها، توانایی ندارد. یا از لحاظ معنویّت که بالاتر از همه‌ی اینهاست و در مورد فاطمه‌ی زهرا علیها السلام، همه‌ی اینها را مشاهده می‌کنیم. هرچند البته، طبیعی‌ترین و فطری‌ترین و مطلوبترین کار برای زنان، کار در خانه است. یعنی مسأله‌ی اداره کردن همسر و فرزندان، طبیعی‌ترین کار است، و من خیال نمی‌کنم زنی طبیعی باشد و به این کار عشق و علاقه نداشته باشد. به طور قهری، همه‌ی زنان به این کار عشق و علاقه دارند. (بیانات در دیدار جمعی از خواهران متخصص رشته‌ی پزشکی و مامایی، خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۹/۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4216>)

سه) راهکار تقویت حس مسئولیت‌پذیری مادران نسبت به تربیت معنوی فرزندان

یکی دیگر از راهکارهای پیش روی مادران برای تربیت معنوی فرزندان این است؛ که بتوان حس مسئولیت‌پذیری مادران نسبت به تربیت (معنوی) فرزندان راه تقویت کرد، که این امر مایه دل‌گرمی آنان می‌شود. وجود فرزند، منشأ آثار و برکات زیادی است که برخی

در دنیا و برخی دیگر در آخرت نصیب والدین می‌گردد. در دنیا با تولد فرزند، کانون خانواده گرم و پیوند زناشویی، محکم تر و قوی تر می‌گردد و در آخرت نیز پاداش های بزرگی که برای تربیت فرزند صالح به پدر و مادر وعده داده شده است، به آنها داده می‌شود. بسیاری از پدران و مادران بر اثر دعاهای فرزندان شایسته شان، پس از مرگ آمرزیده می‌شوند. امام صادق «علیه السلام» در این باره می‌فرماید: «مِیرَاثُ اللَّهِ مِنْ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ وَلَدٌ صَالِحٌ یَسْتَعْفِرُهُ؛ (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱۲۹۶) میراث خداوند برای بنده مؤمنش، فرزند صالحی است که برایش طلب استغفار کند.» (ابن بابویه ۱۳۶۷: ۱۵۶) فرزند صالح، در حقیقت، میراثی است که از سوی خداوند به انسان می‌رسد و در حیات و ممات برای او طلب آمرزش می‌کند. بنابراین، مادران باید از وجود فرزند استقبال کنند و با عشق و علاقه پذیرای او باشند و نسبت به تربیت وی احساس مسئولیت کنند و زمینه های رشد جسمی و روحی و معنوی وی را فراهم آورند. (احسانی، ۱۳۸۷: ۲) با توجه به ویژگی های دوره جوانی که زمینه رشد و ترقی جسمی و روحی انسان در این دوره، بیش از دیگر دوره ها فراهم است و باید از این فرصت به منظور تربیت دینی و معنوی و اعتقادی جوان بهره برد. امیرمؤمنان حضرت علی «علیه السلام» به آقا امام حسن «علیه السلام» فرمود: «فَبَادِرْتَكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَفْسُو قَلْبَكَ» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۶۶) به تربیت تو مبادرت کردم، پیش از آنکه قلبت دچار تاریکی و قساوت گردد.» (انصاریان، بی تا) امام علی «علیه السلام» به همه مریبان گوشزد می‌کند که باید پیش از آلوده شدن جوان به نافرمانی های دینی به یاری آنان پرداخت. مادر، بیش از هر کس دیگری می‌تواند در امر هدایت گری و تربیت معنوی جوان نقش داشته باشد و وی را راهنمایی کند. نقل است که وقتی در سال ۱۳۴۲ امام خمینی به سوی تبعیدگاه برده می‌شدند؛ یک مامور ساواک از ایشان پرسید: "پس یاران شما کجا هستند؟" که امام خمینی در جوابش این جمله تاریخی را فرمودند که "یاران من در گهواره های مادرانشان هستند". این یاران در گهواره امام امت، بعدها در سال ۵۷ و در سالهای دفاع مقدس جوانان رشیدی شدند برای حفاظت از امام خمینی و میراث گرانقدرش که همان "انقلاب اسلامی ایران" است.

(خبرگزاری تسنیم ۱۳۹۲) در این باره مقام معظم رهبری در متن بیانیه گام دوم انقلاب تصریح فرمودند: «آینده کشور در انتظار جوانان است» (بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) برای اینکه بتوانیم جوانی معنوی و انقلابی تربیت کنیم که راه شهدا و امام شهدا را ادامه دهند و سربازان و زمینه سازان ظهور باشند همه اینها بستگی به تربیت مادر در زمانی کودکی، جوان دارد.

چهار) مدیریت امور معنوی و نظارت در روابط عاطفی فرزندان

یکی دیگر از راهکارهای پیش روی مادران تربیت معنوی جوانان و نوجوانان نسل چهارم انقلاب ارتباط عاطفی می باشد. در اسلام ارتباط عاطفی انسان‌ها با یکدیگر به دلیل تأثیرات تربیتی آن، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. همچنین در تمام طبقات اجتماعی لازم است، مردم جهات عاطفی و اخلاقی را مراعات کنند. این ارتباط عاطفی در ارتباط با فرزندان از اولویت بیشتری برخوردار است. ابراز عواطف مثبت والدین از دو طریق می‌تواند بر تربیت عاطفی و معنوی فرزندان اثر گذارد: نخست این‌که والدین می‌توانند با ابراز عواطف مثبت، کاری کنند که در فرزند موجب احساس مطبوع شود و فرزند مایل می‌شود آنچه را انجام دهد که در آن‌ها حس ایجاد خوشایندی می‌کند، دوم این‌که وجود والدین به هنگام برانگیختگی عواطف مثبت نقش مهمی در پیامد علاقه فرزند به والدین دارد و در واقع، به شکل‌گیری نگرش مثبت به سخنان والدین می‌انجامد و زمینه را برای همکاری و پذیرش پیشنهادها و آن‌ها در ابعاد مختلف فراهم می‌کند. بنابراین، آنچه ما به عنوان مبنای ارتباط مؤثر والدین و فرزندان به دنبال آن هستیم، بر اساس ابراز عواطف مثبت از سوی والدین نسبت به فرزندان می‌توانیم پیگیری کنیم؛ همان‌گونه که نقطه مقابل آن، یعنی ابراز عواطف منفی، می‌تواند به سردی روابط والدین با فرزندان و سست شدن ارتباط مطلوب آن‌ها بینجامد و به تدریج در کجروی فرزندان تأثیر گذارد. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) ابراز عواطف و علاقه نشان دادن والدین به فرزند را در ارتقاء درجات بهشتی مؤثر دانسته و می‌فرماید: «قبلة

اولادکم فان لکم بكل قبلة درجة فى الجنة مسيرة خمسمائة عام” (ابن فهد حلی، بی تا: ۸۸) “فرزندان خود را ببوسید که برای هر بوسه‌ای که به فرزندتان می‌زنید، یک درجه در بهشت خواهید داشت که فاصله هر درجه تا درجه دیگر به اندازه پانصد سال راه است» (کتابخانه فقاہت، بی تا) در تعبیر دیگری نگاه عاطفی و مهربانانه والدین به فرزندانشان را عبادت دانسته و فرموده‌اند: أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) نَظَرُ الْوَالِدِ إِلَى وَالِدَيْهِ حُبًّا لَهُمَا عِبَادَةٌ. (ابن اشعث، بی تا) “نگاه پدر و مادر به فرزند از روی مهر و محبت، عبادت است». (کتابخانه فقاہت، بی تا) محبت و رفاقت صمیمانه با فرزند چنان مهم است که امام صادق (ع) آن را راه درست تربیت در هفت ساله سوم زندگی می‌داند. آن حضرت می‌فرماید: بگذار فرزندت هفت سال بازی کند؛ هفت سال او را با آداب و روشهای مفید تربیت کن و در هفت سال سوم مانند دوست صمیمی با وی همراه باش. از این رو مادر مهم‌ترین نقش عاطفی فرزندانش در خانواده را ایفا می‌کند و زمینه محبت و دوستی را در خانه ایجاد می‌کند. نتیجه این عواطف در سنین جوانی می‌توان دید که فرزندانش به پدر و مادر خود احترام و محبت می‌کنند.

۳. راهکارهای پیش روی پدران در تربیت معنوی نسل چهارم انقلاب

مقام معظم رهبری (مدظله) برای تربیت معنوی جوانان نسل چهارم انقلاب راهکارهای متعددی پیش روی پدران گذاشته‌اند. اهمیت نهادینه سازی ارزشها و باورهای دینی و معنوی در نوجوانان تا حدی است که رهبر معظم انقلاب اسلامی، دینداری را در کنار علم و دانش، «بال دوم حرکت و پیشرفت جامعه» برشمرده‌اند. به گفته معظم له: «عزیزان نوجوان و جوان می‌توانند با تعهد به ظواهر دینی، افزایش معرفت دینی و به ویژه تقویت ارتباط معنوی با پروردگار، دل‌های خود را به نور ایمان و جذب الهی، آباد و روشن و مملو از عشق و امید سازد» ایشان نوجوانان و جوانان را به «قرائت قرآن، تأمل در معانی آیات این کتاب الهی و

نماز با توجه» فراخوانده و به آنها توصیه کرده اند: «دل‌های باصفای خود را با پالایش دائم معنوی، هر روز نورانی تر کنید تا با عنایت پروردگار مهربان، به انسان‌هایی صالح تبدیل شوید.» (بیانات رهبری در دیدار اعضای مجلس جوانان دانش‌آموز با رهبر انقلاب، ۱۳۸۰/۷/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=18674>) حضرت علی علیه السلام در مورد تربیت‌پذیر بودند فرزندان فرمودند: «فرزندان انسان تربیت‌پذیرند و اگر پدر و مادر از شیوه‌ها و اصول تربیتی آگاه باشند، از این ویژگی و تربیت‌پذیر بودن انسان به خوبی بهره می‌برند و فرزندان خویش را در رسیدن به بالاترین درجه‌های علمی و معنوی یاری می‌رسانند. بر اساس اصل «تربیت‌پذیر بودن انسان»، یکی از حقوق فرزندان بر پدر را، تربیت شایسته فرزند می‌داند: آن حضرت می‌فرماید: «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ، وَ يُحَسِّنَ مِنْ مُرْضِعِهِ، وَ يُحَسِّنَ أَدَبَهُ (محمدی ری شهری، بی تا: ۲۶۶) حَقُّ فرزند بر پدرش این است که نام نیک بر او بگذارد و دایه نیک برایش گزیند و او را به نیکی تربیت کند.» (محمدی ری شهری، بی تا: ۲۶۷) آن حضرت در کلامی دیگر فرموده است: «نَحَلَّ وَالِدٌ وَكَلَدًا مِنْ نُحْلٍ أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ حَسَنِ». (نوری طبرسی، بی تا: ۶۲۵) (هیچ پدری، هدیه ای برتر از تربیت نیک به فرزندش نبخشیده است). آن حضرت در سخنی در این باره، به فرزندش امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «فبادرتک بالادب قبل ان یقسو قلبک و یشتغل لبک؛ (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۶۶) پیش از آن که قلب تو دچار قساوت و اندیشه ات سرگرم [امور بیهوده] شود، به تربیت تو پرداختم». (انصاریان، بی تا) برگرفته از فرمایشات امام علی علیه السلام پدران برای تربیت معنوی فرزندانشان یکسری وظایفی پیش روی دارند از قبیل:

یک) کسب روزی حلال

یکی از مهمترین راهکارهای پیش روی پدران در تربیت معنوی نسل چهارم انقلاب بدست آوردن روزی حلال پدر می باشد؛ چون مهمترین عواملی که می تواند اثرات بسیار زیادی بر روح و تربیت معنوی فرزندان در سنین بالاتر داشته باشد، مسئله لقمه حلال و حرام است و در این مسیر پدر خانواده باید کوشش خود را بکند که کسب حلال داشته

باشد و جز از اموال حلال نخورد و بداند که تغذیه را حلال و حرامی است معین شده از جانب خالق. اثر لقمه حلال حتی بر تربیت فرزندان در رحم مادران نیز اثر می گذارد. رسول الله «صلی الله علیه آله» می فرمایند: فرزندان را در رحم مادرانشان تربیت کنید. عرض شد این چطور ممکن است یا رسول الله؟ فرمودند: با خوراندن غذای حلال به مادرانشان. (شریعتی، ۱۳۹۶) غذای پاک و حلال مادر عیناً در سلامتی و پاکی جنین اثر دارد و او را به صلاح و پاکی سوق می دهد. روایتی است که نقل می کند حضرت رسول اکرم ﷺ در هنگام ازدواج با حضرت خدیجه رضی الله عنها بر طبق مصالح الهی چهل روز از ایشان کناره گیری کرد و به عبادت پرداخت تا از او فرزند پاکیزه بیاورد. و نیز در روایتی از امام علی رضی الله عنه آمده است که ایشان فرمودند: خداوند خون را در شکم مادر حبس کرد تا رزق نوزاد باشد. (مجلسی، ۱۳۸۹: ۱۲۸) یک پدر نمونه، پدری است که افزون بر تربیت معنوی فرزندان بتواند روزی خانواده اش را نیز از راه حلال به دست آورد. زیرا این روزی حلال در سرنوشت دنیوی و اخروی فرزندان بسیار مؤثر است. اگر دعایی را که فرزندان می کنند، برآورده شود تا حد زیادی در اثر همین روزی حلالی است که پدر برایشان آورده است و لذا فرزندان همیشه باید قدردان چنین پدری باشند.

دو) تقویت و حفظ روابط عاطفی خانواده

دومین راهکارهای پیش روی پدران در تربیت معنوی فرزندان نسل چهارم انقلاب حفظ و تقویت روابط عاطفی خانواده است. در اسلام ارتباط عاطفی انسان ها با یکدیگر به دلیل تأثیرات تربیتی آن، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. همچنین در تمام طبقات اجتماعی لازم است، مردم جهات عاطفی و اخلاقی را مراعات کنند. این ارتباط عاطفی در ارتباط با فرزندان از اولویت بیشتری برخوردار است. ابراز عواطف مثبت والدین از دو طریق می تواند بر تربیت عاطفی و معنوی فرزندان اثر گذارد: نخست این که والدین می توانند با ابراز عواطف مثبت، کاری کنند که در فرزند موجب احساس مطبوع شود و فرزند مایل می شود آنچه را انجام دهد که در آن ها حس ایجاد خوشایندی می کند، دوم این که وجود والدین به هنگام

برانگیختگی عواطف مثبت نقش مهمی در پیامد علاقه فرزند به والدین دارد و در واقع، به شکل‌گیری نگرش مثبت به سخنان والدین می‌انجامد و زمینه را برای همکاری و پذیرش پیشنهادها و آن‌ها در ابعاد مختلف فراهم می‌کند. بنابراین، آنچه ما به عنوان مبنای ارتباط مؤثر والدین و فرزندان به دنبال آن هستیم، بر اساس ابراز عواطف مثبت از سوی والدین نسبت به فرزندان می‌توانیم پیگیری کنیم؛ همان‌گونه که نقطه مقابل آن، یعنی ابراز عواطف منفی، می‌تواند به سردی روابط والدین با فرزندان و سست شدن ارتباط مطلوب آن‌ها بینجامد و به تدریج در کجروی فرزندان تأثیر گذارد. (کتابخانه فقاہت، بی تا) رسول‌گرامی اسلام (ﷺ) ابراز عواطف و علاقه نشان دادن والدین به فرزند را در ارتقاء درجات بهشتی مؤثر دانسته و می‌فرماید: «قبلة اولادکم فان لکم بكل قبلة درجة فی الجنة مسیرة خمسامة عام» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۸۸) «فرزندان خود را ببوسید که برای هر بوسه‌ای که به فرزندتان می‌زنید، یک درجه در بهشت خواهید داشت که فاصله هر درجه تا درجه دیگر به اندازه پانصد سال راه است» و در تعبیر دیگری نگاه عاطفی و مهربانانه والدین به فرزندان را عبادت دانسته و فرموده‌اند: «أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ) نَظَرُ الْوَالِدِ إِلَى وَالِدِيهِ حُبًّا لَهُمَا عِبَادَةٌ.» (ابن اشعث، بی تا: ۱۸۷) نگاه پدر و مادر به فرزند از روی مهر و محبت، عبادت است». (مدرسه فقاہت، بی تا)

سه) تقویت حس مسئولیت‌پذیری در فرزندان نسبت به امور معنوی

یکی دیگر از راهکارهای پیش روی پدران برای تربیت معنوی فرزندان نسل چهارم این است که حس مسئولیت‌پذیری فرزندان را، نسبت به امور معنوی، تقویت کنند. رسول اکرم (صلی الله علیه وآل وسلم) با به کار بردن کلمه وزیر از یک طرف به استقلال جویی حفظ شخصیت و مقام و منزلت نوجوان اشاره کرده و او را صاحب رأی و دارای مسئولیت دانسته و از طرف دیگر به پدر و مادر فهمانده است که با جوان امروز همانند بچه دیروز رفتار نکنید و

با او آمرانه سخن نگویید و با تندي و خشونت شخصیتش را تحقیر ننمایید. بچه دیروزبنده و مطیع شما بوده و [امروز که جوان است] وزیر و مشاور شما است. در صورتی که پدران و مادران به خواهش طبیعی جوانان توجه کنند و دستور رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را عملاً به کار بندند؛ فرزندانشان با شخصیت و متکی به نفس باری آیند و در آینده انسان هایی مستقل و با اراده و افرادی مفید و با ارزش خواهند بود و جامعه از وجودشان به شایستگی بهره مند می گردد.

۴. راهکارهای مشترک پیش روی والدین در تربیت معنوی نسل چهارم انقلاب

یک سری رفتار مشترک بین والدین در تربیت معنوی فرزندان وجود دارد که اگر والدین باهم به کار ببرند جواب مثبت در تربیت فرزند خود می گیرند و فرزندان مطیع و فرمانبردار و پیروی راه اسلام و انقلاب تربیت می کنند هر جوانی به کمک فکری پدر و مادر خود احتیاج دارد. نباید تصوّر کرد که کمکهای فکری پدر و مادر و بکن نکن های پدران و مادران و مشفقانه، جلو نوآوری جوان را می گیرد؛ نه، این طور نیست. من گمان نمی کنم آنجایی که نوآوری معقول و منطقی و صحیحی باشد، پدر و مادر یا بخصوص جامعه ی ما در مقابل آن بایستند؛ نه. امروز تشویق به نوآوری، جزو شعارهای مکرر این جامعه و این نظام و خانواده های دغدغه مند است و اگر پدران و مادران در امر مقدس تعلیم و تربیت با دقت و مواظبت و خردمندی و بزرگواری از چنین راههایی وارد شوند، و راهنمایی های اصیل و دلسوزانه ی پیشوایان دین رهبری بگیرند، صرف نظر از این که به وظیفه دینی خود نیز در این زمینه عمل کرده اند؛ در زندگی هم خود می توانند از درخت زندگی فرزندان گل های خوش بو و میوه های شیرین بچینند، و اگر وظایف تربیتی خود را واگذاشتند و نیازها و احتیاجات فرزندان را نادیده گرفته اند، غیر از این که در زندگی، به آتش عصیان ها و تجاوزکاریهای آنها خواهند سوخت، به خاطر این گونه کوتاهی ها، موجب عذاب و عقاب دردناک اخروی را هم برای خود فراهم می نمایند، هم چنان که در بیان معصوم علیه السلام وارد شده است: سخت ترین مرحله عذاب در روز قیامت، مال کسی است که اهل و عیال و افراد خانواده را به حال خود

رها کرده باشد و آن‌ها را در حال جهل و نادانی باقی مانده باشند، در روایت دیگری آمده اگر مسلمانی خود از گناه و معصیت بپرهیزد، و افراد خانواده خود را نیز از آلودگی‌ها به گناه و ناپاکی حفظ نماید، آنان در روز روز قیامت بر وی دعا و سپاس‌گزاری می‌کنند و آنگاه دسته‌جمعی به طرف بهشت حرکت می‌نمایند، اما چنانچه پدران و مادران از این وظیفه سنگین شانه خالی کرده باشند در صحرای محشر فرزندان به آن‌ها می‌گویند از رحمت و پاداش الهی محروم باشید. از حضرت علی علیه السلام سوال کردند منظور از «قوا أنفسکم و اهلکم نارا چیست؟ حضرت پاسخ داد منظور این است که خود راه خیر و نیکی‌ها را بیاموزید، و فرزندان را نیز، بر شیوه آن تربیت نمائید. (صادقی اردستانی، ۱۳۱۷: ۲۹) بر اساس فرمایشات معصومین علیهم السلام بر والدین واجب می‌شود در تربیت معنوی فرزندان کوتاهی نکنند و برای اینکه فرزندان دینی و معنوی تربیت کنند باید خودشان در یکسری رفتارهایی سرمشق و الگو برای آنها باشند تا هم برای دنیا و هم آخرت خود کاری کرده باشند و هم به عاقبت بخیری آنها، از قبیل مواردی که در ذیل به آنها پرداخته ایم.

یک) تکریم فرزندان

«اولین و مهمترین راهکارهای تربیت معنوی فرزندان نسل چهارم انقلاب راهکار تکریم و احترام فرزندان می‌باشد که آنها بطور غیر مستقیم آموزش می‌بینند و تکریم به والدین و اطرافیان یاد می‌گیرند و آن را بر خود واجب و لازم می‌دانند. و احترام به فرزندان از موارد اساسی رشد شخصیت او و عامل مهمی برای سازندگی نسل انقلابی و معنوی است.» از این رو فرزندان همانند بزرگسالان برای خود شخصیت قائل بوده، از دیگران انتظار دارند که به آن‌ها احترام بگذارند. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به پدران و اولیای فرزندان دستور داده که به آن‌ها احترام بگذارند: به فرزندان خود احترام بگذارید و آنان را نیکو تربیت کنید تا آموخته شوید (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹: ۲۶۳). اگر فرزند در یابد که پدر و مادر برایش احترام قائل نبوده و در محیط خانواده شخصیت او را به رسمیت نمی‌شناسند، برای این‌که توجه دیگران به خود جلب کند به رفتارهای خاصی تن می‌دهد و در مواردی ممکن

است سر از انحراف و تبهکاری درآورد. وی سعی می‌کنند با انجام کارهای نیک شخصیت خویش را در نظر دیگران کامل‌تر گرداند تا بیشتر و بهتر مورد توجه قرار گیرد. (کریم خانی، ۱۳۸۹: ۲۶۳) و اگر فرزند در محیط خانواده مورد احترام باشد و با او رفتار کند که عضو مستقل خانواده و مورد تکریم است کمتر از اوامر پدر و مادر سرپیچی می‌کند و به طغیان و تمرد و انتقام رومی آورد. در سیره آن حضرت آمده است: موقعی که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) از سفر برمی‌گشت و در راه به کودکان برخورد می‌کرد به احترام آن‌ها می‌ایستاد و دستور می‌داد کودکان را بیاورند و به آن حضرت بدهند، سپس بعضی‌ها را بر پشت مرکب سوار می‌کرد و به اصحاب خویش نیز می‌فرمود چنین کنند. و احترام به شخصیت فرزند سبب ایجاد ارزش‌های اخلاقی و زمینه سهولت زندگی و اعتماد و دلگرمی وی می‌شود. کودکی که مورد احترام والدین و دیگران قرار می‌گیرد، به سازگاری فردی و جمعی می‌اندیشد و بدین وسیله از اختلافات کناره‌گیری می‌کند و به نصیحت‌ها و اندرزهای پدر و مادر گوش داده، و به تکامل اخلاقی و اصلاح کژی‌ها می‌پردازد. پدر و مادرانی که به فرزندان خود احترام می‌کنند شخصیت آنان را بزرگ می‌دارند، با ادب و اخلاق با آنان معاشرت و برخورد می‌نمایند. (کریم خانی، ۱۳۸۹: ۹۱-۹۳)

دو) تقویت حس اعتماد به نفس در فرزندان

یکی دیگر از راهکارهای تربیت معنوی فرزندان نسل چهارم انقلاب راهکار تربیتی غیر مستقیم، بوجود آوردن حس اعتماد و خودباوری در جوانان می‌باشد؛ و اعتماد والدین به جوانان در مسائل جامعه و خانواده در تربیت معنوی آنان حائز اهمیت است و موجب تقویت اعتماد به نفس آنان می‌شود و «جوانان، حقیقتاً به یک معنا موتور محرکه‌ی کشورند؛ هم در آموزش‌شان که جوانند، هم در فردایشان که مردان و زنان و مدیران و کارگزاران کشور خواهند بود. هر کدام در هر جا که هستند، با پاکی و پارسایی و دین‌داری و تقوا، این نیروی عظیم جوانی را به کار گیرند.» (بیانات، بی تا) پیامبر اکرم در یکی از حساسترین لحظات عمر خود، مسؤولیت بزرگی را به یک جوان هجده ساله داد. در جنگ‌ها خود پیامبر اکرم فرماندهی

را عهده دار می‌شد؛ اما آن وقت که در آخرین هفته‌های زندگی خود احساس کرد از این عالم خواهد رفت و لشکرکشی به سرزمین امپراتوری روم به وسیله‌ی خود او امکان ندارد - چون کار بسیار بزرگ و دشواری بود؛ لازم بود نیرویی برای این کار برگزیده شود که هیچ مانعی نتواند جلو آن را بگیرد - این مسؤلیت را به یک جوان هجده ساله داد. پیامبر می‌توانست یک نفر از اصحاب پنجاه ساله، شصت ساله و دارای سابقه‌ی جنگ و جبهه را بگذارد؛ اما یک جوان هجده ساله را گذاشت و او «اسامه بن زید» بود. پیامبر از ایمان و از سابقه‌ی فرزند شهید بودن او هم استفاده کرد. آن نقطه‌ای که اسامه را فرستاد، همان نقطه‌ای بود که پدر اسامه بن زید - یعنی زید بن حارثه - در دو سال قبل از آن در آن نقطه به شهادت رسیده بود. پیامبر فرماندهی سپاهی بزرگ و گران را به آن جوان هجده ساله داد که همه‌ی اصحاب بزرگ و پیرمرد و سرداران سابقه دار پیامبر در آن سپاه عضو بودند. پیامبر به او گفت تا آن محلی که پدرت در آن جا شهید شد، می‌روی - یعنی در «موته» که محلی در امپراتوری روم آن روز و در کشور شام امروز بود - و آن جا را اردوگاه می‌کنی. بعد دستورات جنگی را به او داد. از نظر پیامبر، نیروی جوان این قدر حائز اهمیت است. ما امروز در کشورمان اسامه بن زیدهای زیادی داریم؛ جوانان زیادی داریم؛ دختران و پسران عظیم و جمعیت انبوهی از این مجموعه‌ها داریم که حاضرند در همه‌ی میدانهای فعال - در میدان درس، در میدان سیاست، در میدان فعالیت‌های اجتماعی، در میدان مشارکتهای گوناگون برای فقرزدایی، برای سازندگی، و در هر صحنه و عرصه‌ای که برای آنها برنامه‌ریزی شود و امکان داده شود - شرکت کنند. این موقعیت بسیار مهمی برای کشور ماست. رسول اکرم (صلی الله علیه و آل وسلم) با به کار بردن کلمه وزیر از یک طرف به استقلال جویی حفظ شخصیت و مقام و منزلت نوجوان اشاره کرده و او را صاحب رأی و دارای مسؤلیت دانسته و از طرف دیگر به پدر و مادر فهمانده است که با جوان امروزهمانند بچه دیروز رفتار نکنید و با او آمرانه سخن نگویند و با تندی و خشونت، شخصیتش را تحقیر ننمایید. بچه، دیروزبنده و مطیع شما بوده و [امروز که جوان است] وزیر و مشاور شما است. در صورتی که پدران و مادران به خواهش

طبیعی جوانان توجه کنند و دستور رسول اکرم (صلی الله علیه وآل وسلم) را عملاً به کار بندند؛ فرزندانشان با شخصیت و متکی به نفس باری آیند و در آینده انسان هایی مستقل و با اراده و افرادی مفید و با ارزش خواهند بود و جامعه از وجودشان به شایستگی بهره مند می گردد والدین باید رفتار پیامبر سر لوحه زندگی خود قرار دهند و به جوانان اعتماد کنند و مسئولیت دهند تا حس اعتماد به نفس آنها تقویت گردد.

سه) ایجاد زمینه اشتغال فرزندان

«مهمترین راهکارهای مشترک پیش روی والدین در تربیت معنوی فرزندان نسل چهارم انقلاب ایجاد زمینه اشتغال فرزندان می باشد. واگر فرزندان امیدی به حمایت شغلی والدین داشته باشند انگیزه به ازدواج که یکی دیگر از راهکارهای تربیت معنوی جوانان نسل چهارمی می باشد؛ و در کل والدین با حمایت مالی و شغلی و فکری، باید زمینه ورود به زندگی را در فرزندان آماده و مهیا کنند تا زندگی آنان به یک سمت و سوی مثبت و در جهت رشد و تکامل پیش رود.» انتخاب شغل برای اولاد در زندگی انسان، شغل و کیفیت آن، حرف اول را می زند یعنی در انتخاب شغل و نحوه در آمد و بهره برداری از آن، از اهم مسائل زندگی است؛ کسانی هستند یک شغل آبرومند و پردرآمد و راحت انتخاب می کنند و دیگری شغل پر زحمت و کم در آمد و بخور و نمیر و غیره را می پسندد و روزی خود را از آن راه تأمین می نماید. امام صادق علیه السلام به پسر یکی از دوستان خراسانی خود که به فقر و فلاکت و نداری افتاده بود سرمایه ای داد و فرمود: برو با این مبلغ به شغل بزّازی مشغول باش، آن مرد رفت و آهنگری را شروع کرد و کارش بالا گرفت و سال بعد به خدمت حضرت شرفیاب شد و از کار خود اظهار رضایت نمود، حضرت فرمود: من برای به دست آوردن روزی ات، راه آسانی را به تو پیشنهاد کردم ولی تو روزی خود را از جلوی آتش خواستی! (مظاهری، ۱۳۶۹: ۸۵)

چهار) مهیا کردن زمینه ازدواج فرزندان

یکی دیگر از راهکارهای مهم و مشترک پیش روی والدین در تربیت معنوی فرزندان نسل

چهارم انقلاب، مهیا کردن زمینه ازدواج فرزندان در سنین بلوغ می باشد. زیرا از جمله حقوق فرزند بر پدر و مادر، آن است که هنگامی که فرزند به سن بلوغ رسید، همسر شایسته و مناسبی برای او انتخاب کنند: اسلام در مورد ازدواج فرزندان، مسئولیت سنگینی بر دوش پدران گذارده، و پدرانی که توانایی این امر حیاتی را داشته باشند، ولی سهل انگاریا بی تفاوت باشند، شریک جرم انحراف فرزندان شان شمرده می شوند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «من أدرك له ولد و عنده ما يزوجه فلم يزوجه فأحدث فإلثم بينهما» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۲۰۸) کسی که فرزندش به حدّ رشد برسد و امکانات تزویج او را داشته باشد و اقدام نکند، و در نتیجه فرزند او مرتکب گناه می شود، این گناه برای هر دو نوشته می شود. (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۴۵) قرآن در باره وظیفه پدر نسبت به فراهم کردن مقدمات ازدواج فرزندان می فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم، ۳۰، ۲۱) و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودّت و رحمت قرار داد در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکّر می کنند! (مکارم، ۱۳۷۳: ۴۰۶) با توجه به اهمیت ازدواج جوانان، پدر و مادر در این زمینه نقش و وظیفه ویژه ای دارند تا جایی که اسلام آن را یکی از حقوق فرزندان قرار داده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «فرزند سه حق بر پدر دارد: اول انتخاب نام نیکو، دوم کتابت، نوشتن و سواد آموزی، سوم ازدواج، زمانی که فرزند بالغ شد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۲۸) از این روایت به روشنی استفاده می شود که از نظر اخلاقی پدر وظیفه دارد در حد توان خود همه زمینه های ازدواج فرزند خود را فراهم آورد و او را در انتخاب همسر شایسته و تشکیل کانون گرم خانواده یاری کنند و در صورتی که بتواند در این زمینه حتی قدم کوچکی بردارد و کوتاهی کند به وظیفه اخلاقی خود عمل نکرده است، مگر اینکه در پیشگاه خداوند عذری داشته باشد. بی گمان اگر خانواده ها در ازدواج فرزندان کوتاهی کنند و آنها به گناه بیفتند، هر چند خودشان مسئول اند، با این حال، والدین نیز مسئول خواهند بود. ازدواج از مسایل اساسی زندگی بشر است و آثار تربیتی

فراوانی دارد. از جمله موجب رشد و بالندگی و مسئولیت پذیری جوانان شده و آنان را از بسیاری انحرافات و مفساد فردی و اجتماعی حفظ می کند.

جمع بندی و نتیجه گیری

تربیت یکی از موثرترین عوامل در شکل گیری شخصیت انسان است. و چنانچه مبنای آن از صحت کامل برخوردار باشد. فرد و جامعه می توانند از آثار و پوی آمدهای مطلوب و مثبت آن بهره هایی فراوان ببرند. در راهکارهای تربیت، خانواده باید به تربیت معنوی فرزندان بسیار اهمیت بدهند. چون از طریق تربیت معنوی شخصیت جوانان در سنین بالاتر بروز می کند. در واقع در تربیت معنوی خانواده شالوده اصلی تربیتی فرزندان را برای تربیت در نسل آینده طراحی می کند؛ از آن جایی که پدر و مادر در خانواده برای فرزند نقش خواص در جامعه را ایفا می کند؛ اگر والدین بتوانند نقش خود را در چارچوب خانواده درست اجرا کنند، نتیجه آن بر جامعه هم اثر گذار می باشد و می توانند با رویکرد تربیت اسلامی و دینی معنوی فرزندان خود را به عنوان یکی از بهترین افراد نسل چهارم انقلاب تربیت کنند و تحویل جامعه بدهند و به این طریق به جامعه هم خدمتی پر ثمر کرده اند؛ بنابراین پدر و مادر وظیفه دارند به وظایف خود کاملاً آشنا شده و راهکارهای صحیح تربیتی دینی و معنوی فرزندان را در هر سنی یاد بگیرند و آن ها را در همه مراحل زندگی فرزندان به کار گیرند. هر چند که در این مقاله نتوانستیم همه آنچه را که رعایت آن لازم و ضروری است تا نتیجه درست و قطعی از تربیت معنوی فرزندانمان بگیریم بنگاریم، اما آنچه که در توان داشتیم در طبق اخلاص نهادیم و این مجموعه را گرد هم آوردیم، اما هنوز راه باقی است که نکات تربیتی فراوانی را از آیات قرآن و روایات معصومین -علیهم السلام - دریابیم و در زندگی خود به کار بندیم که هم خود تربیت یافته مکتب دین گردیم وهم فرزندان را در این مکتب انسان ساز بیورانیم باشد که ان شاء الله این انقلاب اسلامی را به انقلاب حضرت ولی عصر (عج) پیوندیم و تا زمانی که فرزندانمان با نگاه اسلامی تربیت نکنیم به این هدف والا دست نخواهیم یافت، امیدوارم این مطالب پاسخ گوی بسیاری از سئوالات والدین در تربیت

معنوی فرزندان باشد و چراغ راهی برای تربیت فرزندانشان باشد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سیدعلی نقی فیض الاسلام، بی جا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. روح الله خمینی، صحیفه امام، ج ۱۸، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵
۴. اسماعیلی یزدی، عباس، فرهنگ تربیت، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۲
۵. محمدی ری شهری، محمد، حکمت نامه، ج ۷ بی جا، بی تا
۶. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۴، بی تا، بی جا
۷. محمدی ری شهری، محمد، (مترجم شیخی، محمد) تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ج ۱، نشر موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، قم، ۱۳۸۹
۸. احمدی زین العابدین، احمدی حسنعلی، مقام پدر و مادر در اسلام، میثم تمار، ج ۱، ۱۳۸۸
۹. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر غرائب، محقق، درگاهی، حسین، ج ۷۹، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸
۱۰. مکارم شیرازی ناصر؛ ترجمه قرآن؛ دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)؛ قم ۱۳۷۳
۱۱. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، عدة الداعی و نجاح الساعی، محقق / مصحح: موحدی قمی، احمد، دارالکتب الإسلامی، ۱۴۰۷ ق
۱۲. مجلسی، محمدباقر (تلخیص و ترجمه بحارالانوار)، مترجم موسسه فرنگی شمس الریحی، کتاب نیستان، ج ۶۱، ۱۳۸۹
۱۳. کریم خانی، حمزه، اخلاق خانوادگی عارفان خانواده، نشر یاس، قم، ۱۳۸۹
۱۴. مظاهری، حسین، خانواده در اسلام، انتشارات شفق، چ پنجم، قم ۱۳۶۹
۱۵. صادقی اردستانی، احمد، اخلاق خانواده، موسسه مطبوعاتی خزر، تهران، چ سوم، ۱۳۱۷،
۱۶. احسانی، محمد، نقش مادران در تربیت دینی فرزندان، نشر قم: دفتر عقل، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، قائمیه اصفهان، ۱۳۸۷،
۱۷. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، امام علی «علیه السلام» اصفهان، ج ۲۳، ۱۴۰۶ ق
۱۸. احسانی، محمد، نقش مادران در تربیت دینی فرزندان، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

قم، دفتر عقل، ۱۳۸۷

۱۹. انصاریان، ترجمه و شرح نامه ۳۱ نهج البلاغه (نامه امام علی به امام حسن)؛ بخش چهارم: تربیت فرزند

۲۰. به پژوه، احمد، خانواده و کودکان با نیازهای ویژه (چاپ دوم). تهران، انتشارات آوای نور، ۱۳۹۴

۲۱. بهشتی، محمد، مجله خلق، روش های تربیت معنوی، آذر ودی، ۱۳۸۸، شماره ۱۴

۲۲. شریعتی؛ صدرالدین (دیگران) سبک مصرف غذا در تعلیم و تربیت اسلامی (فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی)، سال نهم، شماره ۳۳، بهار ۱۳۹۶

۲۳. نرم افزار حدیث ولایت

بیانات

۲۴. خامنه ای، علی، در دیدار با جوانان در مصالای بزرگ تهران، ج ۲۲، ۱/۲/۱۳۷۹

۲۵. بیانات در ارتباط تصویری با همایش سراسری قوه قضائیه ۴/۷ / ۱۳۹۹

۲۶. بیانیه راهبردی «گام دوم» مقام معظم رهبری خطاب به ملت ایران، ۲۲/۱۱/۱۳۹۷

۲۷. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۱۰/۰۴/۱۳۷۰

۲۸. خامنه ای، علی، بیانات "ج ۱۵، ۸/۹/۱۳۷۲،

۲۹. خامنه ای، علی، بیانات "ج ۱۸، ۱۸/۲/۱۳۷۲،

۳۰. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای مجلس جوانان دانش آموز، ۱۳۹۸

۳۱. بیانات جوانان، هسته مرکزی گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷

۳۲. خامنه ای، علی، بیانات جشن میلاد کوثر، ۱۳۷۶

۳۳. خامنه ای، علی، بیانات دانشجویان نخبگان، ج ۲۰، ۱۳۸۴

۳۴. خامنه ای، علی، بیانات، دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، ج ۱۳، ۱۳۷۶

۳۵. خامنه ای، علی، بیانات، دیدار با اجتماع زنان خوزستان، ج ۱۸، ۲۰/۱۱/۱۳۷۵

۳۶. بیانات در دیدار با جوانان در مصالای بزرگ تهران ۱/۲/۱۳۷۹

۳۷. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل های دانشجویی ۲۸/۲/۱۳۹۹

۳۸. خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، ج ۲۰، بی تا

۳۹. بیانات رهبری در ارتباط تصویری با همایش سراسری قوه قضائیه ۴/۱/۱۳۹۹

۴۰. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، ج ۲۴، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵
۴۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، ج ۱۹، بی تا، بی جا
۴۲. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و نخبگان سراسر کشور (۱۳۸۴/۷/۳)
۴۳. بیانات در دیدار مؤسّسین و مسؤولان دانشگاه الزهرا (۱۳۷۱/۷/۲۳)

منابع عربی

۴۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات فی القرآن، بیروت، دارالعلم الدار الشامیه
۴۵. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ج ۶، ۱۴۰۴ق،
۴۶. نوری طبرسی؛ میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، الاحیاء التراث، ۱۴ق. ج دوم، بی تا
۴۷. ابن اشعث، محمد بن محمد، جعفریات، مکتب نبوی، تهران، بی تا
۴۸. ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه من لا یحضره الفقیه، ۶ج، نشر صدوق - تهران، چ اول، ج ۵، ۱۳۶۷
۴۹. ابن اَبی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه لابن اَبی الحدید، نشر مکتبه آیه الله المرعشی النجفی قم، ج ۱۶، ۱۴۰۴
۵۰. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، عدة الداعی و نجاح الساعی، محقق: موحدی قمی، احمد، دار الکتب الإسلامی ج ۱۴۰۷ ق
۵۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات لقمان، قم، ۱۳۷۹، ۱۹۲
۵۲. ابن اشعث، محمد بن محمد، مکتب نبوی الحدیث، تهران، بی تا

سایت

۱. ۵۳. کتابخانه مدرسه فقاہت، دانشنامه حوزوی عوامل عاطفی تربیت فرزندان
۵۴. <https://fa.wikipedia.org/>. ۲. ویکی پدیا دانشگاه آزاد
۵۵. خبرگزاری تسنیم: ۱۴ خرداد ۱۳۹۲
- <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1392/03/14/69740/%D8%AA%D8%B5%D9%88%DB%8C%D8%B1-%DB%8C%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%DA%AF%D9%87%D9%88%D8%A7%D8%B1%D9%87->

%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%-

%D8%AE%D9%85%DB%8C%D9%86%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-

%D8%B3%D8%A7%D9%

راهکارهای فردی رشد معنویت و اخلاق کارگزاران از منظر نهج البلاغه و بیانیه گام دوم انقلاب

زینب طیّبی^۱ (نویسنده مسئول)

زینب خسروی نیا^۲

خدیجه نظری^۳

چکیده

اخلاق، ملکه نفسانی است که از معیارهای اساسی کارگزاران جامعه اسلامی است. از آنجا که آنان مسئولیت پیاده کردن اهداف و اصول مقدس اسلام را در متن اجتماع و مناسبات افراد، بر دوش دارند و از نظر سلوک و رفتار و نحوه معیشت و زندگی، معرف نظام اسلامی هستند؛ نقش و وظیفه حساس و عظیمی را در برابر جامعه و مردم دارند. حضرت علی A توصیه‌های اخلاقی فراوانی به کارگزاران خود کرده‌اند. در این تحقیق برخی از راهکارهای فردی و اجتماعی - سیاسی ایشان در زمینه اخلاق کارگزاران حکومتی مورد

۱. استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران Ztayyebi62@gmail.com

۲. طلبه سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی مؤسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه قم. yaemamreza@vatanmail.ir

۳. طلبه سطح ۳ تفسیر و علوم قرآنی مؤسسه آموزش عالی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام. s. ahmadi_t@yahoo.com

بررسی قرار گرفته است. تقوا، امانت‌داری، با حیا بودن، حق‌محوری، عدالت‌خواهی، بهبود وضع معیشتی کارگزاران، تنبیه و تشویق، قاطعیت، از جمله راهکارهای فردی امام علی (ع) در رشد اخلاقی کارگزاران است. هدف نوشتار حاضر بیان اهمیت رفتار و عملکرد افرادی است که حکومت مردم را بر عهده می‌گیرند. باتوجه به سخنان امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه و سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی، حاکمان حکومتی با گزینش چنین راهکارهایی، کارگزاران را از در افتادن به آسیب‌های اخلاقی باز می‌دارند. رشد اخلاقی کارگزاران حکومت اسلامی تأثیر مستقیمی بر رشد مردم یک جامعه و پایداری حکومت اسلامی دارد. این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری مطالب، کتابخانه‌ای است.

کلید واژگان: معنویت، اخلاق، کارگزاران، نهج البلاغه، بیانیه گام دوم انقلاب.

مقدمه

هر نظام حکومتی بدون توجه به نقش کارگزاران صالح و مدیر نخواهد توانست در نیل به اهداف، از خود کارآمدی نشان دهد، حاکمان و زمامداران جامعه به عنوان مجریان خطوط کلی سیاست و مدیریت در جامعه نقش اساسی در پیشرفت و یا انحطاط آن دارند. تأثیر عملکرد و نفوذ اخلاق و سکنات زمامداران به قدری است که در کلامی امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «الناس بأمرائهم أشبه منهم بأبائهم؛ مردم به زمامداران خود بیشتر شبیه هستند تا به پدران خود». (حرانی، تحف العقول، ص ۲۰۸)

تأثیر این عامل می‌تواند سبب دگرگونی در دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، برداشت‌ها و سرانجام در رفتار و تمامی متغیرها در مردم باشد. به عبارتی اصلاح و فساد جامعه در گرو اصلاح و فساد آنان است. حاکمان و مدیران نالایق جامعه با سیاست و برنامه‌های غلط خویش مردم را از مسیر رشد و تعالی بازداشته و موجبات خسارت و نابودی استعدادها و توانمندی‌های آنان را فراهم ساخته و آسیب‌های جدی را بر پیکر اجتماع وارد می‌سازد.

رویگردانی حاکمان و زمامداران از ارزش‌های اصیل اخلاقی و انسانی منجر به

حاکمیت بی بند و باری و افسار گسیختگی در کشورهای مترقی و از میان رفتن نور معنویت در جامعه می گردد و به تبع آن اصول و موازین اخلاقی که لازمه حیات سالم و طیبه انسانی است، به فراموشی سپرده می شود. در اندیشه سیاسی حضرت علی علیه السلام اهمیت فوق العاده ای به مسئله ی کارگزاران حکومتی داده شده، بگونه ای که حضرت علی مانند پیامبر صلی الله علیه و آله هلاکت و هدایت جامعه را به آنان ربط داده است.

در میان همه حکومت ها تاکنون هیچ حکومتی مانند حکومت حضرت علی علیه السلام در امور کارگزاران خود حساسیت و دقت به خرج نداده است این واقعیت را می توان از نامه ها، خطبه های گوناگون حضرت به کارگزاران و والیان حکومتی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و دینی جست و جو کرد؛ فرمان ها و دستوراتی که از جامعیت فوق العاده و بی نظیری برخوردار است.

حضرت علی علیه السلام برای حاکم کردن نظام اخلاقی معتبر در هر دو زمینه فردی و اجتماعی، از طریق کارگزاران سیاسی خود به اخلاقی کردن سیاست دست زد. هدف مولای متقیان در اخلاقی کردن سیاست اصلاح مردم بود؛ اصلاحی که هدایت اخلاق مردم به سوی سعادت جمعی، رهنمود کردن آنان به پیروی از دستورهای الهی و عقلی، و غلبه بر هوای نفس و شهوت را مد نظر داشت.

پس بدون شک این گروه در بعد سلوک سیاسی همواره در معرض خطرات و آسیب هایی قرار دارند که با شناخت و پرهیز آنها می توانند خود و جامعه را از فساد و تباهی در امان بدارند. نگارنده در این تحقیق مسئله محور با روش توصیفی - تحلیلی به گرد آوری اطلاعات از منابع اخلاقی پردازد.

در این تحقیق راهکارهای رشد اخلاق کارگزاران حکومت در دو قسمت یعنی راهکارهای فردی و راهکارهای سیاسی - اجتماعی و نتایج این راهکارها می پردازیم. محقق پس از ذکر مستندات روایی و نقلی و... برای هر یک از دو ابعاد راهکار فردی و سیاسی - اجتماعی مخصوصاً بررسی سخنان ارزشمند امیر المؤمنین علیه السلام و مقام معظم رهبری و تطبیق

و جمع بین این دو نظریه ها می پردازد. و در پایان نیز به نتایج حاصل از این دو قول خواهد پرداخت.

بنابراین پژوهش حاضر در صدد است تا راهکارهای رشد اخلاق و معنویت کارگزاران در نهج البلاغه و بیانیه گام دوم انقلاب بررسی نماید و دستیابی به این هدف والا را با شیوه های اخلاقی ویژه ای که در فرمایشات و سفارشات گوهریار حضرت علی علیه السلام و تطبیق فرمایشات رهبر انقلاب اسلامی با آن، بیان شده است را پیگیری کند.

در مقاله حاضر تمرکز بیشتر روی نهج البلاغه بوده است ولی از منابع دیگری نیز که کلام ارزشمند امام علی علیه السلام را در خود جای داده، و نیز از سخنان ارزشمند رهبر انقلاب اسلامی نیز استفاده شده است. در ضمن محور اصلی سخنان امیرالمومنین علیه السلام بوده است، هر چند گاهی از معصومین علیهم السلام دیگر نیز سخن به میان آمده است.

۱. مفهوم شناسی

یک) مفهوم معنویت

واژه معنوی و معنویت در لغت از زبان عربی گرفته شده، به معنای حقیقی، راست، صحیح، اصلی، ذاتی، مطلق، باطنی و روحانی آمده است (ناظم الاطباء، ۱۳۵۵: ۳۴۱۶/۵). معنویت در اصطلاح عبارت است از: «برجسته کردن ارزش های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷: ۱۰). در نتیجه معنویت جنبه درونی و روحانی داشته و به گونه ای ارتقای روح است که در پژوهش حاضر در درون کارگزار اتفاق می افتد و بر رفتارهای بیرونی او اثر می گذارد، لذا معنویت بر اخلاق مقدم است. معنویت ارتباط زنده با امر مقدس در بطن زندگی روزمره و در چارچوبی عقلانی، در سطح فردی، شامل مؤلفه ها و شاخصه های تقوا، عمل صالح و توکل که مبتنی بر معارف قرآن و اهل بیت است و راه و منش امام خمینی رحمته الله علیه در آن ها لحاظ می شود.

دو) مفهوم اخلاق

اخلاق جمع خلق، ویژه قوا و سجایائی است که با فطرت درک می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۲۹۷) و در لغت فارسی به معنای خوی‌ها (عمید، ۱۳۶۲: ۹۸) آمده است. معنای اصطلاحی اخلاق نزد عالمان این فن از همان معنای لغوی بر گرفته شده است. از دیدگاه آنان خلق در اصطلاح ملکه ای نفسانی است که به اقتضای آن، فعلی به سهولت و بدون نیاز به فکرکردن از انسان صادر می‌شود. (اسلامی، ۱۳۸۵: ۵۳۱). اما اخلاق در اصطلاح این پژوهش عبارت است از: «رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷: ۱۰). بنابراین اخلاق شامل تمام رفتارهای بیرونی کارگزاران است که در دید اجتماع و در ارتباط با آن، شکل می‌گیرد.

سه) اخلاق فردی

اخلاق فردی، ارزش‌های اخلاقی مربوط به حیات فردی انسان‌ها است که آدمی را فارغ از رابطه با غیر در نظر می‌گیرد؛ فضیلت‌هایی مانند صبر، حکمت، حزم (دوران‌دیشی و احتیاط)، و رذائلی مانند پرخوری، شتاب‌زدگی و سبک‌مغزی از موارد اخلاق فردی به شمار می‌آیند. اخلاق هر فرد روح دین‌داری او به شمار می‌آید و مکارم اخلاق در کلام رسول خدا، رفتاری همچون صبر، متانت، انصاف، خوش‌ذاتی، خیرخواهی نسبت به مردم است. (بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت مرحوم عسکراولادی، آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۰/۱۷، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28018>) بنا براین در این تحقیق، صبر، متانت، و خوش‌ذاتی، از شاخصه‌های اخلاق فردی محسوب می‌شود.

چهار) مفهوم کارگزاران

کارگزار در لغت یعنی کسی که از طرف دیگری کاری را اداره می‌کند، نماینده (عمید، ۱۳۶۲: ۸۰۹) و در اصطلاح، کارگزاران کسانی هستند که از سوی حاکم جامعه اسلامی به

اداره بخشی از امور جامعه منصوب و مأمور می‌شوند. این مأموریت می‌تواند شامل سطحی کلان مثل ولایت و حاکمیت منطقه‌ای از جامعه اسلامی باشد و یا در سطوحی پایین‌تر همچون فرماندهی جنگ، قضاوت، جمع‌آوری مالیات و... اجرا شود. (امام جمعه زاده ۱۳۸۱: ۲۹) اما در لسان مقام معظم رهبری «دولت، کارگزار ملت است و ملت، کارفرمای دولت است». (هلودی، ۱۳۹۵: ۲۹۰)

۲. راهکارهای فردی رشد معنویت کارگزاران در نهج البلاغه و بیانیه گام دوم انقلاب

بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، معنویت، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ به طوری که بودن آن‌ها، حتی با کمبودهای مادی، محیط زندگی را بهشت می‌سازد و نبود آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷: ۱۰). معنویت در کلام مقام معظم رهبری، دارای سه شاخصه‌ی ایمان اخلاص و توکل بوده، راهکارهای رشد معنویت در فرد و جامعه بر مدار آن تعریف می‌شود. تحقیق حاضر به ارائه‌ی راهکارهای رشد معنویت کارگزاران در بعد فردی در نهج البلاغه و بیانیه گام دوم انقلاب از این قرار است:

یک) معرفت افزایی

از راهکارهای علمی رشد معنویت کارگزاران حکومت اسلامی، از منظر نهج البلاغه و بیانیه گام دوم، معرفت افزایی است.

انسان‌هایی که عقل را به کار گرفته و از طریق آن به دریافت حقایق و واقعیت‌ها نایل شدند و قلب را به کار گرفته و از طریق آن به کسب معرفت و نور دست یافتند و اعضا و جوارح را با کمک علم و معرفت به استخدام عبادت و بندگی کشیده و از ظرف وجود خود منبعی از برکت و کرامت و درستی و فضیلت‌برای خود و دیگران فراهم آوردند و در این راه تا مرز قرب و لقا و رسیدن به حریم دوست شتافتند، اینان با تمام هستی به راه معشوق حقیقی روان شده و در این مسیر به گناهی آلوده نگشتند و ثوابی را از دست ندادند، به دنیا و زر و

زیور آن، به شیطان و مکر و فریب او مغرور نشده، بلکه عمری را با تواضع و خشوع زیستند و دنیا را برای آخرت و آخرت را برای حضرت یار خواستند. انصاریان، بی تا، ج ۹، ص ۱۹.

چنان که از حضرت علی علیه السلام در باره ایمان سؤال کردند، فرمود: «وَسُئِلَ عَنِ الْإِيمَانِ فَقَالَ عليه السلام: الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ، وَإِفْرَازٌ بِاللِّسَانِ، وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ»؛ (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۷). ایمان بادل شناختن، با زبان اقرار کردن و با اعضا عمل کردن است. و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در این باره می فرماید:

«اما امام ما این باور غلط را عوض کرد؛ نشان داد که رهبر محبوب و معشوق یک ملت و رهبر بزرگی برای مسلمانان عالم، میتواند زاهدانه زندگی کند؛ به جای کاخهای مجلل، در یک حسینیه از دیدارکنندگان پذیرایی کند؛ با لباس انبیا و با زبان انبیا و با اخلاق انبیا با مردم برخورد بکند. تجمل، تشریفات، اسراف، برخورداری های زیادی، خودرأیی، تکبر، استکبار، جزو لوازم حتمی برای حکام و زمامداران نیست؛ اگر دلهایشان به نور معرفت و حقیقت روشن شده باشد. چنین چیزی، هم در زندگی خود امام و هم در آن دستگاهی که او به وجود آورد به فضل پروردگار مشاهده شد؛ که یکی از معجزات بزرگ این بزرگوار است.»

(خطبه های نماز جمعه ی تهران، ۲۳ / ۰۴ / ۱۳۶۸، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2142)

بنابراین معرفت افزایی از راهکارهایی است که حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه و رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانات خود، سفارش فرمودند که در اثر معرفت افزایی، کارگزاران حکومت اسلامی به رشد معنویت رسیده و این خود از راهکارهای علمی رشد معنویت کارگزاران حکومت اسلامی محسوب می شود.

الف) خود شناسی

خودشناسی یا معرفت نفس، زیربنای سعادت بشر در جمیع شئون مادی و معنوی است. آدمی در پرتو خودشناسی به نیازهای درونی و برونی خویش پی می برد، عواملی که مایه تعالی و تکامل او است تشخیص می دهد، وظیفه شناس می شود، به پاکی و نیکی

می‌گیرید، و سرانجام به کمالی که لایق مقام انسان است نایل می‌گردد. بدبختانه در تمدن صنعتی شناخت انسان مورد توجه قرار نگرفته و برنامه زندگی بر وفق ساختمان طبیعی و خواهش‌های فطری بشر پایه‌گذاری نشده است، ازاین‌رو با همه درخشندگی و فروغی که دارد مردم را خوشبخت نکرده و موجبات رستگاری و سعادت آنان را فراهم نیاورده است. (کانون نشر و ترویج فرهنگ اسلامی حسنات اصفهان، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۱۴۹).

همانگونه که حضرت علی علیه السلام فرموده است: «هَلَكَ امْرُؤٌ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ؛ نابود شد کسی که ارزش خود را ندانست». (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۹).

مقام معظم رهبری نیز در باره سفارش و اهمیت به خودشناسی فرمود: «شناخت خود به عنوان یک فرد، شناخت خود به عنوان جزئی از مجموعه‌ی عظیم امت اسلامی، شناخت نمونه و نمایی از آن امت واحده، شناخت عظمت و رحمت خدا، و شناخت دشمن. شناخت خود به عنوان یک فرد، به معنی تأمل در وجود خویش و شناخت ضعفها و تواناییهای آن است. آن‌جا که تعینات مادی و تشخیص به مال و مقام و نژاد و عنوان و زیور و لباس، رنگ می‌بازد و آدمی جدا از آن مایه‌های تمایز، در کنار صدها هزار انسان دیگر به طواف و سعی و نماز و افاضه و وقوف می‌رود، و فقیر و غنی، و حاکم و محکوم، و تحصیلکرده و اتمی، و سیاه و سفید، همه با یک لباس و در یک جایگاه، رو به سوی خدا می‌کنند و دست نیاز به سوی او می‌کشایند و خود را در برابر مرکز جمال و عظمت و قدرت و رحمت می‌یابند، هر انسان با تدبیری می‌تواند ضعف و تهیدستی خود را در برابر خدا، و علو و اقتدار و عزت خود را در اتصال به خدا، بخوبی بشناسد، توهم باطل و غرور انگیز درباره‌ی هستی ضعیف خود را به دور افکند، و شیشه‌ی کبر و خودپسندی را که مایه‌ی زشت‌ترین خُلقیات و رفتارهای او است، به خاک بکوبد، و از سوی دیگر حلاوت ارتباط با معدن عظمت و به او پیوستن و از بت‌های درونی خویش گسستن را بیازماید و بجشد. این شناخت اساسی که جوهر همه‌ی عبادات و مضمون همه‌ی مناجات‌ها و راز و نیازهای اولیای خداست، آدمی را صیقل و صفا می‌بخشد و او را برای دیگر شناختها، مستعد و بر پیمودن

همه‌ی راههای کمال، توانا می‌سازد. در زندگی عادی، گرفتاریهای دنیوی و سرگرمی افراطی به تکاپوی مادی و درگیریها و جدالهای تمام‌نشدنی در زندگی روزمره‌ی انسانها، دل را غافل و مشغول می‌سازد و او را از این معرفت روشن بازداشته، دچار تار عنکبوت توهم و گمانهای باطل می‌سازد و دل را به تکدر و تیرگی می‌کشاند؛ و حج علاج قاطع این گرفتاری است.”
 (پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۷۷/۱/۱۲، - <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2880>، ج ۱۶، ۱۳۷۷: ص ۱)

ب) خداشناسی

از راهکارهای رشد معنویت کارگزاران حکومت اسلامی، خداشناسی می‌باشد زیرا انسانیت از خداشناسی نمی‌تواند جدا گردد. یا خداشناسی است و یا سقوط در حیوانیت و منفعت پرستی و سبُعیت و درندگی. منفعت پرستی به معنی واقعی کلمه یعنی اینکه آدمی واقعاً بنده شهوت و شکم بوده باشد. یا باید بنده خدا بود و یا بنده شکم و دامن و جاه و مقام و پول و زر و زیور، راه سوم ندارد. اما اینکه کسی مدعی شرافت و اخلاق و تقوا و عفت باشد و در عین حال به خداشناسی که سرسلسله این امور است ایمان و اعتقاد نداشته باشد، وهم باطلی بیش نیست. (مطهری، ج ۲۲، ص ۶۹، ۱۳۷۷، چ ۸).

دو) تفکر در جهت رشد معنویت فردی (ایمان، اخلاص، توکل)

از راهکار های علمی رشد معنویت کارگزاران حکومت اسلامی تفکر و اندیشیدن در صفات و صنع پروردگار است و نیز تفکر در اعمال و کردار خود است و همچنین تفکر در اعمال گذشتگان که مرتکب چه جرمها و ستم هایی به مخلوقات الهی شدند ولی اکنون خانه و دیارشان تبدیل به ویرانه هایی شده است. چنان که امیر المؤمنین حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: «الْفِكْرُ مِرَاةٌ صَافِيَةٌ، وَالْإِعْتِبَارُ مُنْذِرٌ نَاصِحٌ. وَ كَفَى أَدْبًا لِنَفْسِكَ تَجَبُّبُكَ مَا كَرِهْتَهُ لِعَيْرِكَ»؛ فکر، آینه شفاف و درخشنده ای است و حوادث عبرت انگیز، بیم دهنده و نصیحت کننده است و برای ادب آموزی خویشتن همین بس که از آنچه برای دیگران

ناخوش می داری پرهیزی” (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۵)

تفکر، حیات قلب انسان بصیراست، اگر تدبیر از بین رفت روح بصیرت رخت برمی بندد، و قلب بینا از بینائی باز می ایستد، انسانی که دارای باطنی بینا و ضمیری روشن است، تا مادامی که تفکر می کند این بینائی را دارا است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۸۹)

مقام معظم رهبری در بیانان خود سفارش به تفکر کرده و فرموده اند: «تفکری که شما را هدایت خواهد کرد و باید بکند، تفکر اسلامی است. باید در دانشگاهها به تفکرات اسلامی و کار اسلامی، خیلی اهمیت بدهید». (بیانات در دیدار جمعی از دانش آموزان و دانشجویان سراسر کشور به مناسبت روز ملی مبارزه با آمریکا / سال ۱۳۶۸ / ۱۰ / ۰۸ / ۱۳۶۸) (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2217>)

سه) دعا در جهت رشد معنویت فردی (ایمان، اخلاص، توکل)

با یاد خدا و با توکل به خدا و با اخلاص در عمل، باید بتوانیم جلب رحمت الهی بکنیم. اگر جلب رحمت الهی شد، همه‌ی مشکلات آسان میشود و موانع از سر راه برخواهد خاست.

مسئولین کشور بالخصوص، باید همه‌ی تلاش خودشان را بگذارند که مشکلات را با سرپنجه‌ی تدبیر، با کار مستمر، با خسته نشدن، با شوق و ذوق و توکل به خدا و کمک خواستن از خداوند برطرف و حل کنند. منظور فقط مشکلات سیاسی و امنیتی نیست - اینها جزئی از مشکلات است - پیشبرد کشور، اقتصاد کشور، علم کشور، مسائل اجتماعی گوناگون هم بر عهده‌ی مسئولین است که با دعا و استعانت از خداوند می توانند بر مشکلات غلبه و به موفقیت نزدیک گردند. چنان که حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه سفارش به دعا و استعانت از درگاه الهی نموده و می فرمایند:

“فَإِذَا نَادَيْتَهُ سَمِعَ نِدَاكَ وَإِذَا نَاجَيْتَهُ عَلِمَ نَجْوَاكَ...؛ پس آنگاه که صدایش کنی نوای تو را می شنود، وقتی که با او نجوا نمایی، سخنانت را می داند، حاجات خود را به سوی او می

بری، خودت را آنطور که هستی به پیشگاهش عرضه می کنی، و هرگاه علاقه مند شدی با او درد و دل می نمایی و تمامی مشکلات و ناراحتی هایت را گزارش می دهی». (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

نفس توفیق بر دعا کردن و سخن گفتن با خداوند و همنشینی و انس با او در هر زمانی و هر مکانی، امری نیکو و دلرباست و برای هر کسی، هر گاه که بخواهد، ممکن است و هیچ کس نباید بپندارد که کارش در بن بست عبور ناپذیری گیر کرده و مطرود درگاه الهی است. (خلجی، ۱۳۸۳، چ ۱، ص ۱۰۹)

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در بیانات خود سفارش به دعا و طلب از درگاه الهی نموده و فرموده اند: «دعا وسیله است برای رسیدن به حوائج و مقصودها و هر آنچه که انسان میخواهد و آرزو میکند؛ و در دیدگاه دوم، دعا وسیله است برای فهمیدن معارف الهی. اما دیدگاه سوم برای دعا این است که انسان با دعا و تضرع و عرض حاجت، خود را به خدای متعال نزدیک کند. نفس دعا کردن، تقرب الیالله است. خود حرف زدن با پروردگار، خود تضرع کردن، با خدای متعال سخن گفتن، نزد خدای متعال عذرخواهی و توبه و استغفار کردن، برای انسان یکی از مقاصد و هدفهاست. این، بالاترین جنبه‌هایی است که در دعا وجود دارد. نفس این که انسان در مقابل پروردگار بایستد و اشک بریزد و اظهار کوچکی و حقارت کند، برای انسان یک علو مقام و مرتبه است. بشر با تضرع در پیش خدای متعال است که عروج میکند و اوج میگیرد. بدبختی انسان وقتی است که از خدای متعال غافل شود. سیه رویی انسان وقتی است که خود را به خدا محتاج نداند. ناکامی بشر وقتی است که برای انس و ارتباط با خدا، جایی در زندگی قائل نباشد. هرچه بدی در دنیا هست از این جاست. هر چه زشتی در وجود بشر هست از این جاست. انسان برای این که خود را در برابر بدیها بیمه کند، باید به سمت خدا برود؛ با خدا انس بگیرد و با خدا رابطه پیدا کند. این، وظیفه است.» (خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران / سال ۱۳۷۱ / ۱۲ / ۰۷ / ۱۳۷۱) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12549>

یاد خدا در دل انسان چراغی روشن می‌کند؛ دل را نورانی می‌کند؛ غبارهای کینه و نفرت و خودخواهی را از دلها می‌زداید؛ لنگری برای دل‌های متلاطم و مضطرب به وجود می‌آورد؛ آرامش می‌بخشد و اطمینان و اعتماد ایجاد می‌کند. یاد خدا برای دل‌های پاک، همیشه در دسترس است؛ مگر دلی که خود را مبتلای به آلودگیها کرده باشد. برای چنین کسی یاد خدا دشوار است؛ چنین توفیقی برای او پیش نمی‌آید و او را به حریم قدس الهی راه نمی‌دهند. دلی که آلوده‌ی شهوت و آلوده‌ی به عشق به قدرت و آلوده‌ی به کینه‌ی به بندگان خدا و آلوده‌ی به حسد و خودخواهی‌ها و آلوده‌ی به عشق به مال‌اندوزی است، به حریم قدس الهی راه پیدا نمی‌کند؛ مگر شستشو کند. (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ج ۲۲، ص ۱۴ (۱۹/۰۴/۱۳۷۹) <https://farsi.khamenei.ir/FA/Vizheh/Ramazan/index4.jsp>).

چهار) انجام افعال خیر جهت رشد معنویت فردی (ایمان، اخلاص، توکل)

انجام افعال خیر جهت رشد معنویت کارگزاران، از دیگر راهکارهای عملی می‌باشد که ارتباط تنگاتنگی با ایمان، اخلاص و توکل در زمینه رشد معنویت کارگزاران خواهد داشت زیرا عمل مطلوب نشأت گرفته از باور و ایمان قلبی است که او را در رسیدن به قرب الهی و رشد معنویت یاری خواهد کرد. چنان که حضرت در سخنان امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام و در بیانات مقام معظم رهبری سفارش به انجام افعال خیر شده و در این باره حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه فرموده اند:

“افعلوا الخیر و لا تحقروا منه شیئاً، فان صغیره کبیر و قلیله کثیر، و لا یقولن احدکم ان احدا اولی بفعل الخیر منی، فیکون و الله کذلک، ان للخیر و الشر اهلاً و...”؛ کار نیک به جا آورید، و آن را هر مقدار که باشد کوچک نشماید، زیرا کوچک آن بزرگ و اندک آن فراوان است و کسی از شما نگوید که دیگری در انجام کار نیک از من سزاوارتر است. اگر چه سوگند به خدا که چنین است و خوب و بد را طرفدارانی است که هرگاه هر کدام از آن دو را واگذارید، انجامشان خواهند داد. «در این حکمت یاد شده ارزش کوچک شمردن کارهای

نیک نیز بیان شده است. ”(نهج البلاغه، حکمت ۴۲۲).

افعال خیر و طاعت خدا، از جنس عالم بهشت و ملائکه است که تمام از پرتو نور الهی و شعاع آفتاب جمال آن معدن نعمت و رحمت نامتناهی است. و اعمال شرّ و معصیت هم از جنس طینت دوزخ و شیطان است که تمام ظلمت و عذاب و خبائث بی حدّ و بی حساب [است]. پس هر چند کسی در این عالم کارهای خوب بیشتر کند و خصوصاً که مداومت نماید، اثرهای خوب بیشتر در روح به هم رسد و به نور خدا نورانی و روشن شود، و هر چند نور و صفای روح بیشتر باشد به خدای تعالی نزدیکتر باشد و درجه مرتبه اش در بهشت بالاتر باشد. مثل ماه و ستاره که نور هر کدام بیشتر باشد، گویند به آفتاب نزدیکتر است؛ و معنی قرب خدا این است و الاّ خدا را مکان و جایی نیست تا کسی نزدیک او تواند شد. (لاهیجی، ۱۳۷۵، ص ۲۰۳، چ ۱).

رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام نیز در بیانات خود به انجام افعال خیر اشاره و سفارش فرموده اند:

عمل صالح این است که انسان‌هایی در مقابل تهدید دشمنان متجاوز سینه سپر کنند؛ امکانات خودشان را متمرکز کنند؛ از همه‌ی نیرو و استعداد خودشان بهره بگیرند؛ علم و عمل و ابتکار و شجاعت را باهم بیامیزند و در مقابل دشمن زورگو و متجاوز بایستند و مقاومت کنند. وقتی ایمان با عمل صالح همراه شد، انسان از خسران نجات پیدا می‌کند؛ آن وقت ملتها پیروز می‌شوند. چیزی که ایران اسلامی کارخانه‌ی منحصربه‌فرد آن را در درون خود داشته است، ایمان است. دشمنان ما هم از این کارخانه می‌ترسند و از این تولید واهمه دارند؛ بقیه‌ی حرفها دروغ و بهانه و تزویر است. شما جوانان مؤمن، روزی که دانش و ایمان و شجاعت و ابتکار و نواندیشی و اغتنام فرصت را باهم بیامیزید و در میدان علم و عمل آن را به کار بگیرید، برترین فرآورده‌های این کارخانه‌اید (بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های سه‌گانه‌ی ارتش جمهوری اسلامی ایران / سال ۱۳۸۳ / (۲۲ / ۰۷ /

پنج) صبر جهت رشد معنویت فردی (ایمان، اخلاص، توکل)

خداوند در برابر ناتوانی ها قوایی مانند صبر را قرار داده است که می فرماید: بابتی از ابواب بهشت وجود دارد که باب صابرين می گویند، که تنها صابران از آن عبور می کنند و یا مقامی است که برای انسان هایی که به مقام صابران، مقام مجاهدان و... رسیده باشد و هیچ مقامی به مقام صابران نمی رسد. چنان که قرآن در این باره می فرماید: «يُؤَقِّي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ صابران اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می دارند.» (زمر/۱۱)

اگر انسان در برابر مشکلات استقامت و صبر داشته باشد و گله و شکایت نکند، خود به خود زاهد شده و حکمت بر او وارد می شود. وقتی در برابر کمی و نداری انسان صبور باشد نشان می دهد که او فرد قانعی است و دل بستگی به چیزی ندارد و اگر چنین شد درهای حکمت بر او گشوده می شود. حضرت علی علیه السلام در باره صبر می فرماید:

«عود نفسک التصبر علی المکرهه، و نعم الخلق التصبر فی الحق؛ در سفارش به فرزند بزرگوار خود امام حسن علیه السلام می فرماید: خویشتن را به صبوری در برابر ناخوشایندها عادت ده، و نیکو خصلتی است صبوری کردن در راه حق» (نهج البلاغه نامه ۳۱)

۳. راهکارهای فردی رشد اخلاق کارگزاران در نهج البلاغه و بیانیه گام دوم انقلاب

اخلاق فردی، ارزش های اخلاقی مربوط به حیات فردی هر یک از کارگزاران حکومت اسلامی است که او را فارغ از رابطه با غیر در نظر می گیرد؛ فضیلت هایی مانند الگو گیری از اهل علم، خودپژوهشی در یافتن لغزش ها... که در این قسمت از تحقیق به برخی از راهکارهای علمی و عملی رشد اخلاق کارگزاران حکومت اسلامی می پردازیم:

یک) الگو گیری از اهل علم

الگو فردان اهل علم از راهکارهای عملی رشد اخلاق فردی کارگزاران حکومت اسلامی می باشد زیرا؛ آنان را از افتادن در ورطه جهالت و خرافه گرایی باز می دارد و سبب می شود بر اساس علم، عمل کنند و به سعادت اخروی و قرب الهی نائل گردند. چنان که حضرت

علی علیه السلام در این باره می فرماید:

«جالس اهل الورع و الحکمة و اکثر مناقشتهم فانك ان كنت جاهلا علموك و ان كنت عالما ازددت علما؛

همنشینی کن با اهل پرهیزگاری و حکمت یعنی علم درست، و بسیار کن مناقشه با ایشان را، پس بدرستی که تو اگر بوده باشی نادان تعلیم میکنند ترا، و اگر بوده باشی دانا زیاد میکنی دانش را. «مناقشه» بمعنی بنهایت رسانیدن است در حساب، و مراد این است که: بنهایت برسان تفتیش مسائل و تحقیق آنها را از ایشان، و خرد و بزرگ آنها را از ایشان بپرس.» (آقا جمال خوانساری، چ ۱، بی تا، ج ۳، ص ۳۷۳).

دو) خود پژوهی در یافتن لغزش ها

خود پژوهی، مراقبه، محاسبه و توجه به عیب ها و رذائل اخلاقی و تلاش برای تخلیه رذائل و در نهایت متخلق شدن به اخلاق الهی از دیگر راهکارهای عملی رشد اخلاق کارگزاران حکومت اسلامی می باشد چنان که حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید: «اشْتَغَلْتُكَ بِمَعَايِبِ نَفْسِكَ يَكْفِيكَ الْعَارُ» (تمیمی آمدی؛ ص ۲۳۴) و نیز می فرماید: «مَنْ بَحَثَ عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ فَلْيَبْدَأْ بِنَفْسِهِ» (همان)

توجه به عیوب همراه با توجه به حضرت حق، داروی درمان تمام عیوب و غفلت از عیوب همراه بی توجهی نسبت به مولا، بزرگ ترین علت برای ریشه دار شدن امراض روحی و قلبی است.

آدمی گاهی به عیوب خود جاهل است و به این علت به ثنا و ستایش خود برخاسته و پی گیر عیب دیگران می شود و گاهی به عکس است، پس آدمی در بین عصمت از خطا و خذلان و آلودگی به خطا منقلب الاحوال است، اگر خدای مهربان پی گیری عیوب نفسش را به او توفیق داد، در راه صواب است و در آخرت اهل نجات و اگر نعوذ بالله در پی خطوات شیطانی و خطرات نفسانی برآید و در پی اصلاح خود نباشد و به جاسوسی عیوب دیگران برخیزد، از جمله عاصیان است و در آخرت در معرض عذاب و هلاکت است (انصاریان،

بی تا، چ ۱، ج ۱۲، ص ۴۸).

مقام معظم رهبری علیه السلام در این باره می فرماید:

چه خوب است که انسان - در هر مرتبه و در هر شغلی - وقتی به پشت سر خود نگاه می کند، در يك محاسبه ی دقیق و سخت گیرانه و بدون مسامحه، فهرستی از کارهایی را مشاهده کند که قابل ارائه ی به پیشگاه الهی است. اینکه به ما گفته اند: «حاسبوا أنفسکم قبل أن تحاسبوا» و علمای سلوک و اخلاق، محاسبه را یکی از اولین وظائف سالک دانسته اند، برای این است که ما دائم در حال خواندن نامه ی عمل خودمان باشیم و در روزی که این نامه ی اعمال خوانده خواهد شد، غافلگیر نشویم. قبل از اینکه نامه ی اعمال ما در پیشگاه الهی مورد محاسبه و مطالعه قرار بگیرد، خود ما بخوانیم؛ اگر کمبودی هست، اصلاح کنیم؛ اگر نقطه ی قوتی در آن هست، خدا را بر آن سپاس بگزاریم. و الا اگر این محاسبه را انجام ندهیم و غافل بمانیم، آن وقت غافلگیر می شویم. (بیانات رهبری در دیدار با نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶ / ۰۳ / ۰۸، <https://www.leader.ir/fa/speech/3048>).

سه) رعایت مرزهای اخلاقی

یکی از راهکارهای علمی بسیار مهم در راستای رشد اخلاق کارگزاران حکومت اسلامی، شناخت مرزهای اخلاقی است.

به عبارت روشن تر مرز بین بعضی از صفات نیک اخلاقی با صفات بد اخلاقی که منشا گناه می شوند، بسیار باریک است و افرادی بر اثر عدم شناخت مرزهای گناه و ثواب، ناخودآگاه با قصد قربت گناهی را به عنوان کار پسندیده و نیک انجام می دهند. و یا به عکس کار خوبی را به خیال اینکه کار زشت است ترک می کنند. (قرائتی، ۱۳۸۶، چ ۸، ص ۱۹۵).

رهبر انقلاب اسلامی علیه السلام نیز در باره اصحاب عبدالله بن مسعود که مرزهای اخلاقی را نمی دانستند و دچار جهل مرکب بودند و طبق بینش تنگ نظرانه خود چیزی را به غلط به

عنوان دین ساخته و طبق آن رفتار می کردند، فرمود:

اصحاب عبدالله بن مسعود، مقدس مآبها بودند. به امیرالمؤمنین گفتند: در جنگی که تو بخواهی بروی با کفار و مردم روم و سایر جاها بجنگی، ما با تو می آییم و در خدمت هستیم؛ اما اگر بخواهی با مسلمانان بجنگی - با اهل بصره و اهل شام - ما در کنار تو نمی جنگیم؛ نه با تو می جنگیم، نه بر تو می جنگیم. حالا امیرالمؤمنین اینها را چه کار کند؟ آیا امیرالمؤمنین اینها را کشت؟ ابداً، حتی بداخلاقی هم نکرد. خودشان گفتند ما را به مرزبانی بفرست. امیرالمؤمنین قبول کرد و گفت لب مرز بروید و مرزداری کنید. عده بی را طرف خراسان فرستاد. همین ربیع بن خثیم - خواجه ربیع معروف مشهد - ظاهراً آن طور که نقل می کنند، جزو اینهاست. با مقدس مآبهای این طوری، امیرالمؤمنین که بداخلاقی نمی کرد؛ رهایشان می کرد بروند. اینها مقدس مآب آن طوری نبودند؛ اما جهل مرکب داشتند؛ یعنی طبق یک بینش بسیار تنگ نظرانه و غلط، چیزی را برای خودشان دین اتخاذ کرده بودند و در راه آن دین، می زدند و می کشتند و مبارزه می کردند! (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۰/۱/۲۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2442>)

چهار) عبرت گیری از گذشتگان

از دیگر راهکارهای علمی رشد اخلاق کارگزاران حکومت اسلامی نگاه عبرت آموز و اندیشیدن در کار و سرنوشت گذشتگان می باشد که حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه به اشاره می فرماید:

از آنچه به گردنکشان پیش از شما از عذاب خدا و دشواریها و حوادث و کیفهای او رسید عبرت گیرید، و از خاك تیره ای که صورتشان بر آن نهاده شده و زمینی که پهلویشان بر آن افتاده پند پذیرید، و از اموری که زاینده کبر است به خدا پناه جوید، چنانکه از آفات ناگهانی روزگار به او پناه می برید (علی بن ابیطالب، بی تا، چ ۱، ص ۱۹۲).

رهبر انقلاب اسلامی علیه السلام نیز در این باره سفارش به نگاه عبرت آموز نموده و فرموده اند: «من تعجب میکنم چرا اینها از گذشتگان خودشان و از این شانزده سال، عبرت نمیگیرند؟!»

دائم علیه جمهوری اسلامی و ملت و مسؤولین ایران یاوه‌گویی و دروغ‌پراکنی میکنند!"
بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی / سال ۱۳۷۴ / (۰۳ / ۰۱ / ۱۳۷۴)
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2744>).

جمع بندی و نتیجه گیری

آنچه که از دقت و تأمل در مستندات روایی و نقلی راهکارهای رشد اخلاق کارگزاران حکومت اسلامی از دیدگاه نهج البلاغه و بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام به دست می‌آید بدین شرح است:

باتوجه به ارائه راهکارهای فردی به دست می‌آید که آسیب‌های زمامداران به نظام، یا ناشی از روحيات و اخلاق ناپسند آنان است، یا به سبب عملکرد نادرستشان، که در هر دو صورت می‌توان به تغییر در روحیه و ایجاد توانایی مدیریتی قوی برای آنان، از این قبیل آسیب‌ها جلوگیری کرد و با ارائه و بکار بستن راهکارهای رشد اخلاق کارگزاران می‌توان معیار گزینشی مناسبی برای انتخاب کارگزاران حکومت اسلامی و نحوه صحیح برخورد با همکاران، زیر دستان و مردم آن جامعه داشت تا در اثر شیوه صحیح رفتاری پایه‌های نظام حکومت اسلامی را محکم و رضایت و امنیت مردم جامعه را تامین و در ظل این حکومت داری اسلامی به قرب الهی و سعادت دنیوی و اخروی نائل شد.

از آنجا که حاکمان حکومت مسئول جان، مال و آبروی مردم هستند و نیز با توجه به این که حاکمان قدرت و اختیار و شهرت نیز دارا می‌باشند لذا خطر طغیان و گمراه‌کنندگی نیز آنان را تهدید می‌کند از این رو لازم است کارگزاران حکومت اسلامی متخلق به اخلاق الهی انسان کامل یعنی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بشوند. در این زمینه مقام معظم رهبری علیه السلام نیز با سخنان گهربار خود این معیارها و راهکارهای رشد اخلاق کارگزاران حکومت اسلامی را توصیه فرموده‌اند. و این توصیه‌ها را می‌توان در قالب دو نوع راهکار اخلاقی طبقه‌بندی کرد. یک نوع راهکارها مربوط به خود فرد کارگزار می‌باشد مانند خودسازی، نظم و... که به عنوان اخلاق فردی بکار می‌بندد و یک دسته از راهکارها مربوط به ارتباط کارگزار با جامعه

و مردم می باشد. با بکار بستن هر دو طبقه از راهکارها رشد اعضای کارگزاران حکومت اسلامی به حد اعلای خود می رسد و رعایت این بایسته های اخلاقی کارگزار حکومت اسلامی و مردم جامعه به هدف الهی از خلقت و تشکیل حکومت اسلامی که نائل شدن به قرب الهی و رسیدن به قله انسانیت است فراهم می گردد و به دنبال آن اعتماد حکومت به مردم و مشارکت مردم در اداره حکومت و مشورت گرفتن از آنان عزت و سربلندی جامعه و ثبات و پایداری حکومت اسلامی را نتیجه خواهد داد. معیارهایی چون تقوا، امانت داری، با حیا بودن و قاطعیت و... از جمله معیارهایی است که امام علی علیه السلام در در انتخاب کارگزاران خود توجه خاصی داشتند و مسئولان جامعه نیز باید در انتخاب افراد و کارکنان به معیارهای گزینش توجه کنند. امام علی علیه السلام به طور معمول، شرح وظایف و الیان خود را در نامه های رسمی دستور انتصاب، بیان کرده است یکی از جامع ترین احکام الیان، نامه ۵۳ نهج البلاغه مشهور به عهد نامه مالک اشتر است که حضرت در آن تجربه چهل ساله حکومت اسلامی را در اختیار حاکمان قرار می دهد و مسئولیت ها و وظائف و ظرایف زمامداری را به صورت قواعد حکومتی مطرح می کند. در این قواعد حکومتی تمام مصالح دین، دولت و امت اسلامی مراعات شده است و ما با استفاده از این نامه و کلام گوهر بار نهج البلاغه توصیه های اخلاقی امام را به الیان ارائه کردیم.

دستورالعمل های انسان کاملی چون علی بن ابی طالب علیه السلام و رهبر انقلاب اسلامی علیه السلام راهگشای رشد اخلاقی که کارگزاران حکومت اسلامی است که جامعه را از در افتادن به آسیب های اخلاقی باز می دارد و به سوی پیشرفت و سعادت و پایداری سوق می دهد و بستر اجرای دستورات الهی را در جامعه می گستراند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سیدعلی نقی فیض الاسلام، بی جا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید - قم، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۴ ق.
۵. ابوالعالی، بهزاد و دیگران، «شایسته سالاری بستر ساز حضور در عرصه جهانی»، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۵۵، ۱۳۸۴.
۶. اسکافی، محمد بن همام، تکامل و طهارت روح: ترجمه کتاب شریف التمحیص، ترجمه و تحقیق: صالحی نجف آبادی، عبدالله، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقر العلوم (ع)، انتشارات نورالسجاد، ۱۳۸۰.
۷. اسلامی، حسن، امام، اخلاق، سیاست، تهران: انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۸. امام جمعه زاده، سید جواد، «آسیب شناسی جامعه و حکومت اسلامی در نهج البلاغه»، فصل نامه علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، دوره ۵، شماره ۱۷، ۱۳۸۱.
۹. امینی، ابراهیم، (۱۳۷۵)، خودسازی یا تزکیه و تهذیب نفس، قم: انتشارات شفق.
۱۰. انصاریان، حسین، عرفان اسلامی (شرح مصباح الشریعة)، محقق: فیض پور، محسن، چ اول، قم، دار العرفان، بی تا.
۱۱. انصاریان، حسین، عرفان اسلامی (شرح مصباح الشریعة)، محقق: فیض پور، محسن و صابریان، محمد جواد، ۱۵ جلد، قم، دار العرفان.
۱۲. انصاریان، حسین، نهج البلاغه (ترجمه انصاریان)، قم، دار العرفان، بی تا.
۱۳. بهروزلک، غلامرضا، «مبانی اخلاق سیاسی در اسلام»، قیسات، سال ۱۴، شماره ۵۱، ۱۳۸۸.
۱۴. پونتارا، جولیانو، «اخلاق - سیاست - انقلاب»، فصل نامه فرهنگ، شماره ۱، ۲، ۱۳۷۰.
۱۵. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، محقق و مصحح: درایتی، مصطفی، قم، چ اول، ۱۳۶۶ ش.
۱۶. حقانی، حسین، : نظام اخلاقی اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.

۱۷. حقیقت، سید صادق، «آسیب شناسی و حکومت»، ترجمه حمید غفاری، ج ۶، دانشنامه امام علی ۷، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۸. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۲۲، صفحه: ۱۴، [بی نا]، [بی جا] - [بی جا]
۱۹. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۸، صفحه: ۷، [بی نا]، [بی جا] - [بی جا]
۲۰. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، مکتوبات، جلد: ۱۶، صفحه: ۱، [بی نا]، [بی جا] - [بی جا]
۲۱. خلعی، محمدتقی، اسرار خاموشان (شرح صحیفه سجادیه) ۲ جلد، چ اول، قم، پرتو خورشید، ۱۳۸۳. ۵ ش
۲۲. خلعی، محمدتقی، اسرار خاموشان (شرح صحیفه سجادیه)، قم، ۱۳۸۳.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دار القلم، بیروت، چ اول، ۱۴۱۲. ۵. ق.
۲۴. سیاهپوش، امیر، سیاست (از منظر حضرت آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای مدظله‌العالی)، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸.
۲۵. شرح محقق بارع جمال الدین محمد خوانساری بر عُرر الحکم و دُرر الکلم، آفاجمال خوانساری، محمد بن حسین، تصحیح و تعلیق: محدث، جلال‌الدین، ۷ جلد، دانشگاه تهران، بی تا.
۲۶. شیخی، محمد حسین، «عوامل موثر بر سلامت نظام اداری و رشد ارزش‌های اخلاقی در آن»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال اول، شماره دوم، ۷، ۱۳۹۰.
۲۷. طاهری، ابوالقاسم، «آسیب شناسی حکومت از دیدگاه نهج البلاغه»، پژوهش‌های مدیریت راهبردی، شماره ۲۳ و ۲۴، ۱، ۱۳۸۰.
۲۸. طباطبایی، سید محمد رضا، «مولفه‌های سیاست اخلاقی از دیدگاه حضرت امیرالمومنین علی ۷»، دین و ارتباطات، شماره ۱۸، ۷، ۱۳۸۲.
۲۹. طهماسبی، سیاوش پور و آذر تاجور، «ویژگی‌ها و وظایف کارگزاران در نهج البلاغه»، پژوهشنامه

- علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره ۲، ۷، ۱۳۸۹.
۳۰. عبداللهی، محمد حسن، مجله عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی شمیم یاس، شماره ۳۱، ۱۳۸۴.
۳۱. علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ادعیه - فضائل اخلاقی - رذائل اخلاقی، قم، پرتوخورشید، ۱۳۸۳.
۳۲. غروی، سعیده، ابعاد حاکمیت در میراث امیر مومنان، قم: انتشارات دانشگاه اصول الدین، ۱۳۹۱.
۳۳. قرائتی، محسن، گناه شناسی، تنظیم و نگارش: محمدی اشتهاردی، محمد، چ هشتم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۶ ش.
۳۴. کانون نشر و ترویج فرهنگ اسلامی حسنت اصفهان، سیری در سپهر اخلاق، چ اول، قم، صحیفه خرد، ۱۳۸۹ ه. ش.
۳۵. لاهیجی، حسن بن عبدالرزاق، رسائل فارسی (حسن لاهیجی)، تصحیح و تحقیق: صدراپی، خوبی، علی، تهران، مرکز فرهنگی نشر قبله، ۱۳۷۵ ه. ش.
۳۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، حلیة المتقین، قم، ۱۳۶۹.
۳۷. محمدی ری شهری، محمد، «اصلاحات علوی»، فصل نامه کتاب نقد، دوره چهارم، شماره ۱۶، ۷، ۱۳۷۹.
۳۸. مروتی، سهراب و دیگران، «معناشناسی واژه اخلاق در قرآن کریم»، پژوهش نامه قرآن و حدیث، ۳۰ (بی تا).
۳۹. مصالایی پور، عباس و مروت محمدی، «معناشناختی زهد در نهج البلاغه بر اساس روش معناشناختی ایزوتسو»، مطالعات قرآن و حدیث، دوره ۴، شماره ۲، ۱۳۹۰.
۴۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ۲۸ جلد، چ هشتم، قم، صدرا، ۱۳۷۷ ه. ش.
۴۱. مظاهری، حسین، اخلاق فرماندهی و فرمانبری، قم، شفق، ۱۳۶۴.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق اسلامی در نهج البلاغه (خطبه متقین)، تقریر: خادمی اصفهانی، اکبر، ۲ جلد، چ اول، قم، نسل جوان، ۱۳۸۵ ه. ش.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر، خلاق در قرآن (مکارم شیرازی)، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.

۱۳۷۷.

۴۴. موسوی لاری، مجتبی، رسالت اخلاق در تکامل انسان، قم، حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات، ۱۳۷۶.

۴۵. نفیسی، علی اکبر؛ فرهنگ نفیسی (ناظم الاطباع)، ج ۲، کتابفروشی خیام، تهران، ۱۳۵۵.

۴۶. هلودی، موسی، روشنای آینده (آینده پژوهی انقلاب اسلامی در بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای مدظله العالی رهبر انقلاب اسلامی ایران)، تهران، اسلامی، ۱۳۹۵.

۴۷. همامی، عباس و اکرم دیانی دردشتی، «آسیب شناسی مدیریت حاکمان و زمامداران با تاکید بر سیره حکومت امام علی (ع)، پژوهش دینی، ۱۳۸۵.

۴۸. سایت مقام معظم رهبری، <https://khamenei.ir/>

کارکردهای تربیت دینی آموزش و پرورش در تحقق جامعه اسلامی

با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام

مرضیه ملی نژاد اسپر^۱ (نویسنده مسئول)

محمد مهدی ولی زاده^۲

چکیده

تربیت دینی دانش‌آموزان در نظام آموزش و پرورش، به منظور پرورش افرادی آگاه به دین و عامل به آن، اهمیت ویژه‌ای دارد. اگر دانش‌آموزان به علوم متداول مسلط باشند، ولی از تربیت دینی متناسب با سن خود بی‌بهره بمانند، اهداف اساسی نظام آموزش و پرورش جهت تحقق جامعه اسلامی محقق نشده است. سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی تربیت دینی دانش‌آموزان یک جامعه، امری زیربنایی است که پیشرفت جامعه در جنبه‌های گوناگون وابسته به آن می‌باشد. حال سوال این است که کارکردهای تربیت دینی آموزش و پرورش در تحقق جامعه اسلامی با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری و بیانیه گام دوم انقلاب چیست؟ برای پاسخ به این سوال، پژوهش موردنظر از طریق روش توصیفی - تحلیلی و با شیوه کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفت و کارکردهای تربیت دینی آموزش و پرورش جهت

۱. دانش پژوه سطح دو حوزه علمیه خواهران، marzeyehmelinezhad@gmail.com

۲. دانش پژوه سطح ۴ حوزه علمیه Valizadeh.maaref@gmail.com

تحقق جامعه اسلامی به صورت کارکردهای فردی تربیت دینی شامل معرفت‌زایی، قرب و رضوان، عبودیت، تقوا، پرورش انسان شایسته و تربیت نیروی انقلابی و کارکردهای اجتماعی آن شامل تولید علم نافع، ایجاد جامعه‌ی نمونه، ایجاد عدالت و تحکیم هویت ملی به دست آمد.

واژگان کلیدی: دین، تربیت دینی، آموزش و پرورش، جامعه اسلامی، بیانیه گام دوم

مقدمه

در انسان استعدادها و قابلیت‌های متنوع و متعددی نهفته است که می‌تواند آدمی را از نظر علمی و اخلاقی به اوج درجه‌ی اعلاّی انسانیت برساند و تنها در پرتو تعلیم و تربیت است که درون‌مایه‌ها به فعلیت می‌رسند. از میان ابعاد مختلف تربیت، تربیت دینی به این دلیل که دین مطابق با فطرت آدمی برنامه‌هایی دارد که انسان را به درجات والای انسانی ارتقا می‌دهد، لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

از سویی دیگر، اخلاق در سایه دین و تعلیمات آن است که پرورش می‌یابد. همان‌گونه که بیان شده " انی بعثت لا مکارم الاخلاق ". لذا، یکی از راه‌های نیل به مسائل اخلاقی، تعالیم دینی است که در کتاب آسمانی ما قرآن تجلی یافته است. به مصداق آیات ۹ و ۱۰ سوره شمس، " قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا (۹) وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (۱۰): به راستی رستگار شد، آن کس که نفس خود را تزکیه کرد (۹) و بی شک محروم و ناامید گشت هر کس که آن را به پلیدی آلود. "، نفس تربیت‌پذیر است و رستگاری آدمی در گرو تلاش‌های فردی و جمعی است که برای تربیت آدم صورت می‌گیرد. اهمیت موضوع تا به آن حد می‌باشد که پیامبران و اولیا به عنوان هدایت‌گران جوامع همواره سرچشمه سعادت و نیک‌بختی بشر را در این عرصه جستجو کرده‌اند؛ چنانکه قرآن کریم، پیامبر اسلام (ﷺ) را به عنوان معلم و مربی بشر معرفی نموده است آنجا که می‌فرماید: "هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ: اوست که در میان مردم درس ناخوانده، پیامبری از خودشان مبعوث کرد تا آیات الهی را بر آنان بخواند و آنها را

رشد و پرورش داده (از آلودگی شرك و تفرقه پاك سازد) و کتاب آسمانی و حکمت به آنان بیاموزد و همانا پیش از این در انحراف و گمراهی آشکار بودند" (جمعه ۲/۲)؛ در این آیه یادآوری شده است که خداوند از میان مردم پیامبر خود را برانگیخت تا آیات خدا را بر آن ها بخواند و آنها را تربیت و تهذیب نماید و کتاب خدا را به آن ها تعلیم دهد (اکبری، ۱۳۹۳، ص ۲).

سرمايه‌گذاري در زمينه‌ی تربیت دینی دانش‌آموزان یک جامعه، امری زیربنایی است که پیشرفت جامعه در جنبه‌های گوناگون وابسته به آن می‌باشد؛ در این میان، نظام آموزش و پرورش به منظور محقق ساختن شرایط مطلوب برای پرورش نسلی با ایمان و دین‌مدار موظف است با برنامه‌های تربیتی سالم و اصولی این امکان را فراهم کند (امین خندقی و ابراهیمی هرستانی، ۱۳۹۰، ص ۴۲۸)؛ اگر چه تعلیم و تربیت آدمی تماماً وابسته به آموزش و پرورش رسمی نیست، اما باید اذعان داشت که جریان تعلیم و تربیت از طریق نهادهای رسمی یکی از مهم‌ترین، منظم‌ترین و شاید هدفمندترین بخش تعلیم و تربیت آدمی است (اکبری، ۱۳۹۳، ص ۲).

رهبر معظم انقلاب علیه السلام، آموزش و پرورش را حساس‌ترین و مهم‌ترین بخش اداره کشور دانسته و در این مورد فرموده‌اند: "آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت عمومی کشور هدف‌هایی دارد، دنبال هدف‌هایی می‌گردد، این هدفها چیست؟ این هدف‌ها، عیناً همان هدف‌های نظام اسلامی است؛ این هدف عبارت است از همان هدفی که نظام اسلامی برای آن به وجود آمد. نظام اسلامی، جهان و جامعه‌ای را می‌خواهد بسازد پیشرو، با ارزش‌های متعالی، متدین، پایبند به شرایع الهی، با گستره‌ی بی‌انتهای افق دید. نگاه انسانی که در جامعه‌ی اسلامی و نظام اسلامی زندگی می‌کند، برای آینده هیچ محدودیتی ندارد، در هیچ جهتی؛ نه فقط در جهات معنوی، [بلکه] در جهات مادی و در جهات علمی، هیچ محدودیتی وجود ندارد" (امام خامنه‌ای، بیانات در دانشگاه فرهنگیان، ۱۳۹۷/۰۲/۱۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39542>).

مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در مورد اینکه آینده‌سازان چه

چیزی را باید در نظر داشته باشند، فرموده‌اند: "مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن نتیجه‌ی موج جمعیتی ایجاد شده در دهه‌ی ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. انبوه جوانانی که با روحیه‌ی انقلابی رشد کرده و آماده‌ی تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته‌ی مادی با آن مقایسه نمی‌تواند شد" (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ص ۸).

۱. پیشینه و ضرورت

در زمینه تربیت از جمله تربیت دینی، تحقیقاتی صورت گرفته است. برای نمونه، وجدانی (۱۳۹۸)، در مقاله خود به بررسی نسبت میان فلسفه تعلیم و تربیت با تمدن اسلامی براساس دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته است و به این نتیجه دست یافت که نظام تربیتی در تأمین سرمایه‌ی انسانی لازم برای تمدن‌سازی، پرورش خصوصیات معنوی - اخلاقی لازم، نهادینه‌کردن سبک زندگی اسلامی، آماده‌سازی برای ورود به آموزش عالی و تولید علم و فناوری و پرورش نسل‌های بعدی نخبگان فکری جامعه که برای تمدن‌سازی لازمند، نقش ایفا می‌کند. اکبری (۱۳۹۳)، در پایان‌نامه خود به بررسی تربیت دینی با توجه به اسناد تحول در آموزش و پرورش پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که در این اسناد به تربیت دینی اهمیت داده شده و تربیت دینی در اولویت سایر ساحت‌های تربیتی بود که از نقاط قوت اسناد مذکور بود، اما عدم توجه صریح و مستقیم به روش‌های تربیت دینی در حیطه‌های سه‌گانه شناختی، عاطفی و رفتاری از جمله نقاط ضعف این اسناد در پرداختن به تربیت دینی بود. کشاورز (۱۳۸۷)، در مقاله خود به بررسی شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی دانش‌آموزان در نظام آموزش و پرورش پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که نظام آموزش و پرورش در تقویت گرایش‌های دینی دانش‌آموزان، آن‌گونه که شایسته است موفق نبوده و برای توفیق در تربیت دینی دانش‌آموزان باید شاخص‌های مورد

تأکید در آموزه‌های دینی و استفاده از شیوه‌های مناسب مبتنی بر اصول روان‌شناختی نوین، را در دستورکار خود قرار دهد. با توجه به موارد پژوهشی ذکر شده، آنچه پژوهش حاضر را متمایز می‌کند، بیان کارکردهای فردی و اجتماعی تربیت دینی آموزش و پرورش در تحقق جامعه اسلامی است که با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری صورت می‌گیرد.

به صورت کلی، تربیت انسان‌های هم‌جهت و هماهنگ با معیارهای اسلام، یکی از وظایف اصلی نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. اگرچه تعلیم و تربیت کاملاً وابسته به آموزش و پرورش نیست، اما باید اذعان نمود که تعلیم و تربیت از طریق نهادهای رسمی، یکی از مهم‌ترین و هدفمندترین بخش‌های تعلیم و تربیت است؛ همچنان که رهبر معظم انقلاب نیز در مورد نقش و کارکرد آموزش و پرورش فرموده‌اند که آموزش و پرورش، مهم‌ترین کار یک کشور است و اگر کشوری بخواهد به عزت مادی، سعادت معنوی، سیطره سیاسی، پیشروی علمی، آبادانی زندگی دنیا و به هر آرزویی برسد، باید به آموزش و پرورش به عنوان کار بنیادی و مقدماتی لازم بپردازد.

تحقیق مورد نظر به دنبال بررسی کارکردهای تربیت دینی آموزش و پرورش در تحقق جامعه اسلامی با تأکید بر نظریات مقام معظم رهبری می‌باشد که به روش توصیفی - تحلیلی و شیوه کتابخانه‌ای انجام می‌شود.

۲. مفاهیم

کارکرد

کارکرد، ترجمه "Function" است که در لاتین معانی مختلف از جمله فعالیت سودمند، کار، وظیفه، فایده، انگیزه، غایت، نیت، نیاز، نتیجه و پیامد است؛ اما جامعه‌شناسان بیش از همه بر سه معنای کار، وظیفه و نقش تأکید دارند (مطهری خواه، ۱۳۹۴، ص ۷۹۶).

آموزش و پرورش

"آموزش" در لغت به معنای تعلیم و "پرورش" در لغت به معنای تربیت است. بنابراین، "آموزش و پرورش" همان معنای تعلیم و تربیت را دربردارد. آموزش و پرورش یا همان تعلیم و تربیت در اصطلاح، عبارت است از: مجموعه اعمال یا تأثیرات عمدی و هدف‌دار یک انسان (مربی)، به منظور اثرگذاری بر شناخت‌ها، اعتقادات، احساسات، عواطف و رفتارهای انسان یا انسان‌های دیگر (متربی یا متربیان)، بر اساس برنامه‌ای سنجیده (چاه‌خویی اناری، ۱۳۹۵، ص ۹).

تربیت دینی

تربیت دینی فرایندی است دوسویه میان مربی و متربی که ضمن آن مربی با بهره‌گیری از مجموعه عقاید، قوانین و مقررات دینی تلاش می‌کند تا شرایطی فراهم آورد که متربی آزادانه در جهت رشد و شکوفایی استعدادهاي خود گام برداشته، به سوی هدف‌هاي مطلوب رهنمون گردد. هدف از تربیت دینی آن است که مربی چه در مقام معلم و چه در مقام والدین، شور و شوق فطری کودک را نسبت به جلال و جمال الهی پرورش دهد و از رهگذر آن فضایل اخلاقی را به ملکات اخلاقی مبدل سازد (اکبری، ۱۳۹۳، ص ۱۵).

از نظر امیر مؤمنان علیه السلام هدف تربیت دینی، تربیت موحدان به توحید حضوری است، موحدانی که نه تنها به صورت عقلانی، یگانگی خداوند خالق را پذیرفته باشند، بلکه دخالت او را نیز در جهان طبیعی و عالم انسانی باور و حضور مؤثر و فراگیر او را در متن هستی (به‌ویژه در متن حیات انسانی) با تمام وجود احساس کنند و براساس ایمان به "در محضر حق بودن"، تقوا پیشه سازند. تربیت دینی علوی در صدد این است که حضور همیشگی و همه‌جای حق را در ذهن و دل متربی تثبیت کند؛ این همان ایمان و حق‌الیقین است. این حق‌الیقین بالاترین مرحله شناخت به شمار می‌رود که عشق به معشوق سبب رسیدن به این نوع شناخت می‌شود. وقتی متربی به این شناخت و احساس دست یافت، در عمل نیز پیوسته مطیع و فرمانبردار خداوند خواهد بود. در حقیقت برای رسیدن به هدف اصلی که

توحید حضوری است، سه هدف میانی وجود دارد که بیان آن براساس طبقه بندی متخصصان تعلیم و تربیت به این صورت است: ۱. حیطة‌ی شناختی: شناخت خداوند و اعتقاد به اینکه او یگانه وجود مستقل است و انسان، موجودی ربطی و فقیر بالذات و همواره در محضر اوست. ۲. حیطة‌ی عاطفی: برانگیختن احساسات و هیجانات متربی و ایجاد وابستگی و عشق به خداوند. ۸. حیطة‌ی حسی - حرکتی: تعبد در برابر دستورات الهی و تنظیم رفتار براساس آن دستورها (فرهادی، ۱۳۹۷، ص ۸).

۳. کارکردهای فردی تربیت دینی

نقش شگفت‌انگیز تربیت در زندگی انسان بر هیچ خردمندی پوشیده نیست و تاکنون هم ضرورت آن مورد تردید قرار نگرفته است؛ چرا که از طریق تعلیم و تربیت صحیح می‌توان فرد را به اوج ارزش‌ها رساند و اگر تربیت او غلط باشد، او را به سقوط و انحطاط خواهد کشاند. انسان در آغاز ولادت فاقد علم و ادراک و تربیت و کمال است و به تدریج با تربیت مستقیم و غیرمستقیم است که استعدادهای بالقوه او به فعلیت می‌رسد و رشد و تکامل می‌یابد. بر این اساس شکوفایی استعدادها و ارزش‌های والای انسانی مبتنی بر تعلیم و تربیت است و انسان شدن و وصولش به کمال نهایی همه به تعلیم و تربیت صحیح وابسته است.

اولین تعلیم و تربیت از زمانی آغاز گردید که خداوند، انسان (حضرت آدم علیه السلام) را آفرید و همه حقایق عالم را به او آموخت: " الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴) عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۵): او کسی بود که با قلم آموخت. آنچه را انسان نمی‌دانست به او آموخت" (علق/ ۴ و ۵). بنابراین بهترین راه تربیت، که مبتنی بر شناخت حقیقت انسان و همه‌ی نیازها و وجوه اوست، راه وحی و راه سنت الهی است؛ همان‌گونه که قرآن کریم به آیینی فرا می‌خواند که بهترین آیین است: " اِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ اَفْضَلُ وَ يُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ اَنَّ لَهُمْ اَجْرًا كَبِيْرًا: همانا این قرآن به آیینی درست‌تر و استوارتر هدایت می‌کند و به مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می‌دهند، بشارت می‌دهد که برایشان پاداش بزرگی است. "

(اسراء/۹)، راه واقعی تربیت، چنین راهی است، راهی که از جانب رب العالمین ارائه شده است (دهقان رجبی، ۱۳۹۲، ص ۲).

انسان شایستگی رسیدن به همه‌ی کمالات الهی را دارد و آفریده شده تا خلیفه‌ی خداوند بر روی زمین شود. برای رسیدن انسان به چنین مقامی نیاز است تا در مسیر دین قدم بردارد و در جهت آن رشد کند. در این راه افراد و گروه‌های مختلفی با انسان همراه هستند و می‌توانند به عنوان راهنما، او را در مسیر دین تربیت کنند و به بالا ببرند یا در مسیر غیردینی او را از مقصد دورتر کنند؛ جامعه‌ی دینی نیاز به تربیت دینی دارد تا افراد در آن استعداد هایشان را شکوفا سازند. شیوه‌ی تربیتی مدرسه بر شخصیت دانش‌آموزان بسیار مؤثر است. لذا لازم است همه‌ی عوامل مؤثر بر تربیت در مدرسه و خارج از آن به طور هماهنگ به تربیت افراد بپردازند (فرهادی، ۱۳۹۷، ص ۳).

یک) معرفت‌زایی

فلسفه بعثت انبیا به صراحت کتب آسمانی به ویژه قرآن کریم، سعادت انسان است. در اهمیت تربیت دینی همین بس که صد و بیست و چهار هزار پیامبر مبعوث شدند تا به این مهم بپردازند؛ همچنین پیامبر اسلام نیز از میان افراد امی برگزیده شده است (جمعه ۲) تا انسان‌ها به سعادت برسند. در جامعه‌ی امروز مدرسه از جایگاه مهمی در تربیت دانش‌آموزان برخوردار است و می‌تواند فعالیت خود را در این زمینه در جهت مثبت و یا منفی به انجام برساند (فرهادی، ۱۳۹۷، ص ۲).

آموزش دینی ناظر به انتقال معارف دینی است و نتیجه آن استقرار یک نظام معرفتی در ذهن کسی است که برنامه درسی تربیت دینی برای او شکل گرفته است. در واقع، در زمینه تربیت دینی، نظام آموزشی ابتدا باید به دانش‌آموزان شناخت و اندیشیدن را بیاموزد و تربیت دینی در این بعد به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا از دین و اصول و مبانی آن، درک درست و صحیحی به دست آورند، اما هدف از آموزش معارف دینی صرفاً انتقال دانش نیست بلکه در کنار این مسئله (انتقال دانش)، رشد باور و اعتقاد و عمل به آموزه‌های دینی دانش‌آموزان هم

مدنظر است (اکبری، ۱۳۹۳، ص ۴).

دو) قرب و رضوان

قرب به معنی نزدیکی به خداوند است و البته مقصود از این نزدیکی، "مکانتی است نه مکانی"، زیرا اولاً خداوند در همه جا حاضر است و قرب مکانی برای او بی معنا و غیر متصور است. ثانیاً از نظر فلسفی، همه جهان ذاتاً وابسته به الله است و نیازمند و عین ربط به اوست و از این رو خداوند به همه چیز نزدیک است: "... وَ نَحْنُ اقْرَبُ اِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ: ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم" (ق/۱۶)، یعنی تا این حد خدا به انسان نزدیک است و یا در جای دیگر چنین فرموده است: "أَنَّ اللَّهَ يَحْوِلُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ: خدا بین انسان و قلبش واسطه و حایل است" (انفال/۸). این قرب نوعی قرب تکوینی و از ناحیه اوست و شاید به همین سبب در این آیات شریفه تأکید بر این است که خدا نزدیک است و یا نزدیکتر است و نفرموده آن دو به هم نزدیکند. حال که چنین است، پس قرب انسان به خدا و تقرب او به سوی خداوند به چه معناست؟ اگر نزدیکی حاصل است پس تحصیل قرب چگونه ممکن است و چه مفهومی دارد؟

اینجاست که باید نوع دیگری از قرب تعریف شود که همان، روی کردن و توجه به خداوند است و در مقابل آن دوری از خدا، عبارت از پشت کردن به خداوند و غفلت از اوست. این توجه، و عدم توجه دارای مراتبی است که شامل توجه قلبی و درونی و توجه قالبی و عملی، هر دو می‌شود. هرچه مقدار توجه و روی کردن بیشتر بوده و جهت آن مستقیم‌تر و عمیق‌تر باشد، قرب بیشتری حاصل می‌شود و هرچه کمتر و سطحی‌تر بوده، از پیچ و خم‌های مادیات و غیر خدا بیشتر عبور کند، قرب کمتری به دست می‌آید (چاهخویی اناری، ۱۳۹۵، ص ۹۲).

هر چه توجه انسان به خدا بیشتر شود، که هرچه این احساس حضور در پیشگاه الهی کامل‌تر و عمیق‌تر باشد و حضور در محضر خدا را بیشتر احساس کند، قرب افزون‌تری حاصل می‌شود؛ از این رو، نماز که برترین نوع توجه و ذکر نسبت به خداست (ولذکر الله اکبر)، می‌تواند

بیشترین قرب را ایجاد کند و در خود نماز نیز سجده به سبب اینکه عمیق‌ترین حالت کرنش و هیچ انگاری انسان در برابر خداوند را به نمایش می‌گذارد، بالاترین میزان قرب را می‌تواند فراهم آورد. پیامبر اکرم (ﷺ) در این مورد می‌فرماید: "هنگامی که بنده در حال سجده است، بیشتر از همیشه به خدا نزدیک است".

جستجوی رضوان خدا نیز ملحق به قرب است. مقام رضوان نوعی توجه متعالی است که به رضای الهی چشم دارد نه به جزای الهی، لذا رضوان اوج قرب و اخص آن است و اندکی رضوان خداوند بالاترین دارایی است و بالاتر از هر پاداشی است؛ هدف غایی تعلیم و تربیت چنین قربی است و به همین سبب، در تمام مراحل، اعمال و رفتارهای تربیتی این هدف آرمانی را باید ملاحظه کرد و نیروها و استعدادهای متعلم و متربی را در جهت آن به فعلیت رسانید. رشد واقعی شخصیت انسان، در قرب الی‌الله خلاصه می‌شود و آن کس به رشد می‌رسد که در مراتب قرب به پیش رود و در تخلق به اخلاق الهی بکوشد (همان، ۱۳۹۵، ص ۹۳).

سه) عبودیت

عبادت به معنی بندگی است و حقیقت بندگی آن است که انسان، فقط خدا را رب و مالک و مدبر و مولای خویش دانسته، معبودیت را تنها شایسته او بداند، خود را در برابر رب و مولای خود مطیع و تابع محض قرار دهد و غیر او را کنار بزند. پس حقیقت عبادت، همان عبودیت و عبد بودن است و هدف خلقت نیز همین است نه صرف عبادت ظاهری به معنای عرفی آن. قرآن هدف غایی از خلقت انسان را عبادت می‌داند، در جایی که می‌فرماید: "وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ وَجَنَّ وَاِنْسَ رَا نِيَا فَرِيْدِم جَزْ بَرَا يَ اَنَكِه مَرَا بِيْرَسْتِنْد (ذاریات/۵۶)". پس به یک معنا می‌توان گفت که هدف خلقت، عبودیت است نه عبادت؛ و هدف تربیت (آموزش و پرورش)، ساختن عبد است نه عابد، زیرا می‌توان عابد بود ولی عبد نبود؛ همان‌طور که شیطان شش هزار سال عابد بود، ولی لحظه‌ای عبد نبود.

البته این تذکر ضروری است که عبودیت و رسیدن به حقیقت عبادت، جز از طریق

تبعیت و اطاعت ظاهری و باطنی محقق نمی‌شود و چنین نیست که منظور از تأکید بر حقیقت عبادت، نفی عبادت‌های ظاهری و شرعی باشد؛ چرا که به تعبیری، جز از طریق شریعت نمی‌توان به حقیقت رسید و چون حقیقت، بی‌انتهاست، وصول به آن مستلزم پایبندی مدام و مستمر به شریعت است (همان، ۱۳۹۵، ص ۹۵).

چهار تقوا

تقوا در عرف شرع یعنی نگهداری نفس از آنچه انسان را به گناه می‌کشاند، به اینکه ممنوعات و محرمات را ترک کند. مراتب این محافظت متفاوت است: در یک مرتبه، فرد به هنگام لغزش قدرت محافظت ندارد، بنابراین به لغزش تن می‌دهد، اما پس از آن، بلافاصله خود را باز می‌یابد، استغفار می‌کند و بر لغزش خود اصرار نمی‌ورزد. در رتبه بالاتر محافظت، انسان به محض وسوسه لغزش به آن چیره می‌شود، اما آن مرتبه از تقوا که مد نظر ما در این بحث است به عبارت دیگر، تقوایی که جز اهداف غایی تربیت قرار می‌گیرد، دامنه محافظت در آن بسیار گسترده‌تر از آن است که محدود به محافظت پس از لغزش یا پیش از لغزش شود، بلکه محافظتی است در حدّ بازبینی و اصلاح دستاوردهایی که فرد آنها را توسط مراتب پیشین تقوی به دست آورده است.

در آیه، " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ: ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید و هرکسی باید با تأمل بنگرد که برای فردای خود چه چیزی پیش فرستاده است و از خدا پروا کنید؛ یقیناً خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است" (حشر/۱۸)؛ در این آیه، دوباره به تقوا امر شده است، تقوای نخست به محافظت از گناه و مبادرت به عمل صالح اشاره دارد، اما تقوای دوم، تقوایی است در مقام محاسبه و نظر در کیفیت اعمال صالحی که در اثر تقوای نخست به دست آمده است و این مرتبه تقوی مرتبه اعلای آن است که به عنوان هدف غایی تربیت محسوب می‌شود

ارتباط تقوا به عنوان هدف غایی با اهداف واسطی، ارتباط طولی است و بنابراین باید در همه شئون انسان حضور داشته باشد. انسان باید در هر یک از شئون خویش به سمت تقوایی

راه بجوید که با داشتن آن قادر خواهد بود اعمال خود را خالص الوجه الله انجام دهد و عرصه جان را از نفوذ توسط انگیزه‌های دیگر محافظت کند. فرد متقی در این مرتبه، فراتر از آن است که "انگیزه اساسیش" توسط نکوهش‌ها یا ستایش‌های دیگران مایه‌ور شود؛ او از اینها مصونیت (تقوا) یافته است. از این رو نه نکوهش‌ها در وی خوف می‌افکند و نه ستایش‌ها در او شوق. در باب ستایش‌ها باید گفت که متقی نه تنها بر آن شوق ندارد، بلکه از آن خائف است، زیرا آن را آفت تقوا می‌داند. حضرت امیر در خطبه متقین این ویژگی را بیان فرموده‌اند: "إِذَا زَكَّى أَحَدٌ مِنْهُمْ خَافَ مِمَّا يُقَالُ لَهُ"؛ این ظرفیت عظیم در انسانی به ظهور می‌رسد که هدف غایی تقوا در وی تحقق یافته باشد (همان، ۱۳۹۵، ص ۹۷).

با توجه به آنچه ذکر شد، در زمینه تربیت دینی، نظام آموزشی ابتدا باید به دانش آموزان شناخت و اندیشیدن را پیامزد و تربیت دینی در این بعد به دانش آموزان کمک می‌کند تا از دین و اصول و مبانی آن، درک درست و صحیحی به دست آورند. هدف غایی تعلیم و تربیت قرب جهت رسیدن به رضوان خداست و به همین سبب، در تمام مراحل، اعمال و رفتارهای تربیتی این هدف آرمانی را باید ملاحظه کرد و نیروها و استعدادهاى متعلم و متری را در جهت آن به فعلیت رسانید. عبادت به معنی بندگی است و حقیقت بندگی آن است که انسان، فقط خدا را ربّ و مالک و مدبر و مولای خویش بداند؛ پس به یک معنا می‌توان گفت که هدف خلقت، عبودیت است نه عبادت؛ و هدف تربیت (آموزش و پرورش)، ساختن عبد است نه عابد، زیرا می‌توان عابد بود ولی عبد نبود؛ همان‌طور که شیطان شش هزار سال عابد بود، ولی لحظه‌ای عبد نبود. تقوا در عرف شرع یعنی نگهداری نفس از آنچه انسان را به گناه می‌کشاند، به اینکه ممنوعات و محرّمات را ترک کند. تقوایی که جز اهداف غایی تربیت قرار می‌گیرد، دامنه محافظت در آن بسیار گسترده‌تر از آن است که محدود به محافظت پس از لغزش یا پیش از لغزش شود، بلکه محافظتی است در حدّ بازبینی و اصلاح دستاوردهایی که فرد آنها را توسط مراتب پیشین تقوی به دست آورده است.

پنج) پرورش انسان شایسته

بدون شک مهم‌ترین عامل تحقق حیات طیبه آن است که عموم آحاد جامعه با کسب شایستگی‌های لازم به افرادی صالح و باایمان تبدیل و زمینه را برای ساختن جامعه‌ای صالح مهیا کنند. خداوند متعال می‌فرماید: " مَنْ عَمَلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ: هر کس از مرد یا زن که مؤمن باشد و کار شایسته کند، حتماً به زندگی پاک و پسندیده‌ای زنده‌اش می‌داریم و قطعاً مزدشان را نیکوتر از آنچه انجام داده‌اند، پاداش خواهیم داد" (نحل/ ۹۷). آیه شریفه به صراحت بیان می‌دارد که حیات طیبه وابسته به ایمان و عمل صالح، و این دوازده زمینه‌های اصلی حیات معنوی و طیب می‌باشند.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: " انسان به سبب ایمان، به مرتبه بالای نیک‌بختی و نهایت سرور و شادمانی ارتقا می‌یابد. " شایان ذکر است که حیات طیبه خود دارای درجات و مراتب است و به هر نسبت که انسان بر ایمان و عمل صالح خود بیفزاید، حیات طیبه او نیز موجودیت و شدت بیشتریافته و بر درجات روحی و تعالی معنوی او افزوده می‌شود. در واقع حیات حقیقی انسان دارای مراتب و بطون است که این مراتب به صورت استعداد در متن آدمی به ودیعه نهاده شده است. مزین شدن به گوهر دین و طی مراتب و درجات دین‌داری، استعدادهای ویژه انسان برای نیل به درجات والای حیات را شکوفا می‌کند (چاهخویی اناری، ۱۳۹۵، ص ۶۷).

عقل آدمی از وجوه امتیاز اوست. این توانایی را خداوند به انسان عطا کرده و عقل را به نیرویی تعریف کرده است که انسان در دینش از آن بهره‌مند شود، و به وسیله آن راه را به سوی حقائق معارف و اعمال صالحه پیدا نموده و پیش بگیرد، پس اگر عقل انسان در چنین مجربایی قرار نگیرد، و قلمرو علمش به چهار دیوار خیر و شرهای دنیوی محدود گردد، دیگر عقل نامیده نمی‌شود؛ هم چنان که قرآن کریم از خود چنین انسان‌هایی حکایت می‌کند که در قیامت می‌گویند: " وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ: اگر شنیده و

پذیرفته بودیم یا تعقل کرده بودیم در میان دوزخیان نبودیم" (ملک/۱۰) و نیز فرموده: "أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ: آیا در زمین گردش نکرده‌اند، تا دل‌هایی داشته باشند که با آن بیندیشند یا گوش‌هایی که با آن بشنوند؟ در حقیقت، چشم‌ها کور نیست، لیکن دل‌هایی که در سینه‌هاست، کور است" (حج/۴۶). پس این آیات همان‌طور که ملاحظه گردید کلمه عقل را در علمی استعمال کرده که انسان خودش بدون کمک دیگران به آن دست یابد.

پس عقل یعنی نیروی تمیز دهنده‌ی خیر و شر، باید به عنوان اصلی در نظام تربیتی اسلامی مورد توجه قرار گیرد، چون که مسئولیت اصلی تربیت به عهده افراد دخیل در جریان تربیت یعنی یاددهنده و یادگیرنده (مربی و متربی) است و برای اینکه اینان بتوانند در هر مورد تصمیم درست را اتخاذ بکنند، باید از نوعی توانایی و صلاحیت برخوردار باشند. توانایی‌ای که مسئولیت و بازخواست را موجه و منطقی می‌سازد و این استعداد و توانایی از نیروی درونی ناشی می‌شود که عقل نام دارد. اگر افراد از عقل و اصول عقلانی متابعت کنند، طبعاً مشکلی در رسیدن به اهداف واسطه‌ای و بالاخره هدف نهایی تربیت نخواهند داشت (همان، ۱۳۹۵، ص ۴۸).

یادگیری، مقدمه‌ی به کار بستن و عمل کردن است نه برای نقل کردن. در مذمت علمی که از گفتار فراتر نرود و به کردار نرسد، همین بس که خدای تعالی می‌فرماید: "أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ: آیا مردم را به نیکی دعوت کرده و خودتان را فراموش می‌نمایید؟ با اینکه شما کتاب (آسمانی) را می‌خوانید، آیا هیچ فکر نمی‌کنید؟" (بقره/۴۴). "یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا چیزی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟" (صف/۲ و ۳). امیرالمومنین علی علیه السلام نیز در مورد رابطه‌ی علم و عمل می‌فرماید: "علم و عمل پیوندی نزدیک دارند و کسی که دانست باید به آن عمل کند، چرا که علم، عمل را فراخواند، اگر پاسخش داد، می‌ماند وگرنه

کوچ می‌کند" و بر همین اساس برترین علم و بی‌ارزش‌ترین دانش مشخص می‌گردد: "پست‌ترین دانش‌ها آن است که تنها روی زبان متوقف شود و برترین دانش‌ها آن است که در اعضا و جوارح آشکار گردد" (حکمت/۹۲) (دهقان‌رجبی، ۱۳۹۲، ص ۶۱).

رهبر معظم انقلاب علیه السلام، منطق پشت سر آموزش و پرورش را، انسان‌سازی ذکر می‌کنند و آن را نه تنها منحصر به کشور ما، بلکه مربوط به همه کشورهای دنیا می‌دانند. ایشان آموزش و پرورش را تعبیر به دستگاه عظیمی می‌کنند که لشکر فرهنگی از دانش‌آموز و معلم و کارمندان گوناگون و مدیران مختلف به وجود می‌آورد. در ادامه می‌فرمایند: "چه منطقی پشت سر آموزش و پرورش، این دستگاه عظیم، قرار دارد؟ می‌دانیم پاسخ مجملش را. منطق، انسان‌سازی است؛ یعنی ماده‌ی خامی که کودک مثلاً شش‌ساله و هفت‌ساله است، وارد این کارخانه می‌شود و دوازده سال در این کارخانه زیر و رو می‌شود و یک محصولی، یک برون‌دادی باید از این کارخانه خارج بشود؛ آن برون‌داد چیست؟ انسان شایسته؛ منتها تعریف «انسان شایسته» در مکاتب مختلف، تفکرات مختلف، کشورهای مختلف، جوامع مختلف، مختلف است؛ همه «انسان شایسته» را یک جور نمی‌دانند؛ برای همین هم هست که نوع آموزشها و پرورشها در جوامع گوناگون، یکسان نیست. ما در جمهوری اسلامی همین هدف را دنبال می‌کنیم؛ ما می‌خواهیم در این مجموعه‌ی دوازده‌ساله انسان تربیت بشود. خصوصیت این دوازده سال هم این است که بهترین زمانهای فراگیری است؛ یعنی در این سنین، یادگیری آسان‌تر، ماندگارتر، و بهتر و شایسته‌تر است؛ از این جهت مهم است."

رهبر معظم انقلاب علیه السلام، خروجی مطلوب از آموزش و پرورش را، افرادی با تفکر اسلامی می‌داند و در مورد خصوصیات این افراد که مطلوب جامعه، انقلاب و نظام اسلامی خواهند بود، چنین می‌فرماید: "آن انسان طراز اسلامی‌ای که توقع هست آموزش و پرورش او را تربیت کند، انسانی است با این خصوصیات: اولاً مؤمن باشد؛ ایمان اولین شرط است. ثانیاً خردمند باشد؛ یعنی عقل را به کار بگیرد. «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»، در قرآن ببینید چقدر هست! ثالثاً اندیشمند باشد؛ یعنی فکر کند. عقل فقط برای پیدا کردن راه‌های عملی زندگی نیست؛

عمده برای فکر کردن و اندیشیدن است، که این از دانشمند شدن مهم تر است. اگر بخواهیم دانشمندان خوبی داشته باشیم، باید اندیشمندان خوبی داشته باشیم. بعد، دانشمند شدن و کسب علم؛ این هم یک خصوصیت است. مجاهد و اهل عمل باشد؛ یعنی نشستن و حرف زدن و صرفاً فکر کردن و حرفی کردن کافی نیست، باید اهل عمل باشد که حالا در این زمینه هم بحث‌های زیادی وجود دارد. عمل هم عمل مجاهدانه و پیگیر [است]؛ همان [عملی] که در عرف شرع مقدس اسلام «جهاد» گفته می‌شود که آن وقت این جهاد در اینجا جهاد فی سبیل الله است، جهاد مورد ترغیب شرع است. انسان با انصافی دربیاید، [انسان] بانظمی دربیاید، متخلّق به اخلاق اسلامی دربیاید؛ اینها خصوصیات انسانی است که ما توقع داریم در آموزشی که شما می‌دهید و پرورشی که شما می‌کنید، یک چنین انسانی به وجود بیاید" (امام خامنه‌ای، بیانات در ارتباط تصویری با رؤسا و مدیران آموزش و پرورش، ۱۳۹۹/۰۶/۱۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46388>).

شش) تربیت نیروی انقلابی

رهبر معظم انقلاب علیه السلام در مورد تربیت نیروی انقلابی به وسیله آموزش و پرورش چنین می‌فرمایند: "حالا شما نگاه کنید به یک کشور. شما به عنوان یک انسان، به عنوان یک مدیر، به عنوان یک رئیس و به عنوان یک دلسوز، میخواهید کشوری داشته باشید که افراد آن از لحاظ استعداد، برجسته باشند؛ از لحاظ اخلاق، پاکیزه باشند؛ از لحاظ اقدام، شجاع باشند؛ از لحاظ فکر، دارای تدبیر باشند؛ افراد این کشور مردمانی مستقل، دارای فکر، دارای ابتکار، دارای روح خلاقیت، پرهیزگار، پاکدامن، نظم‌پذیر، قانون‌پذیر، اهل اقدامهای بزرگ و آرمان طلب باشند؛ میخواهید یک چنین کشور و جامعه‌ای بسازید. کیست که در دنیا آرزویش این نباشد که کشور و جامعه‌اش از مردان و زنانی تشکیل شده باشد که دارای این روحیات و خصوصیات باشند؟ یعنی ظرفیتهای استعدادی را به کار ببندند، شجاعت در اقدام داشته باشند، آرمانهای بلند را دنبال کنند، خسته نشوند، شوق و نشاط داشته باشند، نظم و انضباط داشته باشند، در آنها ولنگاری و بیانضباطی و تن‌پروری وجود نداشته باشد.

حالا میخواهیم کشوری با این خصوصیات درست کنیم. شما نگاه کنید و ببینید جای تربیت انسانها کجاست؟ از اول ولادت تا وقت مرگ، کدام نقطه و کدام منطقه و محیط، برای تربیت چنین انسانهایی مناسبتر از آموزش و پرورش است؟ همین قرنطینه‌ی دوازده ساله میتواند انسانها را با همین خصوصیات مثبت تربیت کند. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار معلمان، ۱۳۸۶/۰۲/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3380>).

کارکردهای فردی تربیت دینی آموزش و پرورش در جهت افزایش معرفت و شناخت فردی دانش‌آموز برای تحقق جامعه اسلامی و نیز بیانات مقام معظم رهبری در این مورد و عنوان کردن آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد انسان‌ساز و تربیت‌کننده‌ی نیروی انقلابی ذکر شد؛ از طرفی، مهیا شدن تربیت دینی دانش‌آموزان از طریق نهاد آموزش و پرورش در جهت تحقق جامعه اسلامی از برکات انقلاب اسلامی بوده که مقام معظم رهبری در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب به آن اشاره نموده است، از آنجایی که با به وجود آمدن انقلاب اسلامی، زمینه جهت افزایش اخلاق و معنویت در فضای عمومی جامعه بیش از پیش فراهم شده است.

۴. کارکردهای اجتماعی تربیت دینی

یک) تولید علم نافع

علم، مقدمه عمل است. در تعالیم اسلامی تأکید زیادی بر ضرورت نافع بودن علم وجود دارد. هر علم مفید برای جامعه اسلامی، علم دینی است. از نظر مقام معظم رهبری، علمی مفید و نافع است که به کار کشور بیاید و مفید برای حل مشکلات کشور باشد. طبق این تعریف، ممکن است دانش فیزیک، هسته‌ای، علم دینی باشد؛ اما صدها دانش فقه و فلسفه و تفسیر، علم دینی نباشد، در صورتی که موضوعاتی را مطرح کند که هیچ دردی از جامعه اسلامی دوا نکند. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است تا زمینه بروز و شکوفایی

استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید؛ به جرأت می‌توان گفت که بر هیچ یک از نخبگان و مجاهدان جبهه انقلاب اسلامی پوشیده نیست که هدف اصلی تشکیل نظام اسلامی، تربیت و رشد آحاد جامعه به سوی خداوند متعال بوده است؛ لذا به‌رغم همه فرازونشیب‌های فراوانی که پیش روی کشورمان در راه رسیدن به تعالی وجود دارد، در بلند مدت، هیچ مسئله‌ای هم‌عرض تعلیم و تربیت قرار نمی‌گیرد (سیدطباطبایی و فریدونی، ۱۳۹۶، ص ۹۶ و ۹۹).

رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، دانش را، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور می‌داند. از دیدگاه ایشان، دنیای غرب به برکت دانش خود بوده است که توانسته برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دویست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ایشان در ادامه ذکر کرده‌اند که ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم.

ایشان در مورد مسئله‌ی علم نافع می‌فرماید: "یک نکته‌ی دیگر، مسئله‌ی علم نافع است. در تعلیم و تربیت کشور، علم سودمند، دانش سودمند باید تعقیب بشود. اینکه شما می‌گویید «آموزش و پرورش اصلاح باید گردد»، (۵) یکی از مواد مهم اصلاحی، همین است که دانشی که در اینجا تعلیم داده می‌شود، دانش سودمند باشد؛ این جوان بتواند از این دانش، برای بهبود زندگی خود و جامعه‌اش و پیرامونیان خود استفاده کند؛ علم نافع این است. علم نافع، آن [علمی] است که ما را به اهدافمان نزدیک کند، حرکت ما را آسان کند، ما را پیش ببرد؛ علم نافع این است. آن چیزهایی که در ما روحیه‌ی حرکت ایجاد می‌کند، ما را شکوفا می‌کند" (امام خامنه‌ای، بیانات در دانشگاه فرهنگیان، ۱۳۹۷/۰۲/۱۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39542>).

همه این مسائلی که ما داریم بحث می‌کنیم: مسئله عدالت، مسئله امنیت، مسئله

رفاه، مسئله عبادت، برای این است که فرد انسان سعادت‌مند شود.... بنابراین اصل این است. همه چیز مقدمه است؛ جامعه اسلامی هم مقدمه است؛ عدالت هم مقدمه است. اینکه در قرآن کریم هست که «لیقوم الناس بالقسط» - که به عنوان هدف انبیا ذکر شده - قطعاً عدل هدف است، منتها این هدف میانی است؛ هدف نهایی عبارت است از رستگاری انسان؛ این بایستی مورد توجه باشد. بدین ترتیب از آنجا که تشکیل حکومت مقدمه هدایت و تربیت انسان است، طبیعی است که تعلیم و تربیت مهم‌ترین وظیفه حکومت اسلامی قلمداد شود: مسئله فرهنگ و تعلیم و تربیت، مسئله اول در نظام ماست. در بلند مدت، هیچ چیز به اندازه تعلیم و تربیت اهمیت ندارد (سیدطباطبایی و فریدونی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۰).

دو) ایجاد جامعه‌ی نمونه

رهبر معظم انقلاب علیه السلام، هدف جمهوری اسلامی را ایجاد یک جامعه‌ی نمونه و الگو می‌داند: "هدفی که ما برای جمهوری اسلامی، بر اساس آموخته‌های عمومی انقلاب در نظر گرفتیم - «ما» که عرض میکنم، مراد این حقیر نیست؛ مراد، ملت ایران و مسئولان انقلاب است؛ صاحبان انقلاب - آن هدف، هدف خیلی والایی است. هدف، ایجاد یک جامعه‌ی نمونه است. شما میخواهید در محدوده‌ی ایران عزیز - که از لحاظ جغرافیایی در یک نقطه‌ی بسیار حساسی از دنیا هم واقع شده است - یک جامعه‌ای بسازید که به برکت اسلام و زیر پرچم قرآن، الگو باشد؛ هم الگو از لحاظ مادی و پیشرفتهای مادی، هم در عین حال الگو از لحاظ معنویّت و از لحاظ اخلاق. غربی‌ها در زمینه‌ی مادی یک جستی زدند، در یک دورانی جهشی کردند؛ اما این جهش جدا و مباین و معارض با حرکت اخلاقی بود؛ یک جهش صددرصد مادی بود. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان سراسر کشور، ۱۳۹۳/۰۲/۱۷، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26342>).

حالا شما نگاه کنید به یک کشور. شما به عنوان یک انسان، به عنوان یک مدیر، به عنوان یک رئیس و به عنوان یک دلسوز، میخواهید کشوری داشته باشید که افراد آن از لحاظ

استعداد، برجسته باشند؛ از لحاظ اخلاق، پاکیزه باشند؛ از لحاظ اقدام، شجاع باشند؛ از لحاظ فکر، دارای تدبیر باشند؛ افراد این کشور مردمانی مستقل، دارای فکر، دارای ابتکار، دارای روح خلاقیت، پرهیزگار، پاکدامن، نظم‌پذیر، قانون‌پذیر، اهل اقدامهای بزرگ و آرمان طلب باشند؛ می‌خواهید یک چنین کشور و جامعه‌ای بسازید. کیست که در دنیا آرزویش این نباشد که کشور و جامعه‌اش از مردان و زنانی تشکیل شده باشد که دارای این روحیات و خصوصیات باشند؟ یعنی ظرفیتهای استعدادی را به کار بینند، شجاعت در اقدام داشته باشند، آرمانهای بلند را دنبال کنند، خسته نشوند، شوق و نشاط داشته باشند، نظم و انضباط داشته باشند، در آنها ولنگاری و بیانضباطی و تن‌پروری وجود نداشته باشد." (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار معلمان، ۱۳۸۶/۰۲/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3380>).

سه) ایجاد عدالت

عدالت، یعنی اعطای حق هر صاحب حقی، که لازمی آن جلوگیری از ظلم و تبعیض و هرگونه عمل و رفتاری است که کرامت انسانی را خدشه دار کند. عدالت اجتماعی، آرمان انسانی است که تحقق آن به آموزه‌های آسمانی نیاز دارد، زیرا صرف به دست آوردن قانون در اجرای عدالت کفایت نمی‌کند، بلکه قوه‌ی عقلانیت و اخلاق انسان باید بر غریزه‌ی نفع و استخدام‌گری او فائق آید و این محتاج تعلیم و تزکیه نفس است تا پس از دریافت قانون و شریعت آسمانی، در اجرای آن، عدالت و حق را مراعات کند. برقراری عدالت اجتماعی جزو اهداف اساسی پیامبران است. به دیگر سخن، وظیفه و مأموریت پیامبران فقط در دعوت به خدا و مقابله با حاکمان جور و براندازی آنان خلاصه نشده است؛ بلکه خداوند و پیامبران به فکر حکومت پس از فروپاشی حکومت‌های جور هستند که مشخصه‌ی آن، توجه و اهتمام خاص به اصل عدالت اجتماعی است (مطهری‌خواه، ۱۳۹۴، ص ۸۲).

اساساً، اعتدال، شأن عقل است. یعنی انسان عاقل، انسانی معتدل است. اعتدال، اصلی است که بر تمامی تعلیمات اسلام احاطه دارد. اعتدال در عقیده، اعتدال در

برنامه‌های اجتماعی و شیوه‌های اخلاقی. بنابراین، مربیان در امر هدایت متربیان به سوی تربیت دینی باید توجه داشته باشند که از حد اعتدال و میانه خارج نشوند و مبادا که با تکالیف شاق و سخت و روش‌های سخت‌گیرانه از یکسو دچار افراط گردند و یا در نقطه مقابل با فروگذاری و عدم توجه لازم به انجام تکالیف دینی، زمینه بی‌توجهی و بی‌تفاوتی در امر تربیت دینی را فراهم سازند (اکبری، ۱۳۹۳، ص ۲۲).

رهبر معظم انقلاب علیه السلام در مورد عدالت و پیشرفت چنین می‌فرماید: "پیشرفت و عدالت؛ این خیلی معنادار است. فرض بفرمائید یکی از شاخصهای مهم، افزایش درآمد ناخالص ملی در کشورهاست. فلان کشور درآمد ناخالص ملی اش، مثلاً چندین هزار میلیارد است، فلان کشور یک دهم اوست؛ پس آن کشور اولی پیشرفته است! این منطق، منطق درستی نیست. افزایش درآمد ناخالص ملی - یعنی درآمد عمومی یک کشور - به تنهایی نمی‌تواند نشانه‌ی پیشرفت باشد؛ باید دید این درآمد چگونه تقسیم می‌شود. اگر درآمد ملی بسیار بالاست، اما توی همین کشور آدم‌هایی شب توی خیابان می‌خوابند و با گرمای چهل و دو درجه‌ی هوا عده‌ی زیادیشان می‌میرند، این پیشرفت نیست. شما ببینید توی خبرها: در فلان شهر معروف بزرگ غربی - مثلاً در آمریکا یا جای دیگر - حرارت هوا به چهل و دو درجه رسید و فلان تعداد آدم مردند! چرا با چهل و دو درجه حرارت بمیرند؟ این معنایش این است که اینها سرپناه و جا ندارند. اگر در جامعه‌ای، انسان‌هایی وجود دارند که بی سرپناه زندگی می‌کنند یا باید چهارده ساعت در روز کار کنند تا نان بخور و نمیر پیدا کنند، درآمد ناخالص ملی ده برابر اینی هم که امروز هست باشد، این پیشرفت نیست. در منطق اسلامی این پیشرفت نیست؛ بنابراین پسوند عدالت اینقدر اهمیت دارد.

البته درباره‌ی پسوند حرف‌های بیشتری هست. اساس نگاه اسلامی به پیشرفت، بر پایه‌ی این نگاه به انسان است: اسلام انسان را یک موجود دوساحتی می‌داند؛ دارای دنیا و آخرت؛ این پایه‌ی همه‌ی مطالبی است که در باب پیشرفت باید در نظر گرفته بشود؛ شاخص عمده این است؛ فارق عمده این است. اگر یک تمدنی، یک فرهنگی و یک آئینی، انسان را

تک ساحتی دانست و خوشبختی انسان را فقط در زندگی مادی دنیایی به حساب آورد، طبعاً پیشرفت در منطق او، با پیشرفت در منطق اسلام - که انسان را دو ساحتی میداند - بکلی متفاوت خواهد بود. کشور ما و جامعه‌ی اسلامی آن وقتی پیشرفته است که نه فقط دنیای مردم را آباد کند، بلکه آخرت مردم را هم آباد کند. پیغمبران این را می‌خواهند: دنیا و آخرت. نه دنیای انسان باید مغفول عنه واقع بشود به توهم دنبال‌گیری از آخرت، نه آخرت باید مغفول عنه واقع بشود بخاطر دنبال‌گیری از دنیا. این بسیار نکته‌ی مهمی است. اساس، این است. آن پیشرفتی که در جامعه‌ی اسلامی مورد نظر است، این چنین پیشرفتی است " (امینی، ۱۳۹۷، ص ۴).

مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانیه گام دوم انقلاب، عدالت و مبارزه با فساد را لازم و ملزوم یکدیگردانسته‌اند. ایشان در این مورد فرموده‌اند: " فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظام‌هاست و اگر در بدنه‌ی حکومتها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظامها است. عدالت در صدر هدف‌های اولیه‌ی همه‌ی بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدس در همه‌ی زمانها و سرزمین‌ها است و به صورت کامل جز در حکومت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای برعهده‌ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است.

اینجانب به جوانان عزیزی که آینده‌ی کشور، چشم انتظار آنها است صریحاً می‌گویم آنچه تا کنون شده با آنچه باید می‌شده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی بشدت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه خواری و مدارا با

فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، به شدت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به هیچ‌رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاستها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته‌ی آن چشم امید به شما جوانها است؛ و اگر زمام اداره‌ی بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان که بحمدالله کم نیستند سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ص ۱۱).

آنچه در مورد تعلیم و تربیت می‌خواهیم عرض بکنیم این است که جهت‌گیری تعلیم و تربیت کشور باید به سمت برخورداری از عدالت باشد؛ یعنی آموزش و پرورش ما، تعلیم و تربیت ما، عدالت‌پرور تربیت کند، عدالت‌خواه تربیت کند، عدالت‌ساز تربیت کند؛ چون عدالت، آن ارزش والایی است که از اول تاریخ بشر تا امروز، همواره مورد نظر آحاد بشر بوده است. ارزشها به مرور زمان و به تحوّل نسلها تغییر پیدا میکنند، [اما] بعضی از ارزشها از اول تا آخر ثابتند؛ از جمله، ارزش عدالت است. شما ملاحظه کنید؛ ادیانی که معتقد به مهدویتند -که تقریباً همه‌ی ادیان الهی معتقد به مهدویتند - اینها معتقدند که منجی بیاید، دنیا را پُر از عدل و داد کند؛ نگفتند پُر از دین کند، [بلکه] پُر از عدل و داد کند؛ این اهمّیت عدل و داد را نشان میدهد. البته عدالت هم جز در سایه‌ی دین حاصل نخواهد شد؛ این به جای خود محفوظ، اما مسئله‌ی عدل و داد خیلی مهم است. آموزش و پرورش ما باید جهت‌گیری این‌جوری داشته باشد. (امام خامنه‌ای، بیانات در دانشگاه فرهنگیان، ۱۳۹۷/۰۲/۱۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39542>).

چهار) تحکیم هویت ملی

هدف نهایی نظام آموزشی در سراسر دنیا، تعلیم و تربیت افراد به منظور حضور مؤثر در جامعه و انتقال هویت، فرهنگ، ارزش‌ها و اصول حاکم بر کشور است؛ به نحوی که نظام آموزش و پرورش در سراسرگیتی، گروه‌های دانش‌آموزی را در مدارس و کلاس‌های درس گرد هم می‌آورد تا امیدها و انتظارات جامعه و افراد را برآورده سازد. در این بین علی‌رغم آنکه در

ظاهر، فراگیری علم و ترویج شاکله‌های آن، مهم‌ترین اهداف نظام آموزشی به شمار می‌آیند، با این حال نباید از یاد برد که نظام آموزشی نقش مهمی در جامعه‌پذیری افراد ایفا می‌نماید. از این رو افراد علاوه بر فراگیری علم و دانش به شناخت خود و دیگران نیز می‌پردازند.

هویت ملی یک اصطلاح جدید و محصول مدرنیته است. مدرنیته زاییده عصر رنسانس است و حاصل آن، شکل‌گیری دولت ملت و حکومت‌های قدرتمند و متمرکز است. هویت ملی ناشی از دو پدیده است: یکی فرایند عبور تاریخ از مراحل خاص همراه با تحولات گوناگون که منجر به شکل‌گیری و بروز عصر ناسیونالیسم در نهضت رنسانس در چارچوب مفهوم دولت شد و پدیده دیگر محصول فرایند یا فرآورده‌ای است که به هویت ملی تعبیر می‌شود و جایگزین هویت دینی در نظام کلیسای قرون وسطی شد و در نتیجه آن، ملت جای امت را گرفت. به این ترتیب ویژگی‌های هر ملتی که متفاوت از ملت دیگر است، هویت ملی آن را شکل می‌دهد.

در اغلب جوامع امروز، نظام آموزشی ابزار مهم تقویت ابعاد مختلف هویت ملی به شمار می‌رود. به اعتقاد برخی از تحلیل‌گران و کارشناسان، آموزش و پرورش به عنوان یکی از ارکان اساسی نظام آموزشی که در جامعه‌پذیری افراد نیز نقش مؤثری ایفا می‌کند، بزرگ‌ترین فصل مشترک «ملت» و «دولت» است. بسیاری از تحلیل‌گران بر این باور هستند که برای تقویت هویت ملی باید به یک منشور ملی در این زمینه دست پیدا کرد؛ زیرا از این منظر نظام آموزشی ایران، باید برای هر سه لایه جا باز کند. توجه به این نکته نیز مهم است تا زمانی که مسئله هویتی بواسطه نظام آموزشی حل نشود، آسیب‌پذیری ما افزایش می‌یابد. به این ترتیب، هنر دولت‌مردان و عواملان آموزش کشور این است که بتوانند با برخورد واقع بینانه، فضای مناسبی برای سه منبع دینی، ملی و جهانی هویت بازکنند و آنها را از طریق نظام آموزشی به سایر سطوح منتقل کنند. تقویت شاخص‌های هویت ملی باید از سنین پایین و بوسیله نظام آموزشی به افراد تزریق شود. موفقیت‌ها و افتخارات ملی گذشته در طول تاریخ، احساس تعلق

به ملت واحد را تقویت خواهد کرد و احساس افتخار را در دانش آموزان نسبت به ملیتشان برخواهد انگیخت (فرهادی، ۱۳۹۷، ص ۱، ۴ و ۱۱).

کارکردهای اجتماعی تربیت دینی آموزش و پرورش جهت تحقق جامعه اسلامی شامل مسئله‌ی علم نافع بوده که از دیدگاه مقام معظم رهبری، علم نافع، آن [علمی] است که جامعه را به اهدافش نزدیک کند، حرکت را آسان کند و جامعه را پیش ببرد که این علم از طریق آموزش و پرورش محقق می‌شود. از دیدگاه ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب، دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور بوده که معتقدند دنیای غرب به برکت دانش خود بوده که توانسته برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوپست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد.

کارکرد اجتماعی دیگر، شامل عدالت بوده که از دیدگاه مقام معظم رهبری، جهت‌گیری تعلیم و تربیت کشور باید به سمت برخورداری از عدالت باشد؛ یعنی آموزش و پرورش ما، تعلیم و تربیت ما، عدالت‌پرور تربیت کند، عدالت‌خواه تربیت کند، عدالت‌ساز تربیت کند؛ چون عدالت، آن ارزش والایی است که از اول تاریخ بشر تا امروز، همواره مورد نظر آحاد بشر بوده است. ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب، عدالت را در صدر هدف‌های اولیه‌ی همه‌ی بعثت‌های الهی دانسته و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه می‌باشد؛ از دیدگاه ایشان، عدالت، کلمه‌ای مقدس در همه‌ی زمانها و سرزمین‌ها است و به صورت کامل جز در حکومت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای برعهده‌ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است.

جمع بندی و نتیجه‌گیری

دین راه هدایت انسان به سوی سعادت و رستگاری است. پرستش خدای واحد و عمل به دستورهای او تنها راهی است که انسان را از درد و رنج‌های جسمی و روحی به ساحل

آرامش و آسایش می‌رساند و احساس دلپذیر رضایت و امنیت را در او ایجاد می‌کند. با توجه به ضرورت اهمیت دین برای سعادت و رستگاری انسان، تربیت دینی نیز امری ضروری و مهم است که به هیچ وجه نمی‌توان از آن صرف‌نظر کرد؛ به همین جهت همیشه تربیت دینی، بخش جدایی‌ناپذیر از تعلیم و تربیت انسان‌ها در همه جوامع دین‌مدار است. جایگاه منحصر به فرد آموزش و پرورش به عنوان مهم‌ترین متولی تعلیم و تربیت و مهم‌ترین عامل پیش‌برنده فرآیند پیشرفت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و فناوری بر کسی پوشیده نیست؛ کارکردهای تربیت دینی آموزش و پرورش جهت تحقق جامعه اسلامی با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام و نیز بیانیه گام دوم انقلاب، به صورت دوکارکرد فردی و اجتماعی ارائه گردید. کارکردهای فردی شامل معرفت‌زایی، قرب و رضوان، عبودیت، تقوا، پرورش انسان شایسته و تربیت نیروی انقلابی بوده است. معرفت‌زایی شامل آموزش دینی که ناظر به انتقال معارف دینی بوده و نتیجه‌ی آن استقرار یک نظام معرفتی در ذهن کسی است که برنامه تربیت دینی برای او شکل گرفته است. قرب و رضوان، هدف غایی تعلیم و تربیت است که نیروها و استعدادها را متعلم و مرتبی را در جهت آن به فعلیت می‌رساند. عبودیت که هدف خلقت انسان بوده است و هدف تربیت در آموزش و پرورش، ساخت عبد از طریق عبودیت است. تقوا، مرتبه‌ی اعلایی است که هدف غایی تربیت محسوب می‌شود. پرورش انسان شایسته از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام، منطبق پشت آموزش و پرورش بوده که انسان شایسته، شامل خصوصیات چون مؤمن بودن، خردمند بودن، اندیشمند بودن، و اهل عمل و مجاهد بودن می‌باشد.

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور را، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی بیان کرده و آنها را ثروت عظیم و چشمگیری برای کشور دانسته‌اند که هیچ اندوخته‌ی مادی با آن مقایسه نمی‌تواند بشود و دستیابی به این مورد از طریق تربیت دینی که به وسیله‌ی نهاد رسمی آموزش و پرورش صورت می‌گیرد، می‌تواند محقق شود.

کارکردهای اجتماعی تربیت دینی نیز شامل تولید علم نافع، ایجاد جامعه‌ی نمونه، ایجاد عدالت و تحکیم هویت ملی بوده است. علم نافع از دیدگاه مقام معظم رهبری، علمی است که به کار کشور آمده و مشکلات آن را حل کند. از نگاه ایشان، در آموزش و پرورش باید علم نافع تعقیب شود تا جامعه اسلامی پیشرفت کند و ظرفیت‌های آن شکوفا شود. ایجاد جامعه‌ی نمونه از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام، با تربیت انسان‌های شجاع، پاکیزه، با تدبیر، مستقل، پرهیزگار و... میسر شده که در سایه نظام آموزش و پرورش محقق می‌شود. ایجاد عدالت، آرمان انسانی است و از دیدگاه مقام معظم رهبری، آموزش و پرورش باید عدالت‌پرور باشد. ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب، عدالت را صدر هدف‌های اولیه‌ی همه‌ی بعثت‌های الهی دانسته و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه بوده که اگرچه به صورت کامل جز در حکومت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای برعهده‌ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است ولی برای اجرای شایسته‌ی آن چشم امید به جوانها است؛ و اگر زمام اداره‌ی بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی ودانا و کاردان که بحمدالله کم نیستند سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد که مسلماً آموزش و پرورش در تربیت چنین جوانانی نقش مهم و موثری ایفا می‌کند.

هویت ملی یک اصطلاح جدید و مدرنیته است که نظام آموزشی ابزار مهم در تقویت ابعاد مختلف می‌باشد و هدف نهایی آموزش، تعلیم و تربیت افراد به منظور حضور مؤثر در جامعه و انتقال هویت، فرهنگ، ارزش‌ها و اصول حاکم بر کشور است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سیدعلی نقی فیض الاسلام، بی چا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. اکبری، معصومه، ۱۳۹۳، "بررسی تربیت دینی با توجه به اسناد تحول در آموزش و پرورش". پایان نامه کارشناسی ارشد، تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش.
۴. امین خندقی، مقصود. ابراهیمی هرستانی، اصغر، ۱۳۹۰، "رویکردهای تحول در برنامه های درسی تربیت دینی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران: بررسی تحلیلی - نظری". اولین همایش ملی تحول بنیادین در نظام برنامه درسی ایران.
۵. امینی، زهرا، ۱۳۹۷، " بررسی و تبیین عدالت در بیانیه گام دوم انقلاب مقام معظم رهبری". جشنواره تالیفات علمی برتر علوم انسانی اسلامی - جایزه ویژه علامه جعفری رحمته الله علیه.
۶. بیانات در دانشگاه فرهنگیان، قابل دسترس در (<https://farsi.khamenei.ir/speech->)، <https://farsi.khamenei.ir/speech-?content?id=39542>، ۱۳۹۷/۰۲/۱۹.
۷. بیانات در دیدار معلمان، قابل دسترس در (<https://farsi.khamenei.ir/speech->)، <https://farsi.khamenei.ir/speech-?content?id=3380>، ۱۳۸۶/۰۲/۱۲.
۸. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، قابل دسترس در (<https://farsi.khamenei.ir/message->)، <https://farsi.khamenei.ir/message-?content?id=41673>
۹. چاهخویی اناری، اکبر، ۱۳۹۵، "تحول بنیادین در آموزش و پرورش با رویکردی بر قرآن و حدیث". پایان نامه کارشناسی ارشد، علوم قرآنی.
۱۰. دهقان رجبی، فاطمه، ۱۳۹۲، "نقش معلم در تربیت از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه". پایان نامه کارشناسی ارشد، تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش.
۱۱. سیدطباطبایی، سیدمهدی. فریدونی، سینا، ۱۳۹۶، "الگوی استخراج نظام مسائل آموزش و پرورش کشور مبتنی بر بیانات حضرت امام خامنه ای حفظه الله تعالی". فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۳۴.
۱۲. فرهادی، فاطمه، ۱۳۹۷، "نقش مدارس در تربیت دینی و هویت ملی دانش آموزان". اولین همایش ملی هویت کودکان ایران اسلامی در دوره پیش دبستانی

۱۳. مطهری خواه، ذبیح، ۱۳۹۴، "کارکرد فردی و اجتماعی دین از دیدگاه ابن سینا". فصلنامه فلسفه دین، شماره ۴

نقش امید افزایی جوانان در فضای مجازی از منظر قرآن و حدیث

با تاکید بر بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام

نسترن بهرمان^۱ (نویسنده مسئول)

امیرمحمد حبیبی^۲

چکیده

با ورود تکنولوژی های جدید ارتباطی مانند فضای مجازی، سبک زندگی بشر دستخوش تغییرات زیادی گردیده است، احتیاج مردم به فضای مجازی جهت انجام برخی از امور روزمره باعث شده تا فضای مجازی جزلاینفکی از زندگی آنان بشود و همین امر سبب گردیده تا دشمنان خارجی اهداف خود را از این طریق دنبال کنند و در همین حین در بوحبوحه التهابات سیاسی و اجتماعی کشور ناامیدی و بی اعتمادی را در عموم جامعه خصوصا قشر جوان از طریق فضای مجازی القا کنند. جوانان مهمترین نیروی انسانی تشکیل دهنده جامعه و حکومت هستند، لذا سوالی که مطرح میشود این است که لزوم امیدافزایی جوانان در فضای مجازی و راهکار های آن از منظر قرآن و روایات و با تاکید بر بیانات رهبر انقلاب چیست؟ مقام معظم رهبری درباره اهمیت توجه به امیدآفرینی در

۱. دانش پژوه دکتری معارف اسلامی گرایش قرآن و متون na. bahreman@gmail. com

۲. طلبه سطح یک حوزه علمیه مصطفی خان؛ amirmohammad. habibi278@gmail. com

فضای مجازی فرمودند: یکی از مهم ترین وظیفه همه ما پرهیز از ناامیدسازی مردم است، اگر امید نباشد هیچ کدام از این کارهای بزرگ انجام نمی گیرد و باید مردم را امیدوار کرد. بنابراین جوانان مومن انقلابی کشور در راستای عمل به توصیه های رهبر معظم انقلاب می بایستی با استفاده از فضای مجازی و امید آفرینی در این بستر مانع از رسیدن دشمنان به اهداف خود شوند. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی به نگارش درآمده است.

کلید واژه: نقش جوان، فضای مجازی، امید آفرینی، امید افزایی، بیانیه گام دوم انقلاب

اسلامی

مقدمه

در طی سال های اخیر با ورود تکنولوژی های جدید اطلاعاتی و ارتباطی مانند فضای مجازی، سبک زندگی بشر تغییرات زیادی کرده است، افراد جامعه تعاملات زیادی با دنیای اطراف خود دارند که این فضا ارتباطات میان افراد را نسبت به گذشته بسیار تسهیل کرده است و به آحاد جامعه این امکان را میدهد تا ارتباطی متفاوت و جدید را تجربه کنند. پیشرفت تکنولوژی و فضای مجازی در زندگی انسان ها سهم بسزایی داشته و فرصت های زیادی برای کاربران خویش به اشتراک گذاشته است. امروزه فضای مجازی جز لاینفکی از زندگی انسان شده است، اخیرا به گونه ای پیش میرود که همه روزه میلیون ها سایت در فضای مجازی تولید میشود و مردم جهان از آنها بازدید می کنند که مردم کشور ما نیز از این دایره خارج نمی باشند. هرپدیده ایی به محض ورود به دنیای واقعی همواره فرصت ها و چالش هایی را به همراه خواهد داشت که فضای مجازی نیز از این قاعده مستثنی نمی باشد. فضای مجازی به عنوان ابزار ارتباطی نوین همچون تیغ دولبه ایی است و علاوه بر فرصت هایی که برای جامعه به ارمغان آورده است، شاهد افزایش چراغ خاموش خطرات و مشکلات در بستر فضای مجازی هستیم و برای خطراتی که به واسطه آن پیش می آید باید هوشیار بود و آمادگی مقابله با آن را داشت و آگاهی جوانان یکی از مهمترین راه های کاهش مشکلات در بستر فضای مجازی است. متأسفانه در عصر حاضر یکی از تکنیک های

دشمن راه اندازی کانال ها و سایت هایی در بستر فضای مجازی است که با اهداف ضربه زدن به نظام و ایجاد شبهاتی در باورهای دینی و القای ائس و ناامیدی صورت میگیرد. از اینرو حضور فعال افراد متخصص و متعهد در فضای مجازی بسیار پر اهمیت است. از باب مثال رهبر کبیر انقلاب امام خامنه‌ای علیه السلام سال هاست که دغدغه فرهنگی و غفلت از آسیب های فضای مجازی را گوشزد می کند ایشان فرمودند: اگر من امروز رهبر انقلاب نبودم حتما رئیس فضای مجازی کشور می شدم که این مسئله اهمیت فضای مجازی را نشان می دهد. و یا در جایی دیگر فرمودند: اهمیت فضای مجازی به اندازه اهمیت انقلاب اسلامی است این جمله و تعبیر راهبردی رهبر حکیم انقلاب علیه السلام در تبیین اهمیت فضای مجازی بی شک یکی از اولویت ها و ارجحیت های فعالیت جوانان پر شور انقلابی در این عرصه را به روشنی بیان می کند. البته این نکته نیز قابل ذکر است که فضای مجازی نیز مانند سایر اقسام تکنولوژی می تواند در بسیاری از موارد مفید واقع شود در این خصوص فضای مجازی بستری مناسب برای فعالیت جوانان انقلابی جهت تزریق امید در جامعه فراهم کرده است. توجه به امیدآفرینی در تولید محتوا برای فضای مجازی همواره جز دغدغه های مقام معظم رهبری علیه السلام بوده است که در اینباره فرمودند:

یکی از مهم ترین وظایف همه‌ی ما پرهیز از ناامیدسازی مردم است. گاهی یک کسی یک جووری حرف میزند - چه در سخنرانی، چه در صحبتی مانند آن، چه حالا در فضای مجازی که دیگر یک چیز بی حد و مرز و عجیب و غریبی شده - که شنونده و مخاطب ناامید میشود؛ ما نباید اجازه بدهیم ناامیدی وارد میدان بشود. اگر امید نباشد هیچ کدام از این کارهای بزرگ انجام نمیگیرد. مردم را باید امیدوار کنیم و این امیدواری، امیدواری کاذب هم نیست [بلکه] واقعیت قضیه همین است؛ یعنی واقعاً باید امید داشت، چون آینده، آینده‌ی خوبی است، آینده‌ی روشنی است.. (بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، در تاریخ ۴ مهر ۱۳۹۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43591>)

موضوع (نقش امیدافزایی جوان در فضای مجازی) با ابعاد گوناگون آن متاسفانه در دهه های اخیر در آثار پژوهشگران مورد تحلیل و واکاوی قرار نگرفته است، ولی بعد از آنکه اصطلاح فضای مجازی از طرف مقام معظم رهبری (مدظله العالی) وارد اصطلاحات گفتمان سیاسی و اجرایی و مدیریتی کشور شده است، پژوهشگران به تتبع پیرامون فضای مجازی، مبانی، پیامدها و کارکرد های آن پرداخته و رویکرد آسیب شناسانه به آن را در دستور کار خود قرار داده اند که از برجسته ترین آثار در پیرامون موضوع بیان شده عبارت اند از: الف) موسوی، سیده زهرا، ۱۳۹۶، فضای مجازی و نقش آن در هویت جوانان، اولین همایش ملی دانشجو، جوانان و آسیب های اجتماعی (ایمن سازی و مقابله)، مشهد.

ب) زلیکانی تلاوکی، کمیل و حاجیان، مبین و باقری، علی و گل آقایی، علیرضا، ۱۳۹۵، فضای مجازی و تاثیرات آن بر خانواده، جوانان و نوجوانان، پنجمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران.

روش گردآوری داده ها به صورت کتابخانه ایی، از منابع کتابخانه ایی، کتب، مقالات و جستجو در پایگاه های اطلاع رسانی معتبر بوده، بطوریکه پس از انتخاب موضوع با مراجعه به مراکز اسناد و کتابخانه ها مرحله فیش برداری و جمع آوری فیش صورت پذیرفت، سپس به روش اسقزایی به فشرده سازی و طبقه بندی فیش ها و تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته و سوالات و فریضه های تدوین شده قرار گرفته است.

گردآوری اطلاعات با جست و جو در کتاب ها، اینترنت و پایگاه های اطلاع رسانی و نرم افزارهای علوم اسلامی با استفاده از ابزار فیش و طریق فیش برداری صورت پذیرفت.

۱. مفهوم شناسی فضای مجازی

فضای مجازی یک شبکه گسترده جهانی است که شبکه های مختلف رایانه ایی در اندازه های متعدد وقتی رایانه های شخصی را با استفاده از سخت افزار های گوناگون و با قراردادهای ارتباطی به یکدیگر وصل می کند. فناوری های ارتباط راه دور بر اساس فضای مجازی را تشکیل میدهند، مایکل بندیکت فضای مجازی را به عنوان جهانی نو و موازی با

جهان واقعی و مخلوق رایانه های جهان و ارتباط های بین آنان تعریف می کند. جهانی یا (فضایی) که در آن انباشت جهانی دانش، سرگرمی، شاخص ها، مقیاس ها، کنش ها، و از همه پراهمیت تر انباشتی از عاملان انسانی تغییر یافته و دگرگون شده شکل یافته است، فضای مجازی محیطی است که شامل شبکه های آنلاین کامپیوتری است که در لحظه این شبکه های آنلاین به مبادله ی ارتباطات با یکدیگر می پردازند (عاملی، ۱۳۸۸، ص ۸۰)

واژه سایبرنتیک دارای ریشه یونانی است. معنای اصلی آن در زبان یونانی، فرمانروایی و حکومت است و در آثار افلاطون نیز، به همین معنا به کار رفته است. شاید بتوان علم هدایت و کنترل یا خودفرمایی را برابر فارسی آن دانست. به هر حال، سایبرنتیک اکنون نیز، تا حدودی مفهوم قدیم را حفظ کرده و بیانگر علمی است که به انسان یا ماشین خودکار، امکان حکومت کردن و فرمان دادن می دهد. (جهانگیر، ۱۳۹۱، ۶۵)

نمی توان فضای مجازی را مترادف با اینترنت دانست، اما اینترنت ابزار ورود به فضای مجازی است؛ اینترنت سامانه ای جهانی از شبکه های رایانه ای به هم پیوسته است که از "مجموعه پروتکل اینترنت" برای ارتباط با یکدیگر استفاده می کنند. به عبارت دیگر اینترنت، شبکه شبکه هاست که از میلیون ها شبکه خصوصی، عمومی، دانشگاهی، تجاری و دولتی در اندازه های محلی و کوچک تا جهانی و بسیار بزرگ تشکیل شده است که با آرایه وسیعی از فناوری های الکترونیکی و نوری به هم متصل شده اند. (طاهری، ۱۳۸۹، ۳۰)

اصطلاحی: فضای مجازی عبارت است از محیطی که در آن برقراری ارتباطات، رؤیت و انتقال اطلاعات به صورت غیرقابل لمس و با اشغال اندکی از محیط قابل لمس) در ساختارها و قالب هایی به عنوان خدمات به انسان ها، طراحی و کنترل می شود. بنابراین، کلیه خدمات، ابزارهای سخت و نرم، محتواها، ارتباطات، قالب ها و... دنیای اطلاعات و ارتباطات، شامل فضای مجازی می شود. (کهنوند، ۱۳۹۵، ۲۹) فضای مجازی خیلی مهم است. آقایانی که در زمینه ی فضای مجازی نظراتی دارند و ابراز میکنند و گاهی میگویند که این جزو زندگی اصلی مردم است - که ما هم قبول داریم؛ الان واقعاً فضای مجازی، یک

بخش حقیقی از زندگی مردم شده؛ (بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط تصویری با جلسه هیئت دولت، ۱۳۹۹/۶/۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46303>)

۲. نقش جوانان در امیدافزینی

تزریق امید در فضای مجازی، بسیار مهم و ضروری است. افراد با داشتن این خصلت می‌توانند برای پیشبرد امور خود گام بردارند. از سوی دیگر همراهی بهتری با ارکان حکومت در تحقق امور و طرح‌ها خواهند داشت. امید به جوانان حس امنیت و قابل اعتماد بودن را به جوان القا می‌کند و جوانان را به سمت تلاش بیشتر برای دستیابی به موفقیت‌ها سوق می‌دهد و از سویی ایجاد امید سبب می‌شود تا جوان در خود اساس خوش بینی نموده و آن را در فضای مجازی تزییق نماید. در روایات آمده است که آنجایی که اسباب ناامیدی بیشتر است، شما بیشتر امید داشته باش. «كُنْ لِمَا لَا تَرْجُو أَرْجَى مِنْكَ لِمَا تَرْجُو». (شیخ صدوق، ۲۶۱، ۲۴۴) قرآن کریم می‌فرماید گاهی آن قدر کار بر انبیاء سخت می‌شد که به "مرز" ناامیدی می‌رسیدند. علامه طباطبایی می‌فرماید قرآن نمی‌گوید انبیاء مأیوس می‌شدند، تعبیر این است «حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ» یعنی این قدر کافرها میدان پیدا می‌کردند، این گمان در ذهنشان می‌آمد که دیگر فایده ندارد، «وَوَظَّنُوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا». قرآن می‌فرماید در همین مرحله نصرت خدا می‌آید «جَاءَهُمْ نَصْرُنَا». (یوسف، آیه ۱۱۰) بارها پیش آمده است که دیگر امید و روزنه ای یافت نمی‌شد ولی با توکل بر خدا کارها پیش می‌رفت. «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ» اگر انسان امید دارد به لقاء خدا، «فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا» عمل صالح انجام بدهد، امیدش را به خدا از دست ندهد. " (کهف، ۱۱۰) «اُزْحَمَ مِنْ رَأْسِ مَالِهِ الرَّجَاءُ» رحم کن به کسی که سرمایه‌اش امید است! (فرازی از دعای کمیل) امروزه یکی از راه‌های پیروزی و ظفرمندی جامعه اسلامی بر دشمنان قسم خورده این مرز و بوم، امید آفرینی در نهاد جامعه است، زیرا محرک قوای درونی انسان است و با توجه به اینکه فضای مجازی در زندگی روزمره افراد سهم به‌سزایی را به خویش اختصاص داده است از این رو جوانان مومن انقلابی می‌توانند در این فضا و بستر مناسب نقش خویش را به خوبی در راستای امیدآفرینی ایفا نمایند و

به عنوان دژ محکم و استوار جهت پاسداری و حراست از آرمان های انقلاب اسلامی استفاده نمایند.

یک) توکل و حسن ظن به خدا

احساس یقین، ظن، شک و... همواره از حالاتی هستند که برای انسان در زندگی دنیوی عارض می شوند. این حالات ممکن است نسبت به افراد و یا حتی خداوند متعال پیش بیاید. همیشه در معاشرت با مردم و در قضاوت افراد معمولاً به حسن ظن و پرهیز از بدبینی سفارش شده است. همچنین انسان در تقابل با دشمن، در عرصه های مختلف باید کاملاً بد بینانه برخورد کند. همچنین در عصر و زمانی که فساد و تخلفات در بین افراد جامعه زیاد است حسن ظن داشتن، عاقلانه نخواهد بود کما اینکه در روایتی هم به این نکته تأکید شده است اما حسن ظن در قبال خداوند در روایات متعدد سفارش شده است. حسن ظن به خداوند به این است که تنها به وی امیدوار باشی و از هیچ چیزی غیر از او در خواست نکنی.

امام علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که حضرت بر بالای منبر فرمودند: و قسم به خدایی که خدایی جز او نیست گمان بنده مؤمنی به خداوند نیکو نمی شود مگر اینکه خداوند طبق گمان بنده مؤمنش با او رفتار می کند. زیرا خدا کریم است و حیا می کند از اینکه بنده مؤمنی به او حسن ظن داشته باشد و به خلاف ظن او و امید او عمل کند، پس به خدا حسن ظن داشته باشید و به او توجه کنید. (عاملی: ۱۴۱۴، ۶) توکل و حسن ظن به خدا امید می آورد. علامه ی طباطبایی می فرماید توکل پل رحمانی است. آدم را کفایت می کند، رشد می دهد. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا، وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد؛ و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می رساند؛ و خدا برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است! (طلاق، ۲ و ۳).

ابوطیاریک تاجر ورشکست شده است، در کوفه مغازه اش خالی از جنس بود، طلبکارها به او فشار می آوردند. آمد خدمت امام صادق، زانوی غم بغل گرفت و نشست. آقا فرمود چه شده؟ گفت آقا ورشکست شدم. آقا فرمودند ناامید نباش! من یک راهکار به تو بدهم عمل می کنی؟ گفت بله. آقا فرمودند «صَلِّ رُكْعَتَيْنِ اَوْ اَرْبَعَ رُكْعَاتٍ». یا شو برو خانه تان، دو رکعت یا چهار رکعت، حالا هر چه حال داری نماز بخوان، این دعا را بخوان: «تَوَجَّهْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ بِإِلَّا حَوْلِ مِثِّي وَ لَأَ قُوَّةَ وَ لَكِنْ يَا رَبِّ بِحَوْلِكَ يَا رَبِّ وَ قُوَّتِكَ أَتَبَرُّ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ إِلَّا مَا قُوَّتِنِي» «خدایا من از حول قوهی خودم رفته بیرون، کاری از من بر نمی آید، من تکیه کردم به حول و قوهی تو» گفت چشم. بلند شد آمد، نماز خواند و این ذکر را هم گفت و رفت در مغازهی خالی را باز کرد. دید یک کسی پارچه می فروشد صدایش زد، با او شریک شد. بالاخره بعد از مدت کوتاهی زندگی اش از این رو به آن رو شد...» (مجلسی، ۱۳۶۰، ۳۴۱، ۸۸) عالی ترین نمونه حسن ظن، خوشبینی به خداوند به معنای امید بستن به وعده های الهی است اعم از رزق و روزی، امرزش گناهان، امداد الهی و مانند این هاست، مقام معظم رهبری در مورد اهمیت حسن ظن به خدای تعالی فرمودند: به خدای متعال باید حسن ظن داشته باشیم. خداوند متعال ملامت میکند آن کسانی را که به او حسن ظن ندارند؛ سوء ظن به خدا دارند. سوء ظن به خدا چیست؟ سوء ظن به خدا این است که انسان خیال کند این که فرموده است: «و لِنَصْرِنَ اللَّهُ مِنْ بِنَصْرِهِ» و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می کند» (حج، ۴۰) خلاف واقع است؛ یا این که فرموده است: «و الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه های خود، هدایتشان خواهیم کرد (عنکبوت، ۶۹) وعدهی تخلف پذیری است. آن وقت خدای متعال در سورهی فتح میفرماید: «وَيَعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السُّوءَ»؛ خصوصیت مشرکین و مشرکات و منافقین و منافقات این است که به خدا سوء ظن دارند. بعد میفرماید: «عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لَعَنَهُمْ وَ أَعَدَّ لَهُمْ» خداوند بر آنان غضب کرده و از رحمت خود دورشان ساخته

و جهنم را برای آنان آماده کرده؛ و چه بد سرانجامی است (فتح، ۶) (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور، ۱۳۹۰/۱۰/۷، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19872>)

بنابراین؛ جوان، با پرورش حُسن ظن به خداوند در خود و القاء و تقویت این صفت در دیگران، توسط فضای مجازی می‌تواند نقش سزایی را ایفا نماید. قشر جوان می‌توانند، جهت رشد و تعالی و رسیدن به منتهی‌الیه سعادت با حسن ظن به خداوند امیدآفرینی نموده و جامعه را هم نیز به این سمت سوق دهند.

رشد و توسعه مهارت‌های فردی از اهمیت بسیاری برخوردار است و افراد دوست دارند در امور روز مره رو به پیشرفت و ترقی قدم بردارند، چنانچه جوان بخواهد در راستای رشد فردی گامی بردارد، باید بداند که نقاط قوتی وجود دارد که باید به آن‌ها توجه شود.

دو) توجه به نقاط قوت جوان

همواره باید به این نکته توجه نمود که یکی از اصلی‌ترین عامل ایجاد تحول در زندگی توجه به نقاط قوت است پس باید در زندگی علاوه بر نقاط ضعف به نقاط قوت هم توجه نمود. اگر فردی نقص جسمی دارد، یا در رسیدن به هدفی موفق نبوده است. یعنی واقعاً دیگر هیچ نقطه‌ی مثبتی در زندگی شما نیست؟ دیگر هیچ روزنه‌ای نیست؟ این پایان راه نیست. باید به نقاط قوت نیز توجه شود. گاهی فردی در یک بخشی ضعیف بوده ولی در بخش دیگر رشد و ترقی و پیشرفت نموده است. انسان موجودی است که خداوند او را نسبت به سایر مخلوقات برتری بخشید و زمانی که مراحل خلقتش به پایان رسید خدای متعال به خود افرین گفت، انسان دارای بسیاری از نقاط قوت نسبت به سایر موجودات است، اما گاهی ما انسان‌ها توجه‌ای به نقاط قوت خویش نداریم، خداوند سبحان انسان را از کمترین موجود افرید و به سوی ملکوت‌اعلی سیر داد. از فرشتگانی سراپا مطیع محض، بالاتر برد و به خود نزدیک‌تر کرد. انسانی که خدا در آفرینش او خود را با جمله «فَتَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون: ۱۴) وقتی گفته می‌شود: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ». (تین، ۴) یکی از

ویژگی های انسان همین توجه به نقاط قوت و شایستگی های درونی خویش است، در اهمیت همین موضوع بس که روایات متعددی در صدد بیان این موضوع برآمدند: مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ، لَمْ يُهِنْهَا بِالْمَعْصِيَةِ؛ یعنی هرکس به شرف معنوی و کرامت و عزت نفس خود عقیده دارد، با پلیدی گناه خوارش نخواهد ساخت (غررالحکم: ۸۷۳۰) امام هادی علیه السلام فرموده اند مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ؛ یعنی هر کسی که خود را ضعیف و خوار می داند و در باطن احساس پستی و حقارت می کند از شر او ایمنی نداشته باش (تحف العقول: ۴۸۳) روایات فوق، اهمیت کسب عزت نفس در جوانی را متذکر شده و توجه به آن باید سرلوحه روش های تربیتی والدین: قرار گیرد، از طرفی امروزه بعضی افراد نقاط ضعف خود را انکار میکنند که این نشان دهنده این است که توانایی روبه رو شدن و حل آن را ندارند و البته برخی دیگر نقاط ضعفشان را بقدری بزرگ می کنند که خود را فردی ضعیف و دارای ویژگی های منفی میپندارند و این دیدگاه و تفکر ناکارآمد و موجب تباهی انسان می شود در این باره رهبر انقلاب اینگونه بیان نمودند: «البته ما نقطه ی قوت خیلی داریم. نقطه قوت های نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران از لحاظ کیفیت و کمیت، به طور مضاعف بیش از نقاط مشکل دار و نقاط ضعف است. خیلی نقطه های قوت عجیب و فراوانی در ما هست که همین نقاط قوت، موجب شده است که کشور و نظام اسلامی با وجود دشمنی های عجیب و غریب که با آن شده است و میشود و خواهد شد، بتواند سربلند و با عزت بایستد و در مقابل دشمنان تسلیم نشود.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان و کارکنان ارتش، ۱۳۹۶/۱/۳۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36242>)

اینها [دشمنان] این دو کار را امروز با شدت بیشتری انجام میدهند؛ هم ممانعت عملی - با فشار، با تهدید، با تحریم و امثال اینها - هم با تلاش تبلیغاتی برای کوچک نشان دادن نقطه های قوت، و بزرگ نشان دادن نقطه های ضعف. (بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۲/۱/۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22233>)

اگر بر روی نقاط مثبت و نقاط قوت تکیه میکنم، برای این است که ثابت شود ملت ایران این توانائی‌ها را به کار برد و علی‌رغم میل بدخواهان که میخواستند ثابت کنند ملت ایران نمیتواند، ملت ایران ثابت کرد که میتواند. از نقاط ضعف بی‌اطلاع نیستیم، نقاط ضعف هم داریم؛ اما در جمع‌بندی نهائی، نقاط قوت بسیار بیشتر از نقاط ضعف است. (بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۱/۱/۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19301>)

ما پیشرفتهائی داشتیم، ضعفها و نقصهائی هم داشتیم. پیشرفتهامان را باید بشناسیم، ضعفهامان را هم باید بشناسیم. اگر ضعفهای خودمان را پنهان کنیم، نشناسیم، تجاهل کنیم، این ضعفها خواهد ماند، نهادینه خواهد شد؛ برطرف نخواهد شد. همه‌ی نقاط قوت و ضعف را باید بدانیم. نقاط مثبت و منفی هر دو هست، افت و خیز هست، اما حرکت ادامه داشته است؛ این مهم است. جوانهای عزیز ما بدانند؛ در طول این سی و دو سه سال مواردی شده است که ما ضعف نشان دادیم، این حرکت افت و خیز داشته است. همیشه یک جور نبوده است؛ گاهی سرعت و شتاب، گاهی کمتر، اما حرکت هرگز متوقف نشده است و ما در همان جهت اصلی پیش رفتیم؛ که امروز محصول آن را داریم مشاهده میکنیم.» (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18923>)

مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی فرمودند: «نقاط قوت و ضعفتان را بسنجید و بدون تعصب داوری کنید. از نظرات افراد دلسوز در این داوری حتماً استفاده کنید. آن کسانی را که دچار ضعف یا عملکرد نامطلوب هستند، به طور طبیعی به شکلهای مختلف مورد تعرض قرار میدهید؛ اما در کنار آن، مدیری را هم که خوب عمل کرده، حتماً تشویق کنید؛ یعنی آن چیزی را که من اینجا میخواهم توصیه کنم، این است که، اخم به ضعفها و عملکردهای ضعیف را ما در عملکرد مسئولان و رئیس‌جمهور و بعضی دیگر مشاهده میکنیم؛ اما لبخند و تشویق و توجه به آن کسانی هم که خوب عمل کرده‌اند،

این هم باید حتماً در کنارش باشد. پس ارزیابی و مترتب بر ارزیابی و تقویم عملکردها، باید برخورد متناسب با نوع و سطح عملکرد باشد.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۵/۳/۲۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3349>)

«انتقاد یعنی سره و ناسره و قوت و ضعف را در کنار هم دیدن. معنای انتقاد این نیست که انسان نقاط قوت را نبیند و نقاط ضعف را هم حتی گاهی با انگیزه‌های گوناگون ملاحظه کند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۸۱/۴/۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3128>)

بنابراین؛ انسان‌ها علاوه بر این که دارای نقاط ضعفی هستند بالتبع دارای نقاط مثبت و قوی نیز می‌باشند، که باید به آن‌ها توجه شود. چنانچه فرد بیش از اندازه به نقاط ضعف توجه داشته باشد نه تنها اصلاح نمی‌شود، بلکه؛ موجب یاس و ناامیدی در جوان می‌شود. فلذا جوانان جهت امیدآفرینی و تلاش و شور و شوق در زندگی باید در همه عرصه‌ها خصوصاً فضای مجازی به نقاط قوت خویش توجه و در صدد شکوفایی آن باشند.

سه) توجه به وعده‌های الهی

در روایت آمده است که؛ امیرالمؤمنین یک جایی نشسته بود، عده‌ای هم بودند. فرمود چه کسی می‌داند امیدوارکننده‌ترین آیه در قرآن چیست؟ خب هر کسی یک چیزی گفت. آقا فرمود آیه ۱۱۴ هود است. «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ» نماز برپا کنید. نمازهای پنج‌گانه را می‌گویید، عرض من اینجاست در ادامه آیه دارد: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» نماز که حسنه است سیئات را از بین می‌برد. حرص را می‌برد، گناه را می‌برد، صعود به شما می‌دهد، رشد به شما می‌دهد. در روایتی دیگر آمده است که؛ پیغمبر خدا نشسته بود یک آقای وارد شد، سلام کرد. گفت یا رسول الله یک سؤالی دارم، چه کسی روز قیامت حسابرسی می‌کند؟ حضرت فرمود خدا. تا پیغمبر فرمود خدا روز قیامت حسابرسی می‌کند «فَتَبَسَّسَم» یک لبخندی زد. پیغمبر فرمودند که «مِمَّ ضَحِكْتُ»، چرا خندیدی؟ گفت

یا رسول الله تبسم مال این است «إِنَّ الْكَرِيمَ إِذَا قَدَّرَ عَفَا»، اگر حسابرسی با خداست، خدا کریم است می بخشد. کریم در قدرت می بخشد. البته باید توجه داشت که خوف و رجاء باید با هم صورت پذیرد تا بتوان به نتیجه ی اصلی رسید. در روایت آمده است که؛ امیرالمؤمنین یک جایی نشسته بود، عده ای هم بودند. فرمود چه کسی می داند امیدوارکننده ترین آیه در قرآن چیست؟ خب هر کسی یک چیزی گفت. آقا فرمود آیه ۱۱۴ هود است. «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرْفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ» نماز برپا کنید. نمازهای پنج گانه را می گوید، عرض من اینجاست در ادامه آیه دارد: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهَبْنَ السَّيِّئَاتِ» نماز که حسنه است سیئات را از بین می برد. حرص را می برد، گناه را می برد، صعود به شما می دهد، رشد به شما می دهد.

در روایتی دیگر آمده است که؛ پیغمبر خدا نشسته بود یک آقایی وارد شد، سلام کرد. گفت یا رسول الله یک سؤالی دارم، چه کسی روز قیامت حسابرسی می کند؟ حضرت فرمود خدا. تا پیغمبر فرمود خدا روز قیامت حسابرسی می کند «فَتَبَسَّ» یک لبخندی زد. پیغمبر فرمودند که «مِمَّ ضَحِكْتُ»، چرا خندیدی؟ گفت یا رسول الله تبسم مال این است «إِنَّ الْكَرِيمَ إِذَا قَدَّرَ عَفَا»، اگر حسابرسی با خداست، خدا کریم است می بخشد. کریم در قدرت می بخشد. البته باید توجه داشت که خوف و رجاء باید با هم صورت پذیرد تا بتوان به نتیجه ی اصلی رسید. پس توجه به وعده الهی در امید افزایی تا حد زیادی موثر است. در فضای مجازی باید به جوانان امید صادق القاء کرد تا جوانان در عرصه های گوناگون رشد نمایند.

مقام معظم رهبری در مورد امید در جوانان می فرمایند: جوان با این امید باید حرکت کند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر علمی، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43719>، ۱۳۹۸/۷/۱۷) «اگر امید نباشد هیچ کدام از کارهای بزرگ انجام نمی گیرد.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43591)، ۱۳۹۸/۷/۴، [content?id=43591](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43591)) بنابراین؛ جوان باید در فضای مجازی، با توجه و امید به وعده های

الهی، امید را توسط فضای مجازی منتشر کند و تلاش کند تا امید‌آفرینی صورت پذیرد. بنابراین؛ تا زمانی که افراد جامعه خصوصاً نسل جوان که ذخیره انقلاب اسلامی هستند اگر در تمامی حالات و حوادث گوناگون در این دوران پرفراز و نشیب توجه به وعده‌های الهی داشته باشند و این امر را سرلوحه کار خویش قرار دهند میتوان نوعی امید‌آفرینی در دل آنان ایجاد کرد که این، خود مقدمه‌ای برای سربلندی و رستگاری است.

الف) بیان نمونه‌های امید‌آفرین در تاریخ برای جوان و پرزنگ جلوه دادن نقش جوان در انتشار آن در فضای مجازی

تزیق امید در جامعه، در همه ارکان، سطوح و لایه‌های جامعه بسیار مهم و ضروری است و مردم با داشتن این گل واژه موفقیت از یک سو بهتر می‌توانند برای پیشبرد امور حکومت و خود گام بردارند و از سویی همراهی بهتری با ارکان حکومت در تحقق امور و طرح‌ها خواهند داشت.

نمونه‌ای از امید‌آفرینی در تاریخ می‌توان به داستان مواجهه‌ی قوم بنی‌اسرائیل با لشکریان فرعون و نصرت الهی به حضرت موسی علیه السلام اشاره نمود: «وقتی که دو گروه یعنی گروه حضرت موسی که جلو می‌رفتند و گروه فرعون که پشت سر می‌آمدند، همدیگر را از دور دیدند و این قدر به هم نزدیک شدند که میتوانستند یکدیگر را ببینند، «فَلَمَّا تَرَأَا الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ» بنی‌اسرائیل که با موسی بودند، خوفشان برداشت، گفتند که یا موسی! الان به ما میرسند؛ «مُدْرِكُونَ» یعنی الان آنها میرسند، ما را میگیرند و قتل‌عام میکنند. موسی چه جواب داد؟ حضرت موسی در جواب گفت: «قَالَ كَلَّا، هِرْكَزِ چینی چیزی پیش نخواهد آمد؛ چرا؟ «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي»؛ معیت این است. پروردگار من با من است (بیانات مقام رهبری در دیدار بسیجیان، ۱۳۹۵/۹/۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34995> دشمنی باطل با جریان حق در همیشه‌ی تاریخ وجود داشته است. پیروزی حق در این درگیری تاریخی «وعده‌ی الهی» است: «قرآن صریحاً وعده کرده است که «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ». قرآن با زبان‌های مختلف

گفته است که این حقیقت و این سلسله‌ی ارزش‌ها در تاریخ بشریت، بر همه‌ی شبه‌ارزشها و ضد ارزشها فائق خواهد آمد. قرآن صریحاً گفته است که «العَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» فرجام کار، متعلق به مؤمنان و پرهیزگاران است. «بیانات مقام معظم رهبریس از بازدید از ستاد فرماندهی نیروی زمینی سپاه، ۱۳۷۰/۷/۲۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2501> و عقب‌نشینی باطل «سنت الهی» است: «شکی نداریم که پیروزی از آن اسلام است؛ این جبهه‌ی کفر با همه‌ی وسعت، با همه‌ی زرق و برق، با همه‌ی توپ و تشری که میزنند، بالاخره در مقابل امت اسلامی و جبهه‌ی اسلامی مبارز و مجاهد وادار به عقب‌نشینی خواهد شد. وَ لَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا؛ این سنت الهی است و تردیدی در این وجود ندارد.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار قاریان و حافظان برتر شرکت‌کننده در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، ۱۳۹۵/۲/۲۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33125>) جوان در انتشار این دیدگاه در فضای مجازی، نقش بسزایی دارد.

ب) بصیرت آفرینی

بصیرت به معنای آشکار کننده مورد استفاده قرار گرفته است. با نگاهی به ماده بصیرت آشکار کنندگی به وضوح معلوم میشود همانطور که روز پر از آشکارکننده و روشن کننده است. (محمد بن مکرّم، ۱۴۱۴: ۶/۱)

در قرآن به ارتباط تدبیر و بصیرت اشاره شده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «نابینا و بینا با هم یکی نیستند و همچنین مرده و زنده چون کسی که نابیناست در مقابل خود نوری ندارد که حقیقت را ببیند پس گمراه می‌شود و ممکن است خود را به هلاکت بیفکند». (مجلسی، ۱۴۱۴: ۳۱۲/۴۲) «انسان در حوادثی که پیرامون او میگذرد و در حوادثی که پیش روی اوست و به او ارتباط پیدا میکند، تدبیر کند؛ سعی کند از حوادث به شکل عامیانه و سطحی عبور نکند؛ به تعبیر امیرالمؤمنین، اعتبار کند: «رَجَمَ اللَّهُ امرءَ تَفَكَّرَ فَاعْتَبَرَ»؛ فکر کند و بر اساس این فکر، اعتبار کند. یعنی با تدبیر، مسائل را بسنجد - «و اعتبار فأبصر» - با این

سنجش، بصیرت پیدا کند. حوادث را درست نگاه کردن، درست سنجیدن، در آنها تدبّر کردن، در انسان بصیرت ایجاد میکند؛ یعنی بینائی ایجاد میکند و انسان چشمش به حقیقت باز میشود.” (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10456>)

در تاریخ اسلام آنچه بیشتر در تحلیل تاریخ تاثیر کلان داشته، بحث بصیرت و عدم آن بوده تا جایی که پاره ایی از حوادث مهم و شاخص را می توان به وجود یا عدم وجود بصیرت در میان مردم و خواص جامعه اسلامی ارتباط داد، برای رسیدن به معرفت و بصیرت و تقرب به خداوند، اطاعت از اوامر الهی از یکسو و توجه به کلام رسول الله ﷺ و اهل بیت علیهم السلام از دومی، ضرورت دارد. نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: کور آن نیست که چشمش نابینا باشد، بلکه کور آن است که بصیرتش کور باشد. (ری شهری: ۱۳۸۴، ۲، ۵۰۳)

و همچنین یکی از عوامل مهمی که انسان را از انحرافات بازداشته و موجب اقتدار و فائق آمدن بر مشکلات، بصیرت است، مقام معظم رهبری در این راستا فرمودند: و البته باید در مقابل سختی‌ها و مشکلات «صبر و بصیرت» به خرج داد: «هرگاه ملتی، جماعتی، فردی در مقابل یک محنتی که بر آن جمع یا بر آن فرد یا بر آن ملت وارد میشود، صبر و بصیرت به خرج داد، آن محنت برای او تبدیل میشود به نعمت. راز پیروزی حق، پیروزی کلمه‌ی حق، انتشار حق، انتشار توحید در طول تاریخ در میان بشر همین نکته است. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۹۰/۴/۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12805>) بصیرت عامل جلوگیری از «گمراهی» است: «بصیرت یعنی گم نکردن راه، اشتباه نکردن راه، دچار بیراهه‌ها و کج راه‌ها نشدن، تأثیر نپذیرفتن از وسوسه‌ی خناسان و اشتباه نکردن کار و هدف. (بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی (۱۳۹۰/۱۰/۱۹)، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18496>) «بصیرت، نورافکن است؛ بصیرت، قبله‌نما و قطب‌نماست... در یک فضای تاریک، بصیرت روشنگر است. بصیرت راه را به ما نشان میدهد. (بیانات در دیدار

دانشجویان و جوانان استان قم ۱۳۸۹/۸/۴، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10456) در بیانات خود در دیدار فرماندهان می فرمایند: «بدون بصیرت بزرگ‌ترین اشتباهات در «تشخیص جبهه‌ی حق از باطل» رخ می‌دهد:» در ماجرای دفاع از دین، از همه چیز بیشتر، برای انسان، بصیرت لازم است. بی‌بصیرتها فریب می‌خورند. بی‌بصیرتها در جبهه‌ی باطل قرار می‌گیرند؛ بدون این‌که خود بدانند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا، ۱۳۷۱/۴/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2627>) قابل بخشش نیست، این است که کسی جبهه‌ی حق را با جبهه‌ی باطل اشتباه کند و نتواند آن را بشناسد. (سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار با اقشار مختلف مردم روز سی‌ام ماه مبارک رمضان، ۱۳۶۹/۲/۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2300>) بصیرت در واقع مجموعه‌ای از شناخت‌ها است: «بصیرت یعنی چه؟ یعنی شناخت زمان، شناخت نیاز، شناخت اولویت، شناخت دشمن، شناخت دوست، شناخت وسیله‌های که در مقابل دشمن باید به کار برد؛ این شناختها؛ بصیرت است.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین، ۱۳۹۳/۹/۶، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28344) اگر جوان بخواهد در این برهه حساس تاریخی که کلام و رفتار و... در آینده شخص به شکل ملموس موثر خواهد بود، عاقبت بخیر و موفق بیرون آید ناگزیر به افزودن بصیرت است زیرا دانسته شد که بصیرت عاملی مهم در جلوگیری از انحراف و گمراهی است. در زمان کنونی یکی از ابزارهای مهم که قابل دسترسی همگان است فضای مجازی است که جوانان با بصیرت، وارد عمل شده و سعی کنند از حوادثی که رخ میدهد به شکل عامیانه و ساده گذر نکرده تا از این طریق بتوانند بصیرت افزایش دهند و این بصیرت افزایشی باعث امیدافزایی در جوان و انتشار آن در فضای مجازی توسط این گروه از جامعه می‌تواند موجب امیدافزایی شود.

ج) توصیه به استقامت و ایستادگی

انسان همواره در زندگی مادی و معنوی خود اهداف و آرزوهایی دارد که برای دستیابی به آن‌ها علاوه بر کوشش و جدیت نیاز به صبر و استقامت در برابر مشکلات احتمالی دارد، اگر انسان در راه کسب علم و دانش حتی از استعداد و هوش مناسب برای تحصیل برخوردار نباشد اما در این راه استقامت و ایستادگی کند به موفقیت می‌رسد. صبر و استقامت کلید امید‌افزایی در زندگی است که امروزه باید به آن به عنوان یک مهارت مهم در زندگی توجه کرد.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: “وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا اَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ اَقْدَامَنَا وَ اَنْصُرْنَا عَلٰى الْقَوْمِ الْكٰفِرِيْنَ» هنگامی که سپاه طالوت با لشکر جالوت روبه‌رو شدند، گفتند: پروردگارا، «مقاومت» در برابر دشمن را بر ما سرازیر کن و گام‌هایمان را استوار دار، و ما را بر این دشمنان کافر پیروز بگردان. خداوند در دوران مبارزه‌ی پیامبر اسلام نیز همین راهکار را توصیه می‌فرماید و هشدار می‌دهد که از مقاومت کردن کوتاه نیایید. “فَاَسْتَقِمُّ كَمَا اُمِرْتُ” (هود. ۱۱۲) همان‌گونه که به تو فرمان داده‌ایم، بر این دین، پایداری کن. استقامت یا همان برخورداری از اراده‌ای پولادین در انجام کارهای مهم زندگی که جهت‌دهنده‌ی مسیر زندگی به حساب می‌آید، از جمله مهمترین بایدهای فردی و فضائل اخلاقی به شمار می‌رود و عزت و سربلندی انسان را به دنبال خواهد داشت. این فضیلت اخلاقی از آنچنان اهمیتی برخوردار است که نبی مکرم اسلام ﷺ ” در وصیت خود به امیرمؤمنان علی ﷺ ” فرموده استقامت یا همان برخورداری از اراده‌ای پولادین در انجام کارهای مهم زندگی که جهت‌دهنده‌ی مسیر زندگی به حساب می‌آید، از جمله مهمترین بایدهای فردی و فضائل اخلاقی به شمار می‌رود و عزت و سربلندی انسان را به دنبال خواهد داشت. این فضیلت اخلاقی از آنچنان اهمیتی برخوردار است که نبی مکرم اسلام ﷺ ” در وصیت خود به امیرمؤمنان علی ﷺ ” فرموده است.

قلْتُ: يَا رَسُوْلَ اللهِ، اَوْصِنِي. قَالَ: قُلْ «رَبِّيَ اللهُ» ثُمَّ اسْتَقِمَّ. قُلْتُ: رَبِّيَ اللهُ وَ مَا تَوْفِيقِي اِلَّا

بِالله، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ. قَالَ: لِيَهْنِكَ الْعِلْمُ أبا الْحَسَنِ، لَقَدْ شَرِبْتَ الْعِلْمَ شُرْبًا وَ نَهَلْتَهُ نَهْلًا؛ [امام علی ؑ] گفتیم: ای رسول خدا! مرا سفارشی فرما. فرمود: بگو: پروردگار من خداست و آن‌گاه [براین گفته] ایستادگی کن. من گفتیم: پروردگار من خداست و توفیقی جز از خدا نخواهم، به او توکل می‌کنم و به سوی او باز می‌گردم. رسول خدا فرمود: علم گوارایت باد، ای ابا الحسن! که دانش را به وجه احسن نوشیدی و از آن به خوبی سیراب گشتی. (علی بن حسام: ۱۴۰۱ ق، ح ۳۶۵۲۴)

از همین‌رو در همه کتب آسمانی و گفتار همه پیامبران و اولیا خدا و امامان معصوم ؑ با تأکیدهای فراوانی، به صبر و استقامت سفارش شده است، به طوری که آن را اکسیر اعظم و کیمیای کلیدی مشکلات دانسته‌اند و ضد آن یعنی عجز و ضعف و سست‌عنصری را موجب انحرافات و بدبختی‌های ویرانگر تشخیص داده‌اند.

صبر و استقامت بگونه‌ای مهم و موثر است که رهبر انقلاب در این‌باره فرموده‌اند: یکی از معارف، ایستادگی و تسلیم نشدن در مقابل زورگو است. رادیوهای دنیا، وسایل ارتباط جمعی در دنیا، رسانه‌های دشمن، مجموعه‌ای از اندیشکده‌ها و جمعیت‌های فکری نشسته‌اند طراح می‌کنند برای اینکه ملت ایران را قانع کنند که باید در مقابل آمریکا کوتاه بیایید و چاره‌ای هم نیست. خب ملت ما بحمدالله ایستاده، اما بایستی نیروی معنوی را پی‌درپی تزریق کرد، نیروی معنوی را پی‌درپی باید زنده کرد؛ این یکی از معارف است. در دعای صحیفه‌ی سجّادیه [آمده]: *وَ لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَ لَا كَافِرٍ عَلَيَّ... يَدَا؛* یعنی من را مدیون کافر و فاسق نکن، من را محتاج آنها نکن، چشم من به دست آنها نباشد، من در مقابل آنها احساس ضعف نکنم؛ این یکی از معارف است. اینکه از خدا میخواهد او را در مقابل دشمن به این وضع دچار نکند، معنایش این است که در مقابل دشمن نباید به این وضع دچار شد. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مداحان اهل بیت ؑ، ۱۳۹۸/۱۱/۲۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44919>) بی شک استقامت و ایستادگی سرآمد صفت‌های پسندیده یک انسان است و برای دست یافتن به هر صفت پسندیده‌ای باید

صبوری کرد، انسان در اثر استقامت علاوه بر دست یافتن به تجربه، عاقل تر و باهوش تر شده و استعدادهای نهفته اش آشکار تر می شود. امروزه مشکلات معیشتی، اقتصادی، فرهنگی در مسیر نوجوانان و جوانان، خود سخت و دشوار است لیکن استقامت و ایستادگی و امید می نواند حلال این مشکلات باشد. واز طرفی میتوان از ظرفیتی که در بستر فضای مجازی که اکثریت جامعه به آن دسترسی دارند امیدافزایی کرد تا به این وسیله توان استقامت و ایستادگی آحاد مردم افزایش یابد.

د) توصیه به تنبلی نکردن

در فرهنگ اسلامی، کار و کوشش و پرهیز از بطالت، سستی و تنبلی به عنوان یک اصل مهم برای رسیدن به سعادت و خوشبختی در زندگی دنیا و آخرت است. خداوند متعال در قران کریم راجع به تنبلی نکردن و سعی در تلاش و کوشش می فرماید: «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛ و این که برای انسان جز حاصل تلاش او نیست» و نیز در روایات اسلامی کار و تلاش برای تأمین مخارج زندگی، به منزله جهاد در راه خدا و پاداش بالاتر از جهاد دارد. (نجم، ۳۹)

همچنین در آیه دیگر آمده است: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقْضُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ فُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ؛ و مسلماً پیش از تو فرستادگانی را روانه کردیم برخی از آنان را [ماجرایشان را] بر تو حکایت کرده ایم و برخی از ایشان را بر تو حکایت نکرده ایم و هیچ فرستاده ای را نرسد که بی اجازه خدا نشانه ای بیاورد پس چون فرمان خدا برسد به حق داوری می شود و آن جاست که باطل کاران زیان می کنند» که کلمه «مبطلون» در این جا به معنای پیروان باطل و افراد ولگرد و بیکار است. (غافر، ۸۷)

خداوند متعال در آیه هفت سوره شرح می فرماید: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ؛ پس چون فراغت یافتی به طاعت درکوش» که در این آیه خداوند به پیامبر اکرم ﷺ به عنوان الگو، تلاش مستمر و پیگیر را در زندگی، گوشزد می کند. از جمله هشدارهایی که در فرهنگ دینی بسیار به چشم

می خورد و مسلمانان را نسبت به آن بیدار باش داده اند، موضوع تنبلی و تن پروری و بی حوصلگی و کوتاهی در کار است. قال الباقر علیه السلام: "إِيَّاكَ وَ الْكَسَلَ وَ الضَّجَرَ فَإِنَّهُمَا مِفْتَاحُ كُلِّ شَيْءٍ... مَنْ كَسَلَ لَمْ يُؤَدِّ حَقًّا وَ مَنْ ضَجَرَ لَمْ يَصْبِرْ عَلَيَّ حَقًّا". (ری شهری: ۱۳۸۴، ۱۱، ۵۱۸۶)

از تنبلی و بی حوصلگی بپرهیز، زیرا که این دو کلید هر بدی می باشند و کسی که تنبل باشد حقی را نگذارد و کسی که بی حوصله باشد بر حق شکیبایی نرزد. در روایت دیگر امام صادق علیه السلام فرمود: "إِيَّاكَ وَ الْكَسَلَ وَ الضَّجَرَ فَإِنَّهُمَا يَمْنَعَاكَ مِنْ حَظِّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ" (ری شهری: ۱۳۸۴، ۱۱، ۵۱۸۶) از تنبلی و بی حوصلگی بپرهیز، زیرا که این دو خصلت تو را از بهره دنیا و آخرت باز می دارند.

اسلام دین معاش و معاد، دنیا و آخرت، و مادی و معنوی است، به دنیا و نعمتهای آن با دو چشم می نگرد. انسانهایی که در زندگی یک بعدی هستند از نظر اسلام انسانهای ایده آل نخواهند بود، اگر کسی از دنیا بگریزد به بهانه آخرت و یا آخرت را از دست بدهد به خاطر دنیا، هردو مورد نکوهش و سرزنش هستند، آنچه اسلام می پسندد داشتن دنیا و آخرت در کنار هم و با هم است.

بی تردید در مسیر زندگی اجتماعی موانع و دست اندازهای گوناگونی وجود دارد که باید آنها را با عزم و اراده پولادین از جلو راه برداشت تا به مقصد و مقصود راه یافت، انسان تنبل توان برداشتن این موانع را ندارد از این رو همواره در بین راه زمین گیرشود و از رسیدن به قله سعادت و عزت باز می ماند. کسی که می خواهد در زندگی اجتماعی آبرومند زندگی کند باید توانمندی های خدا دادی خود را به کار گیرد و ضعف و سستی را از خود دور سازد و با تنبلی و بی حوصلگی مبارزه کند. و جوان با ایجاد امید و افزودن آن در خود و در فضای مجازی نقش خود را تا حدی ایفا می نماید.

ه) توصیه به خسته نشدن

شناخت درست از اهداف خلقت انسان و بالا بردن ایمان و توکل و این که دنیا خانه موقت است و باید به فکر خانه دائمی بود و امثال این اعتقادات، ناامیدی را به امید و تلاش

تا زمان اجل حتمی تبدیل کرد خداوند متعال در سوره یوسف از زبان حضرت یعقوب در این رابطه فرموده است: «يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوْسُفَ وَآخِيهِ وَلَا تَأْسُوا مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ اِنَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ؛ ای پسران من بروید. و از یوسف و برادرش جست و جو کنید و از رحمت خدا نومید مباشید زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی شود. (یوسف، ۸۷)

از آنجای که خستگی و کسلی بشدت در فرهنگ جامعه اسلامی مورد مذمت قرار گرفته است و همواره تاکید بر داشتن همت بلند نموده است در اینباره امیرالمومنین علیه السلام در روایتی فرمودند:

الشَّرْفُ بِالْهَمِّ الْعَالِيَةِ لَا بِالزَّمِّ الْبَالِيَةِ (شرافت به همت های بلند است نه به استخوان های پوسیده (تمیمی امدی: ۱۳۸۱، ۴۴۴، ۱۰۲۷۳) طبق برداشت هایی که از آیات و روایات شده است، به جرات میتوان گفت: یکی از عوامل بسیار مهمی که می تواند به توسعه کار و افزایش ناکارآمدی و نهادینه شدن همت و کار مضاعف در جامعه ما کمک نماید دوری از فشلی و خستگی و سرخوردگی می باشد. حضرت آیت الله خامنه‌ای درباره خسته نشدن و داشتن همت بلند به همراه شور انقلابی و تحرکی عظیم فرمودند: کیفیت دانشجوی انقلابی امروز نسبت به کیفیت دانشجوی انقلابی آن روز خیلی بالاتر است.

خب، با اینکه هم از لحاظ کمیّت و هم از لحاظ کیفیت با امروز خیلی تفاوت داشتند، کارهای بزرگی انجام دادند؛ علّتش هم پُرکاری بود، ایمان پُرشور انقلابی بود، خسته نشدن بود، شب و روز کار کردن بود؛ با این وضعیّت آن تعداد معدود دانشجو در آن روز توانستند این همه کارهای بزرگ را انجام بدهند. البتّه کم تجربه هم بودند؛ تجربیّاتی را که امروز شما دارید آنها نداشتند؛ درعین حال کار زیادی انجام دادند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۵/۴/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33694>) و البتّه همان ایمان و همان عامل درونی که اوّل صحبت عرض کردیم، اینجاها به کار می آید. یعنی اگر زود ناامید شدید، زود خسته شدید، کار پیش نمی رود؛

باید ناامید نشوید، باید حرکت کنید. ببینید! این انقلاب براساس یک مبارزه‌ی طولانی شروع شد (همان) راه دستیابی به قله‌های موفقیت در گرو خسته نشدن و داشتن همتی بلند است، زیرا بشر همواره در پرتو امید، همت والا، تلاش و ایستادگی، مزه شیرین کامیابی را چشیده است.

از این رو جوانان پر شور با تلاش و عدم کسلی می‌تواند عزم خویش را جزم و جوانه‌های امید را در دل خویش شکوفا کنند.

و) توصیه به صبر

واژه صبر بر خلاف سایر واژه‌های اخلاق اسلامی که واجد یک معنا میباشند، به تنهایی ریشه و اساس بسیاری از خصوصیات اخلاقی است، بدین معنا که ب دلیل نقش صبر در تقویت ایمان، اگر این صفت در اعماق قلب فردی تجلی یابد کلیه رفتارهای وی اسلامی و مکتبی می‌گردد. سوره شوری درباره شکیبایی و صبر میفرماید: *وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ*؛ و هر که شکیبایی ورزید و درگذشت، البته این در گذشتن از بدی بدکاران از کارهایی است که با اراده قوی در کارها واقع شود و اراده قوی از خصال پسندیده است. (شوری، ۴۳) و همچنین در سوره ایی دیگر در این باره فرموده اند: *فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يُوْعَدُونَ لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ* (پس صبر کن آن‌گونه که پیامبران «أولو العزم» صبر کردند، و برای (عذاب) آنان شتاب مکن! هنگامی که وعده‌هایی را که به آنها داده میشود ببینند، احساس میکنند که گویی فقط ساعتی از یک روز (در دنیا) توقف داشتند؛ این ابلاغی است برای همگان؛ آیا جز قوم فاسق هلاک می‌شوند؟! (الاحقاف، ۳۵)

رهبر انقلاب اسلامی به تحریف و دروغ‌گویی جبهه استکبار اشاره نموده و فرمودند: آنها به دروغ در تبلیغات خود می‌گفتند جمهوری اسلامی با تمام دنیا سر ناسازگاری و ستیزه دارد درحالی‌که نظام اسلامی بر اساس تأکیدات قرآن، فقط در مقابل کسانی قرار دارد که با ملت ایران دشمنی می‌کنند و با بقیه ملت‌ها و کشورها از هر آیین و نژادی روابط دوستانه دارد. نیاز

به دو عنصر مهم «بصیرت» و «صبر» و استقامت» برای مواجهه با دشمن فعال. حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای با اشاره به استمرار دشمنی‌ها با نظام اسلامی، تأکید دارند: برای مواجهه با دشمن فعال به دو عنصر مهم «بصیرت» و «صبر و استقامت» نیاز است.

ایشان لازمه حفظ این دو خصوصیت مهم را، وجود «جریان توأسی» در جامعه برشمردند و فرمودند: «اگر زنجیره توصیه به صبر و حق در میان مردم برقرار باشد، احساس ناامیدی، تنهایی و ضعف اراده در جامعه به وجود نمی‌آید و جرأت اقدام نیز از بین نخواهد رفت افسران جنگ نرم رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه یکی از اهداف اصلی دشمن در جنگ نرم، از بین بردن زنجیره توأسی است، خاطر نشان کردند: قطع جریان توأسی بسیار خطرناک است و جوانان به عنوان افسران جنگ نرم نباید بگذارند چنین اتفاقی بیفتد حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای گفتند: در این جنگ نرم، جوانان باید با استفاده از فرصت فضای مجازی، در جامعه امیدآفرینی و توصیه به ایستادگی و بصیرت کنند باید بگذارند جریان توأسی قطع شود. (سخنرانی تلویزیونی مقام معظم رهبری به مناسبت عید مبعث، ۱۳۹۹/۱۲/۲۱، <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=47497>)

گاهی در معاشرت با افراد مختلف که تبعاً دارای ابعاد شخصیتی گوناگونی می باشند عکس العمل‌های متفاوت، گاهی تند و با پرخاش و حتی تا سر حد اهانت مواجه می شویم، در این لحظه عدم صبوری و خونسردی، خواسته یا ناخواسته موجب بروز اتفاقاتی جبران ناپذیر خواهد شد. آحاد جامعه می بایستی در چنین مواقعی از خود مایه گذاشته و صبوری کنند و دیگران را نیز توصیه به این امر پسندیده نمایند تا مانع از بروز اتفاقات ناگوار گردند. در دنیایی که حاکمان جور و ستمگر ادعای کدخدایی و ریاست بر آن را دارند و از طرفی قدرت رسانه ایی بالا و فضای در سیطره سیاست های شوم آنان است، جوانان پاک، مومن و انقلابی با تقویت همبستگی و صبوری و همدلی موجب امیدافزایی در جامعه شوند.

ز) توصیه به حق

آحاد جامعه می بایستی در چنین مواقعی از خود مایه گذاشته و صبوری کنند و دیگران را نیز توصیه به این امر پسندیده نمایند تا مانع از بروز اتفاقات ناگوار گردند. حق، عامل تامین کننده سلامت جامعه و تضمین کننده پیشرفت آن است و به همین خاطر قرآن کوشیده است تا از رهگذر {مکانیزم توصیه دسته جمعی به حق}، جامعه راه حق بنیان، حق گرا و حق مدار و با استقرار نهاد حق در جامعه، خسران را از بین ببرد و پیشرفت را به جای آن مستقر کند.

خداوند متعال در قرآن کریم مومنان را توصیه به حق میکند و میفرماید: **إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ (العصر، ۱)** مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند و توصیه به حق و صبر کرده باشند.

از آنجا که همه باید در عمل به تواصی شرکت جویند و از این خاستگاه، همه به توصیه یک دیگر نیازمند می باشند، باید افراد جامعه، جایگاه اجتماعی یک دیگر را حفظ کنند، تا بتوانند به یک دیگر مجال مشارکت در توصیه به حق را بدهند و از این دستور قرآنی بهره بگیرند. در روایات بر لزوم عمل به حق و پایداری بر آن بسیار تاکید شده است، لزوم عمل به حق تا حدی است که امیر مومنان علیه السلام به فرزندش سفارش می کند: برای حق به هر دشواری وارد شود و شکیبایی ورزیدن در راه حق را نیکو ترین خصلت بر می شمارد (سیدرضی: نامه ۳۱)

آخرین بحث من در مورد مجلس این است که شما دو مرکز بسیار مهم دارید که هر کدام به نوبه خود اهمیّت ویژه‌ی خودش را دارد. یکی مرکز پژوهشها است که مرکز کارشناسی است و بسیار مرکز مهمی است؛ از این مرکز به بهترین وجه استفاده کنید. در گذشته هم خوشبختانه در موارد زیادی از مرکز پژوهشها خیلی خوب استفاده شده؛ این مرکز گاهی کمک کارشناسی حیاتی به نمایندگان کرده. این مرکز، مرکز بسیار مهمی است.

مرکز دّوم مرکز نظارت بر رفتار نمایندگان است که چند سالی است راه افتاده؛ این هم

خیلی مهم است. شماها البتّه همه خیلی خوبید، خدا ان شاءالله که همه‌ی شما را اجر بدهد؛ اما خوب بودن یک مسئله است، خوب ماندن یک مسئله‌ی دیگر است؛ باید سعی کنیم خوب بمانیم. همه‌ی ما در معرض اشکال هستیم، ممکن است خدای نکرده لغزشی برایمان پیش بیاید. همه‌ی ما - بنده هم همین جور هستم، شما هم همین جور هستید - در معرضیم، بایستی مراقبت کنیم؛ هم خودمان از خودمان مراقبت کنیم، هم «وَتَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَاصُوا بِالصَّبْرِ». (۱) این مرکز نظارت بر رفتار نمایندگان همان «تَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَاصُوا بِالصَّبْرِ» است، همان امر به معروف و نهی از منکر است، همان مراقبت و تکافل اجتماعی است که در اسلام وجود دارد. (بیانات رهبر معظم در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۴/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=46045>) حق ماهیتی است انکار ناپذیر که پایه گذار اساس انسانیت است، اگر جامعه به دنبال این است که به کمال و کامیابی برسد سعی و تلاش کند تا افراد جامعه را در مسیر حق قرار دهد و جوانان و نوجوانان را توصیه به حق و رعایت این اصل دینی و اخلاقی نماید، در صورت عدم رعایت حق، حال فرقی نمی کند که این حق جز حقوق فردی باشد یا اجتماعی باشد، موجب پریشان حالی جامعه و بروز مشکلاتی از قبیل بی نظمی و بی عدالتی خواهد شد.

شکستن محاصره تبلیغاتی دشمن و پروراندن نهال امید به آینده را نخستین جهاد جوانان میتوان برشمرد و اگر بتوانند با توصیه نمودن افراد جامعه چه در فضای مجازی و چه حقیقی به رعایت حقوق و تحقق عدالت موجب امید افزایی به آینده شوند.

جمع بندی و نتیجه گیری

امروزه یکی از راه های پیروزی و ظفرمندی جامعه اسلامی بر دشمنان قسم خورده این مرز و بوم، امید آفرینی در نهاد جامعه است، زیرا محرک قوای درونی انسان است و با توجه به اینکه فضای مجازی در زندگی روزمره افراد سهم به سزایی را به خویش اختصاص داده است از این رو جوانان مومن انقلابی می توانند در این فضا و بستر مناسب نقش خویش را به خوبی

در راستای امیدآفرینی ایفا نمایند و به عنوان دژ محکم و استوار جهت پاسداری و حراست از آرمان های انقلاب اسلامی استفاده نمایند. این پژوهش با عنوان نقش امیدافزایی جوان در فضای مجازی از منظر قرآن و حدیث و با تاکید بر بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام است. نتایج حاصله از تحقیق نقش امیدافزایی جوان در فضای مجازی با تاکید بر بیانات مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب عبارت اند از:

توکل و حُسن ظن به خدا: جوان، با پرورش حُسن ظن به خداوند در خود و القاء و تقویت این صفت در دیگران، توسط فضای مجازی می تواند نقش بسزایی را ایفا نماید. قشر جوان می توانند، جهت رشد و تعالی و رسیدن به منتهی الیه سعادت با حسن ظن به خداوند امیدآفرینی نموده و جامعه را هم نیز به این سمت سوق دهد.

توجه به نقاط قوت جوان: چنانچه جوان بخواهد در راستای رشد فردی گامی بردارد، باید بداند که نقاط قوتی وجود دارد که باید به آن ها توجه شود پس از اینکه به نقاط قوت جوان توجه شد، جوان با اعتماد به نفس بوجود آمده عملکرد بهتری خواهد داشت.

توجه به وعده الهی؛ تا زمانی که افراد جامعه خصوصاً نسل جوان که ذخیره انقلاب اسلامی هستند اگر در تمامی حالات و حوادث گوناگون در این دوران پرفراز و نشیب توجه به وعده های الهی داشته باشند و این امر را سرلوحه کار خویش قرار دهند میتوان نوعی امیدآفرینی در دل آنان ایجاد کرد که این، خود مقدمه ای برای سربلندی و رستگاری و نقش آفرینی است. بصیرت افزایی: اگر جوان بخواهد فردی عاقبت بخیر و موفق شود، ناگزیر به افزودن بصیرت است. در زمان کنونی یکی از ابزار های مهم که قابل دسترسی همگان است فضای مجازی است که جوانان با بصیرت، وارد عمل شده و سعی کنند از حوادثی که رخ میدهد به شکل عامیانه و ساده گذر نکرده تا از این طریق بتوانند بصیرت افزایی کنند و این بصیرت افزایی باعث امیدافزایی در جوان و انتشار آن در فضای مجازی توسط این گروه از جامعه می تواند موجب امیدافزایی شود. توصیه به استقامت و ایستادگی: انسان در اثر استقامت علاوه بر دست یافتن به تجربه، استعداد های نهفته اش آشکار تر می شود. به این

صورت میتوان از ظرفیتی که در بستر فضای مجازی که اکثریت جامعه به آن دسترسی دارند امیدافزایی کرد تا به این وسیله توان استقامت و ایستادگی آحاد مردم افزایش یابد. جوان باید ضعف و سستی را از خود دور سازد و با تنبلی و بی حوصلگی مبارزه کند. و جوان با ایجاد امید و افزودن آن در خود و در فضای مجازی نقش خود را تا حدی ایفا می نماید.

توصیه به خسته نشدن: گاهی در معاشرت با افراد مختلف که تبعا دارای ابعاد شخصیتی گوناگونی می باشند عکس العمل های متفاوت، گاهی تند و با پرخاش و حتی تا سر حد اهانت مواجه می شویم، در این لحظه عدم صبوری و خونسردی، خواسته یا ناخواسته موجب بروز اتفاقاتی جبران ناپذیر خواهد شد. آحاد جامعه می بایستی در چنین مواقعی از خود مایه گذاشته و صبوری کنند و دیگران را نیز توصیه به این امر پسندیده نمایند تا مانع از بروز اتفاقات ناگوار گردند.

توصیه به صبر: در دنیایی که حاکمان جور و ستمگر ادعای کدخدایی و ریاست بر آن را دارند و از طرفی قدرت رسانه ایی بالا و فضای در سیطره سیاست های شوم آنان است، جوانان پاک، مومن و انقلابی با تقویت همبستگی و صبوری و همدلی موجب امیدافزایی در جامعه شوند. و صبر نیز یکی از نقوشی است که جوان باید آن را اجرا نماید.

سفارش به حق: حق، ماهیتی است انکار ناپذیر که پایه گذار اساس انسانیت است، اگر جامعه به دنبال این است که به کمال و کامیابی برسد سعی و تلاش کند تا افراد جامعه را در مسیر حق قرار دهد و جوانان و نوجوانان را توصیه به حق و رعایت این اصل دینی و اخلاقی نماید، در صورت عدم رعایت حق، موجب پریشان حالی جامعه و بروز مشکلاتی از قبیل بی نظمی و بی عدالتی خواهد شد. شکستن محاصره تبلیغاتی دشمن و پروراندن نهال امید به آینده را نخستین جهاد جوانان میتوان برشمرد و اگر بتوانند با توصیه نمودن افراد جامعه چه در فضای مجازی و چه حقیقی به رعایت حقوق و تحقق عدالت موجب امیدافزایی به آینده شوند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سیدعلی نقی فیض الاسلام، بی جا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. ابن شعبه، حسن ابن علی، قرن ۴، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، جعفری، بهزاد، دوم، تهران، دارالکتب السلامیه
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴، لسان العرب، بیروت، ۱، اول، دارالفکر للطباعة و النشر و التوضیح
۵. تمیمی امدی، عبدالله، ۱۴۱۰ ق، غررالحکم و دررالحکم، درایتی، مصطفی، قم، ۱، اول، مکتب الاعلام الاسلامی
۶. تمیمی، آمدی، غررالحکم دررالحکم، ترجمه محمدعلی انصاری، ج،
۷. جهانگیر، عیسی، ۱۳۹۱، شیعه در فضای مجازی: رویکرد اجتماعی، قم، اول، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ
۸. حزائی، ابومحمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، تصحیح: علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه،
۹. حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۰۳۳ - ۱۱۰۴ ق، وسائل الشیعه، جلالی حسینی، محمد رضا، ۶، دوم، قم، مؤسسه آل البيت ﷺ الاحیاء التراث
۱۰. دشتی، محمد، ۱۳۸۶، ترجمه نهج البلاغه، قم، چهارم.
۱۱. جمال سیاح طاهری، محمد حسین، ۱۳۸۹، حقیقت مجازی (درباره فضای مجازی چه بدانیم و چه بگوییم؟) جهان مجازی - فضای حقیقی، تهران، مرکز ملی فضای مجازی
۱۲. کهنوند، محمد، ۱۳۹۵؛ شبکه عنکبوتی، قم، اول، انتشارات ذکری
۱۳. متقی، علی بن حسام، ۱۴۰۱ ق، کنز العمال، بیروت، لبنان، پنجم، مؤسسه الرساله
۱۴. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۰، بحار الانوار، محمدباقر محمودی، بیروت، اول، دار احیاء التراث العربی
۱۵. مفید، محمد بن محمد، ۳۳۶ - ۴۱۳ ق، امالی، استاد ولی، حسین، مشهد، ۱، دوم، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی

2. <https://www.ghbook.ir/index.php?lang=fa>
3. KHAMENEI. IR
4. <https://www.noormags.ir>

بیانیه گام دوم و روانشناسی

شاخص های سلامت معنوی در بیانیه گام دوم انقلاب از منظر قرآن و حدیث

حسن روشن (نویسنده مسئول)^۱

عباسعلی واشیان^۲

سیده عفت حسینی^۳

چکیده

سلامت معنوی، معنایابی و معنابخشی به روابط چهارگانه انسان با خدا، خود، خلقت و خلق برای رسیدن به نظام باور، گرایش و عمل یکپارچه توحیدی است که زندگی را هدفمند می‌سازد. بیانیه گام دوم انقلاب با نگاهی ویژه به معنویت و نقش آن در رشد جامعه و تمدن اسلامی، شاخص های سلامت معنوی را در ساحت های بینش، گرایش، و کنش در اختیار قرار می‌دهد که مستند به آیات و احادیث هستند. نوشتار پیش روی، این شاخص ها را از طریق جمع آوری و دسته بندی تمام آیات و روایات مربوط و استنطاق روشمند آنها و با کمک روش توصیفی - تحلیلی بر اساس آیات و احادیث، مستند سازی و تحلیل نمود. یافته ها

۱. دانشجوی دکتری قرآن و بهداشت و سلامت، جامعه المصطفی؛ elmvaamal@yahoo.com

۲. دکتری قرآن و بهداشت و سلامت؛ عضو هیات علمی جامعه المصطفی. sadra251@gmail.com

۳. دانش آموخته سطح سه حوزه علیه قم؛ elmvaakhlq@yahoo.com

نشان داد شاخص های بینشی شامل باور توحیدی؛ خودآگاهی معنوی؛ شناخت جایگاه و ارزش خانواده؛ دشمن شناسی؛ و باور به هدفمندی و معناداری طبیعت هستند. در بعد شاخص های گرایشی می توان به گرایش به فضائل و دوری از رذائل؛ امیدورزی به خداوند؛ و دیگر دوستی اشاره کرد. شاخص های کنشی عبارتند از دستگیری از نیازمندان، بندگی خداوند، و جلوه های عملی جهاد با نفس.

کلمات کلیدی: بیانیه گام دوم، گام دوم انقلاب، سلامت معنوی، معنویت، شاخص

مقدمه

در سال های اخیر، توجه به امور معنوی و گرایش به معنویت در میان مردم کشورهای جهان رو به افزایش رفته است و شور و گرایش مردم به معنویت گرایی، افق جدیدی را از سلامت معنوی پیش روی کارشناسان و صاحب نظران امر سلامت در جهان گشوده است به طوری که از تکنیک ها و مهارت های معنوی به عنوان روش درمانی مکمل در کنار متدهای درمانی مدرن بهره می برند. حضور کشیشان مسیحی در لباس مراقبان معنوی در بیمارستان های دنیا خبر از عصری جدید در توسعه درمان و سلامت می دهد و ضرورت بهره گیری صحیح از دین و اصول معنوی برگرفته از آن را بیش از قبل منعکس می کند.

دین پرفروغ اسلام که از ابتدای ظهور خود همواره از شعار تعالی خواهی و کمال انسان دم زده است و معنای حقیقی و هدفمندی زندگی انسان را در پیوند با آهنگ توحید و اتصال به وحی با پرچمداری هدایت رسالت و امامت می بیند، بیش از هر آیین دیگری دغدغه سلامت معنوی انسان را دارد و با جامعیت و غنای معارف معنوی ناب خویش، سلامت معنوی را برتر از سایر ابعاد سلامت و به مثابه چتری فراگیر بر سر آنها می بیند. از این رو شاخص هایی در بعد بینش، گرایش و کنش از طریق آیات و احادیث در اختیار قرار داده است.

در سالهای اخیر رهبر معظم انقلاب در مناسبت های مختلف به مصادیق و مولفه های معنویت و سلامت معنوی اشاره می کردند. بیانیه گام دوم انقلاب که در سال ۱۳۹۷ توسط

ایشان منتشر شد مهمترین و بهترین مجال را برای تبیین دقیق تر سلامت معنوی و شاخص های آن توسط معظم له به خود اختصاص داد.

نظر به اهمیت یافتن جایگاه مفهوم سلامت معنوی در سالهای پس از انقلاب اسلامی، همگام با وقوع تحولات گسترده در جهان و بازتاب آن در زندگی مردم ایران، رهبر معظم انقلاب در این بیانیه، معنویت را «برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه» تعریف کردند و همراهی آن با اخلاق را «جهت دهنده‌ی همه‌ی حرکات و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه» بیان کردند. ایشان در این زمینه فرمودند: «بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت میسازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند».

این بیانات و بیانات مشابه که در مناسبت های دیگر از ایشان شنیده شده است حاکی از آن است که معنویت به منزله بالی برای جامعه است. همانگونه که یک پرنده بدون بال، اساسا کارکرد خود را از دست می دهد و حتی یک بال نیز نمی تواند نیاز و هدف او از حیات را محقق سازد، جامعه اسلامی بدون اخلاق و معنویت در کنار یکدیگر، جامعه ای است که با وجود ثروتهای مادی، باز هم نمی تواند محیط مناسب برای رشد و اعتلای انسان باشد. بنابراین توصیف چنین جامعه ای به «جهنم» زیباترین توصیف و حاکی از سرنوشت ساز بودن وجود معنویت برای حرکت جامعه اسلامی به سمت تمدن اسلامی است.

وجه دیگر اهمیت سلامت معنوی از نگاه بیانیه گام دوم انقلاب، سرعت فزاینده دستگاه های رسانه ای دنیا در اطلاع رسانی و بمباران تبلیغاتی فراگیر آنهاست که دقیقا در جهت خلاف اخلاق و معنویت عمل می کنند و به تعبیر مقام معظم رهبری به «کانون های ضد معنویت و ضد اخلاق» بدل گشته اند. رسانه ها و بنگاه های خبرپراکنی دنیا هم می تواند در جهت معنویت و هم در خلاف جهت معنویت ایفای وظیفه کنند. رهبر انقلاب در بیاناتی دیگر با اشاره به این کارکرد دوجهی، فرمودند:

«امروز رسانه‌ها در دنیا فکر، فرهنگ، رفتار و در حقیقت هویت فرهنگی انسانها را القاء

میکنند و تعیین‌کننده هستند. رسانه‌ها میتوانند در بهبود وضعیت زندگی انسان مؤثر باشند؛ میتوانند در گسترش صلح و امنیت جهانی مؤثر باشند؛ میتوانند در ارتقای اخلاق و معنویت در میان انسانها مؤثر باشند و میتوانند انسانها را خوشبخت‌تر کنند؛ متقابلاً میتوانند وسیله‌ی برافروختن جنگهای خانمان‌سوز باشند...” (بیانات در دیدار مدیران و برنامه‌سازان رسانه‌ای کشورهای مختلف، ۱۳۸۵/۲/۲۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3340>)

نظر به نقش رسانه‌ها در آراستن جامعه به زیور معنویت و یا دور کردن آن از سلامت معنوی، می‌توان وجه دیگری برای اهمیت و ضرورت تبیین شاخص‌های سلامت معنوی در بیانیه گام دوم و مستندسازی آن به آیات و احادیث بیان کرد: از آن جهت که رسانه‌ها با معنا و بازآفرینی و انتقال معانی تصاویر و اخبار در ارتباط اند بهترین کانون برای رشد یا افول سلامت معنوی محسوب می‌شوند رهبر انقلاب با چنین حساسیتی، از وجود این پیوند مهم بین رسانه‌ها و سلامت معنوی خبر داده‌اند.

دست یازیدن انسان مدرن به نمادها و معانی مادی و گمراه‌کننده برای یافتن معنا و هدف نه تنها او را به آرامش حقیقی رسانده است بلکه در کوران هجوم معنویت‌های نوظهور و کاذب، او را به سمت نوعی تزلزل هویتی و از خودبیگانگی کشانده است. قرآن کریم خبر از چنین رویدادی داده است آنجا که می‌فرماید: *وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ* (و همانند آنان نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا هم آنان را نسبت به خودشان دچار فراموشی کرد) (حشر/۱۹)

مسئله سلامت معنوی از آنجا که با ساحت‌های گوناگونی مرتبط بوده و احاطه به همه‌ی ابعاد آن از فهم و درک بشر خارج است، ضرورت رجوع به آموزه‌های اصیل دینی برای یافتن شاخص‌های آن را دوچندان می‌کند. نوشتار پیش روی به مستندسازی دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم پیرامون شاخص‌های سلامت معنوی بر اساس آیات و احادیث می‌پردازد.

مفهوم شناسی

در این قسمت مفاهیم کلیدی پژوهش شامل بیانیه گام دوم انقلاب، شاخص، و سلامت معنوی از نظر لغوی و اصطلاحی تعریف می شوند.

بیانیه گام دوم

بیانیه معادل واژه انگلیسی statement یا manifestation است که در فرهنگ های فارسی با واژه های بیان نامه، اطلاعیه، اظهارنامه، آگهی و... مترادف در نظر گرفته شده است. در جایی دیگر برای معنای آن نوشته شده است: اطلاعیه یا نوشته ای که از سوی سازمان، حزب یا شخص مسئولی صادر شود. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در اصطلاح، از جمله اسناد بالا دستی نظام جمهوری اسلامی ایران است که رهبر معظم انقلاب به مناسبت فرارسیدن چهل سالگی انقلاب اسلامی ایران، در سال ۱۳۹۷ خطاب به ملت ایران صادر کردند و در آن دستاوردهای چهل ساله انقلاب اسلامی ایران و نقشه راه حرکت به سمت آینده ای روشن و زمینه سازی برای تمدن نوین اسلامی را خاطر نشان کردند.

شاخص

شاخص از ریشه «شَخَص» در زبان فارسی به معانی مختلفی بکار رفته است: برآمده؛ مرتفع؛ چشمگیر؛ برجسته؛ پارامتر؛ خطکش مدرج برای نقشه برداری (عمید، ۱۳۸۹: ۱۲۷۳/۲؛ دهخدا، ۱۳۸۱: ۸/۱۲۳۱). این واژه معادل واژه انگلیسی index است و یکی از کاربردهای گسترده آن در علم آمار است.

مراد از شاخص، معیاری است که به وسیله آن‌ها می‌توان کمیت، کیفیت و یا سقوط یک موضوع را اندازه‌گیری کرد. از آنجا که بررسی و تجزیه و تحلیل موضوعات نیازمند اطلاعات مناسب است، شاخص‌ها اولین مجموعه اطلاعات در مورد یک موضوع را به دست می‌دهند و در واقع، اولین پل ارتباطی کارشناس با موضوع مورد نظر است. تأثیر گسترده شاخص‌ها در شناخت موضوعات و به تبع آن در ارزیابی و برنامه‌ریزی، ضرورت اهتمام و دقت کافی در

تعیین شاخص‌ها را روشن می‌سازد (صالحی امیری و محمدی، ۱۳۸۹: ۲۲۶).
 شاخص‌های سلامت معنوی در حقیقت به منزله خط‌کشی هستند که شناخت دقیقی از سلامت معنوی می‌دهند و کمیت و کیفیت سلامت معنوی را با نگاهی وحیانی نشان می‌دهند. با استخراج شاخص‌های سلامت معنوی، وضعیت موجود رصد می‌شود، وضعیت مطلوب طراحی می‌شود و براساس آن فاصله وضعیت موجود از وضعیت مطلوب تخمین و راهبردهایی مشخص و براساس راهکارهایی به مرحله عملیاتی برسد (واشیان، بی تا: ۸۳).

سلامت معنوی

سلامت معنوی از ترکیب دو مفهوم «سلامت» و «معنوی» بدست آمده است. سلامت، مصدری است فارسی است به معنی سالم بودن، که در فرهنگ‌های لغت فارسی به معانی بی‌گزند شدن، بی‌عیب شدن، تندرستی و عافیت بکار رفته است. این واژه معادل با بهداشت نیز بکار می‌رود زیرا «بهداشت» در لغت به معنای نگه داشتن، تندرستی و پیشگیری آمده است. در زبان عربی، معادل بهداشت و سلامتی، واژگانی نظیر صحت، وقایة الجسم، حفظ الصحه؛ سلامة الجسم، صحة البدن و العافیه آمده است (مجلسی، بحارالانوار، ۷۸/۵۹؛ قطب‌الدین راوندی، الدعوات، ۸۱).

معنوی در زبان عربی، اسم منسوب و از معنا گرفته شده است. معنویت در انگلیسی از ریشه لاتین spiritus به معنای تنفس یا نفس کشیده گرفته شده است. در زبان لاتین از Spiritual به معنی معنوی و روحانی یا غیرمادی تعبیر می‌شود. معنویت از منظر رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم، از شعارهای جهانی انقلاب اسلامی و دارای مصادیق متعددی از قبیل ذکر و دعا و روحیه‌ی برادری و ایثار، اعتکاف، و نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب و در یک کلام، ایمان دینی است.

بنابراین می‌توان سلامت معنوی را نیز با اتخاذ این نگاه و در ارتباط با خود، خداوند،

خلقت و خلق، تعریف کرد.

پیشینه تحقیق

بحث از سلامت، تعاریف و رویکردهای آن قدمتی به بلندای چند هزار سال دارد و پیشینه آن را به حدود ۳۹۰۰ سال قبل از میلاد مسیح برگردانده اند. حساسیت و پیگیری جمعی انسان ها نسبت به مقوله سلامت باعث شد بعد از دهها قرن نهایتاً مقارن با پایان یافتن جنگ جهانی دوم، اساسنامه سازمان جهانی بهداشت تصویب شود و این سازمان از ۱۹۴۸ رسماً آغاز به کار کند. در ابتدا سه بعد برای سلامت تصور شده بود: سلامت جسمی، روانی و اجتماعی. اما به تدریج بعد دیگری به نام سلامت معنوی نیز وارد ادبیات پزشکی گردید.

اگر سلامت جسمی از ضرورت توجه به سبک تغذیه، خواب، مراقبت از بدن، ورزش، محیط زیست سالم، شرایط سالم کاری، و امنیت صحبت می کند؛ اگر سلامت روانی از عشق، دوستی، اعتماد به نفس و پرورش حالات مثبت روان شناختی حرف می زند؛ اگر سلامت اجتماعی، از نحوه ارتباط سالم با جامعه، توانایی تعامل مؤثر با افراد دیگر و محیط اجتماعی، رضایتمندی از روابط بین فردی و ایفای نقش دم می زند؛ سلامت معنوی، فراتر از همه اینها، بعد روحانی وجود انسان را هدف گرفته است و در ارتباط با خود، خدا، دیگران و امور مقدس، معنا پیدا می کند.

در سال های اخیر، توجه به امور معنوی و گرایش به معنویت گرایی، افق جدیدی را از سلامت معنوی پیش روی کارشناسان و صاحب نظران امر سلامت در جهان گشوده است به طوری که از تکنیک ها و مهارت های معنوی به عنوان روش درمانی مکمل در کنار متدهای درمانی مدرن بهره می برند. حضور کشیشان مسیحی در لباس مراقبان معنوی در بیمارستان های دنیا خبر از عصری جدید در توسعه درمان و سلامت می دهد و ضرورت بهره گیری صحیح از دین و اصول معنوی برگرفته از آن را بیش از قبل منعکس می کند.

در کنار این علاقه فزاینده، پژوهش هایی نیز صورت گرفته است و ارتباط معنویت با

مولفه های روانی، اجتماعی و سایر مولفه ها بررسی شده است. پژوهش هایی در زمینه نقش دین در تعیین حدود و وجوه سلامت معنوی و شاخص های آن صورت گرفته است. برای مثال یافته های پژوهشی نشان می دهد که گزاره های وحیانی و دینی، ضمن بیان شاخص های تجویزی در سلامت معنوی، به شاخص های تحذیری نیز می پردازند.

برخی از شاخص های سلامت معنوی در روابط چهارگانه انسان با خود، خدا، خلق و خلقت عبارتند از: دعا، بندگی، خودشناسی، آداب سخن گفتن، اطاعات و احترام متقابل اعضای خانواده؛ صلح، انفاق، ارتباط صحیح با جوانان (واشیان، بی تا: ۸۶).

مرزبند و زکوی (۱۳۹۱: ۶۹) نیز در پژوهشی به شاخص هایی برای سلامت معنوی از آیات و روایات دست یافتند. یافته های آنها نشان داد سلامت معنوی دارای مولفه های شناختی، احساسی، رفتاری و پیامدی می باشد. انسان معنوی برخوردار از اندیشه یا تعقل ویژه نسبت به خدا، انسان و خلقت و رابطه متقابل آنها می باشد. این تعلق، پرده ظواهر را دریده و به حقیقت باطنی دست یافته است. چنین انسانی تمام زندگی اش جهت گیری الهی پیدا می کند و از حالات معنوی ویژه ای چون حب به خداوند، دگردوستی، توکل، و شرح صدر برخوردار است و از سلامت جسمی و روانی بیشتری بهره می برد.

شاخص های سلامت معنوی در بیانیه گام دوم انقلاب

در این قسمت مهمترین شاخص های سلامت معنوی از منظر بیانیه گام دوم انقلاب که مستندات آن در آیات و روایات وجود دارد بر پایه ارتباطات چهارگانه انسان با خود، خداوند، خلق و خلقت و در سه محور بینش، گرایش و کنش دسته بندی شده اند و عبارتند از:

شاخص های بینشی

یک) باور توحیدی

زندگی معنادار، آن است که در آن، هدف واقعی و اصیل زندگی، معین و کشف شده باشد. کسی که هدف واقعی زندگی را تشخیص نداده است و غیرهدف را هدف پنداشته است و همچنین کسی که هدف را شناخته، اما در راستای تحقق آن، زندگی نمیکند، در حقیقت از زندگی معنادار برخوردار نیست، حتی اگر خودش، احساس بی معنایی نداشته باشد.

هدف داشتن و معناداری يك عمل، معنویت را تأمین نمیکند چرا که معنویت به معنای معناداری کل زندگی است و نه تنها بخشی از آن. لذا برای برخورداری از معنویت و زندگی معنادار، اولین شرط آن است که فرد همه اعمالش در زندگی را در راستای هدفی واحد تنظیم کند. رسیدن به این هدف واحد از منظر قرآن کریم و احادیث، جز از طریق باور به توحیدی بودن تمام کائنات و روابط بین آنها میسر نمی شود.

داشتن باور توحیدی نسبت به تمام امور و فعل و انفعالات هستی و افعال خداوند، سرچشمه شکل گیری گرایش توحیدی و به دنبال آن بروز کنش و رفتار توحیدی از انسان می شود. چنین باوری در صورتی حقیقی است که بر محور علم، آگاهی و معرفت باشد، نه بر پایه تقلید. از این رو خداوند دستور می دهد: فاعلم أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ^۱.

داشتن باور توحیدی باعث ایجاد معنا در حیات و زندگی می شود چون هر جهان بینی، به انسان هدفی می دهد که در پرتو آن آرمان سازی و شوق انگیزی و آرزوسازی می کند و در قبال آن آرمانها، تعهد و مسئولیت سازی می کند و این برهان و استدلال است که افکار باطل از زندگی را دور می سازد و به واقعیت و یقین آشنا می سازد. برخی دیگر از نتایج بینش توحیدی، زدودن بیم و اندوه، طمانینه قلبی، و افزوده شدن ایمان است. برای مثال در دو آیه از قرآن

کریم می توان این واقعیت را دید:

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ.^۱

این آیه نشان می دهد عامل بارور سازی و تقویت ایمان، مقاومت مستمر و طولانی است. در حقیقت ایمان صرف نمی تواند انسان را به مرحله اطمینان قلبی برساند زیرا چه بسیار مومنانی بوده اند که اگرچه از ایمان برخوردار بودند اما از آن جهت که یارای ایستادگی مداوم و مستمر در مسیر حق نداشتند و عاقبت تسلیم وسوسه های شیطان شدند. از این رو در آیه ای دیگر خداوند ایمان را در کنار اطمینان یافتن قلوب با ذکر خدا، از نشانه های هدایت شدگان معرفی کرده است:

الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَّا يَذْكُرِ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ.^۲

رهبر معظم انقلاب در فرازی از بیانیه گام دوم انقلاب، نعمت انقلاب اسلامی را برگرفته از ارزش های اصیلی می دانند که با ایمان دینی مردم آمیخته است: «انقلاب اسلامی همچون پدیده ای زنده و بااراده، همواره دارای انعطاف و آماده ی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدید نظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان میدهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرفهای بی عمل می شمارد، اما به هیچ بهانه ای از ارزشهایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمیگیرد.»

ایشان در مناسبتی دیگر با اشاره به اصل توحید به عنوان ستون اصلی انقلاب اسلامی، این اصل را حرف نوی انقلاب به جهان خواندند و آن را «حاکمیت ارزش های الهی بر جامعه و نفی حکومت های طاغوتی، استبدادی، فاسد و طغیانگر بر ارزش های انسانی و اصیل» دانستند (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه های استان زنجان، ۲۲/۷/۱۳۸۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3199>).

۱. فصلت/۳۰.

۲. رعد/۲۸.

ایشان همین اصل را در استمرار این انقلاب لازم دانستند: «اگر انقلاب متکی به اعتقاد دینی و ایمان اسلامی نبود نمی توانست پیروز شود. ایمان یکایک مردم بود که توانست این حرکت را به وجود آورد و استمرار بخشد.» (همان).

باور به توحید، کارکردهای متعددی در زندگی دارد. یکی از مهمترین کارکردهای آن قرار گرفتن انسان در مسیر تربیت توسط خداوند است. پیامبر اسلام در حدیثی از زبان خداوند چنین می فرماید: «لَا أَطْلُعُ عَلَى قَلْبٍ عَبْدٍ فَأَعْلَمُ مِنْهُ حُبَّ الْإِخْلَاصِ لِرِطَاعَتِي لَوْجَهِي وَإِتِغَاءَ مَرْضَاتِي إِلَّا تَوَلَّيْتُ تَقْوِيمَهُ وَسِيَاسَتَهُ (مجلسی، ج ۸۲، ۱۳۶)؛ هرگاه دل بنده ام را بنگرم و دریابم که از روی اخلاص و برای خشنودی من طاعتم را به جا می آورد، اصلاح و تربیت او را خود به عهده می گیرم.

رهبر معظم انقلاب مهمترین مشکل دنیای امروز را جدایی از خدا و اعتقاد به خدا و التزام به اعتقاد به خداست. ایشان راهکار حل مشکلات بشریت را حل کردن مساله مبدا می دانند و می فرمایند: «اگر مسئله‌ی مبدأ حل شد، بسیاری از مسائل حل خواهد شد...» «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ.» وقتی انسان اینجور توحیدی را معتقد بود، وقتی توانستیم این اعتقاد را در بدنه‌ی زندگی خودمان بسط دهیم، این مشکل اساسی بشریت را حل خواهد کرد.» (بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۹/۱۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10664>)

دو. خودآگاهی معنوی

خودآگاهی معنوی همان باور فرد درباره‌ی خدا و جهان و ارزشها و استانداردهای اخلاقی و مسائل زندگی، مانند بیماری و گرفتاری، براساس الگوهای معنوی دینی است. این خودآگاهی سبب می شود فرد با بقیه افراد در ابعاد و ویژگیهای شخصیتی و رفتاری تفاوت داشته باشد (احمدی فراز، ۱۳۹۵: ۴۷)

ضرورت ارتباط با خود و شناخت نفس، یک قطعه از پازل خداشناسی و سرآغازی بر

درک رابطه خود با هستی محسوب می شود. این مساله تا جایی اهمیت دارد که خودشناسی در احادیث، بر خداشناسی تقدم یافته (فخررازی، ۱۴۲۰: ۹۱/۱) و معرفه النفس در زمره کلید تمامی علوم و دانش ها در نزد فیلسوفان مسلمان جای گرفته است (ر.ک. ملاصدرا، ۱۳۷۱: ۱۷۳/۴) با بررسی آیات و روایات، این چنین بدست آمد که خداوند در برخی آیات، با ذکر نشانه‌هایی در وجود انسان، آنها را از این جهت مهم می داند که شناخت آن‌ها منجر به شناخت خود و در نتیجه پیدا کردن مسیر و راه سعادت است: *وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ*^۱.

وجه دیگر اهمیت خودآگاهی معنوی، نقش آن در هدف گذاری صحیح انسان برای خود است. در قرآن کریم به لزوم شناخت خود و به کارگیری قوه عقل و بینایی و شنوایی در تصمیم گیری های زندگی اشاره شده و افراد فاقد هویت انسانی را اینگونه توصیف کرده است: گروهی از انسان ها دل‌هایی بدون ادراک و گوش‌های ناشنوا و چشم‌های نابینا دارند. آنها همچون چهارپایانند، بلکه گمراه‌تر! اینان همان غافلانند.^۲

از دیدگاه قرآن، غفلت، عامل اصلی بحران هویت است؛ چرا که غفلت، شخص را از هدف نهایی خلقت خویش باز می دارد و او را به سمت پوچی و بی‌هدفی یا اهدافی واهی و غیر صحیح سوق می دهد. اصطلاح «خود فراموشی»، به عنوان یکی از عوامل بحران هویت در قرآن آمده است که به دنبال آن، فراموشی خدا می آید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ». و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به «خود فراموشی» گرفتار کرد، آنها فاسقانند.^۳

غفلت از خویشتن، نتیجه ای جز غفلت از خدا، خروج از مسیر حرکت توحیدی نظام هستی و گرفتار شدن به افات و بلاها ندارد چرا که خداوند وعده داده است عاقبت افرادی که خدا را از یاد برده اند اینگونه است: *وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ*

۱. ذاریات/۲۱.

۲. اعراف/۱۷۹.

۳. حشر/۱۹.

الْقِيَامَةِ أَعْمَى. و هرکس از یاد من روی گرداند، پس همانا برای او زندگی تنگ و سختی خواهد بود و ما او را در قیامت نابینا محسور می‌کنیم.^۱

اهمیت دیگر خودآگاهی معنوی برای انسان، خودسازی معنوی است. آدمی با اطلاع از استعدادهای خود می‌تواند به شناسایی مقدمات ضروری تحقق آن استعدادها روی آورد و موانع تحقق آن‌ها را نیز بشناسد. پرورش خود نیز بدون اطلاع از استعدادهای خود و نیازها و موانع فعلیت یافتن استعدادها امکان پذیر نیست. بنابراین خودشناسی منجر به خودسازی و تهذیب نفس می‌شود. از این رو آدمی در فرآیند شناخت خود، به جهاد با آن برمی‌خیزد چنانچه امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ جَاهِدَهَا، مَنْ جَهَلَ نَفْسَهُ أَهْمَلَهَا؛ (تمیمی آمدی: ۷۸۵۵-۷۸۵۶). هرکه نفس خود را شناخت، به جهاد با آن برخاست و هرکه آن را نشناخت، به حال خود رهایش ساخت.

کسی که به مقام خودآگاهی معنوی دست پیدا کند در ارتباط با خدا، خود را فرع و خداوند را اصل می‌بیند، خود را مظهري از چشمه حقیقت و صفات الهی می‌داند اما کسی که خود را گم کرد، در حقیقت اصل و مبدا حقیقی خود را گم کرده است.

دوران جوانی، بهترین فرصت برای کسب خودآگاهی معنوی و صیقلی نمودن آئینه قلب از زنگار است. از این رو رهبر انقلاب در سال‌های اخیر ضمن نامه ای خطاب به جوانان اروپا، با اشاره به لزوم کسب خودآگاهی و دعوت به تفکر در خود و گذشته تاریخی کشور خود، دلیل مخاطب قرار دادن جوانان را سرزنده تر بودن حس حقیقت جویی در درون آنان بیان نمودند:

من شما جوانان را مخاطب خود قرار میدهم؛ نه به این علت که پدران و مادران شما را ندیده می‌انگارم، بلکه به این سبب که آینده‌ی ملت و سرزمینتان را در دستان شما می‌بینم و نیز حس حقیقت جویی را در قلبهای شما زنده‌تر و هوشیارتر می‌یابم. همچنین در این نوشته به سیاستمداران و دولتمردان شما خطاب نمی‌کنم، چون معتقدم که آنان آگاهانه راه

سیاست را از مسیر صداقت و درستی جدا کرده‌اند.

سه. شناخت جایگاه و ارزش خانواده

اولین نهادی که فرد، برقراری ارتباط را در آن می‌آموزد و محل ارتقاء سلامت معنوی افراد محسوب می‌شود خانواده است. خانواده در نظام سلامت معنوی قرآن و حدیث، مامنی برای آرامش اعضاء، تامین نیازهای عاطفی و غریزی و معیشتی و جایگاهی برای رسیدن انسان به رشد مطلوب و آماده سازی برای ورود به عرصه اجتماع است. در قرآن کریم از پیوند زن و مرد و تشکیل خانواده به عنوان یکی از نشانه های خداوند و وسیله ای برای آرامش و مودت یاد شده است. در روایت آمده است که هیچ بنایی نزد خداوند محبوب‌تر از بنای خانواده نیست. (مجلسی، ۴۰: ۲۲۲، ح ۱۰۳)

شناخت جایگاه خانواده و ارزش آن به تنهایی در تنظیم روابط انسان با خانواده کفایت نمی‌کند بلکه لازم است معیارهای تشکیل چنین خانواده ای نیز به درستی انتخاب شود. همسری که با خانواده توحیدی مد نظر دین هماهنگ باشد در روایات با اوصافی نظیر دین دار بودن و خوش اخلاق بودن توصیف شده است. رسول خدا ﷺ درباره اهمیت ازدواج با زن دیندار فرمودند:

مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لِمَالِهَا وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَمَنْ تَزَوَّجَهَا لِحَمَالِهَا رَأَى فِيهَا مَا يَكْرَهُ وَمَنْ تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا جَمَعَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۱) هر که با زنی به خاطر مالش ازدواج کند، خداوند او را به مال وی واگذار می‌کند، و هر که با او به خاطر جمال و زیبایی اش ازدواج نماید، در او چیزی را که خوشایند او نیست، خواهد دید، و هر که با وی به خاطر دینش ازدواج کند، خداوند تمامی این مزایا را برای او جمع می‌کند.

زمانی نقش کلیدی خانواده را در بیانیه گام دوم انقلاب درک می‌کنیم که به تعبیر مقام معظم رهبری درباره «جوانان» توجه داشته باشیم. مخاطب اصلی این بیانیه جوانان اند و طبعاً برای محقق شدن آرمان بزرگی چون ایجاد تمدن نوین اسلامی، جوانانی می‌خواهیم که «مؤمنانه و متعهدانه» در جهت محقق شدن این تمدن بزرگ حرکت کنند و به تعبیر رهبری

حکیم «نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند». بدیهی است رشد و بالندگی چنین جوانانی جز در بستری متعالی و بالنده به نام خانواده محقق نمی شود. بنابراین لازم است خانواده ای با چنین نگاهی و متشکل از زن و مردی اخلاقی و متدین تشکیل شود تا زمینه تولد و تربیت چنین افرادی مهیا شود. رهبر معظم انقلاب مسئولیت خطیر ایجاد بینش معنوی در انسان را بر عهده مادران و زنان نهاده اند و در مناسبت های مختلف از نقش انسان سازانه آنان سخن به میان آورده اند: «اگر زن ها با قرآن مانوس بشوند بسیاری از مشکلات جامعه حل خواهد شد...» (بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور، ۱۳۸۸/۷/۲۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8259>)

چهار. دشمن شناسی

بخشی از اعتقادات دین اسلام به ارتباط با غیریت های دینی اشاره می کنند. غیریت های دینی اعم از اهل کتاب، و ملحدان است. ملحدان دو دسته اند: دسته اول کسانی هستند که در عین کفر و شرک کاری به اعتقادات مسلمانان ندارند، نه عداوت می ورزند، و نه با آنها پیکار می کنند. به حکم قرآن کریم، چنانچه در سرزمین های اسلامی زندگی می کنند با این گروه لازم است بنابر شرایط اهل ذمه برخورد شود و چنانچه خارج از قلمرو مرزهای اسلامی هستند بر اساس اصل نیکی و عدالت.

اما گروه دوم کسانی هستند که دشمنان اعتقادات دینی محسوب می شوند، کسانی هستند که از مسیر اعتقادات و باورها نفوذ می کنند و مسیر فکری افراد را تغییر می دهند. در آیه ۱ سوره ممتحنه به جایز نبودن دوستی با این افراد اشاره شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ».

بنابراین برای درامان ماندن از آسیب های معنوی این گروه لازم است رویکردی شجاعانه و قدرتمندانه در پیش گرفته شود و از هر گونه دخالت یا مسیر نفوذ دشمنان به درون مرزهای اعتقادی خود و اطرافیان خود جلوگیری به عمل آید.

تحقق این راهکار، قبل از هر چیز نیازمند داشتن شناختی دقیقی و صحیح از دشمن و

راه های نفوذ اوست. شناخت دشمن از ضروریات اولیه هر مبارزه و از محوری ترین مسائل دفاعی جامعه است. با شناخت دشمن می توان بقای خود و جامعه را تضمین کرد، احتمال پیروزی و شکست را تعیین کرد، و به ایجاد زمینه های دفاعی همت گماشت.

در قرآن کریم واژه عدو و اعداء بارها تکرار شده و آیات متعدد، چهره دشمنان اسلام و راه های مقابله با شیوه های نفوذ آنان را به خوبی تبیین نموده است. در روایات نیز دشمن شناسی از نشانه های عاقلان محسوب شده است: «أَلَا وَ إِنَّ أَعْقَلَ النَّاسِ عَبْدٌ عَرَفَ رَبَّهُ فَاطَاعَهُ وَعَرَفَ عَدُوَّهُ فَعَصَاهُ.» (بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۷۹)

بیانیه گام دوم انقلاب نگاه ویژه ای به دشمن شناسی و شناخت استکبار جهانی و شگردهای مبارزه داشته است. رهبر معظم انقلاب در بخشی از این بیانیه فرمودند: «اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه های جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه ی غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین های اشغالی و دفاع از پرچم برفراشته ی حزب الله و مقاومت در سراسر این منطقه است.»

ایشان همچنین با بیان تقابل دوگانه ی جدید «اسلام و استکبار» به عنوان پدیده ی برجسته ی جهان معاصر، راهکار غلبه بر این دشمن را قدرت عظیم ایمان و انگیزه ی این ملت و رهبری آسمانی و تأیید شده ی امام عظیم الشان بیان کردند.

در بخشی دیگر از این بیانیه با اشاره به عبرت اندوزی از وقایع گذشته، به انگیزه و فعالیت های دشمن از دشمنی با این انقلاب اشاره کردند: «دشمنان انقلاب با انگیزه های قوی، تحریف و دروغ پردازی درباره ی گذشته و حتی زمان حال را دنبال میکنند و از پول و همه ی ابزارها برای آن بهره میگیرند. رهنان فکر و عقیده و آگاهی بسیاریند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده نظامش نمیتوان شنید.»

پنج. باور به هدفمندی و معناداری طبیعت

محیط زیست، بستر زندگی آدمی و گهواره حیات و بقای اوست. این کره خاکی گرانبقدر که شتابان در حال حرکت است و برای آدمیان، گهواره ای رام و آرام فراهم کرده است بزرگترین نعمت الهی و از آن همه نسل های بشریت است. حال آنکه در معنویت اسلامی، طبیعت به مثابه امری ذی شعور و جلوه ای از قدرت و شکوه پروردگار، همواره به تسبیح خدای متعال مشغول است،^۱ لذا ماهیتی روحانی و مقدس دارد.

در قرآن کریم در بیش از ۷۵۰ آیه با اشاره به ظواهر طبیعت و ابعاد گوناگون و زیبایی های آن، ما را به مطالعه کتاب طبیعت و پندآموزی از آن راهنمایی می کند. دسته ای از آیات اشاره دارند که هر آن چه در آسمان ها و زمین است به تسبیح خدای متعال مشغولند: *يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ*^۲ خداوند در برخی آیات انسان را به نظر افکندن به آفرینش آسمان ها و زمین و تفکر در خلقت توصیه می کند و این عمل را از اعمال صاحبان خرد و اندیشه معرفی می کند: *إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ*^۳.

در دسته ای دیگر از آیات، زنده شدن طبیعت در فصل بهار از آثار رحمت خداوند معرفی شده و با زنده شدن انسان در روز قیامت تشبیه شده است. معرفی طبیعت و تحولات آن به عنوان یکی از آثار رحمت خداوند در حق بندگان خویش، انسان را بر آن می دارد در برابر چنین طبیعتی مسئولانه و قدرشناسانه برخورد کند و اجازه تعدی و تصرف ناروا در آن را به خود و دیگران ندهد. بنابراین رابطه ای معنوی با طبیعت برقرار می شود و اقدامات انسان در خصوص طبیعت، معنادار و هدفمند می گردد.

رهبر معظم انقلاب در مناسبتی، از طبیعت به عنوان پدیده ای محترم یاد کردند و

۱. جمعه ۱/

۲. آل عمران/ ۱۹۰.

۳. آل عمران/ ۱۹۰.

فرمودند: «اینها همه نعمتهای خدائیانند؛ از این نعمتها باید استفاده کرد، ولی درست؛ باید استفاده کرد، ولی با رعایت حریمهای الهی؛ باید استفاده کرد، ولی با احترام به ارزشها و دین و اخلاق این مردم؛ ارزشهایی که آنها را در طول سالیان دراز در میدانهای سخت نگه داشته.» (بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸/۷/۱۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8178>)

شاخص های گرایشی

یک. گرایش به فضائل و دوری از رذائل

انسان با مراجعه به خویش درمی یابد که گرایش به صفات اخلاقی نیک دارد و از رذایل اخلاقی گریزان است. جامعه مطلوب انسانی از منظر قرآن کریم و احادیث با فضیلت ها پیوند عمیق و ناگسستنی دارد، نه با رذیلت ها. بنابراین خودسازی حقیقی زمانی محقق می شود که آدمی این گرایشات فطری را در درون خود زنده و بیدار کند و نسبت به آنها ممارست ورزد. اساسا رسالت پیامبران الهی، متخلقی ساختن مردم به اخلاق الهی و بیدار کردن فضایل اخلاقی در نهاد غافل و فراموشکار بشر بوده است همچنانکه حضرت علی علیه السلام در خطبه یک نهج البلاغه به فراموشی در انسان اشاره کردند:

«فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِثْلَاقِ فِطْرَتِهِ وَيَذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَةَ نِعْمَتِهِ وَ يَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ وَ يُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ... پس خداوند رسولش را در میان آنان برانگیخت و پیامبران را پی در پی به سوی آنان روانه ساخت تا وفای به پیمان فطرت را آنها بخواهند و نعمت های فرموش شده او را یادآور شوند و با ابلاغ وحی الهی، حجت را بر آنان تمام کنند و گنجینه های عقول را بر ایشان آشکار سازند...»

«گرایش به فضایل اخلاقی، یکی از گرایشات فطری انسان است که باعث می شود وجدان آدمی، او را به ملامت و سرزنش گری از انجام اعمال زشت وا دارد. انسان به حکم اینکه دارای شرافت و کرامت ذاتی است که همان جنبه ملکوتی و نفخه الهی است،

ناآگاهانه آن کرامت را احساس می کند. بعد در میان کارها و ملکات هرکدام که مناسب با آن جنبه بود، خیر و فضیلت و هرکدام که مناسب نبود، ردیلت می داند. در قرآن کریم نیز از این حقیقت یاد شده است آنجا که برای نفس انسان قابلیت الهام فجور و تقوا بیان کرده است. ” (مطهری، بی تا: ۲۰۵ - ۲۰۸)

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب، ترویج فضائل اخلاقی را به عنوان یکی از شعارهای محوری انقلاب اسلامی دانستند و با اشاره به شعارهای جهانی، فطری، درخشان و همیشه زنده‌ی انقلاب اسلامی، از نقش بی نظیر امام خمینی علیه السلام در گسترش اخلاق گرایی در جامعه سخن گفتند:

«این پدیده‌ی مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تطاول تبلیغات مروج فساد و بی بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و بخصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی بویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد.» (بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

دو. امیدورزی به خداوند

چنانچه در قسمت قبل گفته شد از جمله شاخص های بینشی در ارتباط با خداوند، باور به توحید است که اساس دین اسلام محسوب می شود. اعتقاد به توحید، زمانی انسان را از وادی شرک نجات می دهد که در مقام عمل قرار گیرد. از این رو لازم است توحید عملی را بشناسیم. در غیر این صورت، ممکن است کسی در مقام نظر و عقیده، موحد باشد، اما در مقام عمل مانند مشرکان و کافران زندگی کند. این تضاد و تعارض میان عقیده و رفتار، در

ابعاد مختلف وجودی انسان تاثیرگذار خواهد شد.

برای آن که انسان در مقام عمل به توحید برسد و موحد شود لازم است از هر چه غیر خداست منقطع شود و فقط متوجه خدا گردد. برای آنکه آدمی از غیر خدا منقطع شود و فقط متوجه او گردد باید از غیر خدا ناامید شود. ناامیدی از غیر خدا، موجب اضطراب انسان می شود. وقتی انسان به مقام اضطراب رسید موحد شده و فقط متوجه خدا می شود.

رهبر معظم انقلاب امیدورزی را در ارتباط با بهجت معنوی می دانند و در مناسبتی فرمودند: «البته یکی از مایه های مهم امید عبارت است از توکل به خدای متعال؛ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ وقتی شما اهل تقوا بودید، پاکدامن بودید، رعایت امر و نهی الهی را کردید، خدا با شما است. وقتی خدا با انسان است یعنی پیروزی با انسان است، موفقیت با انسان است، شادکامی با انسان است، بهجت معنوی با انسان است.» (بیانات در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر علمی، ۱۳۹۸/۷/۱۷، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43719>)

سه. دیگر دوستی

همانطور که انسان با کسب معرفت خداوند به او گرایش پیدا می کند و خدادوست می شود نسبت به دیگران نیز چنین حسی پیدا می کند. از آثار محبت خدا و خدادوستی در ارتباط با دیگران آن است که: *بِهِ يَعْمُرُ اللَّهُ تَعَالَى بِلَادَهُ وَبِكِرَامَتِهِ يُكْرِمُ اللَّهُ عِبَادَهُ*؛ خداوند شهرها و کشورها را به واسطه وجود چنین کسی آباد می کند و به واسطه احترام و ارزشی که برای این شخص قائل است به دیگران هم احترام می گذارد. *يُعْطِيهِمْ إِذَا سَأَلُوهُ بِحَقِّهِ وَيَدْفَعُ عَنْهُمْ الْبَلَايَا بِرَحْمَتِهِ*؛ اگر مردم از خدا به حق چنین کسی، چیزی بخواهند، خدا خواسته شان را ادا می کند. و به واسطه رحمتی که خدا به چنین بنده ای می دهد بلاها را از دیگران دفع می کند. *لَوْ عَلِمَ الْخَلْقُ مَا مَحَلُّهُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَنْزِلَتُهُ لَدَيْهِ مَا تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ إِلَّا بِتُرَابٍ قَدَمَيْهِ*؛ اگر مردم می دانستند که دوست دار خدا چه قرب و منزلتی پیش خدا دارد، به چیزی غیر از خاک پای او، به خدا تقرب نمی جستند. (بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۳)

در قرآن کریم و روایات، ملاک هایی برای برگزیدن دوست خوب بیان شده است. دوست داشتن دیگران در سطحی عمیق تر باید همراه با احترام به آنان باشد. بر اساس آموزه های قرآنی، انسان از کرامت ذاتی برخوردار است و شایسته احترام. خداوند در قرآن کریم ضمن بیان کلیاتی درباره چگونگی احترام گذاشتن، موارد و مصادیق جزئی را نیز مطرح می کند تا انسان ها بیاموزند که چگونه باید حرمت یکدیگر را نگاه دارند. برای مثال بلند نکردن صدای خود در محضر پیامبر خدا، تقدیم سلام و با خوش رویی با شخص، احسان و کمک به والدین، احترام گذاشتن به قوانین و شعائر الهی. در قرآن کریم آمده است افرادی که در نزد خداوند خوار شدند، فاقد هرگونه احترامی هستند، چرا که خود حرمت خویش را نگه نداشتند و از کرامت الهی سود نبردند پس سزاوار بی حرمتی هستند.^۱

یکی از جلوه های حقیقی دیگردوستی به برکت انقلاب اسلامی برای کشور ما پدید آمد و در انواع مشارکت های مردمی جلوه گر شد. رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم با اشاره به دستاورد مشارکت مردمی فرمودند: «مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه های داخلی، حضور در صحنه های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک رسانی ها و فعالیت های نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه ی خدمت رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت میکنند.»

شاخص های کنشی

یک. جهاد با نفس

انسان معنوی همیشه درصدد شناخت خود است^۲ و به جهاد با نفس میپردازد چنانچه

۱. حج/ ۱۸.

۲. مائده/ ۱۰۵.

پیامبر دشمن ترین دشمن انسان را نفس انسان نامیده اند و فرمودند: أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ (تنبيه الخواطر: ۲۵۹/۱) دشمن ترین دشمن تو نفس توست که در میان دو پهلوئی توست. از این رو خداوند از همه مومنان خواسته که: «قُوا أَنْفُسَكُمْ...»^۱ یعنی مراقب خودشان باشند. لذا انسانی که از سلامت معنوی برخوردار است همواره مراقب نفس خود است و می کوشد با مشارطه، مراقبه و ومحاسبه، نفس خود را کنترل و اعمال آن را در راستای هدف واحد یعنی توحید هماهنگ سازد.

از سویی دیگر این دستور صریح روایی است که از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نقل شده است: «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسِبُوا وَزُنُوهَا قَبْلَ أَنْ تُزُنُوا وَتَجَهَّزُوا لِلْعَرْضِ الْأَكْبَرِ. پیش از آنکه به حساب شما برسند خود به حساب خویش برسید، و قبل از آنکه مورد سنجش قرار گیرید خویشتان را بسنجید، و خود را برای رستاخیز بزرگ آماده کنید.» (حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۹۹)

بهترین مدل خودارزیابی در دین مبین اسلام بر مبنای مشارطه، مراقبه، محاسبه، و معاتبه معرفی شده است که نوعی جهاد با نفس محسوب می شود. امام صادق ع می فرمایند: خوشا بحال بنده ای که برای خدا با نفس و هوی و هوس خود جهاد کند (نراقی، ۱۳۷۰: ۱۳۱-۱۳۳) چرا که خداوند می فرماید: وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا.^۲

سالم نگه داشتن قلب به عنوان مرکز ادراکات، از جمله دستوراتی است که طی عمل مراقبه در آیات و روایات وارد شده است. قلب سلیم و پاک، مرکز تولید عمل نیک و قلب ناسالم و تاریک، کانون فساد می باشد. در قرآن کریم ۱۳۲ بار از قلب سخن به میان آمده است و در آیات متعددی از قلب کافران و منافقان و مجرمان به عنوان قلب مهرزده،^۳ قلب

۱. تحریم/۶.

۲. عنکبوت/۶۹.

۳. بقره/۷.

سخت، قلب منحرف، قلب پیچیده به لحاف و حجاب،^۱ قلب مریض،^۲ قلب قفل زده و... یاد شده است (قرائتی، ۱۳۷۰: ۶۰)

خداوند در آیات ۸۹ و ۹۰ سوره شعراء قلب سلیم را به متقین نسبت می دهد که همواره در تقوای فطری و تشریحی هستند و صفت تقوا، حقیقت وجودی آنان شده است: **إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ. وَأَزْلَفْتِ الْجَنَّةَ لِلْمُتَّقِينَ.**

از این رو در روایات راه های متعددی برای حفاظت از این کانون ادراکات بیان شده است که برخی از آنها عبارتند از: پرهیز از پرخوری؛ موعظه؛ پرهیز از کثرت گناه؛ حکمت اندوزی؛ و ترک حب دنیا.

لازم به ذکر است در مسیر خودسازی و تزکیه نفس، از نقش سایر عوامل نیز نباید غافل بود. یکی از مهمترین عوامل، بسترهای فسادزا یا فضیلت زا است. رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم، با اشاره به نقش محوری اخلاق در کنار معنویت، از لزوم بسترسازی سالم توسط حکومتها برای رشد اخلاق یاد کردند:

«شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می آورد؛ این، بی گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومتها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی آید، پس حکومتها نمیتوانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانونهای ضد معنویت و اخلاق، به شیوهی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهتمی ها مردم را با زور و فریب، جهتمی کنند.» (بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، خامنه ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲،

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

دو. بندگی خداوند

بندگی خداوند محصول کسب بینشی توحیدی و گرایش به سمت خدا و دل بردن از هر چه غیر خداست. چنین فردی مصداق حقیقی آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» است. در قرآن کریم هدف از خلقت جن و انس، عبادت و بندگی خداوند بیان شده است.^۱ امام صادق علیه السلام در تفسیر این هدف فرمود: آنان را خلق کرد تا امرشان کند که عبادتش کنند. (صدوق، علل الشرایع، ص ۱۳)

انسان از طریق عقل و وحی می تواند چگونه بندگی کردن را بداند و بدان عمل کند. نموده‌های عملی بندگی خداوند، انجام واجبات و ترک محرمات است. اعمالی نظیر ذکر، دعا، اعتکاف، سجده، روزه، و... جلوه ظاهری بندگی و دل نبستن به غیر از خدا و کمک خواستن از او در تمام امور از جلوه های باطنی و حقیقی بندگی است.

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب با اشاره به ایستادگی در برابر طاغوت به عنوان یکی از ابعاد معنویت در میان مردم ایران فرمودند: «در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته‌ی آن در مقابل دولتهای متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده‌ی ایران و ایرانی بویژه جوانان این مرز و بوم به‌شمار میرفته است.» (بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

یکی از راه های بندگی خداوند، شکرگزاری قولی و فعلی اوست. به تعبیر قرآن کریم، انسان ها در برابر در برابر انتخاب مسیر هدایت الهی دو دسته اند: انسان های شاکر و انسان های کفور.^۲ دسته اول، قدردان نعمات خداوند می شوند و از نعمات او بهترین استفاده را در جهت رشد خویش و جامعه و رسیدن به کمال مطلوب خداوند می کنند و دسته دوم با کفران نعمت، طریق گمراهی را در پیش گرفته و و خود و جماعتی را به ورطه نابودی می

۱. ذاریات/۵۶.

۲. اشاره به آیه انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا.

کشند. بنابراین شکرگزاری با نعمات الهی ارتباط دارد به این معنا که فرد شاکر در مسیر هدایت الهی قرار دارد و فرد کفور، از مسیر هدایت دور شده است.

بنابر آیات قرآنی، شکر یا ناسپاسی، هیچ نفع یا ضرری برای خداوند ندارد؛ زیرا خدا از انسان و افعال او غنی و بی نیاز است. بر همین اساس، شکر نعمت باعث برکت و افزون شدن آنها می شود: «وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ»^۱ اگرچه طبق فرموده قرآن کریم و روایات، انسان نمی تواند آنگونه که بایسته و شایسته است شکر نعمات خداوند را به جا آورد^۲ ولی از مفاد آیات و روایات چنین برداشت می شود که به کارگیری نعمت های پروردگار در راستای بندگی او بهترین نوع سپاسگزاری می باشد. عبادت و نماز، دعا و روزه و احسان و انفاق در راه خدا از بهترین مصادیق شکر عملی محسوب می شود.

آموختن علم خویش به دیگران و عمل به آن؛ شکر نعمت علمی است که خداوند به عالم عنایت فرموده است. امیرمؤمنان علی علیه السلام در این باره می فرماید: «شکرگزاری عالم در برابر علمی که دارد این است که به آن عمل کند و به نیازمندان بذل نماید (به آنها آموزش دهد): «شُكْرُ الْعَالِمِ عَلَى عِلْمِهِ، عَمَلُهُ بِهِ وَبَدْلُهُ لِمُسْتَحِقِّهِ» (غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۰۷)

سه. دستگیری از نیازمندان

نمود عملی کسب بینش توحیدی و گرایش به سمت توحید، در نوع تعامل با دیگران مشخص می شود. فردی که از سلامت معنوی برخوردار است در تنظیم روابط خود با دیگران به سمت ایجاد بیشترین منفعت برای دیگران است. چنین فردی آنچه را برای خود می پسندد برای دیگران نیز می پسندد. از این رو روا نمی بیند که خود، سیر باشد در حالی که مسلمان همسایه خود گرسنه است. نمود عملی بندگی خداوند، یعنی انجام کارهای خیر

۱. لقمان/۱۲.

۲. اَعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ (سبا/۱۳).

یکی از مأموریت‌های انبیاء الهی است. چنانکه قرآن در هر جا که از عبادات فردی سخن گفته بلافاصله از انفاق و زکات به عنوان یکی از عبادات‌های جمعی و در ارتباط با دیگران نیز سخن گفته است:

وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ^۱. و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند، و انجام دادن کارهای نیک و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات را به آنان وحی کردیم، و آنان فقط پرستش‌کنندگان ما بودند.

در احادیث، ملاک ارزشمندی انسان، در کنار ایمان به خدا سودمندی برای مردم و خدمت به آنان بیان شده است: خَصَلْتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِنَ الْبِرِّ شَيْءٌ إِلَّا إِيمَانٌ بِاللَّهِ وَالتَّفْعُ لِعِبَادِ اللَّهِ. (بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۳۷) امام صادق علیه السلام نیز نیکی به برادران دینی و سعی در رفع حوائج شان را برخاسته از ایمان خالص می‌داند: الايمان البر بالاخوان والسعي في حوائجهم في العسر واليسر (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص ۴۰۸)

بنابراین شرط پذیرش هر عملی، از جمله خدمت به مردم، اخلاص است و مؤمن باید به انگیزه جلب رضایت الهی خدمتگزار عیال الله باشد و هرچه ناخالصی در عمل بیشتر باشد، درجه مطلوبیت آن هم پایین تر خواهد آمد. علاوه بر دخالت اخلاص در اصل عمل (قال علی علیه السلام: «لا يَسْتَقِيمُ قَضَاءُ الْحَوَائِجِ إِلَّا بِثَلَاثٍ بِاسْتِضْغَارِهَا لِتَعْظُمَ وَبِاسْتِكْتَامِهَا لِتُظْهَرَ وَبِتَعْجِيلِهَا لِتُهْنَأَ»). (نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۱۱۳۱)، از دیدگاه امام جواد علیه السلام در تداوم اعمال نیز باید اخلاص جاری باشد. چه بسا عملی که انجام آن با خلوص است، ولی عامل به آن بعد از عمل، آن را به ریا و ناخالصی آلوده و از درجه مقبولیت الهی ساقط می‌کند؛ لذا امام جواد علیه السلام فرمود: «الْإِبْقَاءُ عَلَى الْعَمَلِ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ (کافی، ج ۲، ص ۲۹۶) بقای بر عمل سخت تر از خود عمل است».

و آن گاه که پرسیدند بقای بر عمل یعنی چه؟ فرمود: «يَصِلُ الرَّجُلُ بِصَلَاةٍ وَيُنْفِقُ نَفَقَةً لِلَّهِ

وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ فَكُتِبَ لَهُ سِرًّا ثُمَّ يُدْكِرُهَا وَتُمْحَى فَتُكْتَبُ لَهُ رِيَاءً. مردی هدیه ای می دهد و برای خدای یگانه بی شریک انفاقی می کند، پس برایش به عنوان «عمل پنهانی» نوشته می شود. سپس او کارش را یادآوری می کند، در این وقت عنوان قبلی محومی شود و «عمل آشکار» برایش نوشته می شود. آن مرد دوباره عملش را یادآوری می کند پس عنوان قبلی محومی شود و برایش «عمل ریایی» نوشته می شود.”

نتیجه گیری

نظر به اهمیت یافتن جایگاه مفهوم سلامت معنوی در سالهای پس از انقلاب اسلامی، از این رو این نوشتار، شاخص های مد نظر رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب را استخراج و بر اساس آیات و روایات، به مستندسازی آنها پرداخت. یافته ها در سه محور شاخص های بینشی و گرایشی و کنشی بدست آمد:

داشتن باور توحیدی نسبت به تمام امور و فعل و انفعالات هستی و افعال خداوند، سرچشمه شکل گیری گرایش توحیدی و به دنبال آن بروز کنش و رفتار توحیدی از انسان می شود. چنین باوری در صورتی که بر محور علم و عقل باشد باعث ایجاد معنا در زندگی می شود و در قبال آن آرمانها، تعهد و مسئولیت سازی می کند و این برهان و استدلال است که افکار باطل را از زندگی دور می سازد و انسان را به واقعیت و یقین آشنا می سازد.

باور فرد درباره خدا و جهان و ارزشها و استانداردهای اخلاقی و مسائل زندگی، مانند بیماری و گرفتاری، بر اساس الگوهای معنوی دینی سبب می شود انسان در ارتباط با خدا، خود را فرع و خداوند را اصل ببیند، و خود را مظهري از چشمه حقیقت و صفات الهی بداند. بنابراین به راحتی خود را آلوده گناه نمی کند.

شناخت جایگاه و ارزش خانواده، شاخص بینشی دیگری است که موجب می شود انسان به سمت تشکیل خانواده معنوی و توحیدی گام بردارد و بستری معنوی برای تربیت همه جانبه انسان و نسل بعد فراهم شود.

دشمن شناسی، شاخصی است که به انسان کمک می کند از آسیب های معنوی گروه

هایی که در جهت خلاف آهنگ توحید حرکت می کنند و قصد فساد در زمین دارند رهایی یابد.

باور به هدفمندی و معناداری طبیعت ناشی از شناخت طبیعت به مثابه موجودی زنده و ذی شعور است که همواره به تسبیح خدای متعال مشغول است. چنین نگاه قدسی به طبیعت موجب می شود انسان نیز در تعاملش با طبیعت، رویکردی الهی اتخاذ کند و از طبیعت از این جهت که مخلوق خداوند است سپاسگزاری کند. راه سپاسگزاری از طبیعت، استفاده صحیح از مواهب آن در جهت رشد و تعالی کمال انسانی خویش است. بندگی خداوند محصول کسب بینشی توحیدی و گرایش انسان به سمت خدا و دل بردن از هر چه غیر خداست. چنین فردی مصداق حقیقی آیه «يَاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» است.

شاخص دستگیری از نیازمندان، انسان معنوی را از انسان غیر معنوی متمایز می کند. انسانی که از نظر معنوی در سلامت به سر می برد با دستگیری از نیازمندان، در حقیقت به پرورش ابعاد وجودی خود کمک کرده است چرا که باور دارد با بخشیدن، بخشی از وجود خویش را کامل کرده است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سیدعلی نقی فیض الاسلام، بی چا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، دارالصادر.
۴. احمدی فراز، مهدی، بیماری و بیداری، ۱۳۹۵، اصفهان، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی.
۵. امین الاسلام طبرسی، فضل بن حسن، بی تا، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: هاشم رسولی، بیروت، دارالمعرفه.
۶. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران: انتشارات دنیای دانش، ۱۳۸۲ه.ق.
۷. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مدظله العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (www.khamenei.ir).
۸. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، غرر الحکم و درر الکلم، محقق و مصحح: رجائی، سید مهدی، چ دوم، قم، دارالکتاب الإسلامی.
۹. حرّانی، ابن شعبه، ۱۳۸۲ش، تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، قم: انتشارات آل علی.
۱۰. حرعاملی، ۱۴۱۲ق، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت لإحياء التراث.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه دهخدا، چاپ دوم، ج ۸، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، ترجمه و شرح نهج البلاغه (فیض الإسلام)، ۱۳۷۹ش، چ پنجم، تهران، مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام.
۱۳. صالحی امیری، رضا و محمدی، سعید، ۱۳۸۹، دیپلماسی فرهنگی، چ اول، تهران، ققنوس.
۱۴. صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)، محمد بن ابراهیم، ۱۳۷۱ش، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج ۴، دار إحياء التراث العربی.
۱۵. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، ۱۳۹۰ق، علل الشرایع، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، ۱۳۹۴ش، التوحید، نشر دیجیتالی، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
۱۷. عمید، حسن، ۱۳۸۹، فرهنگ عمید، ج ۲، تهران، نشر مجید.

۱۸. فخررازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، تفسیر فخررازی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۹. فراهیدی، خلیل این احمد، ۱۴۰۹ق، العین، قم، نشر هجرت.
۲۰. قرائتی، محسن، ۱۳۷۰، گناه شناسی، تنظیم و نگارش محمد محمدی اشتهازدی، چ چهارم، انتشارات پیام آزادی،
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، کافی (ط اسلامیة)، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۲۳. مصباح، محمد تقی، ۱۳۹۰، راهیان کوی دوست، شرح حدیث معراج (مشکات)، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۴. مطهری، مرتضی، بی تا، نقدی بر مارکسیسم، تهران: نشر صدرا.
۲۵. معین، محمد، ۱۳۸۶ش، فرهنگ معین، تهران، نشر زرین.
۲۶. نراقی، جامع السعادات، ترجمه سید جلال الدین مجتبی، چاپ دوم، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۷۰.
۲۷. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
۲۸. واشیان، عباسعلی، ۱۳۹۶، شاخص های سلامت معنوی در سند سلامت، نشریه فرهنگ و ارتقاء سلامت، دوره ۱، ش ۱.
۲۹. ورام، مسعود بن عیسی، ۱۳۸۴ق، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)، عراق / نجف، المكتبة الحیدریة.

نقش خانواده در سلامت روان ازدیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام

در بیانیه گام دوم انقلاب

شهربانو زارعی^۱ (نویسنده مسئول)

اعظم امجد فر^۲

هادی کمال عزت^۳

چکیده

خانواده کانونی است مقدس که در شکل گیری اولیه شخصیت، میزان موفقیت و سلامت روان انسان نقشی چشمگیر دارد. اگر خانواده بر اساس اندیشه توحیدی بنا شود و بتواند قوانین کلی جهت تطبیق با نیازها و نحوه رفتار صحیح در سبک زندگی را رعایت نماید؛ نقش موثری در رسیدن فرد به کمال حقیقی و شخصیتی استوار و روانی سالم خواهد داشت. مقاله حاضر به روش توصیفی - تحلیلی به بیان نقش خانواده در ایجاد و ارتقای سلامت روان پرداخته است که شامل؛ نقش زن به عنوان عنصر اصلی در ایجاد محبت و آرامش و سازش در خانواده و مرد، بارتارخردمندان و فرزندان، باحفظ احترام والدین بوده

۱. طلبه سطح سه رشته تربیت دینی کودک و نوجوان و کارشناس علوم تربیتی Mgh13561818@gmail.com

۲. طلبه سطح سه رشته مشاوره خانواده و کارشناس شیمی aazamamjadfar@gmail.com

۳. دکترای مدرسی معارف اسلامی گرایش قران و متون کهن، معاون پژوهشی مجتمع آموزش عالی بنت الهدی

Kamalezat121@gmail.com

است. سلامت روان یکی از دغدغه های انسان معاصر است؛ چراکه باوجود اختلال در آن، فرد تعادل شخصیتی خود را از دست داده و به طور طبیعی موجب بروز مشکلات عدیده ای در سطح اجتماع و در عرصه های گوناگون خواهد شد. مقام معظم رهبری با اندیشه ژرف خود به نقش خانواده در سلامت روان بسیار اهمیت داده و در جایگاه های مختلف به تبیین آن پرداخته اند. مقاله حاضر سعی دارد؛ نقش خانواده را در سلامت روان از دیدگاه مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب مورد بررسی قرار دهد.

کلید واژه: بیانیه گام دوم، خانواده، سبک زندگی، سلامت روان.

مقدمه

خانواده به عنوان کوچکترین نهاد اجتماعی، بزرگترین نقش را در حفظ سلامت روان و بقای جامعه دارد. برخورداری از پرورش سالم در خانواده که نخستین پایگاه تربیتی است به فرد این فرصت رامی دهد که در اجتماع موفق و قابل احترام و از سلامت روان فردی واجتماعی برخوردار باشد.

سلامت روان نیز از موضوعات مهمی است که با خانواده پیوند خورده است. پژوهش ها نشان داده است هر قدر خانواده در اجرای کارکردهای خود از قبیل همراهی عاطفی، نقش ها، کنترل رفتار و حل مشکل، عملکرد بهتری داشته باشد به همان میزان می تواند در کاهش مشکلات رفتاری و روانی اعضا و تقویت رفتارهای سازگاران و بهنجار خود تاثیر گذارتر باشد. به همین دلیل محققان مختلف خاصه جامعه شناسی، روان شناسی و تربیتی از دیرباز تاکنون به آن توجه داشته اند. و کتب و مقالات زیادی در این رابطه تألیف گردیده است.

بیانیه گام دوم که توسط رهبر حکیم انقلاب علیه السلام صادر شد خطاب به ملت ایران به ویژه جوانان به مانند منشوری است برای رسیدن به خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی که خاستگاه تحقق این اهداف، خانواده است. همچنین به علت جایگاه ویژه معنوی معظم له به عنوان ولی فقیه جامعه و عمق نفوذ کلام ایشان در اقشار گوناگون مردم، بررسی، تحلیل و ارائه بیانات ایشان انگیزه ای برای عوام و خواص، به منظور تغییر در نگرشها، رفتارها و

سیاست‌گذاری‌های حول محور خانواده می‌شود. لذا مقاله حاضر سعی دارد؛ نقش خانواده رادر سلامت روان ازدیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام به روش توصیفی -تحلیلی بحث و بررسی نماید

مفهوم شناسی

مفهوم خانواده

خانواده در لغت به معنای خاندان، دودمان، اهل خانه، زن و فرزند و فامیل به کاررفته است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۹۳۹/۶) خانواده در نظر بسیاری از مردم به منزله یک واحد اجتماعی است که شامل یک زوج متاهل و فرزندانشان است که در خانه ای در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. (محمودیان، ۷۷، ۱۳۸۷) برخلاف نظر عموم مردم که فرزندان را جزء ضروری خانواده می‌دانند ازدیدگاه قرآن خانواده‌هایی وجود دارند که هیچ فرزندی ندارند خداوند در قرآن می‌فرماید: «به هرکس بخواهد فرزند دختر و به هرکس بخواهد فرزند پسر می‌دهد یا هر دورا توامان می‌دهد و هر که را بخواهد عقیم می‌سازد اوست دانای توانا» (شوری، آیات ۴۹ و ۵۰) (عبدالخانی، ۲۵، ۱۳۹۵) مقام معظم رهبری علیه السلام در تعریف مفهوم خانواده فرمودند: «خانواده یک اجتماع کوچک است که اول از زن و شوهر شکل می‌گیرد؛ بعد با آمدن فرزندان گسترش می‌یابد؛ از فرزندان، باز فرزندانی به وجود می‌آیند و مثل درختی که شاخ و برگ می‌کند. بارور می‌شود. خدای متعال، دوستدار این اجتماعات کوچک است.» (کمیتة موضوعی، ۱۳۹۳، ص ۳۲)

مفهوم سلامت روان

سلامت روان، در زبان انگلیسی معادل «mental health» است که «Health» به معنای سلامت، شادابی و تندرستی و «mental» به معنای ذهنی، روانی و... به کار رفته است. تاکنون تعاریف گوناگونی از سلامت روان در روان شناسی ارائه شده است از جمله؛ سلامت

روان حالت سازگاری نسبتاً خوب، احساس بهزیستی و شکوفایی توان واستعدادهای شخصی است. (سایپینگتون، ۱۳۷۹، ۱) چاهن، سلامت روان را وضعیتی از بلوغ روانشناختی تعبیر می کند که عبارتست از: حداکثر اثر بخشی و رضایت به دست آمده از تقابل فردی واجتماعی که شامل احساسات و بازخوردهای مثبت نسبت به خوددیگران می شود. (شولتز، ۱۳۷۷، ۴) و سلامت روان، تعادل بین اعضاء و محیط در رسیدن به خود شکوفایی است. (کاپلان و سادوک، ۱۳۷۳، ص ۱۲۳)

سلامت روان درقران عبارت است از رشد واستکمال نفسانی انسان موحد، برای رسیدن به مقصد نهایی خلقت انسان یعنی مقام عبودیت و بندگی خداوند متعال. (طباطبایی، ۲۳/۱۷)

سازمان بهداشت جهانی (م ۱۹۹۴) درتعریف سلامت آورده است: سلامتی حالتی از رفاه جسمانی، ذهنی واجتماعی ونبود بیماری و ناراحتی است. (کرتیس به نقل از حبی، ۱۳۸۰) آلورت، سازمان شخصیت ونیاز به وحدت بخشیدن به اصول در زندگی وفروید (۱۹۲۵) رهایی از اضطراب، نگرانی وگناه راشاخص های مهم سلامت روانی می دانند (به نقل از ساجدی، ۱۳۸۷)

بهداشت روانی خوب را می توان از حضور ویژگی های زیر متوجه شد: (۱) درک خوب از واقعیت، (۲) خود را خوب شناختن و آگاهی داشتن از احساسات درونی (۳) توانایی کنترل رفتار (۴) عزت نفس و ارزشمند دانستن خود (۵) توانایی در ایجاد وحفظ روابط عاطفی با دیگران (۶) نگرش مثبت و با برنامه به زندگی. سلامت روانی به توانایی مردم در پاسخ دادن سازگارانه به استرسهای درونی و بیرونی اشاره دارد. سلامت روانی یک مفهوم است اما بهداشت روانی عبارت است از به کار گیری برخورداری از یک زندگی سالم، پربار، شادو رضایت بخش. بهداشت روانی یک علم است. (گنجی، ص ۱۰۷)

بنابراین؛ اختلال رفتاری - روانی عبارت است از حالات قابل توجه بالینی که با تغییر در تفکر، خلق، هیجان یارفتارمشخص و با ناراحتی وتشویش شخصی و یا اختلال کارکرد

زندگی همراه باشد. این تغییرات در گستره هنجارجامع قرار نمی گیرند و به صورت واضح غیرعادی و بیمارگونه و مداوم یا عودکننده هستند. (سادوک و رالز به نقل از نوربالا، ۱۳۹۰، ص ۱۵)

مفهوم سبک زندگی

سبک دلرغت به معنای روش، طریقه، قاعده و قانون، راه، هنجار، شیوه و اسلوب (دهخدا، ۱۳۷۷، ۹ / ۱۳۴۱۲) و زندگی به معنای حیات درمقابل مرگ وممات بیان شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۹ / ۱۲۹۶۵) که ترکیب این دلرغت دراصطلاح؛ سبک زندگی (Life Style) نظام واره و سیستم خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه با هویت خاص اختصاص دارد. این نظام واره هندسه ی کلی رفتار بیرونی وجوارجی است و افراد، خانواده ها و جوامع را از هم متمایزمی سازد. (بانکی پور، ۱۳۹۶، ص ۲۵)

سبک زندگی را می توان مجموعه ای کم و بیش جامع ومنسجم از عملکردهای روزمره یک فرد دانست که نه فقط نیازهای جاری او را برآورده می سازد، بلکه روایت خاصی را که وی برای هویت شخصی خویش بر می گزیند، در برابر دیگران مجسم می سازد. مصرف، معاشرت، لباس پوشیدن، حرف زدن، تفریح، طرز خوراک، معماری شهر و بازار و منازل، و امثال آن، در یک بسته کامل از سبک زندگی ما قرار دارند. این جلوه های رفتاری ظهورخارجی شخصیت ما در محیط زندگی و نشانی از عقاید، باورها، ارزشها و علاقه های ما است و ترکیب آنها ترکیب شخصیت فردی و اجتماعی ما را می نمایاند. (همان)

به عبارت دیگر؛ سبک زندگی به مجموعه رفتارها، مدل ها و الگوی کنش های هر فرد اطلاق می شود که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی اجتماعی او می باشد و دلالت بر ماهیت و محتوای روابط، تعاملات و کنش های اشخاص و آحاد مردم در هر جامعه دارد. در واقع سبک زندگی به یک نوع هویت اجتماعی ختم می شود، پدیدارشناسان فرهنگی تأکید می کنند که فرد هویت خود را با نوع ارتباطات، نوع شغل، سید مصرفی و سایر ظواهر انتخابی خود که بخشی از سبک زندگی به شمار می روند، معرفی می کند.

(جوادی و دیگران، ۱۳۹۴، ۲۹)

طبق نظر مقام معظم رهبری علیه السلام، سبک زندگی یعنی رفتار اجتماعی و شیوه ی زیستن که آشنایی با آن از دو جهت معنوی برای رسیدن به هدف اصلی انسان (یعنی رستگاری، فلاح و نجات) و مادی (زندگی راحت و برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی) برای انسان ضرورت دارد؛ علاوه بر اینکه شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین می باشد و ایمان لنگرگاه اصلی انتخاب سبک زندگی خواهد شد. (العبدالخانی، ۱۳۹۵، ص ۲۷)

پیشینه

تاکنون کتب و مقالات و پژوهش های متعددی در زمینه ی خانواده و ویژگی های خانواده اسلامی از منظر مقام معظم رهبری انجام شده است. از مهمترین این پژوهش ها میتوان به مواردی، اشاره کرد.

کتاب زن ریحانه آفرینش، تهیه و تنظیم دفتر نشر آثار مقام معظم رهبری علیه السلام، انتشارات نوای قلم، تهران، سال ۱۳۸۲ مجموعه دیدگاه های مقام معظم رهبری علیه السلام پیرامون زن گردآوری شده که منحصرا نقش زن در خانواده و جامعه بررسی گردیده است

کتاب روابط سالم در خانواده اثر داود حسینی، انتشارات موسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۹ که به بررسی انواع روابط اعضای خانواده پرداخته و موانع ایجاد رابطه سالم خانوادگی از جمله برنامه ها و سریال ها را نقد نموده است

کتاب خانواده، گردآوری و تنظیم کمیته موضوعی، انتشارات موسسه جهادی، تهران، ۱۳۹۲، به سبک ساخت یک جلسه مطول است که تقریبا مجموعه جامعی از فرمایشات معظم له در رابطه با خانواده می باشد اما فصل بندی و طبقه بندی نشده است.

مقاله کارایی خانواده و سلامت عمومی فرزندان از یحیی عراقی، در فصلنامه علمی - تخصصی روانشناسی و دین سال اول شماره سوم پاییز ۱۳۸۷، منحصرا به بررسی سلامت روان فرزندان پرداخته و با بیان پژوهش های انجام شده به کارایی و اهمیت خانواده بر سلامت روان فرزندان اذعان دارد.

مقاله الگوی خانواده تراز اسلامی در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی از محمدرضا تقوی پور، سیاوش صلواتیان در فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال هجدهم، شماره ۶۹، زمستان ۱۳۹۴، به سبک تحلیل محتوا به بررسی سه عنصر خانواده، سبک زندگی و فرمایشات مقام معظم رهبری علیه السلام پرداخته است.

مقاله سبک زندگی خانواده برتر از منظر قرآن از ساجده العبد الخانی، فصلنامه قرآنی کوثر سال شانزدهم، شماره ۵۸ پاییز ۱۳۹۵، به بررسی سبک زندگی اخلاقی خانواده برتر پرداخته و نمونه های قرآنی ارائه نموده و از فرمایشات مقام معظم له نیز بهره برده است.

اما مقاله حاضر سعی دارد نقش هریک از اعضای خانواده را در ایجاد و ارتقای سلامت روان در فرمایشات مقام معظم رهبری علیه السلام با جستجو در منابع روانشناسی و اسلامی بررسی نماید.

نقش خانواده و سبک زندگی در سلامت روان

سبک زندگی اصطلاحی که از سوی مقام معظم رهبری در جمع جوانان استان خراسان شمالی مورد تاکید قرار گرفته و از آن زمان به عنوان یکی از کلید واژه های محافل علمی و اجتماعی بیشتر مطرح شد. مصادیق متعددی نیز از سوی مقام معظم رهبری برای سبک زندگی شمرده شده که تقریباً همه جنبه های زندگی انسان را در بر می گیرد از نحوه رفتار با همسر و فرزندان در خانواده گرفته تا مسأله نوع رفتار با دوست و دشمن که بخش های اصلی تمدن بوده و متن زندگی انسان است. (العبد الخانی، همان) در بیانیه گام دوم انقلاب نیز رهبر معظم انقلاب علیه السلام، به اهمیت سبک زندگی اشاره نمودند؛ چراکه تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان های بی جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت مازده است. (بیانیه گام دوم انقلاب، ۴۷)

توجه به خانواده و کارایی آن و داشتن ارتباط مؤثر با فرزندان در محیط خانواده که مبتنی بر عواطف مثبت و صمیمانه باشد می تواند در میزان کاهش و از بین بردن مشکلات اجتماعی و رفتاری موثر باشد. خانواده هایی که در ارتباط با اعضای خود عملکرد ناکارایی

دارند فرزندان‌شان بیشتر به رفتارهای اضطرابی از جمله؛ ترس، عصبانیت، تشویش و وحشت زدگی مبتلا می‌شوند. (عراقی، ۱۳۸۷، ص ۷۴)

مقام معظم رهبری علیه السلام خانواده را مورد توجه قرار داده و می‌فرماید: «خانواده کلمه‌ای طیبه است کلمه طیبه خاصیتش این است که وقتی یک جایی به وجود آمد مرتب از خود برکت و نیکی می‌تراود و به پیرامون خودش نفوذ می‌دهد. کلمه طیبه همان چیزی است که خدای متعال آن را با همان اساس صحیح به بشر اهدا کرده است.» (کربلایی و...، ۱۳۹۱، ص ۱۶۱) خانواده محل و مرکز نشو و نمو انسان است و نباید تربیت فرزند به دیگران سپرده شود. در جوامعی که خانواده سست بنیان است یا خانواده‌ای تشکیل نمی‌شود و اگر تشکیل شد متزلزل و در معرض نابودی و فساد است مشکلات روانی بسیار بیشتر از جوامعی است که در آنها خانواده‌هایی مستقر هستند و زن و مرد به یک نقطه و کانونی متصلند.» (همان)

معظم له خانواده را اصل قرار داده و آشفته نمودن آن را بدترین کارها دانسته‌اند. (کربلایی و...، ۱۳۹۱، ص ۱۶۲) و از هر چیزی که محیط خانواده را متشنج و دچار افسردگی و هیجانهای بی‌مورد نماید پرهیز داده اند چرا که اگر در محیط خانواده بی‌محبتی، عدم اطمینان و صمیمیت باشد؛ رنجش دوطرفه پیش می‌آید. (همان سایت) و سلامت فکر و روح و روان افراد خانواده و حتی نسل‌های بعد از آن به خطر می‌افتد و بالعکس افرادی که در خانواده امن و قابل اعتماد رشد یافته‌اند دارای سلامت روان هستند. (همان)

ایشان یکی از کارکردهای موثر خانواده را انتقال سنت‌ها به فرزندان و نوادگان و به تدریج به نسل‌های آینده برشمردند. که در نتیجه آن، فرد بریده، بی‌ریشه و تنها و بی‌عاطفه تربیت نمی‌شود. (همان)

در این مبحث به نقش اعضای خانواده یعنی نقش همسران از جمله نقش زن و مرد و همچنین نقش فرزندان در ایجاد سلامت روان می‌پردازد.

۱. نقش همسران

مقام معظم رهبری در سخنرانی‌های مختلف در جمع خانواده‌ها نقش زن و شوهر

رامکمل هم دانسته اند و به اهمیت جایگاه خانواده در ایجاد جامعه ای سالم و رو به رشد و تعالی سفارش نموده اند.

یک) مکمل بودن

یکی از نکات محوری در اندیشه معظم له در حوزه مسایل زنان توجه به این اصل است که زن و مرد همان گونه که در نظام تکوینی آفرینش «نقش تکمیلی متقابل» دارند؛ با توجه به جایگاه و نقشی که هر یک از آن دو دارند، هیچ کدام فرع بر دیگری نیستند و تفاوت در نقش به مقتضای حکمت بالغه الهی، به معنای اصل بودن یکی و فرعی تلقی شدن دیگری نیست، در نظام تشریح و تنظیم مناسبات اجتماعی و جایگاه انسانی اجتماعی هر یک از آن دو نیز، مکمل یکدیگرند (مرتضوی، ۱۳۷۸، ص ۸۳)

خدای متعال در قرآن از زن و شوهر تعبیر به لباس کرده است و «هن لباس لکم و انتم لباس لهن» (بقره آیه ۱۸۷)؛ زن و شوهر لباس همدیگر هستند و لباس، مایه حفظ، زینت و ستر عیوب انسان است. زن و شوهر باید نسبت به هم، زینت، حافظ، امین و محرم هم باشند. گفتن اسرار همسر برای دیگری دور از امانت داری است و باید بین همسران این امانت داری وجود داشته باشد.

رازداری و امانت داری زیر مجموعه ی یکی از مولفه های سلامت روان یعنی کنترل رفتار است که در کتب اختلالات روانی به آن اشاره شده است. (برداشت از گنجی، ص ۱۰۷) به نظر می رسد در صورتی که همسران لباس و رازدار عیوب هم باشند؛ اعتماد و امنیت بین همسران حاکم می گردد و در نتیجه آرامش روانی حاصل می شود. امام صادق علیه السلام می فرمایند: «کسی که عیب مؤمنی که از آشکار شدنش می ترسد بپوشاند خداوند هفتاد عیب از عیب های دنیا و آخرت او را می پوشاند.» (کلینی، ۵۱۱/۳)

مقام معظم رهبری علیه السلام تاکید کردند؛ زن و شوهر در داخل خانواده، باید نسبت به هم احساس مسولیت زیرا آنها دوجزء یک حقیقتند، مانند دولنگه یک درکه اگر فردیت هر یک گرفته شود یا حذف گردد آن یکی ناقص است بنابراین مکمل یکدیگرند. ایشان، زن و شوهر را

به دوهمسنگر تشبیه می نمایند که در یک سنگر دفاع می کنند؛ سرنوشت آنها به همدیگر وابسته است لیکن هیچ کدام از اینها از سرنوشت جمعی که توسط هردوی یک نفر ممکن است رقم زده شود خارج نیستند این ها باهم متصلند. (کمیتة موضوعی، ۱۳۹۳، ص ۷۶) قابل تامل است که با این نوع نگرش به زندگی، بسیاری از اختلافات زن وشوهر محو می شود و همدلی جایگزین آن می گردد و البته همدلی، آرامش و صلح و امنیت روانی به همراه دارد.

دو) حفظ سلامت فکری و معنوی همدیگر

مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانیه گام دوم انقلاب در تشریح حفظ معنویت و اخلاق؛ معنویت را به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه و اخلاق را به معنی رعایت فضیلت هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو معنویت و اخلاق را، جهت دهنده ی همه ی حرکتها و فعالیتهای فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه دانسته اند و تاکید نمودند؛ بودن معنویت و اخلاق، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می آورد؛ و بی گمان محتاج جهاد و تلاش است. (بیانیه گام دوم انقلاب، ۳۷) و بیان نمودند: «زن وشوهر یکدیگر را به ماندن در راه خدا کمک کنند در دینداری، در حفظ سلامت فکری و عملی به همدیگر کمک کنند زن وشوهر پاسبان معنوی و روحی یکدیگر باشند نه مثل جاسوس و خبرگیرمانند فرشتگان الهی در مواردی بندگان خدا را حفظ و برای آنها استغفار می کنند.» (کمیتة موضوعی، همان، ۸۳).

معظم له به آیه ۵ سوره تحریم اشاره کردند که قرآن می فرماید: «قوا انفسکم و اهلیکم نارا و قودها الناس و الحجارة»؛ هم خودتان را حفظ کنید، هم اهل تان را. ایشان باتوجه به این آیه راه نجات از لبه پرتگاه دوزخ و رسیدن به بهشت را حفظ عناصر اصلی کانون خانواده دانستند. (کربلایی نظر، ۱۳۹۱، ص ۲۰۲) و خانواده را یکی از سلولهای بدنه اجتماع تشبیه

نمودند که اگر سالم باشد پیکره جامعه سالم خواهد بود. (کمیته موضوعی، همان)

خانواده با تقویت باورمندی و کمک به افراد برای دستیابی به فلسفه زندگی، سلامت روانی را به اعضای خود اهدا می کند. افزون بر بحث سلامت جسمی، در ادبیات جدید سلامت، اصطلاح «سلامت معنوی» اضافه شده است. مهمترین راهکار برای سلامت معنوی، تقویت باورهایی است که فرد را از ناامیدی برهاند. باور به خداوند و صفات بیکران او، چنانکه انبیا خبر داده اند دستیابی به فلسفه ای صحیح برای زندگی و رنجها و خوشی های آن و انتخاب روشی برای زندگی اجتماعی بر مبنای خیررسانی به دیگران، از موضوعات مهمی هستند که انسان را از ناامیدی رهانیده و سلامت معنوی آدمی را تضمین می کنند خانواده بهترین مکان برای تجربه و تمرین این صفات است. (علاسوند، ۶۱، ۱۳۹۷)

بررسی ها نشان می دهد؛ وضعیت روانی دختر و پسر پیش از ازدواج، چگونگی تأثیر گذاری ازدواج در آرامش روانی را آشکار می کند. فرد در آستانه ازدواج، در اثر نیازهای جنسی به نوعی دچار نا آرامی و اضطراب است به گونه ای که نیاز به مهر و محبت و داشتن شریک و همراه در زندگی از مهم ترین انگیزه های ازدواج است؛ محبت به هم، احساسی لازم برای زندگی و غمخواری و پذیرش همدیگر، در تجربه های زندگی امری ضروری است. کششهای احساسات متعارض و در عین حال قوای جوانی را چیز دیگری مانند ازدواج حل کننده و آرامش دهنده نیست. در میان انسانها، نزدیک ترین رابطه عاطفی میان زن و شوهر برقراری شود و همین رابطه در کاهش نگرانی ها، اضطرابها و آشفتگی ها نقش اساسی دارد، به طوری که تشکیل خانواده تأثیر مهمی برای تأمین حمایت روانی و عملی در مقابله با تنش شناخته شده است (سالاری فر، ۱۳۸۵، ص ۵۴)

انس و پیوند بین زن و شوهر و دلبستگی بین آنها در قرآن تاکید شده که زمینه ی برآورده شدن بسیاری از نیازهای روانی دیگر است. دوست داشته شدن و تمجید شدن، عزت نفس هر یک از زن و شوهر را افزایش می دهد. (سالاری فروهمکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۹۱)

۲. نقش زن

مقام معظم رهبری علیه السلام، نقش زن در خانواده را درخشان و افتخارآمیز می‌داند که در مراحل مختلف مورد توجه و عنایت ویژه اسلام قرار دارد (دفتر نشر آثار، ۱۳۸۲، ص ۸۱) در نظر ایشان زن اسلامی کسی است که دارای ایمان، عفاف، متصدی مهم‌ترین بخش تربیت انسان، اثرگذار در اجتماع، دارای رشد علمی و معنوی، مدیر کانون بسیار مهم خانواده، مایه آرامش جنس مرد در کنار خصوصیات زنانگی مثل لطافت، رقت قلب، آمادگی دریافت انوار الهی می‌باشد؛ نمونه کامل زن مسلمان را حضرت زهرا رضی الله عنها دیده‌اید (سلام الله علیهما) به عنوان الگوی اسلامی معرفی نمودند. (بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39136>، ۱۳۹۶/۱۲/۱۷)

معظم له می‌فرماید: «این را بدانید، عنصر اصلی تشکیل خانواده، زن است، نه مرد. زن اگر به خانواده پایبند شد، علاقه نشان داد، به تربیت درست فرزند اهمیت داد، آنها را در آغوش خود بزرگ کرد، برای آنها آذوقه فرهنگی - قصص، احکام، حکایتهای قرآنی، ماجراهای آموزنده - فراهم کرد و در هر فرصتی به فرزندان خود مثل غذای جسمانی چشاند، نسلها در آن جامعه، بالنده و رشید خواهند شد. این هنر زن است و منافاتی با درس خواندن و درس گفتن و کار کردن و ورود در سیاست و امثال آن ندارد.» (دفتر نشر آثار، ۸۶، ۱۳۸۲)

یک) محبت

نور محبت میان اعضای خانواده، یکی از عوامل بسیار مهم جذابیت و گرمی خانواده است. بی‌مهری و نبودن الفت و صمیمیت بین افراد خانواده، به سردی و سرخوردگی از این کانون سرنوشت ساز می‌انجامد. حضرت داود وقتی خواست فرزندش، حضرت سلیمان را بیازماید و رشد و بلوغ فکری او را بسنجد پرسید: «أی شیء أأحلی» شیرین‌ترین چیزها چیست؟ حضرت سلیمان فرمود «المحبه هی روح الله بین عباده»: «محبت که آسایش میان بندگان اوست.» (فرحزاد، ۱۶، ۱۳۹۴)

محیط خانواده باید همراه الفت، محبت، احسان و بر اساس معاشرت نیکو و حسن

خلق اداره گردد. نوع دوستی و مهرورزی از جمله صفات انسان سالم در قرآن است. یکی از ویژگی های ذاتی انسان در قرآن، «حب» بیان شده که خداوند آن را در انسان به ودیعه گذاشته است: «و الف بین قلوبهم لو انفق ما فی الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم و لکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم». (الانفال، ۹۳) در قرآن الفت و مهرورزی از جمله نعمت هایی است که موجب صمیمت بین انسانها می گردد. (پرچم و...، ۱۳۸۹، ص ۷۳)

مقام معظم رهبری علیه السلام در رابطه بامحبت در خانواده سفارش می نمایند؛ آنچه کانون خانواده رامستحکم نگه می دارد محبت است که خود به خود ماندنی نیست بلکه باید برای ماندن این محبت تلاش کرد که راهکار حفظ محبت را در صفا و صداقت و عدم عیب جویی و عدم بزرگ نمایی عیوب در بین زن و شوهر است. اگر محبت باشد همه عیوب را خواهد پوشاند. (کمیتة موضوعی، ۷۷، ۱۳۹۳)

یکی از کارکردهای ابراز محبت، اصلاح اختلافاتی است که میان زن و شوهر ایجاد شده است. نباید فکر کرد که تنها راه حل اختلافات، گفتگوی منطقی و دفاع از حقوق خویش است. محبت یکی از بهترین راه ها برای اصلاح است. دلیل اصلاح گری محبت را باید الفت و لطافت بین زن و شوهر دانست که روحیه پذیرش و گذشت در همسر را افزایش می دهد. (جمعی از محققین، ۱۳۹۸، ص ۱۹)

معظم له، تشکیل خانواده را در نگاه خداوند بر اساس آیه ۲۱ سوره روم «وَ جَعَلَ بَیْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً» مودت که معنای آن محبت عمیق، با طراوت، آشکار و پر سرو صداست بر شمردند که سر منشأ این مودت مهر الهی است خدای رحمن رحیم، به اراده ی حکیمانه خود، میان زوج جوان قرار می دهد تا به مدد اندیشه ای بادوام، هر یک به تماشای نشانه ای برجسته از آیات جمال و لطف الهی بنشینند و از دست یار خویش، جام مهر الهی بگیرند و کامیاب شوند. «إِنَّ فِی ذَٰلِکَ لَآیَةً لِّقَوْمٍ یَّتَفَكَّرُونَ» و این محبت بین زن و شوهر، راه دست یابی به کیمیای محبت الهی را هموار می سازد و تلخی ها را شیرین و سختی ها را آسان می کند.

ایشان تاکید دارند؛ مرد در خانواده نیاز به محبت زن دارد؛ زیرا طبیعت مرد، خام تر

وشکننده تر از زن است و مرهم او، فقط محبت و نوازش زن است که امید واری و شوق به ادامه کار را در او ایجاد می نماید و حتی بدخلقی مرد، با محبت برطرف می گردد. (موسسه عصر بیان معنوی، ۱۳۹۷، ص ۷۷)

در مورد قوت زن نسبت به مرد؛ امام باقر علیه السلام این واقعیت را چنین بیان می فرمایند: «ان الله تبارک و تعالی جعل للمرأة صبر عشره رجال، فاذا حملت زادهای قوه عشره رجال آخری» «خدای تبارک و تعالی به زن، صبر و تحمل ده مرد داده است؛ و زمانی که باردار می شود، خداوند نیروی ده مرد دیگر را نیز به وی می دهد.» پرواضح است که وجه روشن این توان، زور بازو و قدرت ماهیچه های بدن او نیست. بلکه همان لایه های زیرین روح و عمق جان او است که او را قوت می بخشد و در مقابل سختیها مقاوم می سازد. آنچه مکمل خرد حسابگر مرد در راه بردن و تمشیت امر زندگی است همان «عاطفه زن است». (مرتضوی، ۱۳۷۸، ص ۴۹).

عاطفه و محبت زن، قدرت تحمل سختی ها، امید واری و نشاط را در خانواده افزایش می دهد این محبت باید ابراز شود تا باعث تقویت و استواری خانواده گردد. امام صادق علیه السلام فرمودند: «هرگاه کسی را دوست داشتی او را به آن آگاه ساز؛ زیرا این کار، دوستی را در میان شما استوارتر می سازد. (وسائل الشیعه، ۵۴/۱۲))

معظم له در بیان محبت به فرزندان نیز، سبک تربیت مقتدرانه در محیطی مملو از محبت را مدنظر دارند که نسبت به اصول سخت گیری همراه با عقل و درایت و تدبیر وجود داشته باشد در این صورت زندگی با دوام، با فرزندانی که از سلامت روان برخوردارند خواهد بود. (کمیتة موضوعی، ۸۱، ۱۳۹۳)

بررسی نحوه دل بستگی کودکی و دل بستگی زوجین نیز بسیار به هم مرتبط است. بر اساس تحقیقات، الگوی مناسب دل بستگی کودک و مادر، به میزان تماس بدنی، دیداری، کلامی، آگاهی و پاسخدهی مادر نسبت به نیازهای کودک بستگی دارد. اگر این دل بستگی ایمنی بخش باشد، کودک در آینده از عواطف مثبت، همدلی، حرمت نفس بالا و تعاملهای

بدون تعارض با همسالان و بزرگسالان برخوردار خواهد بود. این افراد که در صدد نزدیک شدن به دیگران هستند، در اتکای به همسر احساس آسودگی می کنند و در مجموع می توانند روابط دراز مدت، متعهدانه و رضایت بخش داشته باشند. افراد برخوردار از دلبستگی ایمن، در رابطه با همسر از امنیت، صمیمیت، توجه و همدلی برخوردارند. تحمل نامناسب ضربه های محیط حمایت اطرافیان، و احساس رضایت بیشتر در زندگی زناشویی دارند. (سالاری فر، ۱۳۸۵، ص ۵۶)

دو) آرامش

آرامش و نشاط مهم ترین مؤلفه سلامت و بهداشت روانی است. (سالاری فروهمکاران، ۱۳۹۳، ۱۵) مقام معظم رهبری علیه السلام، خانواده را محل آرامش می دانند و به آیات قران استناد می کنند که در چند آیه سکن یا آرامش مطرح شده است (کمیتة موضوعی، ص ۶۴) و معنای سکن، مایه امن و سکونت است. انسان گاهی در زندگی اش دچار تلاطم است. سکن آرامشی به انسان می دهد که متلاطم نباشد (همان، ص ۶۳)

آیه ۲۱ سوره روم می فرماید: «و من آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا إليها»؛ یعنی یکی از نشانه های الهی همین است که از جنس شما، یک زوج آفرید که مایه سکون و آرامش شماست. سوره نحل آیه ۸۰ می فرماید: «و الله جعل لکم من بیوتکم سکناً» خانه شما را محل آرامش و آسایش قرار داد که اشاره به محیط خانواده است. در سوره اعراف آیه ۸۹ می فرماید: «و جعل منها زوجها لیسکن الیها» همسر آدمی را خدا از جنس خود او آفرید تا بتواند در کنار او آرامش پیدا کند. ایشان تاکید می کنند؛ آن آرامشی که زن و مرد در محیط امن و امان و باصفای خانواده، پیدا می کند در هیچ جا پیدا نمی کند. (همان)

معظم له، زندگی را یک مبارزه بلند مدت و دائمی با عوامل طبیعی، موانع اجتماعی، درون خود انسان که مبارزه با نفس است که باید صحیح و منطقی، در جهت درست و با رفتارها و ابزارهای صحیح باشد معرفی می کنند که این مبارزه یک نقطه استراحت و باراندازی لازم دارد که این نقطه استراحت، احساس آرامش در داخل خانواده است این

آرامش، سکونت و نجات از تلاطم های روحی و اضطراب های زندگی است؛ اگر این آرامش و سکونت به نحو صحیحی تحقق پیدا کند، زندگی سعادت‌مندانه می‌شود و زمینه برای خوشبختی همه این‌ها فراهم است. ” (کربلایی نظرو...، ۱۳۹۱، ص ۱۹۶)

رهبر معظم انقلاب علیه السلام بایان یکی از اصول فقه شیعه به تبیین لزوم آرامش روانی در خانواده اشاره نمودند؛ که در هر مسأله ی دینی، همواره یک «اصل» وجود دارد؛ در حوزه ی «اخلاق اسلامی» اصل بر کرامت است. چنانچه میان دو خصلت بخواهیم یکی را انتخاب کنیم، باید بدانیم کدام خصلت کرامت بیشتری به همراه دارد؛ یعنی همه ی افعال اخلاقی باید در جهت تأمین کرامت انسانها باشد. به همین ترتیب در ازدواج نیز اصل بر آرامش است. خانواده در اسلام یعنی محل آرامش روانی دو انسان، آن جایی که انسان در آن صفا می‌یابد، راحتی روانی می‌یابد، این محیط خانواده است» (بانکی پور فرد، ۱۳۹۲، ص ۲۱)

مقام معظم رهبری علیه السلام سفارش کردند؛ زن مسلمان باید در محیط خانه دل آرام شوهر و فرزندانش باشد. مایه آرامش زندگی و آسایش محیط خانواده باشد. در دامن پرمهر و پر عطف و با سخنان پرنکته و مهرانگیزش، فرزندان سالمی را از لحاظ روانی تربیت کند؛ انسان های بی عقده، خوش روحیه، انسان های سالم از لحاظ روحی و روان، در دامن او پرورش پیدا کنند و مردان و زنان و شخصیت های جامعه را بوجود آورد. (کمیته موضوعی، ۵۸، ۱۳۹۳)

آرامش و سکون سبب تعدیل ها و تعادل ها، جهت دار شدن تلاشها و فعالیت ها و هدایت آن به سوی مقصدی اندیشیده است. چه بسیارند افرادی که تصدی و برنامه ای اندیشیده برای زندگی دارند ولی دل آرامی برای اجرای آن ندارند. (قائمی، ۶۰، ۱۳۷۸)

معظم له، یکی دیگر از عوامل آرامش در خانواده را حفظ نگاه، حجاب، عفاف و حریم ها بیان می‌دارند که باید زن و مرد احساس کنند آن رابطه عاطفی و غریزی و کششی که بینشان وجود دارد فقط بین آنهاست و با نگاه به نامحرم از طرف مرد یازن می‌تواند اعتماد متقابل ویران شود و محبت بین همسران ضعیف گردد و ضعف در محبت، بنای خانوادگی را متزلزل می‌نماید. ” (کمیته موضوعی، همان، ۷۸) معظم له می‌فرماید: «مهمترین چیزی که بشر به

آن احتیاج دارد؛ آرامش است. سعادت انسان در این است که از تلاطم و اضطراب روحی درمان و آرامش روحی داشته باشد» (دفتر نشر آثار، ۱۰۶، ۱۳۸۲)

سه) سازگاری

سازگاری یعنی نشان دادن انعطاف در مقابل نقاط ضعف و ناهنجاری های شخصی که می خواهیم کمترین مشکل را با او داشته باشیم که پیش نیاز آن صبر است. (بانکی پور، ۱۳۹۵، ص ۲۱۸) حضرت امام رضا علیه السلام در تبیین اهمیت سازگاری و مدارا می فرمایند: «انسان مومن سه نشانه دارد؛ نشانی از خدا و آن کتمان راز است؛ نشانی از رسول خدا و آن مدارا و سازگاری با مردم است و نشانی از خدا و آن صبر کردن در زمان پریشان حالی و تنگدستی است.» (عطاردی، ۱/۲۵۸) مقام معظم رهبری علیه السلام اساس بقای زندگی را سازگاری معرفی می نمایند که محبت می آفریند و موجب برکات الهی می شود. دلها را به هم نزدیک کرده و پیوندها را مستحکم می سازد.

معظم له در خطبه عقد جمعی از دانشجویان، به نقل از امام فرموده بودند: «بروید و با هم بسازید». بسازید یعنی سازگار باشید؛ و سازگاری وقتی موضوعیت پیدا می کند که شما با نقصی روبه رو هستید. در چنین شرایطی اول باید مثل یک حکیم حاذق با درمان اساسی به دنبال رفع این نقطه ضعف باشید. حال این درمان ممکن است به این زودی ها هم نتیجه ندهد؛ ولی این حکیم چون حاذق است میدانند که این مداوا ممکن است چند سالی طول بکشد اما گاهی شما درمان را انجام می دهید و به نتیجه نمی رسید و متوجه می شوید که به این راحتی ها این ضعف برطرف نمی شود آن وقت واژه سازگاری معنای خودش را پیدا می کند همه ما انسان ها به گونه ای انعطاف پذیر هستیم. یعنی علی رغم عارضه و نقصی که طرف مقابل دارد می توانیم از خود انعطاف نشان دهیم تا برای خود دیگری مشکلی ایجاد نشود. سازش یعنی نشان دادن انعطاف و سازگاری با شرایط دشوار به گونه ای که لطامات، تزاخمت و برخوردها به حداقل برسد. (بانکی پور، همان، ۲۱۹)

ایشان، معنای سازگاری را توضیح می دهند که یعنی شما با هر وضعیتی که هست و

پیش آمده بسازید یعنی مواردی پیش می آید باید همسر، خود را تطبیق دهد اگر قابل اصلاح نیست باید سازگار باشد. ایشان سازش در خانواده را امری واجب می دانند و تاکید می کنند اگر دیدید مقصود شما تأمین نمی شود مگر با کوتاه آمدن، کوتاه بیایید. (همان).

از فرمایشات مقام معظم رهبری علیه السلام بدست می آید؛ سازگاری همیشه آسان نیست. آنچه می تواند به تسهیل در سازگاری کمک کند معنویت بخشیدن به آن است. وقتی سازگاری در چارچوب منافع فردی قرارگیرد، ممکن است زیان شمرده شود؛ زیرا سازگاری به سود طرف مقابل است؛ اما اگر در چارچوب تفکر توحیدی قرار گیرد وضعیت متفاوت خواهد شد. اگر همسران، خدا را در نظر آورده و برای رضای او سازگار باشند و اجرش را نیز از او بخواهند خداوند را طرف معامله خود قرار داده اند نه همسرشان را؛ کسی که با خدا معامله کند بی گمان سود خواهد کرد. این معامله از یک سو سبب احساس خرسندی بیشتر و از سوی دیگر باعث تسهیل در سازگاری می شود. (پسنیدیه، ۱۳۸۶، ص ۲۱۵)

روانشناسی به نام جاهودا، یکی از شش معیار سلامت روان را تسلط بر محیط بیان می کند که فرد سالم می تواند خود را با تغییرات سازگار و مشکلات به وجود آمده را در زندگی روزمره راحل کند. اومی تواند تعارضات درونی و بیرونی زیادی را تحمل و از غلبه بر موانع به وجود آمده نیرو بگیرد. (سالاری فروهمکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۳)

این نوع مهارت (سازگاری و مدارا) یکی از مباحث مهم در ارتباطات اجتماعی است که گستره ی وسیعی را در برمی گیرد. مردم از حیث رفتاری با یکدیگر متفاوتند و تنوع خاصی در عملکردهایشان وجود دارد و برای آنکه زندگی شان پایدار و تحمل پذیر باشد و بتوانند به نیازهایشان پاسخ دهند، ضروری است از ساز و کارهای مدارا و سازگاری آگاه باشند و آن را به موقع به کار گیرند. بخشی از رفتارهای انطباقی، کنترل خویش و غلبه بر هیجانات است. با تسلط بر احساسات منفی و مخرب، توانایی سازگاری با دیگران به دست می آید. (بانکی پور، ۱۳۹۵، ص ۲۲۱)

توجه به تفاوت های روانی زن و مرد و به رسمیت شناختن آن زمینه مهمی برای سازگاری

است. در صورتی که زن و مرد انتظار داشته باشد طرف مقابل با او هماهنگ شود و براین شیوه اصرار ورزد، به عزت نفس او آسیب خواهد رساند. (سالاری فر و همکاران، همان، ص ۲۹۸)

امام علی علیه السلام می فرماید: «سلامت دین و دنیا در مدارا با مردم است» (غررالحکم، ص ۴۴۵). این موضوع از نظر علمی هم به اثبات رسیده است که افراد سختگیر به بیماری های قلبی و عروقی و انواع سکتة مبتلا می شوند. پس به جا می توان گفت که مدارا از جمله عواملی است که می تواند به طور مستقیم و غیر مستقیم، آرامش یک زندگی را تضمین کند. (بانکی پور، ۱۳۹۵، ص ۲۲۴) در روند سازگاری، هریک از زوجین باید وجوه مثبت و گاه نهفته ای را فعال کند و جنبه های منفی شخصیت دیگری را به تدریج اصلاح کند. اما اگر یکی از زوجین به جای پذیرش همسر خود، به همان صورتی که هست، بر جنبه های منفی او تاکید و بخواهد قواعدی را بر او تحمیل کند، ناسازگاری ها بیشتر خواهد شد. (مینوچین، ۱۳۷۵، ص ۸۷)

پائولاهال می گوید: بخشودن یعنی اینکه تصمیم بگیری از چیزی بگذرید و بگذارید درد ورنجی که به وجود آمده از بین برود و به خشم فرصت بروز ندهید. (هال، ۱۳۹۱، ص ۴۰) به نظر می رسد کسانی دارای سازگاری و انعطاف در زندگی هستند که از سلامت روان برخوردارند و همچنین سازگاری و تحمل پذیری خود عامل سلامت روان می باشد.

۳. نقش مرد

مقام معظم رهبری علیه السلام به نقش مرد در خانواده نیز بسیار اهمیت می دهند و توصیه های قابل تاملی مطرح می فرمایند که در بحث ایجاد سلامت روان در خانواده نقش آفرین است.

وظیفه پدر و مسوولیت او بسیار سنگین خواهد بود. پدر با عمل خود باید به فرزندش، به ویژه پسر فرصت دهد تا از اخلاق و رفتار او بهره مند شود. اگر سخنان ناروا و ناپسند خوب نیست. پدر نباید این گونه سخنان را در حضور فرزند ان و همسر بر زبان بیاورد. اگر دوست دارد که فرزندش نماز اول وقت بخواند خودش نباید عذر تراشی کند و نماز اول وقت را به تاخیر بیندازد. (حسینی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۳)

یک) رفتار خردمندان

مقام معظم رهبری علیه السلام دراهمیت نقش پدر فرمودند: «رفتارهای خود را در داخل خانواده خردمندان تنظیم کنید. رفتار خردمندان چیست؟ به مهربانی و حضور در خانه به همان مقداری که میسر است و داشتن صمیمیت و رسیدگی است نه به بی اعتنائی و اخم و تخم. امروز این وظیفه بزرگ بر عهده شماست کاری کنید که با این نهال های تازه ای که دور و بر شما قدمی کشند و پیش می آیند - که ریشه آنها با شما یکی است - یک تنه ی عظیم را تشکیل دهید و جوان شما احساس کند پشت گرمی دارد. با فرزندان خود تعامل کنید با همسر خود مهربانی و همکاری کنید حقیقتاً همسر شما باید احساس کند که شما قدر زحمات او را می دانید.» (کمیتة موضوعی، ص ۱۲۰) به نظر می رسد رفتار خردمندان از جانب پدر سرمنشا بسیاری از خوبی ها برای خانواده می باشد که نتیجه آن سلامت روان و احساس قدردانی و خوشبختی در بین اعضای خانواده است.

همسران موفق افرادی هستند که توان مهار و مدیریت آرزوهای خود را دارند. آنها می توانند بابه دست آوردن این توانمندی، صفا و صمیمیت را به زندگی خود برگردانند. با این کار می توانند از زندگی خود راضی واز همسرشان سپاسگزار باشند. (موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۸، ص ۷۸)

دو) تامین امنیت روانی همسر

مقام معظم رهبری علیه السلام مرد را موظف به مراقبت از زن دانسته اند و با استناد به روایت پیامبر «المراه ریحانه» «زن گل است» این دید را که زن در خانه خدمت کند تخطئه نمودند. زن مانند گلی است که باید او را مراقبت کرد.» (دفتر نشر آثار، ۱۴۶، ۱۳۸۲) اگر زن در خانواده دارای امنیت روانی، اخلاقی و آسایش باشد. واگر آیه «ولهن مثل الذی علیهن» در خانواده رعایت شود آنگاه مشکلات بیرون خانواده برای زن قابل تحمل خواهد شد و بر این ها فائق می آید. (همان، ۸۲) در نتیجه وقتی زن در نقش همسر و مادر دارای آرامش خاطر و سلامت روان باشد بدون تردید سلامت خانواده تضمین می گردد.

سه) صمیمیت بین پدر و فرزند

در دوران نوجوانی، پرورش شخصیت فرزندان مهم ترین امر است؛ زیرا هنوز در مرحله حجب و حیا هستند و پدر با استفاده از این شرایط می تواند در آنان نفوذ کند. نوجوان دوست دارد پدرش با او صمیمی باشد و تعارض و کشمکشی باهم نداشته باشند. کودک، مقلد خوبی است و به آسانی و بدون هیچگونه زحمت و مشقتی تنها از راه تقلید می آموزد. او می بیند، می شنود و پس از مدتی تکرار می کند. کودک در مسیر رشد، از افراد بسیاری اثر می پذیرد و تحت دیده ها و شنیده های بسیاری است ولی پدر از همه آنها مهم تر و مؤثرتر است. (اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۴، ص ۲۲)

مقام معظم رهبری علیه السلام در تاکید اهمیت نقش پدر فرمودند: «امروز فرزندان شما به یک کوره محبت احتیاج دارند و آن، کانون خانواده است به فرزندانان برسید و با آنها پدران و رفیقانه رفتار کنید. بهترین پدرها آنهایی هستند با پسر و دختر خود رفیقند هم بزرگتری و ارشاد و محبت کارگشای پدری را دارند. هم همدلی یک رفیق را. اگر جوان شما سوال و حرف و درد دلی دارد، اولین گوشی که باید آن را بشنود، گوش شما و همسرتان است.» (دفتر نشر آثار، همان).

در روایات واژه ی «رفق» درباره ی اعضاء خانواده به این معنا که باید نسبت به هم رفیق باشند و بر روابط آنها رفاقت حاکم باشد، زیاد دیده می شود. وقتی انسان در معاشرتهای اجتماعی نسبت به رفتار برخی افراد با ملایمت برخورد می کند و نسبت به بعضی از اعمال آنها مدارا به خرج می دهد، به این ملایمت و مدارا «رفق» می گویند. و رفیق کسی است که طبعش نسبت به ما ملایم است و ما نیز نسبت به او ملایم هستیم، او ما را تحمل می کند و ما او را، او با ما مدارا می کند و ما با او. در روایات فراوان سفارش شده است که زن و شوهر با یکدیگر و با فرزندان، با ملایمت و سازگاری و نرمی رفتار کنند؛ که این توصیه همان توصیه به «رفق» است. (بانکی پور، ۱۳۹۲، ص ۲۱۹)

نقطه مقابل «رفق»، «تندی» است به این معنا که ما نتوانیم در مقابل رفتار دیگران نرمی نشان دهیم. در «تندی» نه تنها از کار غلط دیگران به سختی ناراحت می شویم، بلکه به

کسی هم که مطابق با انتظار ما رفتار نمی کند به سختی پاسخ می دهیم. اگر چنین فضایی در خانواده حاکم شود، اعضای آن همواره در حال توییح و سرزنش همدیگر هستند چنین خانه ای کارکرد اصلی خود، یعنی آرامش را از دست می دهد. (همان)

روابط عاطفی بین والدین و فرزندان، ارضا کننده، نشاط بخش و آرامش دهنده دو طرف است، و افزون بر آن، منشأ برقراری روابط عاطفی مناسب فرزندان با همسران آینده و سایر افراد جامعه نیز هست (. سالاری فر، ۵۹، ۱۳۸۵)

راهکار ارتباط موثر با فرزند در دوران جوانی را مقام معظم رهبری علیه السلام این گونه بیان می کنند: «فعالیت‌های گوناگون در جوانان شخصیت می آفریند؛ شخصیت آنها را استحکام می بخشد و آینده ی آنها را تضمین و روشن ترمی کند.» (دیدار بانکی پورو...، ۱۳۸۰، ص ۱۸۴) و آگاهی مسوولیت به جوانان، احترام گذاشتن به شخصیت آنها و با اهمیت دانستن ایشان در حضور اعضای خانواده باعث می شود تا احساس کمبود شخصیت نکنند و رفتارهای هنجارشکن و انحرافی و یا خیزیدن به درون خود به دنبال جبران آن نباشد. این پدران و مادران وظیفه شناس و دانا هستند که به پیروی از دستورات اسلام به فرزندان خود احترام می گذارند و آنان را وزیر و مسوول و معاون و مشاور خود می دانند و از این راه آنها را دوست صمیمی و همکار با صفای خود می سازند. (حسینی، ۱۰۷، ۱۳۸۹)

اصل مسوولیت، مبتنی بر ویژگی مقاومت و تاثیر گذاری بر شرایط درانسان، بیانگر آن است که باید مقاومت فرد را در قبال شرایط افزایش داد و او را چنان گرداند که به جای پیروی از فشارهای بیرونی، ازالزام های درونی تبعیت کند. طبق این اصل، لازم است روش های تربیتی، انسان را از صورت موجودی که صرفاً با الزام های محیطی به این سو و آن سو کشیده می شود خارج سازند و احساس مسوولیت او را بجنبانند و از این طریق، در او تحول به وجود آورند. (باقری، ۱۴۹، ۱۳۹۹-۱۵۰)

مشکل ترین مسأله جوانی در رشد شخصیت و تثبیت هویت این است که فرد به تنهایی بخواهد که بزرگسال باشد و در همین جهت برنامه ریزی کند بلکه او باید قادر به

تشخیص و پذیرش نیروهای متضاد در شخصیت خود نیز بشود و راههای موثرتر کنترل خویش را بشناسد. این تثبیت هویت عموماً با رشد عزت نفس نیز همراه است؛ یعنی فرد نگرش مثبتی درباره خود پیدا می‌کند، خود را شخص مهمی به حساب می‌آورد که چیزی کمتر از دیگران ندارد، معتقد می‌شود که همانند سایر افراد توانایی انجام کارها را دارد و روی هم رفته از وضع خویش احساس رضایت می‌کند. (لطف آبادی، ۲۱۴، ۱۳۷۸) و پدر در ایجاد عزت نفس که زمینه ساز سلامت روان فرزند ان می باشد نقش بسزایی دارد.

۴. نقش فرزندان

مقام معظم رهبری علیه السلام برای نقش فرزندان در خانواده، اهمیت قائل هستند. بی شک روش و منش فرزندان در سلامت روانی خانواده و یا بالعکس در ایجاد اختلال و یا حتی متلاشی شدن خانواده نقش دارند.

یک) احترام به پدر و مادر

از ویژگی های انسان سالم در قرآن، احسان به خانواده است که در سه شاخه والدین، همسر و فرزندان قرار می گیرد و احسان و نیکی به والدین مهمترین عنصر است. «لا تعبدون الا الله و بالوالدین احسانا» (البقره، ۸۳) از مصادیق احسان در قرآن می توان کارهای پسندیده و شایسته، گفتار نرم و ملایم، تواضع و فروتنی، لطف و مهربانی، دعای خیر و... را نام برد. (طبرسی، ۱/۲۹۹)

مقام معظم رهبری علیه السلام، یکی از مهمترین بخشهای خانواده را فرزندان دانسته اند که نقش آنها هم احترام به والدین است. "و در اهمیت این نقش فرمودند: «در اسلام، هیچ انسانی نباید در مقابل انسان دیگری خود را کوچک و تحقیر بکند؛ اما این از موارد استثنایی است. انسان پیش والدین باید خودش را کوچک بکند؛ «واخفض لهما جناح الذل» (اسراء آیه ۲۴) خودت را در مقابل پدر و مادرت ذلیل کن. در حالی که انسان مسلمان پیش هیچکس نباید ذلیل بشود، اما پدر و مادر مستثنا هستند.» (بیانات در دیدار معلمان نمونه‌ی کشور، ۱۲، ۲،

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2450>، ۱۳۷۰)

معظم له احترام به پدر و مادر را یکی از حکمتها عنوان و دراهمیت آن بیان نمودند؛ نمی شود برای احترام به پدر و مادر از لحاظ منافع و برکاتی که دارد، نهایتی پیدا کرد. عمیق تر از آنچه تصور کنیم است و تاکید بر دوست داشتن و ابراز این محبت به پدر و مادر نمودند چرا که احترام و اطاعت و محبت فرزند به پدر و مادر می تواند خانواده را تحت تاثیر خود قرار دهد. (همان)

عواطف مثبت یکی از مولفه های بهداشت روانی است که فرزندان برای والدین فراهم می کنند تعامل با فرزندان که در ویژگی های ظاهری و روانی به والدین شبیه اند موجب نشاط و شادمانی در آنها می شود و دل بستگی و انس با فرزندان، نوعی احساس ایمنی در والدین ایجاد می کند. (سالاری فروهمکاران، ۱۳۹۳، ص ۳۰۲)

پدر و مادر، دو وجود پرارزشی هستند که در تمام دین های آسمانی و حتی مکتب های غیر الهی مورد احترام و تکریمند قرآن و اهلبیت پیامبر ﷺ این حس درونی انسان را که از عاطفه و عقل سرچشمه می گیرد تحریک و بایبان مکرر و مفصل خود، ارزش آنان را آن گونه که باید و شاید، یادآوری می کنند و به فرزندان دستور می دهند که لحظه ای از احترام به پدران و مادران غفلت نکنند و در روایت از امام صادق علیه السلام فرمودند: «بروآبائکم تبرکم ابنائکم» به پدران خود نیکی کنید تا فرزندان شما به این سنت مقدس عمل و به شما نیکی کنند. (حسینی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۰)

دو) حفظ دین و ارزش ها

سلامت روانی مستلزم داشتن یک فلسفه ی بامعنی و زندگی هدفمند است؛ چیزی که فقط در سایه مذهب امکان پذیر است. ارزش های دینی به افکار و رفتار عمق و معنا می دهند. (رضائیان، ۱۳۸۳، ص ۲۳۵) مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانیه گام دوم انقلاب، مهم ترین ظرفیت امیدبخش کشور را نیروی انسانی مستعد و کارآمد بازیربنای عمیق و اوصول ایمانی و دینی مطرح نمودند. (بیانیه گام دوم انقلاب، ص ۳۱) لذا تربیت جوانانی مومن

و پایبند به ارزشها بسیار ضروری هم در سلامت جامعه و هم سلامت افراد به نظر می‌رسد. ایمان به خدا و گرایش به اصول دین و ارکان مذهب ضمن اینکه آدمی را از حیرت و سرگردانی رهائی بخشیده و از نابودی و هدر رفتن استعداد های او جلوگیری می‌نماید. داری شفا بخشی برای رفع اضطراب ها، تشویش ها و نگرانی هایی که امروزه روح و جان انسانها را در سراسر جهان می‌آزارد. (اسماعیلی یزدی ۱۳۸۱، ص ۳۱۴) آموزه های دینی و موازین اخلاقی و معنوی، از عوامل مؤثر در تأمین حفظ و ارتقای سلامت روانی به حساب می‌آید. (نوربالا، ۱۳۹۰، ص ۱۵۳)

تقوا و پرهیزگاری از مهم ترین و زیربنایی ترین ویژگی های رفتاری انسان سالم در قرآن است. تقوا یعنی انسان در روح و روان خود حالت و قوتی به وجود آورد که به او مصونیت از گناه و نافرمانی از اوامر الهی بدهد و او را از دچار شدن به معاصی باز دارد. «و تزودوا فان خیر الزاد التقوی و اتقون یا ولی الالباب» (البقره، ۱۹۷) در مسیر سلامت روان، تقوا هم یک وسیله و هم یک هدف است. انسان متقی، همه ابعاد وجودی اش از ناپاکی و عوامل بیماری زا مصون می‌ماند و در پرتوی این سلامت همه جانبه، به کمال می‌رسد. (پرچم و...، ۱۳۸۹، ص ۷۰)

مقام معظم رهبری علیه السلام در این رابطه فرمودند: «این برای پدر افتخار است که بچه ها پیش در مدرسه، حافظ ارزش های انقلاب، پشتیبان خانواده های شهدا و مدافع دین و انقلاب باشند.» (بانکی پورو...، ۱۳۸۰، ۱۲۱) معظم له به جوانان سفارش کردند هر چه می‌توانید روح و خلوص دینی و تقوا را در کار و عمل خودتان تقویت نمایید. (همان، ۱۰۳) توصیه معظم له بر این است که جوانان به گونه ای خود را بسازند که به هر نقطه و مکانی بروند چراغ راه باشند و به این آیه اشاره دارند که خدای متعال از زبان مومنین می‌فرماید: «واجعلنا للمتقین اماما» هرانسانی باید این صلاحیت را در خودش به وجود بیاورد که در هر نقطه یی که هست دیگران بتوانند به او اقتدا در فکر و رفتار کنند. (همان)

رهبر معظم انقلاب علیه السلام از بین رفتن ارزش های اخلاقی و همزیستی توأم با محبت

خانودگی را به علت سیطره‌ی نظم ماشینی بر همه‌ی جامعه‌های بشری هشدار داده اند به ویژه برای جوانان که احساسات لطیف‌تر و روحیه‌ی آسیب پذیرتر دارند در این بلای بزرگ همچنان بی‌دفاع و بی‌علاج‌اند و نیاز به رابطه‌ی معنوی با خداوند رحیم و کریم، بدین جهت امروز برای مردم دنیا از همیشه حادث‌تر و جدی‌تر است؛ و نماز برترین و کارآمدترین وسیله برای تأمین این نیاز است. بشریت امروز به نماز خالص و کامل و پرشور اسلامی، از همیشه نیازمندتر است و شما، باید به کمک الهی بتوانید، نه فقط نسل رو به رشد و بالنده‌ی جوان کشورمان، بلکه همه‌ی جان‌های نیازمند بشر متحیر در سراسر جهان را اشباع کنید و از سرچشمه‌ی فیاض نماز بهره‌مند سازید. ” (پیام به هفتمین اجلاس سراسری نماز، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2857>)

سه) فعالانه فکر کردن

مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانیه گام دوم انقلاب، جوانان را محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی مطرح نمودند که باید همت، هشیاری، سرعت عمل و ابتکار داشته باشند. به نظر می‌رسد برای رسیدن به این امر، تربیت فرزندان فکور و تحلیل‌گر لازم می‌آید. معظم له فرمودند: «این جوانها را باید متدین، مسوول، باتعهد، بااخلاق و معتاد به فکرکردن باریاوری و به فکرکردن، سنجیدن و تحلیل کردن عادت کنند». (بانکی پور، همان، ۱۲۹)

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمودند: «الفکر مرآه صافیه» (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۵) فکر و اندیشه آینه‌ای شفاف است یعنی با تفکرکردن، زوایای مسائل برای انسان روشن می‌شود و دچار اشتباه و خطا و فریب نمی‌گردد.

تفکر انتقادی تفکری است که مستدل و تیزبینانه باشد تا با کمک آن بفهمیم چه چیزی را باور کنیم و چه عملی را پس از آن انجام دهیم. این بالاترین سطح تفکر است. (سیف، ۱۳۸۳، ص ۵۷۳)

درفرآیند تفکر نقاد و فعال، منتظر نمی‌مانند تا اتفاقی رخ دهد و پس از آن به فکر چاره باشند بلکه به تحلیل مسائل می‌پردازند و فرد تحت تاثیر محیط و عوامل آن تصمیم‌گیری

نمی‌کند و اجازه نمی‌دهد حوادث براو سلطه یابند و کنترل کنند بلکه هوشیارانه محیط را کنترل می‌کند و اجازه نمی‌دهد دیگران بر تفکر او اشراق و سلطه داشته باشند و اندیشه او را مطابق میل خود شکل دهند بلکه برخورد مسلط است و در حد امکان دیگران را به سمت خود سوق می‌دهد. چنین افرادی اغلب از تفکر واکنشی و دور از تأمل، پرهیز دارند. برای مثال رسانه‌های مختلف موجود، بسیاری از مواقع، اجازه تفکر فعال را از انسان می‌گیرند و فرد را همراه خود می‌برند و او بدون اینکه به رفتار خود بیندیشد منفعلانه عمل می‌کند افرادی که با رسانه‌ها در ارتباطند باید هشیار باشند که از تفکر نقاد فاصله نگیرند. (حسین زاده، ۴۱، ۱۳۹۷).

مقام معظم رهبری علیه السلام فکر کردن همراه با ایمان و تعهد و اخلاق را برای جوانان سفارش نمودند یعنی فکری که برخاسته از ایمان باشد می‌تواند مسیر درست را نشان دهد. خانواده و جامعه‌ای که چنین جوانانی داشته باشد آرامش و صمیمیت و پیشرفت در آن تضمین می‌شود؛ چراکه فرد متقی در هر موقعیتی قرار گیرد خود را از امواج گناه و خطا دور می‌سازد و در دام و سوسه‌های نفس و ابلیس قرار نمی‌گیرد و دچار پشیمانی و افسردگی و در مجموع اختلالات روانی و رفتاری نمی‌گردد. (بانکی پور، ۱۳۸۰، همان)

جمع بندی و نتیجه گیری

بانگاه به اجتماع درمی‌یابیم بیشتر مشکلات و دردها و همچنین سعادت، سلامت و موفقیت از خانواده سرچشمه می‌گیرد. خانواده کانونی است برای پرورش شخصیت و سلامت روان انسانها. مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانیه گام دوم به بیان اهمیت سبک زندگی و در جلسات متعدد، نقش زن و مرد در ایجاد آرامش و روابط عاطفی و سازنده و صمیمانه در خانواده پرداخته‌اند و خانواده را کلمه طیبه‌ای عنوان نمودند که وقتی به وجود آید مرتب از خود برکت و نیکی می‌تراود و به پیرامون خودش نفوذ می‌دهد.

در این مقاله؛ نقش همسران به عنوان مکمل و حافظ سلامت معنوی و فکری همدیگر بیان شد. نقش زن در ایجاد سلامت روان از جمله؛ نشر محبت در خانواده که محکم کننده

بنیان عظیم خانواده است و آرامش، که نجات بخش از تلاطم های روحی و اضطراب های زندگی است و تحقق سازگاری که اساس بقای زندگی است؛ محبت می آفریند و موجب برکات الهی می شود، ترسیم گردید.

مرد نیز نقش بسزایی در خانواده دارد؛ باید رفتار خود را در داخل خانواده براساس رفتار خردمندانه تنظیم کند. پدر، باید ایجاد کننده صمیمیت بین خود و فرزندان باشد؛ چراکه بهترین پدرها آنهایی هستند که با پسر و دختر خود رفیقند؛ هم بزرگتری و ارشاد و محبت کارگشای پدری را دارند. هم همدلی یک رفیق را و این گونه سلامت روان خانواده حاصل می گردد. و همچنین مردتأمین کننده آرامش روانی همسر است؛ چراکه اگر زن در داخل خانواده امنیت روانی داشته باشد مشکلات برایش قابل تحمل است و آرامش زن در خانواده انعکاس می یابد.

یکی از مهمترین بخشهای خانواده، فرزندانند؛ نقش آنها، احترام به والدین و حفظ دین و ارزش هاست چراکه فرد متقی در هر موقعیتی قرار بگیرد خود را از امواج گناه و خطا دور می سازد، در معرض وسوسه های نفس و ابلیس قرار نمی گیرد و دچار پشیمانی و افسردگی و در مجموع اختلالات روانی و رفتاری نمی گردد و همچنین فعالانه فکر کردن که تفکری است مستدل و تیزبینانه تا با کمک آن بفهمیم چه چیزی را باور کنیم و چه عملی را پس از آن انجام دهیم. این بالاترین سطح تفکر است که فرد را عزتمند و دارای اعتماد به نفس بالایی گرداند. رعایت این موارد موجب سلامت روان اعضای خانواده و ثبات و پایداری بنیان خانواده خواهد شد. این گزینش بخش ها و نقش ها براساس بیانات مقام معظم هبری صورت گرفت.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سید علی نقی فیض الاسلام، بی جا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷ ش، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی
۴. اسماعیلی یزدی، عباس، ۱۳۸۱ ش، فرهنگ تربیت، قم، انتشارات دلیل ما.
۵. باقری، خسرو، ۱۳۹۹ ش، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، تهران، چاپ چهل ونهم، انتشارات مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان انتشارات مدرسه.
۶. بانکی پور فرد، امیرحسین، قماشچی، احمد، ۱۳۸۰ ش، کودک، نوجوان، جوان از دیدگاه مقام معظم رهبری، ج ۲، تهران، نشر تربیت اسلامی و وزارت آموزش و پرورش.
۷.، ۱۳۹۳ ش، نقش ورسالت زن (زن و خانواده)، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، چاپ دوازدهم، انتشارات انقلاب اسلامی.
۸.، ۱۳۹۵ ش، سردلبران عوامل آرامش بخش و نشاط آفرین در خانواده، اصفهان، نشر حدیث راه عشق.
۹.، ۱۳۹۶ ش، سبک زندگی زنان مجموعه بیانات مقام معظم رهبری در مورد سبک زندگی زنان، اصفهان، چاپ دوم، انتشارات حدیث زاه عشق.
۱۰. پسندیده، عباس، ۱۳۸۶ ش، رضایت از زندگی، قم، چاپ پنجم، نشر دارالحدیث.
۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶ ش، غررالحکم ودرر الکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات. جوادی، سید مهدی، امامی، سید صابر، ۱۳۹۴ ش، چاله های زندگی آسیب شناسی ۲۰ چالش در زندگی، تهران، نشر مجد اسلام.
۱۲. جمعی از محققین مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان، ۱۳۹۸ ش، شور زندگی سلامت عاطفی خانواده، انتشارات مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان.
۱۳. حبی، محمد باقر، ۱۳۸۳ ش، سلامت روان در چشم اندازی گسترده تر، فصلنامه حوزه و دانشگاه، شماره ۴۱.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن بن علی، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج، قم، مؤسسه آل البیت

۱۵. حسین زاده، علی، ۱۳۹۷ش، مهارت‌های سازگاری، قم، چاپ هفتم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
۱۶. حسینی، داود، ۱۳۸۹ش، روابط سالم در خانواده، قم، چاپ هفدهم، انتشارات مؤسسه بوستان کتاب.
۱۷. دفتر نشر آثار مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲ش، زن ریحانه آفرینش مجموعه سخنرانی‌های مقام معظم رهبری، قم، چاپ چهارم، انتشارات نوای قلم.
۱۸. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷ش، لغت‌نامه دهخدا، ج ۶، ۹، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. رضائیان، علی، ۱۳۸۳ش، مدیریت فشار روانی، تهران، نشر سمت.
۲۰. ساپینگتون، " اندرو، ۱۹۸۹م ۱۳۷۹ش، بهداشت روانی، ترجمه حمیدرضا حسینی شاهی برا واتی، نشر روان.
۲۱. سالاری فر، محمدرضا، ۱۳۸۵ش، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، قم، نشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۲۲. شجاعی، محمدصادق، موسوی اصل، سیدمهدی، دولتخواه، محمد، ۱۳۹۳ش، بهداشت روانی بانگ‌گوش به منابع اسلامی، قم، چاپ سوم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۳. سیف، علی‌اکبر، ۱۳۸۳ش، روان‌شناسی پرورشی، نشر نیل، تهران.
۲۴. شولتز، دوران، ۱۳۷۷ش، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، نشر هما.
۲۵. صانعی، صفدر، ۱۳۸۱ش، آرامش روانی و مذهب، اصفهان، چاپ شانزدهم، انتشارات کنکاش.
۲۶. طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۱۷ق، المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصرخسرو.
۲۸. علاسوند، فریبا، ۱۳۹۷ش، خانه‌های اعیانی مهارت دستیابی به خانواده تراز اسلامی، اصفهان، نشر قیسات.

۲۹. عطاردی، الشیخ عزیز الله، ۱۴۱۳ق، مسند الامام الرضا، ج ۱، بیروت، انتشارات دارالصفوه.
۳۰. کاپلان، معاروله، سادوک، بنیامین ۱۳۷۳ش، خلاصه روان پزشکی علوم رفتاری و روان پزشکی بالینی، ترجمه نصرت الله پور افکاری، تهران، نشر آزاد.
۳۱. محمودیان، حسین و دیگران، ۱۳۸۷ش، دانش خانواده، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۳۲. کمیته موضوعی ۱۳۹۳ش، خانواده به سبک ساخت یک جلسه مطول مطوی در محضر مقام معظم رهبری، قم، چاپ شانزدهم، انتشارات سلمان فارسی.
۳۳. کربلایی نظر و جمعی از محققین، محسن، ۱۳۹۱ش، زن و بازیابی هویت حقیقی گزیده بیانات حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای مدظله العالی، تهران، چاپ پنجم، انتشارات انقلاب اسلامی.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۹۷ش، اصول کافی، تهران، مکتب الاسلامیه.
۳۵. گنجی، مهدی، ۱۳۹۹ش، آسیب شناسی روانی بر اساس DSM5، جلد یک، تهران، نشر ساوالان.
۳۶. قائمی، علی، ۱۳۷۲ش، نقش پدر در تربیت، تهران، انتشارات امیری.
۳۷.، ۱۳۷۸ش، نظام حیات خانواده در اسلام، تهران، انتشارات سازمان انجمن اولیا و مربیان.
۳۸. فرحزاد، حبیب الله، ۱۳۹۴ش، محبت به زنان و کودکان سیره پیامبر اکرم (صلوات الله علیه و آله)، جلد ۴، چاپ هفتم، انتشارات طوبای محبت.
۳۹. لطف آبادی، حسین، ۱۳۷۸ش، روانشناسی رشد ۲ نوجوانی جوانی و بزرگسالی، تهران، چاپ یازدهم، سمت.
۴۰. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴ق، کن بحار الانوار، ج هفتاد و دو، بیروت، مؤسسه الوفا.
۴۱. مرتضوی، سید ضیاء، ۱۳۷۸ش، امام خمینی و الگوهای دین شناسی در مسایل زنان، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۲. موسسه عصر بیان معنوی، ۱۳۹۷ش، شنیده‌هایی درباره قدرت و شکوه زن در کلام امام و رهبری با مقدمه علیرضا پناهیان، چاپ سوم، ناشر بیان معنوی.
۴۳. موسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۹۸، خانواده موفق، تهران، نشر موسسه فرهنگی قدر ولایت.

۴۴. میرزایی، سعید صلح، ۱۳۹۷ش، بانوی تراز، قم، نشر زاده اندیشه.
۴۵. مینوچین، سالوادور، ۱۳۷۵ش، خانواده و خانواده درمانی، ترجمه باقرثنائی، تهران، نشر امیرکبیر.
۴۶. هال، پائولا، ۱۳۸۱ش، بهبود روابط زناشویی به زبان آدمیزاد، ترجمه لیلا رسولی، تهران، نشر هیرمند.
۴۷. مقالات:
۴۸. پرچم، اعظم، قوه عود، منصوره، ۱۳۸۹ش، سلامت روان از منظر مکتب اسلام و روان شناسی، نشریه منهج، سال ششم، شماره یازدهم.
۴۹. ساجدی، ابوالفضل، ۱۳۸۷ش، دین و بهداشت روان، فصلنامه روان شناسی در تعامل با دین، شماره اول.
۵۰. عبدالخانی، ساجده، ۱۳۹۵ش، سبک زندگی خانواده برتر از منظر قرآن، فصلنامه قرانی کوثر، سال شانزدهم.
۵۱. عراقی، یحیی، ۱۳۸۷ش، کارآیی خانواده و سلامت عمومی فرزندان، فصلنامه علمی تخصصی روانشناسی ودین، سال اول شماره سوم.
۵۲. نوربالا، احمدعلی، ۱۳۹۰ش، سلامت روانی اجتماعی و راهکارهای بهبود آن، مجله روان پزشکی و روان شناسی بالینی ایران، سال هفدهم، شماره دو.
۵۳. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای www.farsikhamenei.ir

انسان دارای شخصیت سالم در صحیفه سجادیه و بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ

زینب طیبی^۱ (نویسنده مسئول)
زهرا بهمنی^۲

چکیده

بررسی رشد و سلامتی انسان بدون پژوهشی اساسی درباره شخصیت بی نتیجه خواهد بود. اسلام به عنوان یک دین کامل به تمام جوانب فردی و جمعی انسان برای رسیدن به هدف نهایی پرداخته است و برنامه هدایت را در اختیار انسان قرار داده است. اسلام همانگونه که اصل زندگی دنیا را مقدمه‌ای برای زندگی جاودانه جهان آخرت دانسته است، سلامتی شخصیت انسان را نیز مقدمه سلامتی برای آن زندگی برشمرده است. نوشتار حاضر در صدد بررسی دیدگاه‌های اسلام در رابطه با ویژگی‌های انسان سالم و کامل با محوریت امام سجاده علیه السلام و بیانات رهبری است. به همین منظور، نگارنده با استفاده از روش کتابخانه‌ای و توصیف و تحلیل داده‌ها، سعی در شناسایی معیارهای انسان کامل از نگاه منابع اسلامی و رهبر معظم انقلاب اسلامی دارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در

۱. استاد یار علوم و قرآن حدیث دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. Ztayyebi62@gmail.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات بوشهر.
Zahra.bahmani.24@gmail.com

صحیفه سجادیه ویژگی‌های انسان دارای شخصیت سالم در سه مقوله ارتباط با خدا، زندگی فردی و زندگی اجتماعی آمده است. رهبرمعظم انقلاب نیز در بیانات مختلف خود و در جلسات متعدد خود با مردم و مسئولین، به این معیارها برای رسیدن به کمال اشاره کرده است. معظم له در بیان گام دوم انقلاب اسلامی به معنویات و رشد کمالات برای رسیدن به موفقیت در تمام عرصه‌های مختلف زندگی و دوری از رذایل اخلاقی مانند کبر و غرور پرداخته‌اند و معنویت را سبب روحیه‌ی جهادی در بین مردم جامعه و نوع دوستی دانسته‌اند. از منظر امام سجاده علیه السلام، یکی از راه‌های رشد انسان از خود گذشتگی و خدمت به خلق است و رسیدن به کمال مستلزم زندگی در جامعه سالم، متحد و عشق و محبت به خداست و سخنان رهبری نیز منطبق با صحیفه سجادیه است.

کلیدواژه‌ها: انسان، شخصیت سالم، صحیفه سجادیه، رهبرمعظم انقلاب اسلامی.

مقدمه

موضوع انسان کامل از جمله مباحثی است که در رشته‌های مختلف علمی به آن پرداخته شده است و هر رشته علمی با توجه به ماهیت خود به ابعاد متناسب با آن به موضوع پرداخته است، از جمله این علوم، علم اخلاق، روانشناسی و فلسفه را می‌توان نام برد. در ادیان متفاوت نیز به بررسی انسان کامل پرداخته شده است و از این میان دین اسلام به عنوان کاملترین دین به طور کامل و جامع به ویژگی‌های انسان کامل در تمام ابعاد فردی و جمعی پرداخته است.

بدون تردید، اگر ما انسان کامل اسلام را شناسیم، قطعاً نمی‌توانیم یک مسلمان تمام و یا کامل باشیم و شناخت انسان کامل از نظر اسلام دو راه دارد: یک راه این است که ببینیم قرآن در درجه اول و سنت در درجه دوم، انسان کامل را چگونه توصیف کرده‌اند و راه دوم شناخت انسان کامل این است که افرادی عینی را بشناسیم که مطمئن هستیم آن‌ها آن‌چنان که اسلام و قرآن می‌خواهد ساخته شده‌اند و وجود عینی انسان‌های کامل اسلامی هستند خود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله انسان کامل اسلام است. حضرت علی علیه السلام نمونه دیگری از

انسان کامل اسلام است. شناخت علی علیه السلام، شناخت انسان کامل اسلام است. (مطهری، ج ۹۶، ۲۳).

اولین کسی که تعبیر انسان کامل را مطرح کرد عارف معروف، محیی الدین عربی اندلسی طایی است و پس از او کسانی دیگر مانند: صدرالدین قونوی و عزیز الدین نسفی و عبدالکریم جیلی، کتاب‌های مستقلی به این نام تألیف کرده‌اند. (مطهری، ج ۵۷، ۱۴). البته تألیف کتاب در موضوع انسان کامل تا روزگار ما ادامه داشته و کتاب‌های مستقل و نیمه مستقلی در این زمینه نوشته شده است؛ مانند «امام علی علیه السلام، انسان کامل» از محمود حکیمی، «انسان کامل از دیدگاه نهج‌البلاغه و نهج‌الولایه» از حسن زاده آملی، «سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب» از عبد الله نصری، «انسان آرمانی و کامل در ادبیات حماسی و عرفانی فارسی» از حسین رزمجو، «الگوی انسان کامل با رویکرد روان‌شناختی» از ابوالقاسم بشیری و کتاب «انسان کامل از دیدگاه امام خمینی علیه السلام و عارفان مسلمان» از محمد امین صادقی ارزگانی، اما در هیچیک از آثار یادشده به بررسی ابعاد انسان دارای شخصیت سالم از منظر صحیفه سجادیه و بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام اختصاص نیافته است.

دین اسلام به هر دو جنبه جسم و روح انسان اهمیت داده است و راه رشد و رسیدگی به این دو بعد را به شیوه‌های مختلف به انسان نشان داده است، یکی از این راه‌ها که از طریق آن دستورات اخلاقی برای رشد روحی انسان بکار رفته است، دعاهای ائمه اطهار است که یکی از این مجموعه دعاها، صحیفه سجادیه امام سجاد علیه السلام است که در بُعد فردی و اجتماعی، ویژگی انسان کامل را بیان نموده است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام در جاهای متعددی از کتاب‌ها و بیانات خود به مسئله رشد و کمال انسان پرداخته‌اند و مردم را به اخلاق و کمال‌یابی دعوت کرده‌اند و یکی از راه‌های خدمتگزاری صحیح را رشد اخلاق و نگاه توحیدی به زندگی دانسته‌اند. ایشان می‌فرمایند:

«معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان

در خود و در جامعه است و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است» (خامنه‌ای، قرن ۱۵، ص ۳۷) و (بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

۱. دیدگاه‌های اسلامی در مورد انسان سالم

همانطور که گفتیم دین اسلام یک دین جامع در زمینه رشد کمال و فرح بخشی و رضایت بخشی به انسان است. در این بخش، دیدگاه‌های اسلامی پیرامون انسان مطلوب، با شرح اختصاری ویژگی‌های برگرفته از آیات قرآن و سخنان امام علی علیه السلام در نهج البلاغه مورد بررسی قرار خواهند گرفت و در ادامه بحث به دیدگاه‌های مطرح شده توسط امام سجاد علیه السلام درباره‌ی ویژگی‌های انسان مطلوب که در قالب ادعیه در کتاب صحیفه سجادیه آمده‌اند و بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام پرداخته خواهد شد.

یک) دیدگاه قرآن کریم در مورد انسان سالم

از آن جا که قرآن کریم به تمامی ابعاد و شئون وجودی انسان توجه کرده و او را موجودی دو بعدی (روحانی - جسمانی) معرفی می‌کند، این بخش به روان‌شناسی شخصیت سالم با توجه به سه بُعد وجود آدمی یعنی، گرایش و گروه، بینش و نگرش و روش و منش بر اساس آموزه‌های قرآن کریم می‌پردازد. از دیدگاه قرآن، سیمای انسان کامل با ویژگی‌های ذیل ترسیم شده است:

تواضع و فروتنی (مائده: ۵۴، فرقان: ۶۳، شعراء: ۲۱۵)؛

حلم و بردباری در برابر جاهلان (فصلت: ۳۴، فرقان: ۶۳، اعراف: ۱۹۹)؛

میان‌ه‌روی در انفاق (فرقان: ۶۳ و ۶۷)؛

یکتاپرستی (فاطر: ۱۵، شوری: ۵۳)؛

احترام به جان انسان‌ها (فرقان: ۶۸، نساء: ۹۳)؛

عفت و پاکدامنی (بقره: ۲۷۳، نساء: ۶)؛

عدم حضور در مجالس گناه (نساء: ۱۴۰، انعام: ۶۸)؛

نیایش در دل شب (مزل: ۷-۶)؛

داشتن جسم سالم (مائده: ۹۶، نحل: ۱۴).

علاوه بر موارد ذکر شده در بسیاری از آیات قرآن، ویژگی‌های انسان مطلوب ذکر شده که در سوره‌های مؤمنون، بقره، معارج، فرقان، نور، آل عمران و... به آن‌ها اشاره شده است (ابوترابیان و پرچم، ۱۳۹۱).

دو) دیدگاه نهج البلاغه در مورد انسان سالم

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، انسان مطلوب را با ویژگی‌های فرد پارسا و متقی توصیف می‌کند و او را دارای ویژگی‌های خاصی از جمله، پرهیزگاری، رضا به تقدیر، خلوت‌گرایی، تفکر، انس با طبیعت، سکوت، بخشش و خدمت به خلق، دوری از شعار و خودنمایی و پرهیز از خشونت می‌داند. همچنین فرد پارسا و انسان کامل، اهل مناجات و عبادت است، نسبت به دیگران و جامعه احساس مسئولیت می‌کند و با مخالفان عقیدتی خود مرزبندی مشخص و معینی دارد (رهنمایی، ۱۳۹۷).

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، پرهیزکاران را به عنوان برجسته‌ترین نمونه انسان‌های کامل و با ویژگی‌های دیگری از جمله این موارد معرفی می‌کند: توجه به ارزش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی و سعی در تقویت آن‌ها، یاد خدا و شکرگزاری نعمت‌هایش، نیرومند، نرم‌خو و دوراندیش در دینداری، مؤمن سرشار از یقین، حریص در کسب دانش، عالم بردبار، توانگر

میان‌ه‌رو، عابد فروتن، آراستگی در حین تُهی‌دستی، بُردباری در سختی‌ها، به دنبال کسب حلال، شادمان در راه هدایت، دوری از حرص و آز، انجام اعمال نیکو، ترس از غفلت، شادمان از فضل و رحمت الهی، بصیرت و آگاهی، حرکت در مسیر هدایت، مناجات‌های شبانه، ترس از خدا، پرهیزگار، استفاده از فرصت‌ها، روابط اجتماعی خداپسندانه، خودسازی، یاد خدا و آخرت، حسابرسی اعمال، شایستگی در اخلاق فردی، خانوادگی، اجتماعی، دینی، خودشناسی و تقوا (کریم خانی، ۱۳۸۴).

سه) دیدگاه صحیفه سجادیه در مورد انسان سالم

در کتاب صحیفه سجادیه که متعلق به امام سجاد علیه السلام است و پیام‌ها و آموزه‌های آن در قالب دعا ذکر شده، در بخشی از آن به نام مکارم اخلاقی، با ویژگی‌هایی از انسان مطلوب مواجه می‌شویم که می‌توان آن را در سه مقوله ارتباط با خدا، زندگی فردی و زندگی اجتماعی مورد بررسی قرار داد (خاکسار، ۱۳۷۴).

الف) خدمت به خلق

در صحیفه سجادیه زین العابدین علیه السلام که بعد از قرآن و نهج البلاغه، سومین کتاب ارزشمند شیعیان است، ویژگی‌های انسان مطلوب و راه‌های رسیدن به کمال به روشنی بیان شده است. در فراز سوم دعای مکارم الاخلاق، حضرت سجاد علیه السلام، یکی از راه‌های رشد انسان را از خود فراتر رفتن و خدمت به خلق می‌داند. آنجا که امام سجاد علیه السلام است می‌فرماید: «أَجْرٌ لِلنَّاسِ عَلَى يَدَيِ الْخَيْرِ وَ لَا تَمَحِّقُهُ بِالْمَنِّ، وَ هَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ، وَ اعْصِمْنِي مِنَ الْفُخْرِ؛ کارهای خیر برای مردم را بدست من اجرا کن و کار خیرم را با منت گذاردن ضایع و نابود نکن و مرا به بالاترین زیورها و ارزش‌های اخلاق، آراسته کن و مرا از فخر مصون دار» (صحیفه سجادیه، دعای بیستم).

توازن و تعادل ظاهری و باطنی که حضرت سجاد علیه السلام از حضرت حق می‌طلبد، عامل سعادت و خیر دنیا و آخرت و موجب رسیدن فیض الهی انسان است. با این توازن، انسان

نسبت به حق پایدار و ثابت می ماند و نسبت به خلق، عاشقانه در مقام خدمت و یاری به برمی آید. همچنین، کرامت و شخصیت انسان همچون گل در گلستان شکوفا می شود و هرگونه خیری از دست او برای نجات مردم از مشکلات بروز می کند (انصاریان، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۲۹۰)

رهبر معظم انقلاب اسلامی ﷺ نیز درباره خدمت به خلق، سخنان فراوانی را ایراد کرده اند، ایشان می فرمایند:

“يك توفيق بزرگ برای هرکسی، توفیق خدمت است. از نظر خداوند متعال، خدمت به انسانها فی نفسه يك ارزش و يك حسنه است. اگر آن مردمی که به آنها خدمت می کنید، دارای امتیازاتی باشند مثل ایمان، مثل جهاد، مثل انگیزه های عالی در حرکت های اجتماعی، خدمت به آن مردم ارزش مضاعف پیدا می کند» (خامنه ای، ۱۳۸۹، ج ۳۲، ص ۴۷).

معظم له به خدمت با اخلاص و آثار آن در زندگی اشاره می کنند: “با نام و یاد خدا، برای خدمت به خلق خدا نیت کنید. وقت را مصروف خدمت کنید، مصروف کار کنید، قصد را خدایی کنید و آنچه را که وظیفه ی شما است، با اخلاص و به بهترین وجهی انجام دهید» (خامنه ای، ۱۳۹۸، ص ۶۷۵) همچنین می فرمایند: چیزی که میتواند دل مردم را به طرف ما جلب کند اخلاص لله است. این، راز قضیه است. یکی از حکم قرآنی و یکی از حکم اسلامی، این است. این، خودش حکمت است. حکمت یعنی اینکه من و شما، اگر میانه ی خودمان را با خدا درست کنیم، خدا میانه ی ما را با مردم، درست خواهد کرد. راه دیگری وجود ندارد. حکمت، یعنی این! حقیقتی است فراتر از محاسبات مادی و حقیر؛ اگر شما برای خدا کار کردید و در راه خدا قدم برداشتید، خدا مشکل شما را با مردم، حل خواهد کرد. راه، این است. یعنی اگر انسان، حتی قصد جلب نفوس را هم داشته باشد، راهش این است که با صمیمیت عمل کند. اما ما باید قصدمان از این هم بالاتر باشد. ما باید تکلیفمان را انجام دهیم» (همان منبع).

رهبر انقلاب اسلامی ﷺ، خدمت به خلق را محدود به شیوه خاصی نمی کنند و در

قالب‌های متعدد، خدمت به خلق را به همه ما معرفی و انسان‌ها را به آن دعوت می‌کنند: «خدمت به کشور از راه‌های مختلفی ممکن است؛ یکی از بهترین راه‌هایش خدمت به کشور از راه علم است. خب، سیاستمدارها هم خدمت به کشور می‌کنند؛ مجاهدان راه خدا و رزم‌آوران میدانهای جنگ هم خدمت به کشور می‌کنند، تجار و بازرگانان و بقیه هم خدمت به کشور می‌کنند، صنعتگران هم خدمت به کشور می‌کنند؛ اما یکی از راه‌های برجسته‌ی خدمت به کشور، از راه علم است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷، ص ۲۴)

ب) ارتباط با مردم

یکی از راه‌های به کمال رسیدن، زندگی در جامعه سالم و متحد است. این امام همام در کتاب سرشار از معارف خود به فضیلت برقراری ارتباط با مردم و شیوه‌ی صحیح آن اشاره کرده است و در فراز ۱۱ دعای مکارم الاخلاق می‌فرماید:

حَلِّبِي بِحَلِيَّةِ الصَّالِحِينَ، وَ أَلْبَسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَ كَظْمِ الْعَيْظِ، وَ إِظْفَاءِ النَّائِرَةِ، وَ صَمِّ أَهْلِ الْفُرْقَةِ، وَ إِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَ إِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَ سَتْرِ الْعَائِبَةِ، وَ لِينِ الْعَرِيكَةِ، وَ خَفْضِ الْجَنَاحِ، وَ حُسْنِ السِّيَرَةِ، وَ سُكُونِ الرِّيحِ، وَ طِيبِ الْمُخَالَفَةِ، وَ السَّبْقِ إِلَى الْفُضَيْلَةِ، وَ إِبْثَارِ التَّفَضُّلِ، وَ تَرْكِ التَّغْيِيرِ، وَ الْإِفْصَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحَقِّ، وَ الْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَ إِنْ عَزَّ، وَ اسْتِفْلالِ الْخَيْرِ وَ إِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي، وَ اسْتِكْثَارِ الشَّرِّ وَ إِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي، وَ أَكْمَلْ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ، وَ لُزُومِ الْجَمَاعَةِ، وَ رَفْضِ أَهْلِ الْبِدْعِ، وَ مُسْتَعْمَلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ؛ (علی بن حسین، ۱۳۷۶، ص ۹۷-۹۶)؛

مرا به زینت صالحان آراسته فرما و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان تا در گسترده عدل و فرو نشانیدن خشم و خاموش کردن آتش کینه و پیوند دل‌های پراکنده و اصلاح و آشتی برقرار کردن میان مردم و فاش کردن نیکی‌ها و پوشاندن زشتی‌ها و عیب‌ها، و نرم‌خویی و تواضع و خوش‌سیرتی و استوار گامی و معاشرت نیک، پیشتازی به سوی نیکی‌ها و برگزیدن احسان و تفضل و ترک سرزنش و ترک همکاری با ناهلان و به حق سخن گفتن هرچند که سخت باشد، کم دانستن نیکی در گفتار و کردار هر چند که بسیار باشد و زیاد شمردن بدی در

گفتار و کردار هر چند که کم باشد، شایسته‌ی زیبایی و آراستگی صالحان گردهم و هم‌هی این‌ها را که با اطاعت مداوم و همراهی با جماعت و رها کردن بدعت‌گزاران و آنان که رأی و نظر اختراع شده بکار گیرند، کامل بفرما.

همان‌طور که در این فراز دعا مشاهده می‌شود، حضرت با بیان فصیح و شیوا، راه صحیح زندگی کردن را به ما می‌آموزد و شرایط رشد و کمال را برای ما روشن می‌کند. در منابع دیگر دین اسلام نیز به حُسن معاشرت و فواید آن اشاره شده است که در ادامه به ذکر چند مورد از آن‌ها بسنده می‌کنیم:

ارزش معاشرت با همگان

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَاناً وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَ
الْجَارِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ
لَأَيْحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالاً فَخُوراً (نساء: ۳۶)؛

و خدا را بپرستید و چیزی را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه‌ی نزدیک و همسایه‌ی دور و همنشینان و همراهان و در راه ماندگان و بردگان نیکی کنید؛ یقیناً خدا کسی را که متکبر و خودستاست، دوست ندارد.

حضرت باقر علیه السلام از امیر المؤمنین علیه السلام، روایت می‌کند که به دسته‌ی یکی از شمشیرهای رسول خدا صلی الله علیه و آله سه جمله نوشته بود: صله رحم کن با آن‌که با تو قطع رابطه کرده، حق بگو، گرچه به ضرر خودت باشد و نیکی کن به کسی که با تو بدی کرده است (ر.ک: انصاریان، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۳۷۳).

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «سه چیز است که هرکس با یکی از آن‌ها همراه باشد، خداوند بهشت را بر او واجب می‌گرداند. انفاق به وقت تنگدستی، گشاده رویی با تمام مردم جهان و از جانب خود به دیگران انصاف دادن» (همان، ص ۳۷۷). همچنین از ایشان نقل شده است: «حسن معاشرت با خلقان در غیر معصیت، از زیادت‌ی توجه و فضل الهی است

بر بنده‌ی خود، و هر که در خفیه به خدای خود خاضع و خاشع است، البته سلوکش با مردم در علانیه نیکو است، و اگر خلق کسی با مردم در علانیه بد است، خوف الهی اش در خفیه کم است» (شهید ثانی، ۱۳۷۷، ص ۲۹۱).

حضرت آیت الله خامنه‌ای رحمته‌الله نیز در سخنان گهربار خود بارها به نکات اخلاقی فردی و جمعی تاکید داشته‌اند و توصیه‌های فراوانی به مردم و مسئولین در زمینه‌های مختلف اخلاقی کرده‌اند. ایشان در یکی از بیانات خود فرموده‌اند:

«و اما اخلاق الهی و مکارم اخلاق در شرع مقدّس اسلام، توضیح و تفصیل داده شده است؛ چه آن چیزهایی که مربوط به خود انسان است - مثل صبر، شکر، اخلاص و قناعت - . چه آن‌ها که در رابطه با انسان‌های دیگر است - مثل گذشت، تواضع، ایثار و تکریم انسانها - و چه چیزهایی که در رابطه با مجموعه‌ی جامعه‌ی اسلامی است. اخلاق اسلامی دامنه‌ی وسیعی دارد. این‌ها همان چیزهایی است که بیشترین تلاش همه‌ی انبیا و اولیا و بزرگان ادیان الهی - و در اسلام، تلاش نبی مکرم اسلام و ائمه و بزرگان - برای آن بوده است که این‌ها به وجود آید» (خامنه‌ای رحمته‌الله، ۱۳۷۵، ص ۳۰).

معظم له در جایی دیگر فرموده‌اند:

“در جامعه‌ای که بد عمل کردن نسبت به محرومان با بی‌اعتنا بودن نسبت به آنان همراه نباشد؛ مال مردم خوردن وجود نداشته باشد؛ اگر خُلُقِیات اسلامی همان چیزهایی که در اسلام برای يك انسان فضیلت است، همان چیزهایی که به تعبیر روایات، جنود عقل است (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۰) رواج پیدا کند؛ مردم اهل صبر و استقامت باشند؛ اهل توکل و تواضع و حلم باشند، نسبت به یکدیگر بدبین نباشند؛ نسبت به احوال یکدیگر بی‌تفاوت نباشند؛ نسبت به سرنوشت جامعه قناعت وجود داشته باشد؛ زیاده‌روی و اسراف و ریخت‌وپاش و این چیزها نباشد و نشانی از حرص و افزون‌طلبی در امور مادی نباشد، این جامعه به بهشت و گلستان تبدیل می‌شود. گرفتاری امروز مردم دنیا، حتی کشورهای ثروتمند و پیشرفته، این چیزهاست. تهی‌دستی از اخلاقیات است که انسانیت را

امروز در دنیا پریشان کرده است» (خامنه‌ای ﷺ، ۱۳۷۱، ج ۱۹، ص ۱).
رهبر معظم انقلاب اسلامی ﷺ در زمینه امر به نیکی و هدایت مردم، اولویت را به خودسازی و اهل عمل بودن شخص هدایتگر داده‌اند و بیان داشته‌اند: «کسی که مردم را به نیکی امر می‌کند، اما خود او به آن عمل نمی‌کند؛ مردم را از بدی نهی می‌کند، اما خود او همان بدی را مرتکب می‌شود؛ چنین شخصی مشمول لعنت خدا می‌شود و سرنوشت بسیار خطرناکی خواهد داشت» (خامنه‌ای ﷺ، ۱۳۷۹، ج ۲۲، ص ۳۷)

د) آرامش

امام سجاده علیه السلام در فرازهای مختلف دعای مکارم الاخلاق درباره‌ی آرامش هیجانی که در دین اسلام همه چیز برای خداست و انسان زمانی به آرامش می‌رسد که بداند خداوند از او راضی است و حامی اوست. حضرت در فراز دوم دعای مکارم الاخلاق می‌فرماید: «اللَّهُمَّ أَنْتَ عُدَّتِي إِنْ حَزَنْتُ، وَ أَنْتَ مُنْتَجِعِي إِنْ حُرِمْتُ، وَ بِكَ اسْتِعَاثَتِي إِنْ كَرِهْتُ» (علی بن حسین، ۱۳۷۶، ص ۹۸)؛ پروردگارا، آنگاه که اندوهناک شوم، تو مایه‌ی سامان و خشنودی منی و آنگاه که محروم و نومیدگردم، فریادرس و امیدم تویی و آنگاه که گرفتاری به من رو آورد، فریاد رسم تویی. همچنین در دعای هفتم صحیفه سجادیه می‌فرماید: «يَا مَنْ تُحَلُّ بِهٖ عَقْدُ الْمَكَارِهٖ، وَ يَا مَنْ يَفْتَأُ بِهٖ حُدَّ الشَّدَائِدِ، وَ يَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ، ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصَّعَابُ، وَ تَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ» (علی بن الحسین، ۱۳۷۶، ص ۵۲ و ۵۴)؛ ای آن‌که گره هر سختی بدست او گشوده شود و ای آن‌که تندی سختی‌ها بدست او می‌شکند، ای آن‌که راه بیرون شدن از تنگی و رفتن به سوی آسایش از او خواسته شود، دشواری‌ها به لطف تو آسان گردد و اسباب هرکاری به لطف تو سبب شوند.

رنج‌ها و سختی‌ها و دردها، پله‌های نردبان ترقی و رشد و تکامل هستند. برخورد انسان، اگر با مصایب، مکاره‌ها، سختی‌ها و دردها، هماهنگ با دستورهای حضرت حق باشد، سعادت همه جانبه‌ی انسان در پرتو آن تضمین می‌شود. جهان از خداست، انسان از خداست، پرونده‌ی هر موجودی از خداست، حرکات منظم تمام موجودات از خداست و

صحنه‌ی پهناور آفرینش از خداست، این انسان است که باید این واقعیت‌ها را با عمق قلب خود لمس کند تا تحمّل مشکلات و سختی‌ها که کلید حلّش به دست خداست بر او آسان شود و از آزمایش الهی سربلند بیرون آمده و به مقام قرب و توحید صفاتی و افعالی و ذاتی برسد و به سبب هموار کردن سختی‌ها به مقامات عالی‌هی ملکوتی نایل شود (انصاریان، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۱۶۰). چشیدن حقیقت توحید، آدمی را برای برخورد صحیح با مکاره و مشکلات آماده می‌کند و انسان را از این راه به اوج کمال انسانی می‌رساند (همان، ص ۱۶۱).

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «الْمُ نَشْرَحُ لَكَ صَدْرَكَ. وَ وَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ. الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ. وَ رَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ. فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا. إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (انشرح: ۶- ۱)؛ آیا سینه‌ات را [به نوری از سوی خود] گشاده نکردیم؟ و بار گرانت را فرو نهدادیم؟ همان بار گرانی که پشتت را شکست. و آوازه‌ات را برایت بلند نکردیم؟ پس بی‌تردید با دشواری آسانی است. [آری] بی‌تردید با دشواری آسانی است.

رهبر انقلاب علیه السلام در جلسات متعدد به حالت آرامش روحی و اثرات آن اشاره کرده و این حالت را نشانه ایمان راسخ به خداوند متعال ذکر کرده‌اند. ایشان بیان داشته‌اند: «دین صحیح، حالت سکینه و اطمینان و آرامش و اعتماد به خود و اعتماد به خدا و اعتماد به آینده را به انسان می‌بخشد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷، ج ۲۰، ص ۳۶) و در ادامه اثرات این حالت روحی اشاره کرده‌اند:

«اثر این سکینه یعنی اطمینان و آرامش و عدم اضطراب و نداشتن تلاطم در مسئولان، این است که اگر مشکلی پیش آید، آن‌ها می‌توانند در سایه‌ی آن آرامش، تصمیم درست را اتخاذ کنند؛ دستپاچه و مضطرب و دل‌باخته‌ی در حوادث نشوند؛ مثل صخره‌ای، بلکه مثل کوهی، در مقابل حوادث دشوار و سخت بایستند و اگر خوشی و راحتی و گشایشی پیش آید، خود را گم نکنند. این هم یک خطر دیگر برای انسان‌های مؤثر است که به مجرد اینکه دستشان به جایی بند شد و تا در مقابل خود میدانی را مشاهده کردند و توانستند قبض و بسطی صورت دهند و احساس گشایش و آسایشی کنند، خودشان را گم کنند؛

تصمیمهای عجولانه بگیرند؛ دیگران را تحقیر نمایند؛ خودخواهی های خودشان را گسترش و به آن میدان دهند. اگر «سکینه» باشد یعنی آن وقار و اطمینان الهی از این هم جلوگیری می‌کند؛ نمی‌گذارد کارهایی از انسان سریزند که لازمه و نشانه‌ی انسان‌هایی کوچک است؛ انسان‌هایی که مثل پر کاه با هر نسیمی به حرکت در می‌آیند. در واقع انسانی که این سکینه را دارد، در این تشبیه، مثل اقیانوس پُرعمقی می‌شود که هر نسیم و هر وزش بادی نمی‌تواند او را توفانی کند. در فقر و غنا، در تنهایی و در کثرت، «سکینه» به درد انسان می‌خورد» (خامنه‌ای، بی تا، ج ۲۱، ص ۴۸).

ه) خود شناسی

یکی از راه‌هایی که به انسان کمک می‌کند که راه صحیح زندگی را پیدا کند و به هدف واقعی در زندگی دست پیدا کند، شناخت خود و ظرفیت‌های وجودی خود است. این‌که انسان بداند در برابر بزرگی خدا هیچ قدرتی ندارد و برای رشد و تعالی، بهتر است خود را به خدا بسپارد. حضرت در فرازهای بسیاری به این نکته توجه کرده است که ما به دلیل مجال کم به چند مورد آن اشاره می‌کنیم. امام سجاد علیه السلام در دعای هشتم در فراز اول تا پنجم صحیفه سجاده می‌فرماید:

“پروردگارا به تو پناه می‌برم از هیجان حرص و آز و از شدت خشم و چیرگی حسد و سستی صبر و کمی قناعت و بدی اخلاق و افراط در شهوت و ملکهٔ عصبیت (طرفداری از باطل) و (به تو پناه می‌برم) از پیروی هوس و مخالفت هدایت و خواب غفلت و انجام کارهای سخت و مقدم داشتن باطل بر حق و اصرار کردن بر گناه و کوچک شمردن معصیت و سنگین دانستن طاعت و بندگی و (به تو پناه می‌برم) از فخر فروشی ثروتمندان و خوار و کوچک شمردن نیازمندان و بدرفتاری با زیردستانمان و ناسپاسی نسبت به کسی که به ما نیکی کرده است. و (به تو پناه می‌برم) از این‌که به ستمگری کمک کنیم یا این‌که ستم‌دیده‌ای را خوار گردانیم یا آن‌چه حق ما نیست، بخواهیم یا درباره‌ی علم از روی نادانی سخن بگوییم. و به تو پناه می‌بریم از این‌که قصد غش و خیانت به کسی را در سر بی‌روانیم و

با اعمالمان به عجب و خودپسندی گرفتار شویم و آرزوهایمان را دراز کنیم.

امام علی علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «من لم يعرف نفسه بعد عن سبيل التَّجَاه و حبط في الضلال و الجهالات» آن کس که خود را نشناسد از راه سعادت و نجات دور افتاده و به بیراهه‌ی گمراهی و نادانی دچار می‌گردد» (آمدی، بی‌تا، ص ۷۰۶). از این رو حضرت علی علیه السلام، خودشناسی را بالاترین شناخت و معرفت برای انسان‌ها و بزرگترین نادانی را عدم آگاهی در مورد نفس خود می‌داند؛ زیرا این نادانی منتهی به جهل درباره آفریننده‌ی جهان و از جمله نفس انسانی می‌شود (حقانی، ۱۳۸۵، ص ۱۹).

عُجَب در لغت، به معنای خودپسندی، خود برترینی، تکبر و از خود راضی بودن است (ر. ک. ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ذیل ماده «عُجَب»). همین حالت زشت است که گروهی را در جوامع، عزیز بی‌جهت کرده و نفاق، دوئیت، بدبینی، جنگ‌ها و برتری نژاد را بر جامعه انسانی تحمیل می‌کند. انسان از خود راضی به چیزی و به کسی رحم نمی‌کند و میل دارد انسان‌ها در همه‌ی شؤون به او تعظیم کرده و برده‌ی او باشند و اگر تسلیم خواسته‌های وی نشوند به اشدّ مجازات محکوم می‌کند (انصاریان، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۱۴۲).

رهبر انقلاب علیه السلام شناخت نفس و خودسازی را پیش‌زمینه‌ی هدایت دیگران می‌داند و بر لزوم خودشناسی و خودسازی تأکید دارند و می‌فرمایند:

«پیش از آنکه انسان روی دیگران کار کند، اول روی خودش بایستی کار کند و اول با خودش بایست انسان آنچنان عملی را انجام بدهد که نفس خودش را در دست عقل خودش و ایمان خودش مقهور کند تا نفس نتواند سرکشی کند و نتواند هواهای خودش را بر اعمال انسان و بر رفتار انسان و بر افکار انسان حاکم و غالب بکند. عمده‌ی گرفتاری ماها اینجا است. ما اگر بتوانیم بر نفس خودمان غلبه پیدا کنیم، بر هوای نفس خودمان غلبه پیدا کنیم، آن وقت میدان برای عقل ما باز میشود تا حقایقی را بفهمد و نور معرفت الهی به او بتابد، و در [این صورت] انسان در قضایای مشتبه راهنمایی میشود. آن چیزی که خیلی‌ها را در شبهه نگه میدارد، در مسائلی که خیلی باید زود انسان به نتیجه برسد، زود تشخیص

وظیفه بدهد، زود حقیقت را بفهمد، زود دست دشمن را ببیند، زود راه صلاح و نجات را ببیند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰، ج ۲۳، ص ۱۸).

از نظر معظم له، اگر کسی راه خودشناسی و خودسازی را در پیش گیرد از رذیل اخلاقی فاصله می‌گیرد و دچار تکبر و غرور نمی‌شود، رهبر انقلاب در این زمینه می‌فرماید:

«یکی از صفاتی که مانع راه کمال انسانی است و در قرآن، به عبارات گوناگون و در جاهای فراوان و همچنین در روایات و فرمایشهای ائمه (علیهم‌السلام)، نسبت به آن صفت پرهیز داده شده‌ایم و برحذر داشته شده‌ایم، صفت تکبر و خودبزرگی بینی است. این صفت، برای پیشرفت انسان در مدارج معنوی، چیز بسیار خطرناکی است. هدف نهایی از این همه جنجال‌هایی که از اول تاریخ بوده است یعنی آمدن پیامبران، مبارزات فراوان، دو صف شدن حق و باطل، جنگ‌ها، نبردها، درگیری‌ها، صبرها بر مشکلات، تلاش عظیم اهل حق، حتی تشکیل حکومت اسلامی و استقرار عدل اسلامی تکامل و کمال انسان و نزدیک شدن او به خداست. همه چیز، مقدمه‌ی این است؛ ولی تکبر حالتی است که اگر در کسی وجود داشت، او دچار خودشگفتی می‌شود و وقتی خودش، کارش، معلوماتش و خصوصیات فردیش را مورد توجه قرار می‌دهد، حس اعجاب به او دست می‌دهد و به نظرش بزرگ و زیبا و مطلوب می‌آید. شاید بشود گفت که بزرگترین مانع و بدترین درد و بیماری در راه تکامل بشری، عبارت از خود را بزرگ دیدن، خود را پاک و بی‌غش دیدن، خود را قدرتمند و توانا دیدن و خود را برتر از دیگران مشاهده کردن است» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹، ج ۱۲، ص ۱۲).

و) توحید و یکتا پرستی

یکی از مسائلی که در زندگی به انسان نشاط می‌دهد و زندگی را برای انسان امید بخش می‌کند و رضایت‌مندی را در انسان بالا می‌برد، داشتن هدف در زندگی و راه رسیدن به آن هدف است، موضوعی که در دنیا انسان‌ها را بسیار گرفتار کرده و عده‌ای را به پوچی رسانده است، همین بی‌هدفی است. دین اسلام و مجموعه گرانسنگ صحیفه سجادیه به عنوان یکی از منابع ارزشمند دینی به این موضوع نیز پرداخته است و هدف اصلی زندگی که

رسیدن به مقام قرب الهی و یکتا پرستی هست را برای ما به روشنی بیان کرده است و با بیان صفات خداوند، انگیزه انسان را برای یکتا پرستی بالا برده است. حضرت سجاد علیه السلام در دعای نخست صحیفه به زیبایی به بیان ویژگی‌ها و صفات توحیدی خداوند پرداخته است و می‌فرماید:

“الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِأَوَّلِ كَانِ قَبْلَهُ، وَ الْأَخْرِ بِأَخْرِ يَكُونُ بَعْدَهُ الَّذِي قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَيْهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ، وَ عَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ. ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعاً، وَ اخْتَرَهُمْ عَلَى مَشِيَّتِهِ اخْتِزَاعاً...”؛

ستایش از آن خدای اول است که هیچ اولی قبل از او نیست. و مخصوص خدای آخر است که هیچ آخری بعد از او نیست. خدایی که دیدگان هر بیننده‌ای از دیدنش قاصر و اندیشه‌ی هر توصیف کننده‌ای از وصف او عاجز است. جهان آفرینش را با قدرت کامل و مشیت بالغ خویش بی آن‌که نمونه و الگویی در کار خلق آن وجود داشته باشد، آفرید و...

رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام در مورد توحید و نقش آن در زندگی جمعی و فردی انسانها و ارتباط آن با فضایل اخلاقی اشارات زیادی دارند. ایشان می‌فرمایند هرچه امروز از سختی‌ها و بلاها بر سر مسلمانان می‌آید بر اثر گم کردن سررشته‌ی زندگی در زیر سایه‌ی توحید است. توحید که فقط یک امر ذهنی نیست؛ توحید یک امر واقعی و یک نظام و یک دستورالعمل زندگی است. توحید به ما می‌گوید که با دوستانمان چگونه باشیم، با دشمنانمان چگونه باشیم، در نظام اجتماعی چگونه باشیم و چگونه زندگی کنیم. بعضی خیال میکنند که اعتقاد به توحید، مربوط به بعد از مرگ است؛ درحالی‌که اعتقاد به توحید، سازنده‌ی این عالم و سازنده‌ی زندگی است. امروز ما به این احتیاج داریم؛ ملت‌های اسلامی به این احتیاج دارند” (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۲۹۶). همانطور که در مطالب مطرح شده رهبر انقلاب علیه السلام بیان شد، توحید فقط به عنوان یک عقیده در ذهن انسان‌ها نیست، انسان توحیدی را باید از اعمال و رفتار او شناخت و در زندگی او توحیدی بودن اعمال او را مشاهده کرد. یکی از جلوه‌های توحید در زندگی دوری از طاغوت و زورگویان تاریخ است،

ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

«اسلام، دین توحید است و توحید یعنی رهایی انسان از عبودیت و اطاعت و تسلیم در برابر هر چیز و هرکس به جز خدا؛ یعنی گسستن بندهای سلطه‌ی نظام‌های بشری؛ یعنی شکستن طلسم ترس از قدرتهای شیطانی و مادی؛ یعنی تکیه بر اقتدارات بی‌نهایتی که خداوند در نهاد انسان قرار داده و از او بکارگیری آن‌ها را همچون فریضه‌ی تخلف‌ناپذیر، طلب کرده است؛ یعنی اعتماد به وعده‌ی الهی در پیروزی مستضعفین بر ستمگران و مستکبرین به شرط قیام و مبارزه و استقامت؛ یعنی دل بستن به رحمت خدا و نهراسیدن از احتمال شکست؛ یعنی استقبال از زحمات و خطراتی که در راه تحقق وعده‌ی الهی، آدمی را تهدید می‌کند؛ یعنی مشکلات راه را به حساب خدا گذاشتن و خود را به پیروزی حتمی و نهایی امیدوار داشتن؛ یعنی در مبارزه، چشم به هدف عالی که نجات جامعه از هرگونه ستم و تبعیض و جهل و شرک است دوختن و عوض ناکامیهای شخصی و میان‌راهی را نزد خدا جستن؛ و خلاصه یعنی خود را مرتبط و متصل به اقیانوس لا یزال قدرت و حکمت الهی دیدن و به سمت هدف اعلی، با امید و بی‌تشویش شتافتن. همه‌ی عزت و اعتلایی که به مسلمین وعده داده شده، در سایه‌ی چنین ایمان و درک روشن و عمیقی از توحید است. بدون فهم درست و پایبندی عقیدتی و عملی به توحید، هیچ‌کدام از وعده‌های الهی در باره‌ی مسلمانان عملی نخواهد شد» (خامنه‌ای، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۲)

جمع بندی و نتیجه‌گیری

از دیدگاه قرآن کریم، سیمای انسان کامل با ویژگی‌هایی چون تواضع و فروتنی، حلم و بردباری در برابر جاهلان، میانه‌روی در انفاق، یکتاپرستی، احترام به جان انسان‌ها، عفت و پاکدامنی، عدم حضور در مجالس گناه، نیایش در دل شب و داشتن جسم سالم، آمیخته است. امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، پرهیزکاران را به عنوان برجسته‌ترین نمونه انسان‌های کامل معرفی می‌کند که دارای فضایل اخلاقی بسیاری هستند. در کتاب صحیفه سجاده امام سجاد علیه السلام، در بخشی از ادعیه به نام مکارم اخلاقی، ویژگی‌هایی انسان مطلوب در سه

مقوله ارتباط با خدا، زندگی فردی و زندگی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. حضرت سجاد علیه السلام یکی از راه‌های رشد انسان را از خود گذشتگی و خدمت به خلق می‌داند. همچنین بیان می‌کند که رسیدن به کمال مستلزم زندگی در جامعه سالم و متحد است. حضرت در فرازهای مختلف دعای مکارم الاخلاق معتقد است که همه چیز برای خداست و انسان زمانی به آرامش می‌رسد که بداند خداوند از او راضی است و حامی اوست. آن حضرت درباره‌ی واقع‌گرا بودن انسان و شناخت نفس می‌فرماید، این‌که انسان بداند در برابر بزرگی خدا هیچ است و برای رشد و تعالی، بهتر است خود را به خدا بسپارد. اما آخرین ویژگی انسان سالم، فلسفه وحدت و یکپارچگی شخصیت است که ایشان آن را مهم‌ترین معیار انسان کامل دانسته و به زیبایی به بیان ویژگی‌ها و صفات توحیدی خداوند پرداخته است. رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام نیز به این ویژگی‌ها در بیانات خود پرداخته اند. ایشان نگاه توحیدی داشتن به زندگی را سرمنشاء تمام فضایل اخلاقی و رسیدن به کمال می‌داند. معظم له به خودشناسی و خودسازی سفارش می‌کنند و بیان می‌دارند که این کار مانع تکبر و غرور در انسان می‌شود و حالت تواضع را در انسان ایجاد می‌کند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سیدعلی نقی فیض الاسلام، بی جا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. ابن شعبه حزانى، أبو محمد الحسن بن علی بن الحسين، تحف العقول عن آل الرسول π، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم، موسسه النشر الاسلامی (التابعه) لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابوترایان، مستانه؛ پرچم اعظم. «ویژگی های انسان کامل از دیدگاه قرآن»، ششمین همایش پژوهش های قرآنی، ۱۳۹۱.
۵. انصاریان، حسین، تفسیر و شرح صحیفه سجادیه، جلد ۸، دارالعرفان، قم، ۱۳۸۳.
۶. خاکسار، منصور. فرهنگ صحیفه سجادیه، کرمانشاه: انتشارات طاق بستان، ۱۳۷۴.
۷. رهنمائی، حسین. «مقایسه «انسان اخلاقی مطلوب» در اسلام و تأئوئیسم با تأکید بر «نهج البلاغه» و «تائوته چینگ»، معرفت ادیان، سال دهم، شماره ۱، ۱۳۹۷.
۸. کریم خانی، حمزه. «در ساحل نهج البلاغه (ویژگی های انسان کامل)»، گلبرگ، ۶۸، ۱۳۹۵.
۹. شهید ثانی، زین الدین بی علی، مصباح الشرایع ومشایح الحقیقه، پیام حق، تهران، ۱۳۷۷.
۱۰. حقانی، حسین، علم النفس اسلامی و بررسی نظرات دانشمندان غرب، دانشگاه الزهراء، تهران، ۱۳۸۵.
۱۱. خامنه ای، علی، رهبر معظم انقلاب، بیانات، {بی نا}، {بی جا}، {بی تا}.
۱۲. خامنه ای، سید علی، رهبر معظم انقلاب، فلسطین از منظر حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای (ﷺ) رهبر معظم انقلاب اسلامی، موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ ونشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، {بی تا}.
۱۳. خامنه ای، سید علی، رهبر معظم انقلاب، مکتوبات، {بی نا}، {بی جا}، {بی تا}.
۱۴. خامنه ای، سید علی، رهبر معظم انقلاب، گام دوم انقلاب، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ ونشر آیت الله خامنه ای، انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، جلد هشتم، صدرا، تهران. ۱۳۷۷.

شاخص های قرآنی رشد یافتگی در مقطع نوجوانی

سید محمد افتخاری^۱ (نویسنده مسئول)

محمد کاویانی^۲

چکیده

کشور ایران از نظر ظرفیت های طبیعی و انسانی کم نظیر است. مهمترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. انبوهی از نوجوانان به عنوان نیروی مستعد و کارآمد و آینده ساز در این کشور وجود دارند که دشمن با ابزارهای رسانه ای در صدد تهاجم روزافزون به دل های پاک آنان است. از طرفی تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان های بی جبرانی را به کشور و ملت ما وارد می آورد. (بیانیه گام دوم)

در این شرایط، تدوین شاخصه های سبک زندگی اسلامی در ابعاد و مراحل مختلف چرخه خانواده، از ضروریات راهبردی انکار ناپذیر می باشد. این پژوهش، در صدد استخراج و تدوین شاخص های رشد یافتگی در مقطع نوجوانی به منظور تسهیل و تسریع بلوغ رشدی نوجوان می باشد. در این پژوهش از روش تحلیل کیفی گفتمان در متن قرآن کریم استفاده شده است و به منظور ارتقای دقت و افزایش توان دسته بندی و جمع بندی از نرم افزار

۱. دانشجوی دکتری قرآن و روانشناسی؛ جامعه المصطفی العالمیه؛ smeqsme@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی گروه روانشناسی؛ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ m_kavyani@rihu.ac.ir

تحلیلی کیفی اطلس تی آی، جهت کدگذاری اولیه و ثانویه، شبکه سازی و استخراج شاخص ها بهره گرفته شده است. در نهایت یازده شاخص کلی رشد، از آیات قرآن کریم استخراج گردید.

کلمات کلیدی: سبک زندگی اسلامی، رشد نوجوان، رشد متعالی، خانواده، بلوغ

مقدمه

قرآن کریم و روایات اسلامی به دوره ی حساس نوجوانی و جوانی عمر انسان اهمیت ویژه ای داده اند.

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ شَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ خدا آن کسی است که شما را در ابتدا از جسم ضعیف (نطفه) بیافرید آن گاه پس از ضعف و ناتوانی (کودکی) توانا کرد و باز از توانایی (و قوای جوانی) به ضعف و سستی و پیری بر گردانید، که او هر چه بخواهد و مشیتش تعلق گیرد می آفریند، و او دانا و تواناست.

حضرت امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خویش می فرمایند:

بر تو باد توجه به تازه جوانان: زیرا آنان به هر کار خیر از دیگران پیش تازترند. (قال الصادق علیه السلام: عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ (محمدبن یعقوب کلینی، ۱۴۰۷))

در بیانیه گام دوم که روی خطاب آن به جوانان و نوجوان است، به این مطلب اشاره شده است که حدود ۳۶ میلیون نفر از جمعیت کشور نوجوانان و جوانان بین ۱۵ تا ۴۰ ساله هستند و انبوهی از آنان دارای روحیه انقلابی و آماده تلاش جهادی هستند لکن دشمن با ابزارهای رسانه ای و تهاجم فرهنگی روز افزون خود در صدد تغییر سبک زندگی جوانان و نوجوانان کشور می باشد. برای تغییر سبک زندگی نوجوان، کافی است ملاکها، ارزش ها و شاخص های رشدی را در نگاه او تغییر داد که در اینصورت مسیر رشدی او به بیراهه

کشیده می شود.

این پژوهش درصدد است تا گامی هر چند کوچک اما مهم در زمینه احیای شاخص های قرآنی رشد در مقطع نوجوانی بردارد تا چشم اندازی برای والدین و مربیان این حوزه ترسیم شده و به تبع آن آموزش های مدیریت والدین و فرزندپروری به جای تکیه صرف بر واردات فرهنگی روانشناسی غرب، با اهداف و آرمانهای قرآنی منطبق شود.

موضوعاتی که در رشد جسمانی، اخلاقی، شناختی، عاطفی، اجتماعی و... به طور معمول، مورد بحث قرار می گیرد، مربوط به زندگی همین دنیاست؛ اما در رهیافت قرآنی، انسان موجودی دوساحتی و دارای خلقتی هدفمند و آخرت محور است به طوری که باورها و سبک زندگی او در روان شناسی او نیز اثر گذار می باشد. (کاویانی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۶)

برای ورود به دریای بیکران قرآن لازم است ابتدا به بررسی واژگان عربی و قرآنی مربوط به نوجوان پرداخته و سپس ردّ پای آنها را در آیات مربوطه دنبال نمود. ثعالبی (۴۹۲ - ۳۵۰ ق، از ادیبان قرن چهارم و پنجم) در کتاب فقه اللغه، نامهای زیر را به ترتیب برای مراحل مختلف رشد انسان ذکر می کند:

عن أبي عمرو، عن أبي العباس ثعلب، عن ابن الأعرابي يُقَالُ لِلصَّبِيِّ إِذَا وُلِدَ: رَضِيعٌ، وَ طِفْلٌ؛ ثُمَّ فَطِيمٌ؛ ثُمَّ دَارِجٌ؛ ثُمَّ حَفِرٌ؛ ثُمَّ يَافِعٌ؛ ثُمَّ شَرِيحٌ؛ ثُمَّ مُطَبِّحٌ، ثُمَّ كَوَكَبٌ. او در ادامه به نقل از علمای لغت تفصیل زیر را بیان می کند:

۱. پیش از تولد: جنین، ۲. پس از تولد: ولید، ۳. شیرخوارگی: رضیع، ۴. از شیر گرفته شده: فطیم، ۵. با دست و پا راه می رود: دارج، ۶. به پنج وجب رسیده: خماسی، ۷. دندان هایش افتاده: مشغور، ۸. دندان هایش روییده: مشغّر، ۹. بالاتر از ده سالگی: مترعرع و ناشی، ۱۰. نزدیک احتلام یا رسیدن به این سن: یافع و مراهق، ۱۱. پس از احتلام و برومندی: حرور (و در همه این حالات به وی «غلام» گفته می شود)، ۱۲. سبزه های سبیلش روییده: قد بقل وجهه، ۱۳. هنگامی که چهره اش طراوت یافته: فتی و شارخ، ۱۴. به نهایت جوانی رسیده: مجتمع، ۱۵. مابین سی سالگی و چهل سالگی: شاب، ۱۶. از چهل ساله تا

شصت ساله: کهل (و گفته شده از ۳۴ ساله تا ۵۱ ساله، کهل است)، ۱۷. از این به بعد، شیخ.

واژه غلام در قرآن

واژه "غلام" به عقیده بعضی به هر کودکی قبل از رسیدن به سن جوانی گفته می شود و بعضی آن را به کودکی که از ده سال گذشته و هنوز به سن بلوغ نرسیده است اطلاق کرده اند. از تعبیرات مختلفی که در لغت عرب آمده می توان استفاده کرد که "غلام" حد فاصل میان "طفل" (کودک) و "شاب" (جوان) است که در زبان فارسی از آن تعبیر به "نوجوان" می کنیم. (تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۱۱)

راغب اصفهانی در مفردات الفاظ قرآن در ماده «غلم» چنین بیان می کند: «الْغُلَامُ الطَّارِ الشَّارِبُ. يُقَالُ: غُلَامٌ بَيْنَ الْغُلُومَةِ وَالْغُلُومِيَّةِ. (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، ص ۶۱۳) کودک و جوانی که صورتش، تازه موی و سبیل برآورده. غلام بَيْنَ الْغُلُومَةِ وَالْغُلُومِيَّةِ: پسری که جوان بودن و موی برآمدن صورتش آشکار است.

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ * فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ^۱

ما او [ابراهیم] را به نوجوانی بردبار و صبور بشارت دادیم (ترجمه مکارم شیرازی) به نظر می رسد در بسیاری از تعبیرات قرآنی و تفسیری، مقطع سنی نوجوانی را تفکیک نمی کنند و معمولاً آن را ملحق به جوانی کرده و شاید هم گاهی ملحق به کودکی بنمایند. بنابراین در اکثر ترجمه ها بدون اینکه اشاره به مقطع رشدی حضرت اسماعیل علیه السلام داشته باشند، غلام را به پسر ترجمه کرده اند.

از تعبیرات مختلفی که در لغت عرب آمده می توان استفاده کرد که "غلام" حد فاصل میان "طفل" (کودک) و "شاب" (جوان) است که در زبان فارسی از آن تعبیر به "نوجوان" می کنیم. (تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۱۱)

ظاهر این است که این پسر، اسماعیل علیه السلام باشد و در تعبیرات مشابه دیگر (فبشروه بسلام علیم- ۲۸ ذاریات) گاهی منظور حضرت اسحاق علیه السلام است.

یعنی پس ما او را بشارت دادیم به اینکه به زودی فرزندی بردبار روزی او خواهیم کرد. و اگر آن فرزند را توصیف کرد به "غلام" با اینکه اسماعیل از حد جوانی هم گذشت، و به حد بزرگسالان رسید، برای این است که خواست اشاره کند به آن حالتی که در آن حالت صفت کمال و صفای ذات او و حلمش نمایان و شکفته می شود و آن حد جوانی است، و برای همین بود که گفت **يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ** (تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص: ۲۲۹)

واژه بُنَيِّ در قرآن

در تفسیر قمی از امام باقر علیه السلام روایت آورده که فرمود: یوسف یازده برادر داشت، و تنها برادری که از یک مادر بودند شخصی به نام "بنیامین" بود. آن گاه فرمود: یوسف در سن نه سالگی این خواب را دید و برای پدرش نقل کرد، و پدر سفارش کرد که خواب خود را نقل نکند. مؤلف: و در بعضی روایات آمده که او در آن روز هفت ساله بوده، در تورات دارد که شانزده ساله بوده ولی بعید است. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۱، ص ۱۱۵)

قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۵) یوسف

گفت: «فرزندم! خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن، که برای تو نقشه (خطرناکی) می کشند؛ چرا که شیطان، دشمن آشکار انسان است.

آیه بعد مربوط به سن نوجوانی حضرت اسماعیل علیه السلام می باشد.

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ^۱

حرف "فا" در اول آیه فای فصیحه است که می فهماند چیزی در اینجا حذف شده و تقدیر کلام این است که: " فلما ولد له ونشا وبلغ معه السعی - همین که خدای تعالی پسری به او داد و آن پسر نشو و نمو کرد و به حد سعی و کوشش رسید". و منظور از رسیدن به حد سعی و کوشش رسیدن به آن حد از عمر است که آدمی عادتاً می تواند برای حوائج زندگی خود کوشش کند و این همان سن بلوغ است، و معنای آیه این است که: وقتی آن فرزند به حد بلوغ رسید، ابراهیم به او گفت ای پسر... (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۲۳۰)

به هر حال به گفته جمعی از مفسران، فرزندش در آن وقت ۱۳ ساله بود که ابراهیم خواب عجیب و شگفت انگیزی می بیند. (تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۱۱)

آیه بعد مربوط به نصایح حکیمانه لقمان به پسرش می باشد که بعضی از مفسرین او را در سن نوجوانی دانسته اند.

لقمان، ۱۳: وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ
با نوجوان باید با زبان موعظه سخن گفت، نه سرزنش. «وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ» (تفسیر نور، ج ۷، ص ۲۴۴)

ماده بَلَّغَ در قرآن

یکی دیگر از واژگان و تعابیر مورد استفاده در قرآن کریم در مورد مقطع رشدی نوجوانی، واژه بلوغ می باشد.

النساء: ۶ وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ

و یتیمان را بیازمایید تا وقتی به [سن] زناشویی برسند؛ پس اگر در ایشان رشد [فکری] یافتید، اموالشان را به آنان رد کنید... (ترجمه فولادوند)

کلمه: " ابتلا" که مصدر فعل امر " ابتلوا" است، به معنای امتحان است و مراد از بلوغ نکاح، رسیدن فرد سفیه به سنین اوان ازدواج است، پس در حقیقت تعبیر از " رسیدن نکاح" مجازی است عقلی، و فعل " آنستم" از مصدر " ایناس" گرفته شده و به معنای مشاهده ای

است که بویی از الفت در معنای آن نهفته باشد، چون ماده آن یعنی ثلاثی مجردش "انس" است. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۲۷۵)

و کلمه: "رشد" به معنای پختگی و رسیده شدن میوه عقل است، بخلاف غی که معنای خلاف آن را دارد. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۲۷۵)

و جمله "حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ... متعلق به جمله: " و ابتلوا... " است و معنایش این است که یتیم سفیه را بیازمائید و این معنا را می‌رساند که این آزمایش باید از زمان تمیز دادن هم چنان ادامه داشته باشد تا به سن ازدواج برسد، آن گاه اگر دیدید که رشد عقلی یافته، مالش را به دست خودش بدهید. پس این تعبیر تا حدی دلالت بر استمرار آزمایش دارد، و این را می‌رساند که کودک یتیم وقتی که می‌خواهد به حد تمیز و عقل برسد، یعنی به حدی برسد که بشود مورد آزمایشش قرار داد، او را مورد آزمایش قرار بدهید و این آزمایش تا حد ازدواج و حد مرد شدن ادامه داشته باشد. طبع مساله نیز این اقتضا را دارد، چرا که در يك آن و دو آن رشد کودک را نمی‌توان تشخیص داد. بلکه باید این آزمایش تکرار بشود تا ایناس یعنی مشاهده رشد در کودک حاصل گردد، چون کودک بعد از حد تمیز، کم کم به حد "رهاق" و سپس به حد "ازدواج" و آن گاه به حد "رشد" می‌رسد. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۲۷۵)

واژه فتی در قرآن

یکی دیگر از واژگانی که در مقطع نوجوانی، در قرآن کریم به کار رفته است، واژه «فتی» می‌باشد؛

قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ^۱

(گروهی) گفتند: «شنیدیم نوجوانی از (مخالفت با) بتها سخن می‌گفت که او را ابراهیم می‌گویند.» (ترجمه مکارم شیرازی)

ابراهیم طبق بعضی از روایات در آن موقع کاملاً جوان بود و احتمالاً سنش از ۱۶ سال تجاوز نمی‌کرد... (تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۳۶)

وَ قَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۳۰) يوسف

زنان مصر در شهر شایع کردند و گفتند: زن عزیز مصر خاطر خواه غلام جوانش شده و عشق غلام او را سخت فریفته و ما او را در گمراهی آشکار می‌بینیم. (ترجمه کاویانپور)

۱. اهمیت دوران نوجوانی از نگاه قرآن

از بررسی آیات قرآن و اعمال مهم و چشمگیری که ابراهیم انجام داد و مورد تحسین خداوند قرار گرفت، چنین استفاده می‌شود که مقصود از "کلمات" (جمله‌هایی که خداوند ابراهیم را به آن آزمود) يك سلسله وظائف سنگین و مشکل بوده که خدا بر دوش ابراهیم گذارده بود، و این پیامبر مخلص همه آنها را به عالیترین وجه انجام داد... (تفسیر نمونه، ج ۱، ص: ۴۳۷)

وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ^۱

(به خاطر آوردید) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود و او به خوبی از عهده این آزمایش‌ها برآمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!» ابراهیم عرض کرد: «از دودمان من (نیز امامانی قرار بده) خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد!» (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند.»

مأموریت حضرت ابراهیم ع از دوران نوجوانی شروع شد و او با روحیه حق طلبی و شجاعت مأموریت خود را به خوبی انجام داد و در نتیجه انجام وظایف در نوجوانی و طی

کردن موفق امتحانات الهی، به درجات بالای قرب الهی (مقام امامت) نائل آمد. (ترجمه تفسیرالمیزان، ج ۷، ص ۲۲۸)

۲. افزایش ظرفیت وجودی در دوران نوجوانی

از توالی آیه ۵۰ و ۵۱ سوره مبارکه انبیاء چنین استنباط می شود که زمان اعطای رشد به حضرت ابراهیم علیه السلام همان زمانی بود که با عمویش آزر (آبیه) بر سر توحید و ترک بت پرستی مجادله کرد و آن ظرفیت را از خود نشان داد.

وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ * إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ^۱

مجادله ابراهیم با قومش، طبق روایات و گزارش های تاریخی بر می گردد به زمان نوجوانی حضرت ابراهیم علیه السلام. علامه طباطبایی ره در این زمینه می فرماید:

«از سیاق این آیات و آیات دیگری که مناظرات ابراهیم علیه السلام را با پدر و قومش در باره توحید حکایت می کند برمی آید که وی قبل از آن ایام، دور از محیط پدر و قومش زندگی می کرده، و لذا به آنچه که مردم از جزئیات و خصوصیات موجودات و همچنین از سنن و آداب معموله با خبر بودند، او با خبر نبوده، و در اوایل رشد و تمیزش از آن جا و مکانی که داشته، بیرون آمده و به پدر خود پیوسته است، و در آن موقع بوده که برای اولین بار چشمش به بت ها می افتد و از پدرش می پرسد که این چیست؟ (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۲۲۸)

مقصود از "رشد" معنایی است که در مقابل "غی" و گمراهی قرار دارد، و آن رسیدن به واقع است، و در ابراهیم اهتدای فطری و تام و تمام او به توحید و به سایر معارف حقه است، و اضافه رشد به ضمیری که به ابراهیم بر می گردد، اختصاص رشد را به وی می رساند و می فهماند که ابراهیم خود لایق چنان رشدی بود، مؤید این معنا جمله "وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ - ما

هم او را می‌شناختیم" است، و این کنایه است از علم به خصوصیات حال او، و مقدار استعدادش. و معنای آیه این است که سوگند می‌خورم که ما به ابراهیم دادیم آنچه را که وی مستعد و لایق آن بود، و آن عبارت بود از رشد، و رسیدنش به واقع، و ما او را از پیش می‌شناختیم. و همانطور که گذشت مراد از آنچه خدای سبحان به ابراهیم داد، همان دین توحید و سایر معارف حقه است که ابراهیم علیه السلام بدون تعلم از معلمی، و یا تذکر مذکری، و یا تلقین ملقنی، با صفای فطرت و نور بصیرت خود درك کرد. (ترجمه تفسیر المیزان ج ۱۴ ۴۱۸)

۳. ظرفیت های درونی متفاوت نوجوانان

حضرت ابراهیم خود آمادگی پذیرش رشد را داشت. «رُشِدَهُ» و فرمود: «رشدًا». (استعدادها و ظرفیت‌های وجودی انسان‌ها برای رشد متفاوت است) (تفسیر نور، ج ۵، ص ۴۶۱)

معنای آیه این است که سوگند می‌خورم که ما به ابراهیم دادیم آنچه را که وی مستعد و لایق آن بود، و آن عبارت بود از رشد، و رسیدنش به واقع، و ما او را از پیش می‌شناختیم. و همانطور که گذشت مراد از آنچه خدای سبحان به ابراهیم داد، همان دین توحید و سایر معارف حقه است که ابراهیم علیه السلام بدون تعلم از معلمی، و یا تذکر مذکری، و یا تلقین ملقنی، با صفای فطرت و نور بصیرت خود درك کرد. (ترجمه تفسیر المیزان ج ۱۴ ۴۱۸)

۴. شاخص های رشد یافتگی نوجوان از منظر قرآن کریم

پس از استخراج بیش از ۱۰۰ کد از آیات قرآن کریم در مورد مقطع رشدی نوجوان، کدهای استخراج شده در قالب یازده عنوان کلی دسته بندی گردید. که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

یک) شاخص های رشد معنوی

این شاخص ها تأمین کننده معنویت در مقطع رشدی نوجوان می باشند.

اولین شاخص معنوی «عشق به خداوند» است که در آیات ۷۸ تا ۸۲ سوره مبارکه شعرا از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام به آن اشاره شده است. سیاق آیات به گفتگوی ابراهیم علیه السلام با قومش برمی گردد که مربوط به نوجوانی حضرت ابراهیم علیه السلام می باشد.

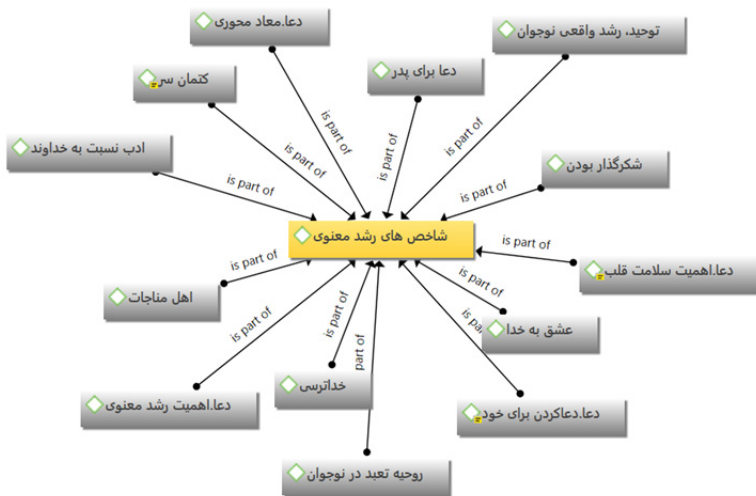
الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ (۷۸) وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ (۷۹) وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ (۸۰) وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ (۸۱) وَالَّذِي أَظْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ (۸۲)

همچنین از این آیات «شکرگذار بودن» و «روحیه توحیدی» ایشان نیز مشخص است. از گفتگوی ابراهیم ع با آزر این پیام قابل دریافت است که رشد واقعی که در آیه ۵۱ و ۵۲ سوره انبیاء به آن اشاره شده است در «روحیه توحیدی» نوجوان نهفته است:

وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ (۵۱) إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلَ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ (۵۲)

در سایه نگاه توحیدی، «داشتن روحیه تعبد در نوجوان» از آیه ۱۰۲ سوره مبارکه صافات به خوبی استفاده می شود:

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ (۱۰۲) صافات



دو) شاخص های رشد شناختی و تحصیلی

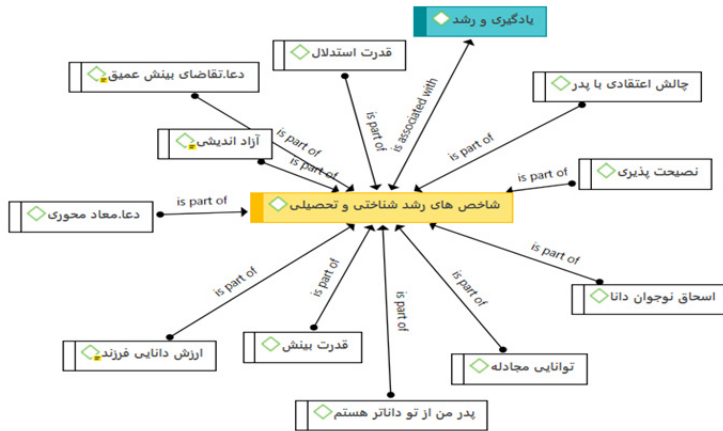
موضوعاتی که در رشد جسمانی، اخلاقی، شناختی، عاطفی، اجتماعی و... به طور معمول، مورد بحث قرار می گیرد، مربوط به زندگی همین دنیاست؛ اما در رهیافت قرآنی، انسان موجودی دوساحتی و دارای خلقی هدفمند و آخرت محور است به طوری که باورها و سبک زندگی او در روان شناسی او نیز اثر گذار می باشد. (کاویانی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۶)

در سیاق آیات ۲۴ تا ۲۸ سوره ذاریات که مربوط به ورود رسولان الهی بر حضرت ابراهیم علیه السلام می باشد، بشارت تولد فرزندی دانا، بزرگ شمرده شده است: **وَبَشِّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ** (۲۸) ذاریات. این بشارت حاکی از «ارزش دانایی فرزند می باشد.

این شاخص ها در زمینه یادگیری و رشد شناختی و اعتقادی، مسیر فکری نوجوان را در این مقطع رشدی ترسیم می کند.

از دعای حضرت ابراهیم علیه السلام در آیات ۸۸، ۸۷ و ۸۹ سوره شعراء اهمیت بحث «معاد محوری» مشخص می شود. سیاق آیات قبل (۶۹ تا ۸۶ سوره شعراء) نشان می دهد که این

دعا در سنین نوجوانی برای حضرت ابراهیم علیه السلام به صورت یک مسأله مهم مطرح بوده است:
 وَ لَا تَخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ (۸۷) يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ (۸۸) إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ
 (۸۹) شعراء



همچنین دعای حضرت در آیه ۸۳ در مورد «تقاضای بینش عمیق» حاکی از اهمیت رشد شناختی می باشد: رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا... (۸۳ شعراء)
 شاخص «آزاد اندیشی» را از مواجهه حضرت ابراهیم با آزر و قومش به روشنی دریافت کرد:

الأنعام: ۷۴ وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزرَ أَ تَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَ قَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

ترجمه: (به خاطر بیاورید) هنگامی را که ابراهیم به پدرش [عمویش] «آزر» گفت: «آیا بتهایی را معبودان خود انتخاب می کنی؟! من، تو و قوم تو را در گمراهی آشکاری می بینم. با اینکه بت پرستی و شرک در فضای اجتماعی آن دوره غالب بوده است، ولی ابراهیم علیه السلام تحت تأثیر جو حاکم قرار نداشت و آزاد اندیشانه حرف حق را می زد.

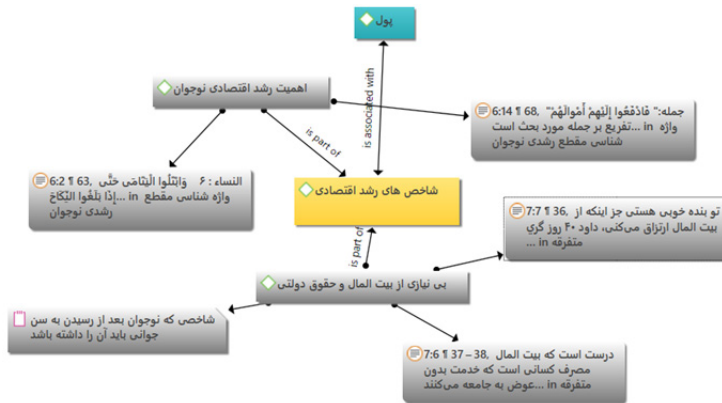
سه) شاخص های رشد اقتصادی

یکی از احکامی فقهی نوجوان، به دست آوردن اختیار اموالشان می باشد، مشروط بر اینکه به حد کافی به «رشد فکر اقتصادی» رسیده باشند. وَ ابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَ بِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَ مَنْ كَانَ عَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَ مَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا. و یتیمان را بیازمایید تا وقتی به [سن] زناشویی برسند؛ پس اگر در ایشان رشد [فکری] یافتید، اموالشان را به آنان رد کنید، و آن را [از بیم آنکه مبادا] بزرگ شوند، به اسراف و شتاب مخورید. و آن کس که توانگر است باید [از گرفتن اجرت سرپرستی] خودداری ورزد؛ و هر کس تهیدست است باید مطابق عرف [از آن] بخورد؛ پس هر گاه اموالشان را به آنان رد کردید بر ایشان گواه بگیرید، خداوند حسابرسی را کافی است.

از آیات مربوط به حضرت داوود علیه السلام می توان برداشت کرد که از نگاه قرآن کریم «بی نیازی از بیت المال و حقوق دولتی» امری ممدوح می باشد؛

در حدیثی آمده است که خداوند به داود وحی فرستاد: نعم العبد انت الا انك تاكل من بيت المال فبکی داود اربعین صباحا فلان الله له الحديد و كان يعمل كل يوم درعا... فاستغنى عن بيت المال:

"تو بنده خوبی هستی جز اینکه از بیت المال ارتزاق می کنی، داود ۴۰ روز گریه کرد (و از خدا راه حلی خواست) خداوند آهن را برای او نرم کرد، زرهی می ساخت... و به این وسیله از بیت المال بی نیاز شد.



درست است که بیت المال مصرف کسانی است که خدمت بدون عوض به جامعه می‌کنند، و بارهای زمین مانده مهم را بر می‌دارند، ولی چه بهتر که انسان بتواند هم این خدمت را بکند و هم از کدیمین - در

صورت توانایی - امرار معاش نماید، و داود می‌خواست چنین بنده ممتازی باشد.

به هر حال داود از این توانایی که خدا به او داده بود در بهترین طریق یعنی ساختن وسیله جهاد، آن هم وسیله حفاظت در برابر دشمن، استفاده می‌کرد، و هرگز از آن در وسائل عادی زندگی بهره‌گیری ننمود، و تازه از در آمد آن - طبق بعضی از روایات - علاوه بر اینکه زندگی ساده خود را اداره می‌کرد چیزی هم به نیازمندان انفاق می‌نمود علاوه بر همه اینها فایده دیگر این کار آن بود که معجزه‌ای گویا برای او محسوب می‌شد. (تفسیر نمونه، ج ۱۸،

ص ۳۰)

چهار) شاخص های رشد شغلی و حرفه ای

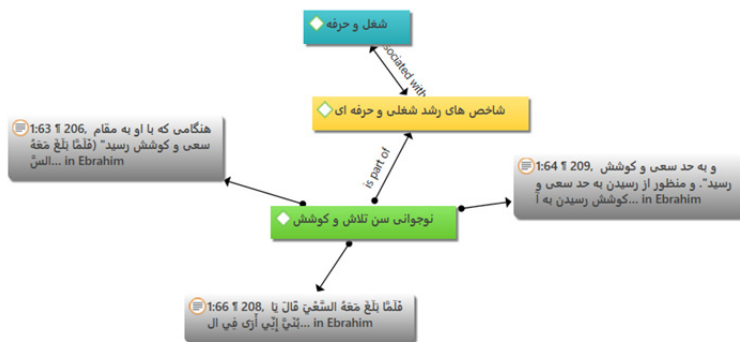
در آیه ۱۰۲ سوره صافات نوجوانی «سن تلاش و کوشش» معرفی شده است و این مسأله

اهمیت رشد شغلی و حرفه ای را نشان می‌دهد.

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيِ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ

أَفْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ^۱

منظور از رسیدن به حد سعی و کوشش رسیدن به آن حد از عمر است که آدمی عادتاً می‌تواند برای حوائج زندگی خود کوشش کند و این همان سن بلوغ است، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۲۳۰



هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید" (فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ). یعنی به مرحله ای رسید که می‌توانست در مسائل مختلف زندگی همراه پدر تلاش و کوشش کند و او را یاری دهد (تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۱۲)

پنج) شاخص های رشد خانوادگی

هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود. و او به خوبی از عهده این آزمایش ها برآمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم». ابراهیم عرض کرد «از دودمان من (نیز امامانی قرار بده)» خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد! (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند.)»^۲ این آیه نشان دهنده اهمیت و جایگاه خانواده و اولاد، در نگاه قرآنی می باشد.

۱. صافات ۱۰۲.

۲. بقره ۱۲۴.

در آیه ۱۰۲ سوره صافات «اهمیت مشورت خواهی از نوجوان» به خوبی قابل استفاده است:

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمُرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ (۱۰۲) صافات

"فَانظُرْ مَاذَا تَرَى" - کلمه "تری" در این جا به معنای "می بینی" نیست بلکه از ماده "رأى" به معنای اعتقاد است، یعنی چه نظر می دهی، می خواسته بفرماید: تو در باره سر نوشت خودت فکر کن و تصمیم بگیر و تکلیف مرا روشن ساز. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۲۳۰

از آنجا که هر نصیحت کردنی مستلزم وجود نصیحت شونده ای شنوا می باشد، می تواند نتیجه گرفت که یکی از شاخص های مربوط به خانواده و والدین، «نصیحت پذیری نوجوان» می باشد.

شش) شاخص های رشد ارتباطی

در این قسمت به بررسی آیاتی که مربوط به دوست یابی و نوع تعامل نوجوان با گروه دوستانش می باشد، اشاره می شود. از دعای حضرت ابراهیم علیه السلام در آیه ۸۳ سوره شعراء اهمیت «ارتباط با دوست سالم» استفاده می شود: «رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ اَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ». از آنجایی که سیاق آیات قبلی، به گفتگوی ابراهیم علیه السلام با قومش برمی گردد که مربوط به نوجوانی حضرت ابراهیم علیه السلام می باشد، می توان دریافت که درخواست حضرت ابراهیم علیه السلام از خدای متعال در مورد همنشینی با افراد خوب و صالح نیز، در زمانی بوده که ایشان در مقطع نوجوانی بوده است.

این دعا نشان می دهد که حتی اگر حکمت باشد، ولی دوستان انسان ناهل باشند، حکمت کارایی ندارد. (قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، ۶/۳۳۱)

یکی دیگر از مهارت هایی که نوجوان در تعامل با دیگران مخصوصا فامیل و دوستان به آن نیاز دارد مهارت جرأت مندی و قاطعیت در گفتار می باشد. آن هنگام که به پدرش (آزر)

و قوم او گفت: این مجسمه های بی روح چیست که شما همواره آنها را پرستش می کنید؟» (إِذْ قَالَ لِأَيِّهِ وَ قَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ^۱). تعبیر «لایبه» (پدرش) اشاره به عمویش آزر است زیرا عرب گاه به عمو «اب» می گوید. (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۲، ۱۷۴/۳) سپس با قاطعیت موضع خود را در مقابل آنها روشن می کند و می گوید: «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَيِّهِ وَ قَوْمِهِ إِنِّي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ. إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ^۲» من از آنچه شما می پرستید بیزارم. مگر آن کسی که مرا آفریده، که او هدایتم خواهد کرد.

حضرت ابراهیم علیه السلام رسماً اعلام کرد که من بتهای شما را دشمن می دانم و به زودی آنها را نابود خواهم کرد. او خیلی زود در یک اقدام شجاعانه نقشه الهی خویش را عملی کرد. وَ تَاللَّهِ لَا يَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ. فَجَعَلَهُمْ جُدَادًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ^۳ این داستان نشان می دهد که جرأت‌مندی و قاطعیت در مسیر انتخاب های صحیح نوجوان، نباید صرفاً به گفتار او محدود شود بلکه باید در رفتار عملی و اعتقادی او نیز تجلی پیدا کند.

شاخصه دیگر در ارتباط نوجوان با دیگران «نترسیدن از سرزنش اطرافیان گمراه» است. نوجوان رشد یافته ای که هویت خویش را یافته است، در مسیر حق و درستی، نباید با کسی تعارف داشته باشد. درست است که ابراهیم طبق بعضی از روایات در آن موقع کاملاً جوان بود و احتمالاً سنش از ۱۶ سال تجاوز نمی کرد، و درست است که تمام ویژگیهای " جوانمردان"، " شجاعت" و " شهامت" و " صراحت" و " قاطعیت" در وجودش جمع بود، ولی مسلماً منظور بت پرستان از این تعبیر چیزی جز تحقیر او نبوده بگویند " ابراهیم" این کار را کرده، گفتند جوانی که به او ابراهیم می گفتند چنین می گفت... یعنی فردی کاملاً گمنام و از

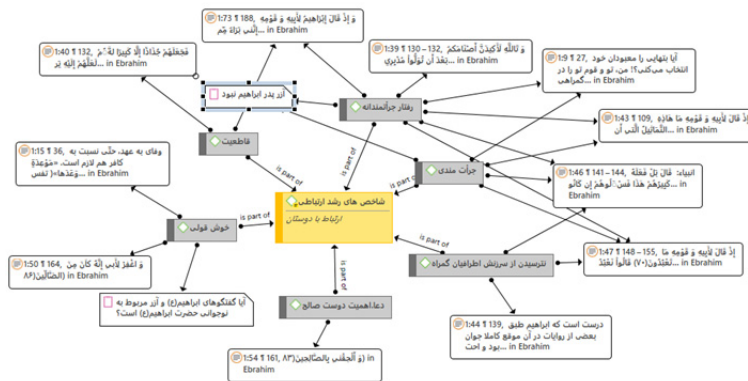
۱. انبیاء ۵۲

۲. زخرف، ۲۶ و ۲۷

۳. انبیاء، ۵۷ و ۵۸

نظر آنان بی شخصیت. قَالُوا سَمِعْنَا فَتَىٰ يَدُكُرُّهُمُ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ^۱ (مکارم شیرازی، ناصر،

۱۳۸۲، ۱۳/۴۳۷)



بایسته ارتباطی دیگر، خوش قولی است. وفای به عهد تأثیر بسیار زیادی در غنای ارتباطی نوجوان با دیگران خواهد داشت. داشتن روحیه خوش قولی تا جایی اهمیت دارد که حضرت ابراهیم علیه السلام حتی نسبت به عمومی کافر خود نیز به قول و قرار خویش پایبند می ماند. «استغفار ابراهیم برای پدرش [عمویش آزر]، فقط بخاطر وعده‌ای بود که به او داده بود (تا وی را بسوی ایمان جذب کند)؛ اما هنگامی که برای او روشن شد که وی دشمن خداست، از او بی‌زاری جست؛ به یقین، ابراهیم مهربان و بردبار بود!»

﴿وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا إِتَاءَهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ﴾^۲

هفت) شاخص های رشد اجتماعی

رشد اجتماعی را در ارتباط با محیطی که انسان در آن زندگی می کند در نظر می گیریم. معمولاً انسان تا حدود زیادی در انتخاب و چینش محیط خویش، مختار است. یک نوجوان

۱. انبیاء، ۶۰

۲. توبه، ۱۱۴

رشد یافته اهمیت زیادی برای طراحی محیط اجتماعی اطراف خود قائل است. ابراهیم نبی ﷺ در دعاهای خویش در سن نوجوانی، از خداوند می خواهد او را در جامعه ای صالح و در مجاورت افرادی نیکوکار قرار دهد. ایشان از خداوند می خواهد: «پروردگارا! به من علم و دانش ببخش، و مرا به صالحان ملحق کن! رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ الْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ^۱» این دعا بیانگر «اهمیت محیط اجتماعی سالم» است.

ابراهیم ﷺ در ابتدای زندگی از ترس نمرود در پنهانی بسر می برده، و پس از سرآمدن این دوره از زندگی خود را آشکار ساخت. (فعال عراقی، حسین، ۱۳۸۳، ج ۱) او در مواجهه با فضای بت پرستی حاکم در آن محیط به شدت موضع گرفت و با جدیتی فراوان تلاش کرد تا با اصلاحات فکری و اجتماعی، محیط زندگی خود را از لوث کفر و بت پرستی پاک گرداند. (طباطبائی، محمد حسین، ۱۴۰۲، ۲۲۲/۷)



او در مواجهه با آن محیط ابتدا تلاش کرد با منطق و استدلال آنها را نسبت به عملکرد اشتباه خود آگاه سازد.

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ^۲. إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَا

۱. شعراء، ۸۳

۲. انبیاء، ۵۲

تَعْبُدُونَ. قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُّ لَهَا عَکِفِينَ. قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ. أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ^۱ هنگامی که به پدر و قومش گفت: «چه چیز را می‌پرستید؟!» گفتند: «بتهایی را می‌پرستیم، و همه روز ملازم عبادت آنهایم.» گفت: «آیا هنگامی که آنها را می‌خوانید صدای شما را می‌شنوند؟! یا سود و زیانی به شما می‌رسانند؟!»

لکن وقتی دید آنها در برابر احتجاجات منطقی و قاطعانه او تسلیم نمی‌شوند، با «شجاعتی بی نظیر»، تلاش کرد که عوامل فساد و بت پرستی را از آن جامعه پاک کرده و به صورت عملی به آنها نشان دهد که کاری از دست این معبودان پوشالی ساخته نیست. وَ تَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ. ابراهیم علیه السلام به آنها گفت: «به خدا سوگند، در غیاب شما، نقشه‌ای برای نابودی بت‌هایتان می‌کشم! فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ. سرانجام (با استفاده از يك فرصت مناسب)، همه آنها - جز بت بزرگشان - را قطعه قطعه کرد؛ شاید سراغ او بیایند (و او حقایق را بازگو کند)!^۲

اقدام دیگر ابراهیم علیه السلام تصمیم به کناره‌گیری و «دوری از محیط آلوده» بود. «وَأَعْتَزَلَكُمُ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَادْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا. و از شما، و آنچه غیر خدا می‌خوانید، کناره‌گیری می‌کنم؛ و پروردگارم را می‌خوانم؛ و امیدوارم در خواندن پروردگارم بی‌پاسخ نمانم!^۳»

هشت) شاخص‌های رشد سیاسی

مراد از رشد سیاسی در اینجا، رشد نگاه و بصیرت نوجوان نسبت به رابطه حاکمیت و جامعه است. حق حاکمیت، صرفاً در اختیار خداوند متعال می‌باشد و هر گونه معبود و حاکمی غیر از او و اولیاء او، سزاوار هدایت‌گری جامعه نیستند. در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام می‌بینیم که او با صراحت تمام از حزب بت پرست حاکم در جامعه آن روز

۱. شعراء، ۷۰ تا ۷۳

۲. انبیاء، آیه ۵۷ تا ۶۸

۳. مریم، ۴۸

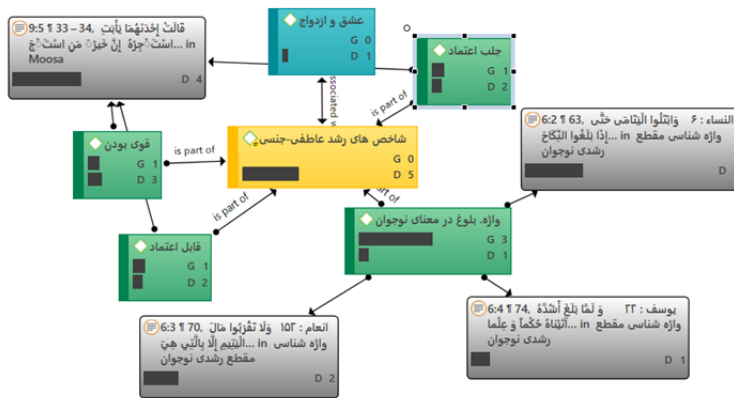
نه) شاخص های رشد عاطفی و جنسی

رشد عاطفی و جنسی مربوط به مقوله عشق و ازدواج می باشد. قرآن کریم از تعبیر «بلوغ نکاح» برای رسیدن نوجوان به سرحد توانایی جنسی ازدواج استفاده کرده است. وَ ابْتُلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ. و یتیمان را چون به حد بلوغ برسند، بیازمایید! اگر در آنها رشد (کافی) یافتید، اموالشان را به آنها بدهید!

قرآن کریم به زمانی اشاره می کند که موسی علیه السلام، برای نجات یک فرد مظلوم، یکی از قبطیان مصر را می کشد و در حال فرار به سمت مدین به محلی می رسد و در آنجا با دختران جناب شعیب آشنا می شود. موسی در آن زمان در سن و سال بلوغ و ازدواج بوده است. (فعال عراقی، حسین، ۱۳۸۳، ج ۲) در این حکایت چهره یک زن پاکدامن، عفیف، متین و باشرم و حیا با در هاله ای تقدس به نمایش می گذارد: نمونه ای زیبا و جالب از برخورد دو جنس مخالف بدون در هم شکستن حریم حیا؛ داستانی که بر اساس یک ساختار هندسی طرح ریزی شده که از این طریق می خواهد اندیشه ها و پیامهای خود را مطرح سازد تا نمونه و الگویی باشد در برخوردهای اجتماعی زن و مرد در تمام جوامع بشری و در همه عصرها و نسلها. (همان)

دختران شعیب به عنوانی دخترانی نوجوان که به صورت غیر مستقیم در قرآن مورد مدح قرار گرفته اند، در عین حفظ حیا و عفت، در هنگام لزوم حضور اجتماعی خود را نیز حفظ نموده اند و در عین حال زیرکی خاصی را برای جذب، پسری «قوی» و «امین» چون موسی علیه السلام به کار می گیرند.

در اینجا رفتار و گفتار جناب شعیب علیه السلام نیز شاخص هایی را برای هدایت مسأله جنسی به دست می دهد. اول اینکه او مسأله «ازدواج آسان» را به نیکویی به اجرا در می آورد، دوم اینکه به اهمیت ارتباط «ازدواج و اشتغال» به خوبی اشاره می کند.



بنابراین آنچه باعث تمام این خیرات برای موسی علیه السلام شد، مسأله «قابل اعتماد» بودن و «قوی بودن» او بود. قوی بودن به معنای آمادگی جسمی، مهارتی و ایمانی برای کشیدن بار مسؤولیت یک زندگی. قرآن کریم از زبان دختر شعیب علیها السلام می فرماید: **قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ**^۱. ای پدر! این جوان را استخدام کن، چرا که بهترین کسی که می توانی استخدام کنی آن فرد است که قوی و امین باشد» او هم امتحان نیرومندی خود را داده هم پاکی و درستکاری را. (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۲، ۳، ۴۵۸/)

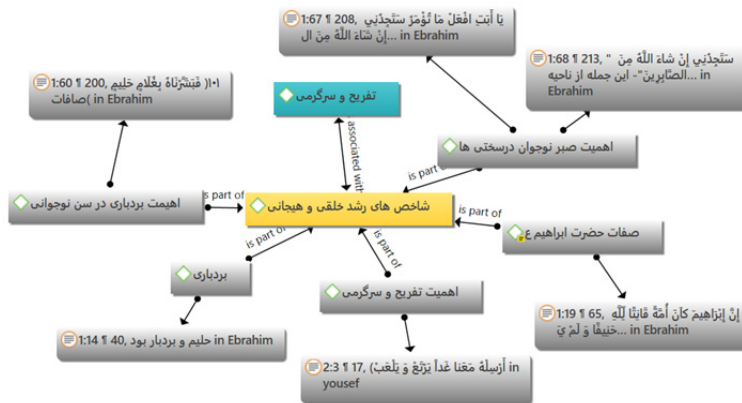
ده) شاخص های رشد خلقی و هیجانی

آنچه از رشد خلقی و هیجانی در این نوشتار مورد نظر می باشد، اموری است در مقوله تفریح و سرگرمی و پرداختن به هیجانان سالم، که موجب نشاط و انگیزش و بالارفتن خلق می شود و ضمن ارتقاء حسن خلق، از افسردگی و پرخاشگری در نوجوان جلوگیری کرده و نیاز هیجان خواهی او را تأمین می نماید.

حسن خلق و روحیه با نشاط با صفت خودکنترلی و صبر در تعامل است. یکی از شاخص های خلقی که نوجوان باید به نصاب آن برسد، «خودکنترلی و صبر» است. خداوند

متعال از زبان حضرت اسماعیل علیه السلام به این شاخص اشاره می کند. فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ^۱. هنگامی که اسماعیل علیه السلام با او (پدرش) به مقام سعی و کوشش رسید، پدر گفت: «پسر! من در خواب دیدم که تو را ذبح می کنم، نظر تو چیست؟» گفت «پدرم! هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت!». به گفته جمعی از مفسران، اسماعیل در آن زمان نوجوانی سیزده ساله بود. (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۲، ۱۹

(۱۱۱ /



شاخص دیگر در زمینه رشد خلقی و هیجانی نوجوان، پرداختن به «تفریحات و سرگرمی های سالم» می باشد. این مقوله همان بهانه ای بود که برادران کج فکر و خطاکار حضرت یوسف علیه السلام از آن برای راضی کردن پدرشان، حضرت یعقوب علیه السلام از آن استفاده کردند. چرا که می دانستند پدرشان تفریح و سرگرمی را لازم و مفید می شمارد. آنها به پدر گفتند: قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ. أَرْسَلْهُ مَعَنَا غَدًا يَزْتَعِ وَ يَلْعَبَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَفِظُونَ^۲. گفتند: «ای پدر، تو را چه شده است که ما را بر یوسف امین نمی دانی در حالی

۱. صفات، ۱۰۲.

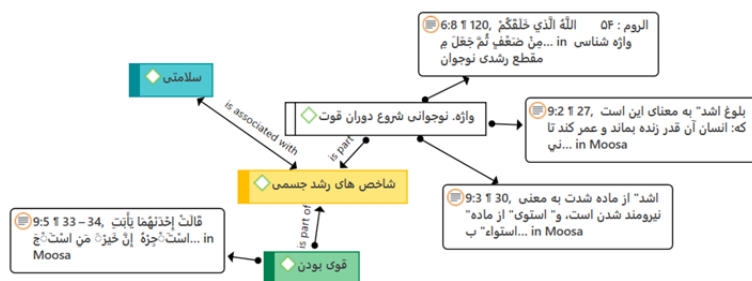
۲. یوسف ۱۱ و ۱۳.

که ما خیرخواه او هستیم؟ فردا او را با ما بفرست تا [در چمن] بگردد و بازی کند، و ما به خوبی نگهبان او خواهیم بود.”

یازده) شاخص های رشد جسمی

این شاخص مربوط به توجه به سلامت جسمی نوجوان می باشد. قرآن کریم «سلامت و قوت جسمی» را امری ممدوح شمرده و آن را به عنوان امتیازی مهم برای اشتغال و ازدواج جوانان برشمرده است. قرآن کریم این نکته را از کلام دختر شعیب علیها السلام مطرح نموده و در پی آن جناب شعیب علیه السلام پیشنهاد ازدواج و اشتغال را برای حضرت موسی علیه السلام مطرح کرده اند که این امر نشان از اهمیت سلامت و قوت جسمی دارد.

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا بَتِ اسْتَجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ. قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَنِي حِجَجًا. یکی از آن دو (دختر) گفت: «پدرم! او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی آن کسی است که قوی و امین باشد (و او همین مرد است)!» (شعیب) گفت: «من می خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم به این شرط که هشت سال برای من کار کنی.... در سوره مبارکه روم خداوند متعال به مراحل سه گانه قوت و ضعف انسان اشاره می فرماید:



«اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ». خدا آن کسی است که شما را در ابتدا از جسم ضعیف (نطفه) بیافرید آن گاه پس از ضعف و ناتوانی (کودکی) توانا کرد و باز از توانایی (و قوای جوانی) به ضعف و سستی و پیری بر گردانید، که او هر چه بخواهد و مشیتش تعلق گیرد می‌آفریند، و او دانا و تواناست»

دوران نوجوانی ابتدای مرحله میانی یعنی دوران قوت است. پس می‌توان یکی از ویژگی‌های بایسته برای نوجوان را حفظ و محافظت سلامت و قوت دانست تا بتواند با بکارگیری نیروی جوانی از دوران میانی عمر خود که مرحله بهره برداری و توشه‌گیری از عمر است، جهت رشد متعالی بهره‌مند شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با بررسی آیات کریمه قرآن در مورد داستان پیامبران بزرگ الهی و مراحل مختلف رشدی انسان، می‌توان به یازده شاخص کلی برای رشد در دوران نوجوانی دست پیدا کرد که هر کدام به نوبه خود به زیر مجموعه‌هایی تقسیم می‌شود. این یازده شاخص عبارتند از: شاخص‌های رشد معنوی، شاخص‌های رشد شناختی و تحصیلی، شاخص‌های رشد اقتصادی، شاخص‌های رشد شغلی و حرفه‌ای، شاخص‌های رشد خانوادگی، شاخص‌های رشد ارتباطی، شاخص‌های رشد اجتماعی، شاخص‌های رشد سیاسی، شاخص‌های رشد عاطفی - جنسی، شاخص‌های رشد خلقی و هیجانی، شاخص‌های رشد جسمی.

در صورتی که این شاخص‌ها، به مثابه یک میزان قرآنی و در عین حال قابل اندازه‌گیری، ملاک و مبنای جهت‌گیری رشدی نوجوان و اولیای تربیتی او قرار بگیرد، می‌تواند تا حدود زیادی مسأله سبک زندگی را که در بیانیه گام دوم مورد تأکید قرار گرفته است،

پوشش داده و کمک شایانی به تدوین یک سبک زندگی اسلامی و قرآنی بنماید.



منابع

- قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ق.
- نهج البلاغه، ترجمه سیدعلی نقی فیض الاسلام، بی جا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
- خسروی حسینی، غلامرضا، ۱۳۶۹، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، مرتضوی، ایران، تهران
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲هـ.ق، مفردات الفاظ قرآن، دار الشامیه، لبنان، بیروت
- طباطبایی، محمد حسین، ۱۴۰۲هـ.ق، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان
- فعال عراقی، حسین، ۱۳۸۳، داستانهای قرآن و تاریخ انبیاء در المیزان، ج ۱ و ۲، نشر سبحان، تهران
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۸ هـ.ش، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ایران، تهران
- کاوایی، محمد، ۱۳۹۹، روان‌شناسی در قرآن مفاهیم و آموزه‌ها، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ایران، قم
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱ هـ.ش، تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان، دارالکتب الإسلامیة، ایران، تهران

بیانیه گام دوم و پزشکی

مبانی علوم پزشکی از منظر قرآن در گام دوم انقلاب

حسن رضا رضایی^۱

چکیده

قرآن یگانه متن اعجاز آمیز و شگفت انگیزی است که در قرن هفتم میلادی مطالب و معارف دقیق و ظریفی درباره مبانی پزشکی مطرح کرده که لازم است در گام دوم انقلاب به آن توجه شود. مقاله پیش رو در پی پاسخ به این پرسش است که مبانی علوم پزشکی از منظر قرآن در گام دوم انقلاب چیست؟

روش تحقیق و گردآوری داده‌ها: پژوهش حاضر با روش تحلیلی - توصیفی و با رویکرد تطبیقی (قرآن و علوم) سامان یافته و روش گردآوری مطالب آن کتابخانه‌ای است. یافته‌های پژوهش: این پژوهش به مبانی خاص، یعنی رابطه سازگاران قرآن با علوم، امانت بودن بدن، قوانین سلامت‌ساز در قرآن، تاثیرات موجودات نامرئی، سلامت آیات پزشکی از تحریف، تناقض، اقتباس، گزاره‌های طبی در قرآن و غیره را مورد توجه قرار داده است. و از مبانی عام صرف نظر کرده است.

نتیجه‌گیری: بدن به عنوان امانت الهی در دست بشر است از این طریق، سبک زندگی خداپاواران را از دیگران متمایز می‌کند. و قرآن و پزشکی رابطه سازگاران دارد نه تباین. علاوه بر آن قوانین و احکام قرآن در راستای سلامت سازی روح و جسم نازل شده اند. و از تناقض و

۱. ستادیار جامعه المصطفی العالمیه hasanreza_rezaee@gmail.com

تحریف و اقتباس بدورند. و موجودات نامرئی نیز بر انسان تاثیر می گذارد. در این رویکرد نگرش پزشک به بیمار، انسان به طبیعت و فرد به بدن خود، تغییری بنیادین می یابد. و انسان را به نگرش سلامت محور و سلامت کل نگر، جامع نگر و تفاوت نگر... هدایت می کند؛ نیز اشاره قرآن به مبانی خاص معارف پزشکی، معرفت بنیادی او را نسبت به دانش پزشکی افزایش داده و آموزه های پزشکی و سلامت را در مرتبه ای از یقین و اطمینان می نشاند.

واژگان کلیدی: قرآن، مبانی عام پزشکی، مبانی خاص پزشکی، طب، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی.

مقدمه

رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام در بیانیه گام دوم انقلاب به علوم از جمله پزشکی توجه ویژه ای نموده است. علم پزشکی از قداست خاصی در بین مردم و ادیان گذشته و اسلام برخوردار است. در گام دوم انقلاب لازم است مبانی پزشکی از منظر قرآن در جامعه نهادینه گردد تا الگوی مناسبی برای دیگر کشورها قرار گیرد. قرآن علاوه بر آیات پزشکی به مبانی آن اهتمام خاص دارد. دانشمندان مبانی را به عام و خاص تقسیم نمودند. و مبانی عام شامل هستی شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی، ارزش شناسی که هر کدام از آنها نقش بسزائی در علوم پزشکی دارد. اما آنچه که ما در این نوشتار در پی آن هستیم؛ مبانی خاص علوم پزشکی در قرآن که در گام دوم انقلاب به آن توجه شود.

مفهوم شناسی

۱.۱. مبانی در لغت

برای «مبانی» در میان ارباب لغت، نظرات فراوانی ارائه شده است. مبانی جمع واژه مبناست (فیروزآبادی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۵) که در دانش لغت به بنیاد، شالوده، بنیان، اساس

(معین، ۱۳۶۰، ۳/۳۷۷۷)، ابتدا، اول و پایه (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۱۷۷۵۸) معنا شده است. و در التحقیق ضمیمه کردن یک شیء به چیز دیگری بیان شده است (مصطفوی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۴۰). با توجه به لغت ریشه هر چیز را مبنای آن چیز میگویند.

۲.۱. مبانی در اصطلاح

مبانی در اصطلاح، اساس، پایه و بستر و ساحت‌ها زیرین هر علم است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲). شناخت آن (پیش فرض‌ها، باورها) در فهم ماهیت احکام و ساختار کمک می‌نماید و جایگاه موضوعات جدید و شناخت وضعیت موجود و از تشتت و پراکندگی بحث جلوگیری می‌کند (حکمت‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۶۵).

مراد ما از اصطلاح «مبانی اعجاز پزشکی در قرآن» در این نوشتار، بیان پیش فرض‌ها، باورهای اعتقادی یا علمی و نیز دلایل جواز و مشروعیتی می‌باشد که نظریه‌ها بر آن استوار است. به این معنا در مبانی پزشکی به دنبال مفاهیم نظری بر اساس پیش فرض‌ها و باورها هستیم و لازم است تمامی مبادی تصویری و تصدیقی در آن لحاظ گردد.

۳.۱. مفهوم پزشکی در لغت و اصطلاح

«پزشکی» در فارسی به معنای دانش مداوای بیماران است. (عمید، ۱۳۷۶، دهخدا، ۱۳۷۷؛ انوری، ۱۳۸۲، ذیل واژه پزشکی) و در عربی به معنای «طب» آمده است. از این تعریف استفاده می‌شود که واژه پزشکی برای درمان بیماری‌های جسم و روح و روان نیز به کار می‌رود. پزشکی یک دانش کاربردی است، هدف آن حفظ و ارتقاء تندرستی، درمان

بیماری‌ها و بازتوانی آسیب‌دیدگان است. ۲. مبانی خاص علوم پزشکی در قرآن بعد از بررسی مبانی و پزشکی در لغت و اصطلاح و اشاره به تاریخچه آن، به مبانی خاص پزشکی در قرآن در گام دوم انقلاب می‌پردازیم.

۱.۲. بدن انسان، امانت الهی

علماء درباره مالکیت انسان بر بدن دیدگاه‌های مختلفی ارائه داده‌اند. برخی‌ها مالکیت تکوینی بر اعضای بدن و برخی دیگر مالکیت ذاتی که پایین تر از مالکیت تکوینی است و برخی دیگر مالکیت اعتباری و برخی دیگر مالکیت امانی و منفعتی و... را مطرح نمودند. ما در اینجا به ادله‌ی درون متنی و برون متنی کسانی که بدن را امانت الهی در دست بشر می‌دانند پرداخته خواهد شد تا در گام دوم انقلاب مورد توجه قرار گیرد.

اول: برگشت امانت به صاحب آن

رد امانت به صاحب آن، در قرآن مطرح و به صورت امری و دستوری بیان شده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء / ۵۸) همانا خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به اهل آن رد نمایید.

نویسنده تفسیر نمونه محدوده آیه فوق را عام نگریسته و محدود به اموال نموده است. و معتقد است در حفظ سلامت جسم و سلامت روح و نیروی سرشار جوانی و فکر و اندیشه کوتاهی نکند و لذا نمی‌تواند دست به انتحار و یا ضرر به خویشتن بزند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۴۳۳). نویسنده المیزان نیز مصادیق امانت را عام می‌داند و می‌نویسد: منظور از امانات تنها امانت‌های مالی نیست، بلکه شامل امانت‌های معنوی از قبیل علوم و معارف حقه که باید به اهلش برسد نیز می‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۶۰۳). با توجه به عمومیت آیه و الغاء خصوصیت می‌توان بدن و جسم را امانت الهی برشمرد و لازم است در حفظ و سلامتی آن کوشا باشیم.

دوم: رعایت امانت داری

خداوند سبحان در قرآن رعایت امانت را یکی از صفات مؤمنان دانسته است: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مؤمنون / ۸) مؤمنان کسانی هستند که امانت‌ها و پیمان خویش را رعایت می‌کنند.

امانت در آیه فوق به صورت جمع آمده شاید برای آن باشد که دلالت بر همه اقسام امانت‌ها که در بین مردم دایر است شود و چه بسا گفته باشند امانات شامل تمامی تکالیف الهی که در بشر به ودیعه سپرده شده و نیز شامل اعضاء و جوارح و قوای بشر می‌شود که باید در کارهایی که مایه رضای خدا است به کار بست. و نیز شامل هر نعمت و مالی است که به آدمی داده شده است (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۱۵، ص ۱۲).

سوم. حفظ از آسیب‌ها

قرآن با صراحت بیان کرده که هر عملی که عواقبش هلاکت باشد، مذموم است. «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ؛ (بقره / ۱۹۵)؛ «خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید!» شیخ طوسی هر عملی را که عواقبش هلاکت و نیستی باشد مصداق آیه فوق می‌داند (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۱۵۱) طوسی قلمرو آیه را محدود نکردند و به صورت عام تفسیر کردند و مکارم شیرازی با کمک این آیه عبور از جاده خطرناک و بدون وسایل در هوای بد یا خوردن غذایی که به احتمال قوی آلوده به سم است را جایز نمی‌داند (مکارم، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۳۵) اکثر مفسران، آیه فوق را عام و شامل هر چیزی که به بدن ضرر برساند حتی ضرر تدریجی نیز باشد، می‌دانند. برداشت ما از این آیه، این است؛ که انسان نمی‌تواند با تصور اینکه مالک بر بدن است هر گونه خسارتی و ضرری برآن وارد نماید. از این رو انسان امانت دار بدن الهی است.

چهارم: عدم جواز خودکشی

آیه «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» (نساء / ۲۹)؛ «و خودکشی نکنید!» مطلق بیان شده و شامل خودکشی، قتل نفس و کشتن غیر و... می‌باشد. از ذیل آیه: «إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» می‌توان استفاده عموم کرد (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۵۰۶). به این معنا انسان نمی‌تواند نفس خود را به بهانه مالکیت از بین ببرد می‌بایست بر حفظ آن کوشا باشد.

پنجم. قاعده لاضرر

در متون روایی یک قاعده ی عامی نهفته است که می توان استنباط کرد که هر گونه ضرر زدن بر بدن ممنوع است. «لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ عَلَی مُؤْمِنٍ» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۲۹۲) ضرر، اسم جنس است و شامل نقص مالی و بدنی است. از آنجایی که مطلق است شامل ضرر زدن به بدن خود نیز می شود. در نتیجه بر حرمت ضرر رساندن به بدن خود دلالت می کند (فقه اهل البیت، مومن قمی، پیوند اعضا، سال ۹، ص ۳۴). همچنین «ضرار» مصدر به معنای وارد کردن ضرر است و این نیز مطلق است و شامل ضرر زدن به بدن خود نیز می شود (همان) ضرر و اضرار هم در آیات (بقره / ۲۳۳) نهی شده و هم در احادیث (کلینی، ۱۳۷۵، باب الضرار، روایت ششم) و هم اجماع (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ص ۵۳) بر عدم ضرر داریم و هم مستقلات عقلی (محقق داماد، ۱۳۸۳، ص ۱۳۴):

ششم. حفظ نفس، احیاست!

قرآن جایگاه بدن و حفظ آن را معادل احیاء کل بشر می داند. «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَ مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا (مائده / ۳۲)؛ «هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان ها را کشته و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است».

در احادیث بیان شده که حفظ نفس محترم، جزء احیا است (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۴۰). حفظ انسان از ضررهای جسمی و هلاکت نیز جزء احیاء است. برخی از فقها به واسطه این آیه، سیراب کردن تشنگان و حفظ انسان ها از هلاکت را لازم می دانند (حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۳۵). همچنین برخی ها با توجه به آیه فوق، اعطا عضو را بلاشکال می دانند تا زمانی که ضرری به بدن نرسد (استفتائات پزشکی ۱۳۱، رساله ی توضیح المسائل ۵۷۸) به سبب اینکه دارای فایده عقلایی است. همانند پیوند گیاهان و مرکبات هر چند شاخه ای شکسته می شود ولی حیاتی به درخت دیگر داده می شود. در نتیجه حفظ بدن از ضررها

ارزش فوق العاده دارد تعدی به آن نیز مذمت سنگین دارد.

تحلیل: هر چند درباره مالکیت انسان بر بدن یا حفظ آن به سبب امانت بحث‌های فقهی و کلامی زیادی مطرح شد؛ اما ادله فراوان قرآنی، اشاره به حفظ بدن از آسیبها و ضررها دارد. به عبارتی بدن را امانت در دست بشر برمی شمرد. در گام دوم انقلاب ضرورت دارد جامعه پزشکی و دانشگاهی با توجه به این مبانی نمی‌توانند هر تصمیمی برای بدن انسان‌ها اتخاذ نمایند و سلامتی جسم آنها را در معرض خطر قرار دهد.^۱

۲.۲. رابطه سازگاران قرآن و علوم پزشکی

مقدمه

وجود آیات پزشکی در قرآن امری انکار ناپذیر است و ریشه در وحی الهی دارد و تفکر بشر در الفاظ و نظم آن دخالتی نداشته است و با علوم تجربی در تضاد نیست. برخی‌ها با تاسی از عالم مسیحیت و بحث تعارض با علوم، در پی آن بودند و هستند که این مسئله را به قرآن نیز تعمیم دهند و پیروزی را از آن علوم تلقی نمایند (سایت رادیو زمانه، اکبر گنجی، عنوان قرآن محمدی، ۱/۱۱/۱۳۸۹). در حالی که در گام دوم انقلاب تفکر سازگاران قرآن و علوم نهادینه گردد و با ادله درون متنی و برون متنی قابل اثبات است که بین قرآن و علوم از جمله پزشکی رابطه سازگاران وجود دارد نه تباین. در اینجا بعد از اشاره به پیشینه تعارض علم و دین و انواع آن به مشکلات ادعای تعارض در قرآن و علوم پرداخته خواهد شد.

۱. البته در مقابل برخی‌ها ادله ای برای مالکیت انسان بر بدن مطرح نمودند مانند: $\text{إِلَّا لِلَّهِ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ}$ من آنفُسِهِمْ (احزاب/ ۶) پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است. $\text{إِنَّا قَال رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي}$ (مائده/ ۲۵) موسی گفت: «پروردگارا! من تنها اختیار خودم و برادرم را دارم.» دلیل دیگر، آن است اگر کسی مورد جنایت قرار گرفته می‌تواند قصاص را تبدیل به دیه یا عفو نماید. وقاعده «إِنَّ النَّاسَ مُسْلَطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ»؛ «همانا مردم بر اموال خود تسلط دارند.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۷۲) قابل نقد و خدشه است.

۲.۲-۲.۳. رابطه علوم پزشکی و قرآن

رابطه علوم پزشکی و قرآن را می‌توان به چهار نوع تقسیم کرد.

اول. تداخل علوم پزشکی و قرآن

مسیحیان قرون وسطایی و برخی از متفکران اسلامی، از آن رو که دین را از طرف خداوند دانسته‌اند، همه علوم را جزء دین معرفی نموده و علم را داخل در قلمرو دین بر شمرده‌اند؛ حتی پاره‌ای از اندیشمندان اسلامی، بر این باورند که همه علوم بشری از جمله پزشکی از ظواهر آیات قرآن به دست می‌آید (ر. ک: خسروپناه، ۱۳۸۱، بخش سوم؛ ر. ک: جوادی آملی، ۱۳۷۹). چون معتقدند دین از طرف خداست و حق اظهار نظر در مورد همه چیز، حتی مسائل علوم پزشکی را دارد. پس دانشمندان علوم تجربی باید، از قرآن تبعیت کامل داشته باشند و موضوع تحقیق خود را از آن بگیرند و در چهارچوب آن آزمایش و پیشرفت کنند و اگر تحقیقات آنان نتایجی مخالف با قرآن داشت، آن را قبول نکنند؛ زیرا تجربه بشری و خطاپذیر است، به خلاف وحی الهی که خطاناپذیر است. برای نمونه، اگر زیست‌شناسان تصمیم به تحقیق در باب خلقت انسان و مراحل تکامل او دارند، اول باید نظر قرآن را بررسی کنند و اگر دین به آنها گفت: انسان بدون مقدمه و مراحل تکامل، خلق شده است، نباید به دنبال تحقیق تکامل انسان از حیوانات قبلی باشند، بلکه در دایره ثبات انواع (فیکسیسم) بررسی و تحقیق کنند.

این نظریه، از برخورد مسیحیت با دانشمندان در دوران قرون وسطی، قابل استنباط است چون در عمل طبق آن رفتار می‌شد و اگر دانشمندی، نظریه، تئوری یا قانون علمی برخلاف معارف کتاب مقدس ابراز می‌کرد، محاکمه می‌شد. برای مثال گالیله به جرم اینکه به حرکت زمین قائل بود، محاکمه شد، زیرا این نظریه مخالف نصوص کتاب مقدس است (سرفرازی، ۱۳۶۴، ص ۱۷).

در بین مسلمانان کسانی که معتقدند، (مانند غزالی ۴۳۷ق) همه علوم بشری از ظواهر آیات قرآن استخراج شدنی است (غزالی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۶۱؛ غزالی، ۱۳۶۰، ص ۳۷)،

نظرشان در نهایت به همین مسئله می‌رسد؛ زیرا معتقدند دانشمند علوم تجربی می‌تواند به جای تجربه و تحقیق مسائل علمی، آنها را از قرآن برداشت کند، چون همه چیز در قرآن هست و این قرآن است که معین می‌کند نتیجه مسائل طبیعی باید به کجا منتهی شود.

دوم. تعارض کامل علوم پزشکی و قرآن

پاره‌ای از اندیشمندان، علم و دین را کاملاً متعارض دانسته‌اند؛ اعم از این که تعارض بین گزاره‌های دینی یا گزاره‌های علمی باشد. مانند مسئله بیماری انسان به واسطه لمس شیطان؛ یا این که تعارض بین پیش فرض‌های علم با پیش فرض‌های قرآن واقع شود. (زک: رضایی، مجله پاسخ، مقاله منشاء شناسی بیماری در قرآن، ش ۱۲)

سوم. جدایی قرآن و علوم پزشکی

برخی از متفکران مغرب زمین، علم و دین را دو مقوله کاملاً متمایز و دارای قلمرو جداگانه دانسته‌اند. مانند فیلسوفان تحلیل زبانی، آگزیستانسیالیست‌ها، نوارتودکس‌ها و پوزیتیویست‌ها و نظریه کانت (ر.ک: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۷-۲۶۹).

چهارم: سازگاری و توافق قرآن و علم پزشکی: این دیدگاه، علاوه بر ابطال نظریه تداخل، تعارض و انواع تعارض علم و دین را رد می‌کند و بر سازگاری این دو حقیقت تأکید می‌ورزد و حتی برخی بر این باورند که علم و دین، مکمل یکدیگرند؛ مانند دیدگاه جورج شلزنینگر (۱۹۴۶ م) که مدعی است مدلولات مدعیات کلامی در خصوص جهان خارج را باید استخراج کنیم و سپس آن‌ها را به مدد مشاهده مورد ارزیابی قرار دهیم، فلسفه پویشی و ایتهد و فیلسوفانی چون دونالد مک کی (۱۹۸۷-۱۹۲۲ م) و چارلز کولون (۱۹۷۴-۱۹۱۰ م) و کارل هایم (۱۹۵۹-۱۸۷۴ م) نیز مکمل بودن علم و دین را دنبال کرده است (پترسون و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۳۷۰-۳۶۵).

در جهان اسلام نیز نظریه سازگاری علم و قرآن از روح تعالیم و معارف اسلامی، استنباط می‌شود، شواهد زیادی از قرآن و روایات وجود دارد.

اسلام در موارد زیاد، به علم و عالمان توجه کرده و آنان را، تشویق نموده است و حتی آیات زیادی در قرآن است که مطالب علمی را بیان می‌کند و هر چه علوم تجربی، پیشرفت بیشتری یابد حقایق آن مطالب، بیشتر کشف می‌شود.

در قرآن گزاره‌های علمی در رابطه با علوم تجربی (ر. ک: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱؛ مسترحمی، ۱۳۸۶؛ رضایی، ۱۳۷۸) و علوم انسانی وجود دارد که هر کدام می‌تواند نظریه‌های علمی جدیدی ارائه کند یا به علوم انسانی جهت دهد. پس اسلام مؤید علم قطعی (علوم تجربی همراه با دلیل عقلی) و مشوق آن می‌باشد و علوم قطعی هم، مؤید و شاهد اعجاز قرآن است.

۳.۳. بررسی رابطه علوم پزشکی و قرآن

در رابطه با تعامل قرآن و علوم پزشکی با توجه به دیدگاه غرب و مبانی قرآن، می‌توان گفت:

اول: ادله درون دینی و برون دینی فراوانی در دست داریم که نشان از اتحاد علم پزشکی و قرآن دارد. آنچه مایه اختلاف است بین صاحبان علم و عالمان دین است. دینی که موافق علم پزشکی قطعی نباشد، دین نیست و علم پزشکی که موافق دین الهی نباشد، علم نیست. هر دو مقدسند و هر دو از طرف خدا هستند و برای کمال انسان آمدند.

دوم: تشویق قرآن و حدیث به فراگیری علوم از جمله علوم پزشکی و اشاره صریح و کنایه‌ای قرآن و حدیث به علوم مختلف (مانند: طب، کیهان‌شناسی، شیمی...) و رشد علوم در تمدن اسلامی (ر. ک: ولایتی، ۱۳۸۶)، پرورش علمای دینی و علمی و کتابهای علمی عالمان مانند رازی، ابن سینا و... نشان از اتحاد علم و قرآن دارد.

ناگفته نماند ریشه‌های تعارض قرآن و علم خصوصاً پزشکی را در لابلاهای متون دینی در قرون اولیه می‌توان یافت برای مثال بعد از نهضت ترجمه و راه یابی کتب یونانی و سریانی در تمدن اسلامی برخی‌ها با برداشت نادرست گمان تعارض بردند (بازرگان، بی‌تا، ص ۸۱). ولی امثال کندی (۱۸۵ق)، فارابی (۳۳۹ق) ابن سینا (۴۲۸ق) ابن رشد (۵۲۰ق) و... در حل

تعارض تلاش می‌کردند (رضایی، شگفتی‌های پزشکی در قرآن، ص ۲۰-۴۰).

سوم: علم راه کشف طبیعت است و دین فهم وحی. طبیعت فعل خداوند است و وحی کلام او. فعل خداوند با کلام اوهرگز ناسازگار نیست. اگر طبیعت آنگونه که هست کشف گردد و وحی نیز به شکلی که نازل شده فهمیده شود تعارض علم و دین محال است. گالیله بین آیات کتاب مقدس و آیات طبیعت را از کلام خدا می‌دانست (ایان باربور، ۱۳۷۴، ص ۳۶).

چهارم: از نظر بسیاری از اندیشمندان مسلمان، بین علم و دین منافاتی وجود ندارد. ابن سینا (۴۲۸ق) پزشک است و دارای کتاب «قانون» بوده، و در عین حال یک عالم دینی است که در عرفان و فلسفه نیز کتاب می‌نگارد. ابن سینا با تمامی احترامی که برای فلسفه یونان قائل بود سعی در تلفیق آن با حکمت مبتنی بر وحی داشت (نصر، ۱۳۵۹، ص ۲۷۵). ابن هیثم بحرانی (۳۵۴ - ۴۳۰ ق) که از فیزیکدانان و ریاضی‌دانان برجسته بود برخلاف برخی معاصرین خود که سعی در ترجیح یکی از علم و دین داشتند به هماهنگی میان این دو اعتقاد داشت. او بر تالیف مقالاتی هندسی و ریاضی که به مبادی دینی مرتبط بود اهتمام می‌ورزید (عبدالرحیم ابراهیم، ۱۹۹۵، ص ۲۸۰-۲۷۹). ملاصدرا (۹۸۰ق) نیز تصریح می‌کند که میان مسائل فلسفی و آموزه‌های شرع تطابق وجود دارد. او بر فلسفه‌ای که مخالف وحی باشد نفرین می‌فرستد (ملاصدرا، ۱۳۶۴، ج ۸، ص ۳۰۳). ابن عربی (۵۶۹ق)

تحلیل: تعارض علم و دین مخصوصاً پزشکی ریشه در مسیحیت دارد و این گزاره وارداتی را با اقتباس از دیگران به قرآن تعمیم دادند و در زمینه علوم تجربی - پزشکی، قائل به تعارض با وحی الهی یا برتر از قرآن، تفسیر می‌نمایند. با اندک تامل درمی‌یابیم که بین عالم تکوین (علم) و عالم تشریح (قرآن) تضادی نیست. مشروط به اینکه مقدمات علوم، یقینی باشد و دلالت آیات نیز صریح باشد؛ هیچ‌گونه اختلاف، تعارض و تناقضی در آنها وجود ندارد. قرآن و علم پزشکی برای تعالی بشر و دارای هدف واحد هستند.

۳.۳. آیات الهی، زمینه ساز سلامت روحی و جسمی

اشاره

در گام دوم انقلاب ضرورت دارد تمامی اقشار جامعه به این مبانی قرآنی توجه داشته باشند که گزاره‌های قرآنی در راستای سلامتی روح و جسم بشر تنظیم شده است. هیچ یک از آن در تضاد با سلامتی روح و جسم نیست.

۳.۳-۱. گزاره‌های قرآنی برای سلامت روحی

مفسران در تفسیر آیات شفاء و شفاء لِمَا فِي الصُّدُورِ (یونس / ۵۷)، مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ (اسراء / ۸۲)، هُدًى وَشِفَاءٌ (فصلت / ۴۴)، وَيَشْفِي صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ (توبه / ۱۴) معتقدند: هدف نزول قرآن و مطرح شدن شفا و درمان در آن، با توجه به قرائن اشاره به روح و روان دارد (طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۱۸۵). و از طریق نقل و عقل استدلال شده که بیماری جهل و شک و نفاق (قرطبی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۴۸۷) و... زیان بخش تر از بیماری‌های جسم است. «وَ أَشَدُّ مِنْ مَّرَضِ الْبَدَنِ مَرَضُ الْقَلْبِ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۸۸)؛ «و سخت تر از بیماری تن، بیماری قلب است». حضرت علی علیه السلام بیماران فکری و عملی را به داروخانه قرآن ارجاع می‌دهد و می‌فرماید: «فَاسْتَشْفُوهُ مِنْ أَدْوَانِكُمْ وَ اسْتَعِينُوا بِهِ عَلَى لَأْوَانِكُمْ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ وَ هُوَ الْكُفْرُ وَ التَّفَاقُ وَ الْعَيْ وَ الضَّلَالُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶)؛ «پس درمان خود را از قرآن بخواهید، و در سختی‌ها از قرآن یاری بطلبید، که در قرآن درمان بزرگ‌ترین بیماری‌ها یعنی کفر» (فخر رازی، ۱۴۱۷، ذیل سوره حمد؛ کفر را بالاترین بیماری اعتقادی و فکری بشر می‌نامد و معتقد است درمان آن را در قرآن جستجو کرد) و نفاق و سرکشی و گمراهی است» «وَ اسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ» (خطبه ۱۱۰ / خطبه ۱۰۹، ۱۷۵، ۱۸۱، ۱۸۹ ر. ک: خطبه / ۱۸۹. خطبه / ۱۷۵)؛ «از نور (قرآن) شفاء و بهبودی خواهید که شفای سینه‌های بیمار است». علامه طباطبایی^ع با استفاده از چهار صفت (موعظه، شفاء، هدایت، رحمت) از آیه ۵۷ سوره یونس به این نتیجه رسید که شفا و درمان در آیه، درونی و

روحی است (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۱۰، ص ۱۱۸ و ج ۱۳، ص ۳۰۵؛ ر. ک: نمونه، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۳۱۸). قرآن بیماری را نیز به قلب نسبت داده است: فی قلوبهم مرض (بقره/ ۱۰) قلب قرآنی قلب صنوبری پزشکی نیست؛ بلکه روح و روان انسان است (ابن منظور، ۱۹۹۰، ذیل واژه قلب؛ مطهری، ۱۳۷۰، ص ۱۲۱). بهترین دلیل برای اثبات شفابخشی قرآن برای بیماریهای اخلاقی مقایسه وضع عرب جاهلی با تربیت شدگان مکتب پیامبر^ص در آغاز اسلام است. چگونه آن قوم جاهل که انواع بیماریهای اجتماعی و اخلاقی سر تا پای وجودشان را فرا گرفته بود، با استفاده از این نسخه شفابخش درمان یافتند چنان قوی شدند که هیچ نیرویی نمی‌توانست در برابرشان ایستادگی کند (المیزان، ۱۳۶۶، ج ۱۳، ص ۳۰۶).

۳-۲. گزاره‌های قرآنی زمینه ساز سلامت جسمانی

تقویت و تربیت جسم در اسلام مطلوب است، ولی هدف نیست. جسم سالم روح سالم را می‌طلبد (ر. ک: مطهری، ۱۳۷۵، ص ۶۷.۶۴) و روح سالم، جسم سالم را پرورش می‌دهد. هر دو تأثیر متقابل دارند. امام علی^ع در حکمت ۲۵۶ به رابطه روح و جسم می‌پردازد و معتقد است که روح آشفته جسم را بیمار می‌کند؛ حتی حسادت و طمع و حرص... سبب بیماری جسم می‌شود: «صِحَّةُ الْجَسَدِ مِنْ قِلَّةِ الْحَسَدِ»؛ «حسادت کم سبب سلامتی جسم می‌شود». و در حکمت ۲۲۵ فرمود: «حسودان از سلامتی خود غافلند». در خطبه دیگر می‌فرماید: «وَ أَفْضَلُ مِنْ صِحَّةِ الْبَدَنِ تَقْوَى الْقَلْبِ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۸۸)؛ «آگاه باشید که همانا عامل تندرستی تن، تقوای دل است». و پیامبر برای کسانی که جسم سالم دارند واژه «طوبی» به کار برده است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۲، ص ۶۷).

قرآن کتاب بهداشت و درمان جسم نیست و انتظار از آن نیز درخواستی عبث و بیهوده است. اما راهکارهای بهداشتی و درمانی را در لابلای بیان تاریخ، بحث معاد، خداشناسی، احکام، اخلاق و... یادآوری کرده که امروزه با علوم پیشرفته پزشکی همخوانی دارد.

توصیه‌های بهداشتی و درمان پیشگیرانه قرآن می‌توان به موارد ذیل به اختصار اشاره

کرد:

الف) بهداشت تغذیه: خوردن غذای پاک (بقره/۱۷۲)، ممنوعیت غذای غیر بهداشتی (اعراف/۱۷۵)، عدم اسراف در تغذیه (اعراف/۳۱) دوری از گوشت مردار (انعام/۱۴۵)، دوری از گوشت خوک و خوردن خون (بقره/۱۷۳) دوری از شراب (بقره/۲۱۹)، بیش از ۳۰۰ آیه درباره تغذیه به طور مستقیم یا غیر مستقیم مطرح شده است. و با واژگانی همچون اکل (۱۰۹ بار) شرب (۳۹ بار)، رزق (۱۲۳ بار)، طعام (۴۸ بار) نشان از اهمیت قرآن به تغذیه و سلامتی جسم دارد. همچنین تقوا (مانده/۸۸) و انجام اعمال صالح (بقره/۱۷۲) را از آثار غذای پاک و حلال بر می‌شمارد و تفکر در انتخاب و نوع غذا (عبس/۲۴) از توصیه‌های ارشادی قرآن است. تغذیه علاوه بر جسم بر روح نیز تأثیر مثبت و منفی می‌گذارد (ر. ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۴۹).

ب) بهداشت جنسی: ممنوعیت آمیزش با زنان در در حالت عادت ماهیانه (ر. ک: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۷۱؛ اهتمام، ۱۳۴۴، ص ۲۵۸ و ۲۷۰) (بقره/۲۲۲)، دوری از زنا (ر. ک: عباسی نژاد، ۱۳۸۵، ص ۲۵۶) (اسراء / ۳۲) دوری از لواط (ر. ک: دیاب، قرقوز، ۱۴۰۴، ص ۱۷۷ - ۱۷۸، رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۹۰؛ الشریف، ۱۹۹۰، ص ۱۹۹؛ رضایی، ۱۳۸۴، ص ۹۱) (اعراف / ۸۰ - ۸۱) دوری از استمناء (مؤمنون / ۷). و همچنین آداب و اخلاق پیشگیرانه جنسی را نیز مطرح ساخته مانند: دوری از چشم چرانی، (نور/ ۳۰؛ پاک نژاد، ۱۳۶۳، ج ۱۶، ص ۱۵؛ بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۵۸؛ ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۸۴) آشکار نکردن زینت‌ها (نور/ ۳۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۱۴، ص ۴۳۹؛ المیزان، ۱۳۶۶، ذیل آیه فوق؛ مطهری، ۱۳۹۶، ص ۱۴۵) حفظ پوشش و حجاب^۱، عدم کوبیدن پا به زمین (نور/ ۳۱)، دوری از گفتن سخنان نازک و هوس‌انگیز، (احزاب / ۳۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۱۷، ص ۲۹۰) عدم تبرج و آشکار شدن زن در اجتماع (احزاب /

۱. نور/ ۳۱؛ مطهری، ۱۳۹۶، ص ۲۳؛ قرآن فلسفه حجاب را پاکی دل های مردان و زنان و آلوده نشدن به گناه (احزاب / ۵۳)؛ امان ماندن زنان، از افراد سبک سر (احزاب / ۵۹)؛ طمع نکردن افراد بیمار دل (احزاب / ۳۲) و... بر می‌شمارد. ر. ک: جوادی آملی، ۱۳۷۴، ص ۴۲۵.

۳۲) و... که نقش بسزایی در بهداشت جنسی و آرامش روحی فرد و جامعه دارد.

ج) بهداشت شخصی: وضوء و غسل (مائده / ۶) طهارت لباس (مدثر / ۴۹) پاکیزگی محیط زیست (حج / ۲۶) و...

تحلیل: دانشمندان با ادله فراوان، الهی بودن قرآن و قوانین آن را اثبات نمودند. این قرآن موجود تحریف نشده، برای هدایت و تربیت بشر نازل شده است. از طرفی جامعه جهانی با مشکل روحی و روانی و فکری دست و پنجه نرم می‌کند. در گام دوم انقلاب ضرورت دانش افزایی مخاطبان درباره اینکه قوانین سلامت ساز قرآن می‌تواند مشکل روحی و فکری را با حکمت نظری و عملی برطرف نماید. علاوه برآن، هر چند هدف کلی قرآن بیان اخلاق، عقاید و احکام است اما اهداف دیگری در باطن آن مانند مبانی سلامت روحی و جسمی، قوانین در حوزه پیشگیری و بهداشت (تغذیه، فردی، عمومی، جنسی) و درمانی و... نهفته است. خدایی که خالق هستی و بشر است قطعاً قوانینی برای سلامت روح و رشد آن و همچنین برای بهداشت جسم و درمان آن در قالب وحی الهی نازل کرده است.

۴.۲. قرآن و تأثیرات موجودات نامرئی در روح و جسم

اشاره: در قرآن به موجودات نامرئی مانند: جن و شیطان و ملائکه اشاره دارد و به نوعی تأثیرات روحی و جسمی آنها را بر انسان مطرح ساخته است. و می‌تواند یکی از مبانی علوم پزشکی در گام دوم انقلاب قرار گیرد. تأثیر جنیان بر انسان مقوله ای است که از دیرباز در میان عوام مشهور بوده است. برخی‌ها اهریمنان و دیوان را سبب بروز امراض می‌دانستند (سامی، ۱۳۴۱، ص ۲۹۰). اعراب قبل از اسلام نیز منشاء بیماری‌ها را ارواح شریر و شیاطین و دیوان می‌پنداشتند. و برای اخراج آنها از جسم مریض، به اوراد و دعا توسل می‌جستند (صفا، ۱۳۴۶، ص ۳۰).

برای اینکه بهتر با مقوله تأثیر موجودات نامرئی آشنا شویم به چند نکته توجه نماییم.

اول: شیطان و جنیان، به هیچ وجه، اراده و آگاهی انسان را سلب نمی‌کنند، بلکه آن‌ها فقط دعوت کننده اند و این انسان‌ها هستند که با اراده و اختیار خودشان دعوت آن‌ها را

می‌پذیرند. شیطان به قلب انسان‌های مؤمن راه پیدا نمی‌کند (اعراف / ۲۷). اگر انسان‌ها دریچه‌ی قلب خود را به روی آن‌ها ببندند، آنها نمی‌تواند تأثیرگذار باشند (نحل / ۱۰۰). منتها ممکن است انسان به واسطه‌ی زمینه‌های قبلی و مداومت به کار خلاف، در برابر وسوسه‌های آنها، اختیار خود را از دست بدهد (مانند معتادین که با کوچک‌ترین وسوسه به سمت مواد مخدر می‌روند) (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۱۰، ص ۳۲۶؛ حائری، ۱۳۷۹، ج ۱). در نتیجه، شیطان با وسوسه انسان‌ها را می‌فریبد (طه / ۱۲۰). همانطور شهید مطهری می‌فرماید: قلمرو شیطان، تشریح است نه تکوین. نفوذ او در اندیشه است نه در بدن انسان؛ و نفوذ در اندیشه هم در حد وسوسه کردن و خیال یک امر باطن را جلوه دادن است و هیچ‌گونه تسلطی بر انسان ندارد (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۷۴۷).

دوم: برخی‌ها (مجله معرفت، ش ۲۶/۴۵؛ خرمشاهی، قرآن و فرهنگ زمانه، بینات، ۵) با توجه به سوره بقره، آیه ۲۷۵، معتقدند که موجودات نامرئی سبب دیوانگی افراد می‌شود و تأثیر جسمانی دارد (سروش، بشر و بشیر، کارگزاران، ۲۶/۲/۱۳۸۶).

از ظاهر سوره بقره آیه ۲۷۵ *الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ*؛ «کسانی که ربا می‌خورند، بر نمی‌خیزند مگر همانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، دیوانه (و آشفته سر) ش کرده است». استفاده می‌شود که دیوانگی محصول مس شیطان است.

مفسران در تفسیر آیه فوق احتمالات زیادی را مطرح کرده‌اند که عبارتند از: الف) برخی عوامل دیوانگی را به دو نوع تقسیم کرده‌اند: ۱. مادی ۲. غیر مادی (وسوسه شیطان عامل تأثیر روانی منفی). مرحوم آیه الله طالقانی در تفسیر آیه یاد شده سه احتمال را نقل می‌کند:

۱. دیوانگی و دچار بیماری صرع و اختلالات روانی شدن.

۲. میکروبی که در مراکز عصبی انسان نفوذ کند.

۳. منشاء وسوسه و انگیزنده اوهام و تمنیات.

از این سه احتمال آنچه بر حسب ظاهر کلام، مورد قبول مرحوم طالقانی است و به گواه عبارت‌هایی که قبل از احتمال یاد شده آورده است، همان احتمال سوم است. ایشان می‌فرماید:

«چون رباخوری، انحراف از مسیر طبیعی و انسانی است رباخور دچار خبط زدگی در اندیشه و آشفتگی می‌شود... و خوی کینه جویی و بد اندیشی نسبت به مردم نیز در او راسخ می‌شود... در هر حال پیوسته در نگرانی و آشفتگی به سر می‌برد و به خود می‌پیچد. این حالات در کردار و گفتار و حرکات چشم و دست و پایش نمایان است (طالقانی، ۱۳۴۸، ج ۲، ص ۲۵۲-۲۵۳).

نویسنده تفسیر نمونه بعد از نقل احتمال‌ها، دیوانگی را به دو گونه تصور کرد: یکی جسمانی که بر اثر عوامل مادی است. دیگری روحی و معنوی که متأثر از عوامل غیر مادی است. آنان که رباخورند گرفتار دیوانگی روحی می‌شوند که مشوق آن‌ها وسوسه‌های شیطانی است. چه جنونی بالاتر از طمع و حرص به مال دیگران که تشویش روحی و اضطراب دائمی به همراه دارد (مکارم، همان، ج ۲، ص ۲۰۱).

ب) برخی دیگر نسبت دادن دیوانگی به شیطان را نوعی مجاز می‌دانند. مرحوم طبرسی معتقد است که آیه برای حالات برخی از مردم در روز قیامت است و اضافه می‌کند: شیطان انسان را دیوانه نمی‌کند، دیوانگی و اختلالات روانی بر اثر غلبه سودا و صفراء است و در آن هنگام عقل انسان ضعیف می‌شود و شیطان در او وسوسه می‌کند و اگر دیوانه سازی به شیطان نسبت داده شده، از باب مجاز است (طبرسی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۱۷۹).

ج) بعضی از مفسران در حد یک احتمال پذیرفته اند که ممکن است علل برخی از جنونها، شیطان و جن باشد. علامه طباطبایی^ع می‌فرماید: آن چه آیه بر آن دلالت دارد، بیش از این نیست که دست کم بعضی از جنونها مستند به مس جن است و استناد جنون به عللی چون شیطان، موجب ابطال علل طبیعی نیست، بلکه علل طبیعی در طول علل غیر طبیعی اند؛ نه در عرض آنها (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۵۷۴) علامه طباطبایی معتقد

است از ظاهر آیه مس شیطان به ایوب استفاده می‌شود که حضرت ابتلاء خود به بیماری را به شیطان نسبت داد *أَيُّ مَسْنِي الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَ عَذَابٍ* و ظاهراً مراد از «مس شیطان به نصب و عذاب» این است که آنها را به نحوی از سببیت و تأثیر به شیطان نسبت دهد. و بگوید که شیطان در این گرفتاریهای من مؤثر و دخیل بوده است. و همین معنا از روایات هم برمی‌آید. وی در ادامه می‌نویسد: در اینجا این سؤال پیش می‌آید که یکی از گرفتاریهای ایوب مرض او بود، و مرض علل و اسباب عادی و طبیعی دارد، پس چگونه آن جناب مرض خود را هم به شیطان نسبت داد و هم به بعضی از علل طبیعی؟ جواب این اشکال آن است که: این دو سبب یعنی شیطان و عوامل طبیعی، دو سبب در عرض هم نیستند، تا در يك مسبب جمع نشوند، و نشود مرض را به هر دو نسبت داد، بلکه دو سبب طولی‌اند. ایشان با برشمردن برخی از آیات (مائده / ۹۰؛ قصص / ۱۵) وقوع تأثیر جسمانی شیطان را می‌پذیرد.

د) برخی دیگر معتقدند که شیطان در آیه به معنای میکرب است که در انسان نفوذ می‌کند و سبب آشفتگی روحی و بیماری اعصاب و دیوانگی می‌باشد (طنطاوی، تفسیر الجواهر، ذیل بقره / ۲۰۷؛ قرشی، همان، ذیل واژه شطن).

تحلیل: دانشمندان اسلامی در مورد موجودات نامرئی که آیا در روح انسان تأثیر دارند اتفاق نظر دارند. اما درباره تأثیر جسمانی و مستند به آیه مس شیطان، اختلاف فراوانی وجود دارد و به عبارت دیگر، فهم آیه مشکل است و قاطعانه نمی‌توان برای آن تفسیر روشنی ارائه داد. آنچه از ظاهر آیات (مس شیطان و بیماری ایوب) قابل برداشت است تأثیر موجودات نامرئی بر جسم انسان قابل انکار نیست هر چند در کیفیت تأثیر اختلاف وجود دارد. علامه طباطبایی و آیه الله سبحانی و مکارم شیرازی استناد جنون به عللی چون شیطان، موجب ابطال علل طبیعی نمی‌دانند، بلکه علل طبیعی در طول علل غیر طبیعی‌اند؛ نه در عرض آنها و تأثیر آنها را می‌پذیرند. از طرفی وجود این نوع تأثیرات در احادیث و مشاهده تجربی در عرف مردم فی الجمله قابل پذیرش است. و می‌تواند یکی از مبانی خاص علوم پزشکی در گام دوم انقلاب قرار گیرد.

۵.۳. عدم تناقض در آیات پزشکی

اشاره: همسان‌پنداری کلام وحی و کلام انسان، نتیجه‌ای مانند تناقض در پی خواهد داشت. قرآن کریم با آگاهی از چنین برداشتی، استدلالی را ارائه می‌کند که تدبیر در مفهوم آن، می‌تواند کلیدی برای رفع بسیاری از سوء برداشت‌ها و گمان‌های بی‌اساس باشد. در آیه ۸۳ از سوره نساء تصریح شده است که: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»؛ «آیا با تدبیر در قرآن نمی‌نگرند [تا دریابند که] اگر از سوی غیر خدا می‌بود، ناهماهنگی بسیاری در آن می‌یافتند؟». با این مقدمه یکی از مبانی خاص پزشکی در قرآن، سلامت در آیات پزشکی از تناقض است.

پیشینه: ادعای تناقض در قرآن پیشینه‌ای دیرینه دارد؛ چنان‌که حتی در زمان پیامبر اکرم ﷺ نیز شبهه‌هایی از این دست بیان می‌شد؛ برای نمونه، مردی خدمت امیرمؤمنان، علی علیه السلام رسید و عرض کرد: «من در کتاب خدا به شک افتاده‌ام»؛ وقتی حضرت علت آن را پرسید، گفت: «زیرا برخی از آیات، یکدیگر را تکذیب می‌کنند»؛ حضرت فرمود: «آیات، تصدیق‌کننده هستند نه تکذیب‌کننده؛ مشکل تو این است که عقل و دانش مفید نداری؛ موارد شک خودت را بازگو کن»؛ وی یکایک اعتراض‌های خود را برشمرد و حضرت پاسخ‌های لازم را بیان فرمود (صدوق، ۱۴۱۳، ص ۲۵۵).

دانشمندان علوم قرآنی برای تمامی سوره‌ها و آیات، غرض واحد و ارتباط معنایی قائل هستند (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۱۰، ص ۱۳۶) و تناقض در آن را غیر ممکن می‌دانند. آنچه ادعای تناقض شده به سبب عدم آگاهی از این غرض بوده است.

در چگونگی انسجام محتوایی آیات قرآن و عدم برداشت تناقض باید گفت: که به مرجعیت آیات محکم توجه شود (آل عمران / ۷) آیات محکم همواره اصل و مرجعی برای فهم و تفسیر دیگر آیات بوده‌اند «أم بودن» آیات محکم، نظر به مرجعیت آنها در تفسیر دارد و در کنار هم بودن همه آیات، اعم از مکی و مدنی، مبین سازگاری و انسجام درونی آنهاست. علاوه بر آن بر هدایت گری تمام آیات تأکید شود. یکی دیگر هم در انسجام آیات مورد توجه

است، سیاق است. زرکشی از جمله اموری را که تأثیر مهمی در فهم معنای آیات دارد، سیاق دانسته و معتقد است که سیاق از بالاترین قرائن دال بر مراد متکلم است که سبب تعیین معنای مجمل و... می‌گردد (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۰۰). علامه طباطبایی^۴ در بیان اهمیت سیاق در تفسیر که بر اساس همان مبنای ارتباط و پیوند بین آیات و صدر و ذیل آنهاست، بیان می‌دارد علم به مکی و مدنی بودن سوره‌ها و ترتیب نزول آیات قرآن که اثر مهمی در تفسیر دارد، با کمک سیاق حاصل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۱۳، ص ۲۳۵). در صورتی که آیات قرآن با یک نگاه جامع تفسیر نشود و در تفسیر، ارتباط درونی آنها با یکدیگر ملاحظه نشود، ایهام عدم انسجام محتوایی برخی از آیات با یکدیگر وجود خواهد داشت. حضرت آیت الله معرفت نیز به تفصیل به بررسی برخی از آیاتی می‌پردازد (معرفت، ۱۴۲۳، ص ۲۵۲-۲۸۶) که به ظاهر «تناقض» محتوایی با یکدیگر دارند، ولی با تدبّر و نگاه جامع به آنها و با توجه به اینکه کلام حکیم است و معجزه، معلوم می‌گردد که با هم مرتبط و از نظر معنا با هم منسجم هستند (ر.ک: مؤدب، ۱۳۹۳).

۲.۶. عدم تأثیرپذیری آیات پزشکی از دانش و فرهنگ زمانه

اشاره: «فرهنگ» کلمه‌ای فارسی است و در عربی به معنای «الثقافة» آمده است که بیش از ۲۵۰ تعریف برای آن ذکر کرده‌اند (کتاب نقد و نظر، سال دوم، ش (۴ - ۳)، ص ۳). به عبارت دیگر می‌توان گفت: فرهنگ عبارت است از مجموعه آداب و رسوم، علوم و معارف و هنرهای یک قوم؛ همچنین، کتابی که شامل لغات یک یا چند زبان و شرح آنها باشد و نیز علم و دانش و ادب، و تعلیم و تربیت را نیز فرهنگ می‌نامند (معین، ۱۳۷۵، ذیل واژه فرهنگ). پیش از هرچیز باید، فرهنگ و آداب اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، خانوادگی و... اعراب را، از ابزار تخاطب (زبان، تشبیهات، تمثیلات، کنایه و...) تفکیک کرد؛ ضروری است که خداوند، برای رساندن مفاهیم بلند خود، نخست، رسولی را از میان همان قوم و با زبان آنان برگزیند و دوم، قوانین و احکام خود را در قالب الفاظی که در فرهنگ آنان کاربرد دارد، نازل کند؛ از این رو، خداوند، پیامبر اسلام^۵ را از میان مردم عرب برگزید (ابراهیم / ۴) و

قرآن، کتاب مقدس خود را با واژگان عربی نازل کرد، (شعرا / ۱۹۵) تا بتواند مطالب وحیانی و الهی خود را به واسطه ابزار تخاطب (زبان، تشبیه و...) به مردم، تفهیم کند.

عربی بودن قرآن، دلیلی بر پذیرش فرهنگ‌های خرافی و باطل اعراب نیست؛ چراکه قرآن خود می‌گوید: لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ (فصلت / ۴۲)؛ «هیچ‌گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر به سراغ آن نمی‌آید؛ زیرا از سوی خداوند حکیم و شایسته نازل شده است».

با مطالعه‌ای اندک در فرهنگ و آداب اعراب می‌توان دریافت که آنان فرهنگ خرافاتی زیادی داشته‌اند؛ مانند شیطان‌پرستی (یس / ۶)، دخترکشی (نحل / ۵۹)، طواف بدون لباس به گرد خانه خدا (اعراف / ۲۸)، بت‌پرستی (بقره / ۱۶۵)، چند همسری بدون محدودیت (نساء / ۳)، ازدواج دسته‌جمعی (ر.ک: نوری، ۱۳۷۵) و... که قرآن هیچ‌یک از فرهنگ‌های باطل را نپذیرفت؛ زیرا خود زمینه‌ساز فرهنگ و تمدن عظیم اسلامی بود.

بعضی از آداب و رسوم در بین اعراب، رویکردی مثبت داشت؛ مانند حج (بقره / ۱۵۸)، اعتقاد به خالق یکتا (عنکبوت / ۶۱)، ماه‌های حرام (توبه / ۳۶) و... البته بیشتر فرهنگ‌های اعراب، در ادیان الهی گذشته ریشه داشت. ادیانی که از دیرباز در جزیره‌العرب رواج داشت، عبارت‌اند از: دین حنیف ابراهیمی، یهودیت، مسیحیت، آیین مزدک و مانی، دین زرتشت، آیین صابئین و... (مبلغی آبادانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۰) در این میان، تمام ادیان الهی از یک چشمه وحیانی می‌جوشیدند، هرچند که با گذشت زمانی طولانی، این ادیان دچار تحریف شده بودند.

قرآن احکام و فرهنگ‌های پسندیده‌ای را که در بین اعراب به‌جا مانده بود، پذیرفت و تأیید کرد.

بعضی از مؤلفه‌های پسندیده و مثبت فرهنگ اعراب، مانند غیرت، جوانمردی، شجاعت و... نیز، ریشه در فطرت انسانی داشت؛ زیرا هر انسانی به‌طور فطری به انجام کارهای نیک تمایل دارد. قرآن نیز همواره با فطرت انسان‌ها سخن گفته (انعام / ۷۸) و

بخش‌های مثبت فرهنگ آنها را یادآور شده است؛ درحالی‌که این، نشانه تأثیرپذیری نیست، بلکه نشانه تأکید و یادآوری است؛ همچنین قرآن، به مقتضای طبیعت و سرشت مردان و زنان، سخن گفته است؛ این نیز نشانه حکمت خداوند بود، چرا که مسئولیتی بر عهده مردان قرار داد که بیشتر زن‌ها نمی‌توانند آن را به دوش بکشند؛ همچنان‌که، برخی مسئولیت‌ها را نیز به زنان سپرد.

بعضی از فرهنگ‌ها ریشه در عرف و ضرورت‌های زندگی اجتماعی دارند؛ مانند آداب و رسوم مربوط به بیع، معامله و...؛ چنانچه قرآن سخنی درباره بیع و میزان گفته، نباید این‌گونه تلقی شود که متأثر از فرهنگ مردم بوده است؛ چراکه این امور از جمله نیازهای زندگی اجتماعی به شمار می‌روند که قرآن با جهت‌دهی و وضع احکام جدید، آنها را اصلاح نمود؛ مانند حرام کردن ربا در معامله، آداب سخن‌گفتن و...

دانش پزشکی قبل از اسلام

تأثیرپذیری قرآن از دانش پزشکی زمانه، مبین این نکته است که دانش پزشکی عصر نزول پیشرفته و از محتوای پزشکی قرآن نیز فراتر است. در حالی که قرآن، روزگار عرب قبل از اسلام (و متصل به اسلام) را، روزگار جاهلیت نامیده و این نامگذاری به خاطر آن بود که حاکم در آن مناطق جهل بوده نه علم (مائده / ۵۰؛ فتح / ۲۶؛ احزاب / ۳۳). باطل و سفاهت بوده نه حق و استدلال (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۲۴۰). در منطقه شبه جزیره عربستان به خاطر شرایط جغرافیایی و کویری از دانش و علوم و صنعت کمی برخوردار بودند (مقدمه ابن خلدون، ص ۴۰۴). و دانش پزشکی و طبابت در حد ابتدایی به شمار میرفت (سرمدی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۹۶). البته طب و طبابت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود (صدوق، ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۲۳۸). اعراب باستان هیچ اطلاعی از پزشکی به عنوان علم حتی در مراتب ابتدایی آن نداشتند. علاوه بر فقدان فرهنگ عمومی، علل‌های مانند زندگی ساده در بیابان، خانه به دوش دایم، منازعه دایم بین قبایل و... وجود داشت. به همین دلایل طب عربی در خود عربستان بیش از اسلام پدید نیامد. اگر برخی از افراد به عنوان پزشک نامیده می‌شدند مانند

حارث بن کلدۀ (۱۳ هجری) و دیگران از علوم سایر ممالک اقتباس کردند (حداد، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۶۰۸).

اما شبه جزیره عربستان به خاطر شرایط جغرافیایی و اقلیمی، نفوذ علوم و فنون در آن جا به کندی انجام می‌شد، حتی دولتهای متجاوز رغبتی برای فتح آن سرزمین را نداشتند لذا علوم پزشکی و یا علوم دیگر به صورت ابتدایی و نه علمی رایج بوده و طب جالینوس و غیره تا آن زمان نفوذ نکرده بود چون که عصر ترجمه از سال ۱۳۳ هجری شروع شده است.

پزشکان اعراب برای درمان برخی از بیماری‌ها از گیاهان استفاده می‌کردند. برای مثال خوردن عسل را برای بیماری‌های شکم سودمند می‌دانستند و بیشتر معالجات آن‌ها بر پایه خون‌گرفتن (iniction) بوده و برای ضد عفونی و درمان زخم‌ها از داغ کردن^۱ (Cauterisation) و روغن مالی (onction) بهره می‌بردند. همچنین برای عفونت زدایی، از چرم پالان و یراق الاغ و گاومیش ماده کفک (Asperuillus) به دست می‌آوردند و به محل زخم چرکی می‌مالیدند و برای معالجه زخم گلو، کفک سبز رنگ نان را در گلو بیمار فوت می‌کردند که امروزه آن را مواد را پنی سیلین می‌نامند (هونکه، ۱۳۷۳، ص ۲۸۳؛ ر. ک: حورانی، ۱۳۸۴). کوبیدن آبله که در قرن ۱۸ در اروپا رواج یافت؛ در بین اعراب قبل از اسلام نیز این نوع درمان رواج داشت (هونکه، ۱۳۷۳، ص ۲۷۴).

تحلیل: با بررسی سلامت و پزشکی قرآنی مانند: مبانی سلامت و پزشکی، اعضای بدن در قرآن، کاربردهای اعضاء در قرآن، مراحل خلقت انسان، بهداشت و پیشگیری، تغذیه درمانی و... درمی‌باییم که قابل مقایسه با دانش قبل از اسلام نیست؛ تا چه رسد که از آنها متأثر شود. علاوه بر آن برخی از مطالب پزشکی قرآن مانند جنین‌شناسی در حد اعجاز و برخی دیگر شگفتی‌های پزشکی بوده است. به این معنا افکار عصر نزول از آن آگاه نبودند چگونه می‌توان آنها را متأثر از دانش زمانه فرض کرد.

۱. همان، ج ۱، ص ۱۹۶. امروزه نیز از دستگاه الکتروکوتر برای داغ کردن و سوزاندن بافت‌ها استفاده می‌کنند.

۷.۲. عدم اقتباس آیات پزشکی از متون پیشین

یکی دیگر از مبانی خاص پزشکی قرآنی، سلامت آن از اقتباس از متون گذشته است. در لابلای متون گذشته، مباحث پزشکی و سلامت مطرح شده بود و دانشمندان هند و روم و یونان در زمینه طب مکتوباتی عرضه داشتند. از این رو برخی‌ها با توهّم اقتباس، ادعای ورود طب رومی و هندی... در قرآن نمودند و با اشاره به نمونه‌های، مدعای خود را تقویت کردند. برای نمونه ارسطو و جالینوس نظریاتی درباره جنین ارائه دادند (تیلر ا. ای. ۱۳۹۰ش، ص ۸۵). و برخی‌ها با توهّم اقتباس می‌گویند که جنین‌شناسی قرآن برگرفته از دیگران است (khaschayarrochssani. blogspot. com. ر. ک: ساکی، قاسم، جنین‌شناسی پزشکی، ص ۱۷۰؛ دکتر نور محمدی، فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآنی، شماره دوم، بهار ۱۳۸۸، ص ۵۱۶).

با توجه به اینکه ادعای اقتباس، اصالت، استقلال و الهی بودن قرآن را به چالش می‌کشد و آن را نسخه‌برداری شده از کتاب‌های پیشین معرفی می‌کند؛ به بررسی آن خواهیم پرداخت.

برابر نص صریح قرآن (عنکبوت / ۴۸؛ اعراف / ۱۵۸؛ بقره / ۷۸؛ جمعه / ۲) و تاریخ، پیامبر اسلام در مدت چهل سال پیش از بعثت، نه درسی خوانده، نه از کسی علمی آموخته و نه خطی نوشته بود؛ (جعفریان، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۸؛ ر. ک: تمدن اسلام و عرب، ص ۵۵) بنابراین، چنانچه کسی از توانایی و امکان اقتباس کتاب‌های گذشته برخوردار باشد، در حالت طبیعی باید از دانش نوشتن و تجربه‌های علمی روزگار خود نیز بهره‌مند باشد؛ اما به شهادت قرآن و تاریخ، پیامبر این‌گونه نبود. این نشان می‌دهد که قرآن کتابی استثنایی و غیربشری است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۴۰۲).

علاوه بر آن، گذشته از ادله فوق، اگر مطالب قرآن، و کتاب‌های گالن و ارسطو... را تطبیق نماییم؛ مدّعی ما را اثبات می‌کند. اعجاز فراوان که در قرآن وجود دارد و خبرهای غیبی و آینده‌نگری قرآن، و اعجاز طبّی و علمی و نیز اعجاز قرآن از نظر بلاغت و فصاحت

و بیان و نظم و نثر و نقل تاریخی و داستان ها... به طور کل، برتری قرآن را بر کتاب‌های پیشین گواهی می‌دهد و مستقل بودن آن را از کتاب‌های دیگر، نشان می‌دهد و نیز تفاوت‌های فراوان تعالیم اسلام با تعالیم شرایع دیگر و علوم دیگران، شاهد دیگری بر عدم اقتباس قرآن از دیگران است (بوکائی، ۱۳۶۵).

تحلیل: آن چه به عنوان نتیجه و دست آورد بحث قابل بیان است این که: کتاب‌های مقدس پیشین نیز ریشه در وحی الهی دارد و فرستنده آنها نیز خداوند است، اگر در قرآن مطلب پزشکی ذکر شده باشد و در کتاب‌های آسمانی دیگر نیز بیان شده نشانه اقتباس نیست زیرا هر دو از یک وحی تغذیه می‌کنند. بیان آن در قرآن نشانه تایید و تأکید است. اما اگر قرآن مطلبی را بیان نمود و در کتاب‌های طبیبی دانشمندان سابق وجود داشت و یا بشر به آن رسیده باشد؛ این هم نمی‌تواند نشانه اقتباس باشد؛ زیرا منطقه جزیره العرب به علت وجود صحرای کویری از علم و دانش بدور بود و علم پزشکی نیز رشدی نکرده بود و علاوه بر آن پیامبر قبل از پیامبری تجربه پزشکی نداشت و تاریخ گواه آن است. در هر صورت نمی‌تواند نشانه اقتباس باشد، بلکه نشانه اشارات علمی است.

۲.۸. پزشکی و سلامت قرآنی، سازگار با کرامت انسان

اشاره: یکی دیگر از مبانی خاص پزشکی در قرآن، وجود سلامت برای انسان موافق کرامت است. در قرآن جایگاه واقعی انسان را مشخص و کرامت ذاتی به وی بخشید و وی را امانت‌دار الهی (احزاب / ۷۲) و خلقتش حرکت مداوم به سوی الله (انشقاق / ۶) و در بهترین صورت (تین / ۴) به انسان چیزی آموختیم که خود نمی‌تواند به آن برسد (علق / ۵). و بیان به او آموختیم (الرحمان / ۳). خلیفه خدا در زمین (بقره / ۳۰) و مسجود ملائکه و دارای علم به اسماء است (بقره / ۳۱). علی‌φ فرمود: خداوند موجودات عالم را به سه‌گونه آفرید: فرشتگان و حیوانات و انسان، فرشتگان دارای عقل بدون شهوت و غضب هستند. حیوانات مجموعه‌ای از شهوت و غضبند و عقل ندارند، اما انسان مجموعه‌ای است از عقل و شهوت، اگر عقل او بر شهوتش غالب شود، از فرشتگان برتر است و اگر شهوتش بر عقلش

چیره گردد از حیوانات پست تر است (عاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۱، ص ۱۶۴).
اما برتری انسان به خاطر اعطای قوه عقل و نطق و استعدادهاي مختلف و آزادي و اراده مي دانند، انسان امتیازات فراواني بر مخلوقات دیگر دارد که هر يك از دیگری جالب تر و والاتر است و روح انسان علاوه بر امتیاز جسمي مجموعه اي است از استعدادهاي عالي و توانايي بسيار براي پيمودن مسیر تکامل به طور نامحدود برخوردار است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۱۲، ص ۲۰۱، به نقل از انسان موجود ناشناخته، کارل، ص ۷۳-۷۴). انسان تنها موجودي که از نیروهاي مختلف، مادي و معنوي، جسماني و روحاني تشکیل شده و در لابلاي تضادها مي تواند پرورش پیدا کند و استعداد تکامل و پیشروي نامحدود دارد. همه انسان ها بالقوه از فرشتگان برترند. يعني، همگي اين زمينه و شایستگی را دارند حال اگر از آن استفاده نکند و سقوط نمایند مربوط به خودشان است.

در سوره اسراء آیه ۷۰ به صورت صریح اشاره به کرامت بخشیدن به انسان ها را مطرح می نماید. *وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا*؛ «ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و در دریا (بر مرکبها) حمل کردیم و از انواع روزيهاي پاکیزه به آنها روزي دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری بخشیدم».

علامه طباطبائي^ع می فرماید: «مراد از تکریم، اختصاص دادن چیزی است به عنایت خاص و برتری دادن اوست با امتیازي که مختص آن موجود است و در دیگران یافت نمی شود، پس ما انسان را گرامی داشتیم يعني داراي کرامت نفس قرار دادیم و اما معنای اینکه انسان را برتری دادیم، معنای اضافي است. يعني، عطا و عنایت بیشتری به او نمودیم، نسبت به دیگر موجودات، همان عاقل بودن، و صاحب عقل بودن اوست و اما برتری که دارد در تمام اوصاف و احوالي است که در موجودات دیگر هم وجود دارد، ولي در انسان بیشتر و قوي تر است. اين مسئله آنگاه روشن مي شود که ما کارهاي انسان را در خوردن و نوشیدن و لباس ساخت خانه ها و مسئله ازدواج و آنچه از نظم و دور اندیشي که در انسانها دیده

وسائل پیشرفته که هر روز به کار می‌گیرد و... با کارهای دیگر موجودات از حیوانات و گیاهان و غیرش مقایسه کنیم، می‌بینیم. وجود کارهای فوق و رفتارهایی که ذکر شد در موجودات دیگر بسیار ساده و ابتدائی است آن هم بدون تغییر و تحوّل. ولی انسان در تمام کمالات خودش به اوج رسیده است و همچنان به پیش می‌تازد» (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۱۳، ص ۱۵۶).

گرامی داشتن انسان از طرف خداوند به این است که به او فقط از موجودات زمینی، عقل عنایت نموده است که می‌تواند حق را از باطل بشناسد و خیر را از شر و... و مسئله نطق و اندام موزون، وجود انگشتان و... که مفسران گفته‌اند از باب تمثیل است که بعضی از آنها از متفرعات عقل می‌باشد، مثل قدرت بر سخن گفتن و نطق و نوشتن خط و تسلط موجودات دیگر و بعضی از آنها از مصداق‌های برتری است نه گرامی داشتن.

تحلیل: اسلام سلامتی را نعمت و از جمله حسنات خداوند بر بندگانش معرفی کرده است هدف نزول قرآن، تربیت و هدایت انسانها به سوی رشد و کمال است. با توجه به اینکه خداوند به بشر کرامت ذاتی هبه کرده، قطعا برای صیانت و سلامت انسان در ابعاد مختلف جسمی، معنوی، روانی، اجتماعی، اعتقادی و فکری نیز نظریه و برنامه دارد. قرآن، سلامتی را نیاز اساسی و ضامن بقای نسل آدمی و سازگار با کرامت می‌داند و راهکارهای فراوانی برای حفظ و تأمین آن پیش روی بشر قرارداده است.

جمع بندی و نتیجه‌گیری

در گام دوم انقلاب به مبانی خاص علوم پزشکی توجه و فرهنگ سلامت قرآنی نهادینه گردد. آنچه این نوشتار به آن رسیده است این است: در مبانی پزشکی قرآنی به امانت بودن بدن و قرآن و علوم سازگارند نه ناسازگار و همچنین آیات الهی در راستای سلامت جسمی و روحی است و همچنین مبانی عدم تناقض و عدم اقتباس از متون پیشین در آیات پزشکی قابل ملاحظه است. مبانی دیگری مانند تاثیر موجودات نامرئی بر بدن انسان و سلامتی موافق کرامت انسانی در قرآن وجود دارد که در گام دوم انقلاب که مورد توجه محققان و

متخصصان پزشکی و سلامت مردم قرار گیرند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سیدعلی نقی فیض الاسلام، بی جا، تهران: موسسه انتشارات، ۱۳۷۸.
۳. ۱. اگنر. ۱۳۸۹ش. برگزیده افکار راسل. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۴. ابن عاشور. م. بی تا. تفسیر التحریر والتنویر. تونس: دارالتونسیه للنشر.
۵. ابن منظور. ۱۹۹۰م. لسان العرب. چاپ اول. بیروت: دارالفکر.
۶. انصاری. م. ۱۳۷۰ش. مکاسب محرمة. چاپ چهارم. قم: دارالحکمة.
۷. انوری. ح. ۱۳۸۲ش. فرهنگ بزرگ سخن. چاپ دوم. تهران: سخن.
۸. آرتورک. ۱۳۷۶ش. خوابگردها. ترجمه م روحانی. تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی.
۹. باربورای. ۱۳۷۴ش. علم و دین. ترجمه خرمشاهی. چاپ دوم. تهران: نشر دانشگاهی.
۱۰. البحرانی. ۱۳۳۴ش. البرهان فی تفسیر القرآن. قم: دارالکتب العلمیه.
۱۱. بلاغی نجفی. م. ۱۴۲۰ق. آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن. قم: بنیاد بعثت.
۱۲. بهجت پورع و دیگران. ۱۳۸۹. تفسیر موضوعی قرآن کریم. قم: دفتر نشر معارف.
۱۳. پترسون م و دیگران. ۱۳۷۹ش. عقل و اعتقاد دینی. ترجمه انراقی و اسلطانی. چاپ سوم. تهران: طرح نو.
۱۴. پلگرنیوا. ۱۳۸۴ش. فلسفه پزشکی در جستجوی تعریف. ترجمه اهمتی مقدم. سروش اندیشه. سال سوم. شماره یازدهم.
۱۵. جوادی آملی. ع. ۱۳۷۹ش. شریعت در آینه معرفت. تهران: رجاء.
۱۶. حر عاملی. م. ۱۳۷۴ش. وسائل الشیعه. تصحیح ربانی شیرازی. چ ۷. تهران: فرهنگ اسلامی.
۱۷. حسینی زبیدی. م. ۱۳۷۸ق. تاج العروس. بی جا: دارالهدایة.
۱۸. حکمت نیا. م. ۱۳۸۶ش. مبانی مالکیت فکری. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۹. خسروپناه. ع. قلمرو دین. ۱۳۸۱ش. چاپ اول. قم: مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم.
۲۰. دامپی. یر. ۱۳۸۰ش. تاریخ علم. ترجمه ع آذرننگ. تهران: انتشارات سمت.

۲۱. دهخدا ع. ۱۳۷۷ ش. لغت نامه دهخدا. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
۲۲. راسل ب. ۱۳۷۳ ش. تاریخ فلسفه غرب. ترجمه ن دریا بندی. تهران: نشر پرواز.
۲۳. راغب اصفهانی م. ۱۳۶۲ ش. مفردات الفاظ القرآن. چاپ دوم. تهران: المكتبة المرتضوية.
۲۴. رضایی اصفهانی م. ۱۳۸۳ ش. محمد علی. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن. چاپ اول. قم: انتشارات اسوه.
۲۵. رضایی اصفهانی م، ۱۳۸۵ ش، منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی وقواعد تفسیر قرآن، قم: نشر جامعه المصطفی العالمية.
۲۶. روحی دهکردی ا، تجری م. اصطلاح شناسی مبانی تفسیر، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش های قرآنی، سال ۲۰، ش ۴، ۱۳۹۴، ص ۹۴-۱۱۷.
۲۷. سجادی، سیدجعفر، فرهنگ معارف اسلامی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۲ ش.
۲۸. سرفرازی ع، ۱۳۶۴ ش. رابطه علم و دین. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۹. شاکرم. ۱۳۸۲ ش. مبانی و روش های تفسیری. چاپ اول. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۳۰. شعرانی م. ۱۳۹۸ ق. نثر طوبی. چاپ دوم. تهران: کتابفروشی اسلامی.
۳۱. طالقانی م. ۱۳۴۸ ش. پرتوی از قرآن. چاپ اول. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳۲. طباطبایی م. ۱۳۶۶ ش. تفسیر المیزان. ترجمه موسوی همدانی. چاپ سوم. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۳۳. طوسی أ. بی تا. التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۳۴. طیب ع. ۱۳۷۸ ش. اطیب البیان فی تفسیر القرآن. چاپ دوم. تهران: انتشارات اسلام.
۳۵. علوی مهرح، ۱۳۸۴ ش. آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، قم: ناشر مرکز جهانی علوم اسلامی.
۳۶. غزالی م. بی تا. احیاء علوم الدین. بیروت: دارالمعرفه.
۳۷. فیروزآبادی م. ۱۴۲۰ ق. القاموس المحيط. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۳۸. کلینی م. ۱۳۷۵ ش. اصول کافی. ترجمه: محمد باقر کمره ای. چاپ سوم. قم: اسوه.
۳۹. گلشنی م. ۱۳۷۷ ش. از علم سکولار تا علم دینی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۴۰. محقق داماد م. ۱۳۸۳. قواعد فقه. تهران: نشر علوم اسلامی.

۴۱. محمدی ا. ۱۳۹۵ش. قواعد فقه. تهران: میزان.
۴۲. مصطفوی ح. ۱۳۷۱ش. التحقيق فی کلمات القرآن کریم. چاپ اول. تهران: وزارت ارشاد.
۴۳. معین م. ۱۳۶۰ش. فرهنگ فارسی معین. چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر.
۴۴. مکارم شیرازی ن. همکاران. ۱۳۶۸ش. تفسیر نمونه. چاپ پنجم: قم: دارالکتب.
۴۵. موسوی بجنوردی م. ۱۳۷۷ش. القواعد الفقهیه. قم: نشر الهادی.
۴۶. موسوی خمینی ر. ۱۳۸۳ق. تهذیب الاصول، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۴۷. مؤدب ر. ۱۳۹۳ش. مبانی تفسیر قرآن. چاپ سوم. قم: انتشارات دانشگاه قم.
- نजारزادگان ف. ۱۳۸۸ش. بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن در دیدگاه فریقین. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.